

شهیدان روح بهار و عظمت باران‌اند. نیلوفران عشق‌اند که گرد نهال حق می‌پیچند و به بالا می‌روند تا به خدا می‌رسند.

و بی‌شک، زبان و بیان ما را یارای توصیف آنان نیست؛ زیرا آنان دُردی‌کشان میخانه معنا و معرفت و حقیقت‌اند که ساقی باقی، جام و جانشان را به نور باده توحید افروخته است و از مُلک تا ملکوتشان حجاب کثرت برداشته و به آن‌جا رسانیده که وصف‌الحال آنان را باید در این کلام امیر مؤمنان و مولای عارفان و مجاهدان علی(ع) یافت که «

وَصَحْبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى»^۱.

و چنان گشتند که مرغ جانشان بر شاخساران شجره طوبای قُرب الهی، آشیان و مأوا گزید و از مقام عبد الهی به عند الهی رسیدند و در جامه‌ای از جاودانگی به شکار لحظه‌ها استقرار یافتند.

آنان اکنون در خلوت‌سرای دوست در مقام جمع‌الجمع، محرم ناموس آفرینش شدند و به مصداق «فَرَحِينٌ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۲ سرخوش و شادمان و مسرورانند.

و به مصداق «يَسْتَنْبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ»^۳ مژده وصال دوست را به یاران از معراج برگشته می‌رسانند.

شهیدان، راست قامتان جاودانه تاریخ‌اند که در عرصه مقدّس تکلیف، جز به خشنودی حق نیندیشیدند و در مسیر الی الله به مقام «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»^۴ دست یافتند و آیه گران سنگ و گران قدر «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا»^۵ را به صحیفه دل دریایی‌شان نگاشته‌اند و همواره «إِحْدِي الْحُسْنَيْنِ»^۶ قرآن را نصب‌العین خود قرار داده و آن‌چنان دلگشته معشوق گشته‌اند که اگر اجل محتوم الهی نبود، روح لاهوتی آنان به طرفه‌العین در کالبد جسمشان دوام نمی‌آورد؛ چنان‌که علمدار ایثار و شهادت و جهاد، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) می‌فرماید: «وَلَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَيَّ الثَّوَابِ وَ

^۱ نهج البلاغه، حکمت 147.

^۲ آل عمران، آیه 170.

^۳ همان.

^۴ دهر، آیه 30.

^۵ توبه، آیه 51.

^۶ همان، آیه 52.

خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ»^۱

حکم تقدیرات امر زندگی

چند روزی جسم را پایندگی

ورنه از شوق رسیدن بر ثواب

یا که ترس راندن و بیم عذاب

روحشان پر می کشیدی از قفس

در بدن باقی نماندی یک نفس^۲

آنان مظاهر اسمای حق و باقی بالحقّ اند و جان دلشان زنده از عشق الهی است.

پس هرگز نمی میرند؛ بلکه نامشان برای همیشه تاریخ بر جریده عالم ثبت خواهد شد.

آنان زندگان جاویدند و افزون بر آن که تمام حالات، افعال، اقوال و احوالشان برای ما الگو و سرمشق است، بر همه اعمال و حرکات ما نیز نظارت دارند.

از این رو، باید نام و یادشان جاوید بماند و فرهنگ جاودانه و جاودانگی شان زنده بماند تا همگان برای همیشه از نوای نورانی و روحانی آنان جان تازه بگیرند.

زیرا فرهنگ ایثار و شهادت، همچون قلبی است که به اندامهای خشک و مُرده و بی رمق، خون حیات و زندگی می رساند و آنان را شاداب، معنوی و با طراوت می سازد.

با عنایت به مطالب موصوف و با هدف معرفی منش و روش جاودانگان عشق الهی، در این کتاب برآنیم که به منظور تعالی و تکامل افراد و جامعه امروزین و آشنایی با الگوهای ایثار و شهادت و اشاعه فرهنگ اسلام ناب محمدی(ص) و نشان دادن الگوهای وارسته رفتاری، اخلاقی و حماسی و ... در یک جمع بندی به 72 فضیلت و کمالات سردار شهید بزرگوار «حسین صیّادیان» (با توجه به مقدس بودن عدد 72 در فرهنگ عاشورا) پردازیم و پس از تعریف واژگان نیک اخلاقی و فضایل برجسته انسانی اعم از ادب، اطمینان، حقارت نفس در گفتار، تواضع و فروتنی و... به دنبال آن آیاتی از قرآن مُبین و احادیثی از امامان معصوم (علیهم السلام) که همان ترجمان کلام الهی است، سکنات برجسته ایشان را برشماریم.

امید آن که با الگو قراردادن این اسوه های ممتاز، زمینه ساز گسترش معنویت، اخلاق و... در جامعه شویم.

علی خوشه چرخ آرانی

^۱. نهج البلاغه، خطبه 193.

^۲. نبیوان مجد همگر، ص 330.

زندگی نامه

در نخستین روز چهارمین ماه سال 1337 سمرحله شهرستان آران و بیدگل، شاهد تولد کودکی بود که پیشانی بلندش فردای آفتابی او را در آئینه وارستگی نشان می داد. ایشان در خانواده ای متقی، تلاش گر، کشاورز و پای بند به معارف والای الهی و اسلامی رشد و از همان بدو کودکی عشق به خاندان نبوی(ص) چونان شهدی در کام او ریخته شد تا آن جاکه می توان گفت شهید حسین صیادیان با عشق به دو حصن حصین و عروه الوثقای متین الهی، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) پرورده شد و اندیشه هایش در محیط پاک پیرامون شکل گرفت. شهید حسین صیادیان نخستین فرزند خانواده بود و از همان دوران کودکی مشتاقانه در کنار خانواده مسئولیت می پذیرفت تا شاید از این راه بخشی از مرارت ها و سختی های پدر و مادر تلاش گر و زحمت کش خویش را بکاهد.

پس از دوران شاد و شیرین کودکی به میدان مبارزه با جهل و جمود روی آورد و با ورود به مدرسه بونصر شبیانی (شهید نوزریان کنونی) تمام توان و استعداد خویش را به خدمت گرفت تا دانش آموزی نمونه و برجسته در نظرگاه همگان مطرح شده و در تمامی زمینه ها اعم از علمی، فرهنگی و اعتقادی الگو باشد.

شهید حسین صیادیان در دوره ابتدایی از همان آغاز تحصیل، کودکی متعهد و پای بند به آموزش های دینی و شرعی بود تا آن جاکه ایمان باطنی در وجودش نمایان و آشکار و الفبای عشق و خداپرستی در نهال وجودش با پاکی و دشواری بارور شد و چه زیبا بود آن هنگامی که او در مقام امام جماعت دویست کودک هم سن و سال قرار گرفت تا نماز جماعت را به وی اقتدا نمایند.

شهید حسین صیادیان همزمان با آموزش علم و همگام با تربیت دینی و حضور در مراسم و مجالس مذهبی و انجام فعالیت های دینی و فرهنگی، به پرورش جسم نیز می پرداخت و همیشه بر این باور بود که برای تعالی، ترقی و عروج انسان، توانایی روحی و جسمی به سان دو بال یک کبوتر برای پرواز هستند.

پس از اخذ مدرک دیپلم و همزمان با آخرین سال چپاول گری رژیم خودکامه پهلوی، شهید حسین صیادیان عازم خدمت سربازی شد. روحیه ستم ستیزی و ظلم ناپذیری وی در پادگان زبانزد و شهره همه بود، ضمن این که ایشان ملجأ و پناهگاه و مأمنی بسیار خوب و مطمئن برای دیگر سربازان و درجه دارانی شده بود که تاب و توان خدمت در حاکمیت طاغوت را نداشتند و بنابراین در نخستین فراخوان امام راحل عظیم الشان(ره) مبنی بر فرار ارتشیان از سربازخانه ها و پیوستن آن ها به صفوف انقلابیون، شهید حسین صیادیان جزء اولین گروهی بود که به ندای مرید و

مرجعش امام خمینی(ره) پاسخ داد و پادگان را ترک کرد و در این مدت هیچ آرام و قراری نداشت و این بی‌قراری باعث شد که او برای درامان ماندن از کمین مأموران ساواک، مدت‌ها مخفیانه و به دور از خانه پدری زندگی کند. در این مدت با مطالعه کتاب‌های مذهبی و علمی، مرغ اندیشه و تفکرش را در مسیر شناخت بهتر مسائل پیرامون جامعه پرواز می‌داد و با حضور در صحنه‌های مبارزاتی به همراه دیگر دوستان مذهبی خود، به محافظت از اهداف والای انقلاب می‌پرداخت. همچنین ایشان پس از فرمان امام خمینی(ره) مبنی بر اعزام مجدد سربازان فراری زمان شاه، جزء نخستین گروهی بود که به خدمت مقدس سربازی رفت و این بار با هدف پایداری و پاسداری از ارزش‌های عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی پرداخت.

پس از پایان خدمت سربازی در آغازین روزهای پیروزی مقارن با خیزش مردم ایران، این بار پای در خدمتی جدید نهاد و آن حضور در صحنه فعالیت‌های اجتماعی بود. ایشان در این دوره با انگیزه‌ای فراتر از قبل به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی ادامه داد و با همکاری جمعی از دوستانش که امروزه در زمره شهیدان، جانبازان، ایثارگران و آزادگان هستند با احداث آموزشگاه شهید خادم‌پور، مسجد سیدالشهدا، انجمن قرائت قرآن کوی ابادر، تأسیس کتابخانه عمومی ابوذر غفاری و ... صدقات جاریه و میراث ماندگاری برای خود به ودیعه نهاد.

در تاریخ 61/1/6 برادر عزیزش «حسن» در عملیات «فتح‌المبین» جام شیرین شهادت نوشید و این شهادت باعث شد که حسین با خون برادر شهیدش پیمانی دیگر اما محکم‌تر بندد تا در راه پاسداری از نظام مقدس جمهوری اسلامی ثابت‌قدم و پابرجا بماند و از این‌رو، در تاریخ 61/6/28 ردای فاخر پاسداری را بر تن نمود و پس از طی دوران آموزشی داوطلبانه، جبهه‌های کردستان را برای خدمت به انقلاب انتخاب کرد. وی در پاسخ به پرسش دوستانی که می‌گفتند: چرا کردستان را انتخاب کرده‌ای؟ می‌گفت: «هرکجا که شرایط سخت‌تر باشد باید کار کرد.» کردستان منطقه‌ای است که هم باید خون دل خورد و هم باید خون داد و از حرف‌های او برداشت می‌شد که می‌خواهم خون دل بخورم و با خون دل هم شهید شوم. قدم‌نهادن ایشان به کردستان هم‌زمان با اوج پاکسازی منطقه کردستان از لوث وجود گروهک‌های انحرافی بود. ایشان جزء نخستین نیروهایی بود که شاکله اولیه تیپ قدس کردستان را تشکیل دادند و در مدت زمان کوتاهی شهید حسین صیادیان از عناصر فعال تیپ قدس شناخته شد و پس از مدت زمان کوتاه و به واسطه تلاش بی‌وقفه و شایستگی‌های ایشان، مسئولان او را به عنوان مسئول واحد تبلیغات تیپ قدس معرفی نمایند. ابتکار، صداقت و صبر ایشان در کنار روحیه خستگی‌ناپذیرش و شناخت از

وضع موجود عاملی شد که با شجاعت و به پیشنهاد خودش مسئولیت لجستیک تیپ قدس را نیز پذیرا شود و در این مسئولیت توانست با استفاده از توانایی نیروی انسانی و کمک‌های شهرستان آران و بیدگل تحولات و ابتکارات عظیمی در پشتیبانی از رزمندگان کردستان بنماید.

شهید حسین صیّادیان عاشقِ وصالِ معشوق بود و هر بار که خبر شهادت دوستانش را می‌شنید بر ماندنش افسوس می‌خورد و به آن امید لباس رزم می‌پوشید که شاید روزی جرعه شهادت نوشد و نامی جاودانه یابد و از خوان بی‌انتهای الهی متنعم گردد.

ارزش‌ها و فضیلت‌های نهفته در شهید حسین صیّادیان روایت‌گر آن بود که حسین، دنیایی نیست و روح عظیم او تحمل حصار تن را نداشت و سرانجام رایحه دل‌انگیز و روح‌نواز شهادت مشام جانش را پر کرد و به‌سان کبوتری خونین‌بال و معشوق را با شوری ابدی در آغوش کشید و در سحرگاه جمعه 13 شهریور شب اول محرم 1406 همچون مقتدایش حسین بن علی (ع)، مرگ با عزّت را بر زندگی با ذلّت ترجیح داد.

روحش شاد و یادش گرامی باد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَ عِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ »؛¹

«خدا جان و مال مؤمنان را به بهای بهشت می‌خرد که آن‌ها در راه خدا جهاد کنند و دشمنان دین را می‌کشند و یا خودشان کشته می‌شوند؛ این وعده‌های خداست که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و کیست باوفا تر از خدا که به عهد خود وفا کند؟ ای اهل ایمان! در این معامله با خدا به حقیقت، که پیروزی بزرگی است سعادت نصیب شما خواهد شد.»

با نام الله و با سلام و صلوات بر محمد و دوازده جانشین بر حَقِّش به‌ویژه آخرین ستاره درخشان و فروزان عصمت و طهارت(ع) و با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی - رحمه الله - و با سلام بر تمامی شهدای راه حق و حقیقت از آدم تا امروز که به خون غلطیده‌اند چند کلمه صحبت به نام وصیت که وظیفه هر مسلمان است داشته باشم.

- من تا در میان شما بودم نتوانستم کاری کنم که رضایت خدا را جلب کنم؛ اما اِنْ شَاءَ اللَّهُ وصیتم در شهادتم مؤثر باشد و قطره‌ای از مسئولیت دریای بیکران را انجام داده باشم.

- خدایا! چگونه و چطور با قلبی تیره و سیاه و پُر از گناه می‌توانیم از خالقمان، الله سپاسگزاری کنیم که یک بار دیگر- بعد از هزار و چهارصد سال از گذشت زمان، دوباره - نمونه‌ای از پیامبران تاریخ گذشته را برای ما فرستاد تا ما را از منجلاب بدبختی و گمراهی نجات بخشد و از وسوسه‌های شیطانی و حیوانی دوری کنیم تا ما بتوانیم به جز راه آن پیامبران در هشدارها و راهنمایی‌ها و پند و اندرزهای پیامبرگونه‌اش مسیر قلب‌هایمان که مسیر شیطان و حیوانی بوده به صراط‌المستقیم که مسیر اولیای خدا در خط الله است جهت دهیم.

¹. توبه، آیه 111.

- پرودگارا، بارالها! چگونه با این همه گناههایی که کرده‌ایم از چنین نعمت تو بهره‌مند شده‌ایم؟ این چه لطف بزرگ و بی‌نهایتی است که در حقّ بندگان کردی تا دوباره به فطرت خود بازگردیم و در راه الله گام برداریم؟ خدا می‌داند با عظمت به این لطف بی‌کران، قلم از روی کاغذ حرکت نمی‌کند و زبانم به سخن نمی‌آید و از شدت ترس از نافرمانی‌هایت می‌لرزم چون که درک کرده‌ام که چه بوده‌ایم و چه کرده‌ایم و در چه مسیری حرکت می‌کردیم و عاقبت جامعه‌مان به کجا می‌انجامید و امروز در ملت ما چه دگرگونی‌ای ایجاد شده و چه می‌کنند و در چه راهی حرکت می‌کنند و عاقبت به کجا می‌انجامد.

- الهی! تو را شکر می‌نماییم آن هم بر شهادت در راه تو که مقام اولیای خداست. آیا تعلق گرفتن این درجه شهادت به بندگان گنهکارت قابل تقدیر و شکر نیست؟

- خدایا! ما که سعادت و لیاقت شهادت در راه تو را نداشته و نداریم، ولی تو را به عظمت و مقام بندگان پذیرفته‌شده درگاهت قسم می‌دهیم توفیق و سعادت گناه‌نکردن را به ما عطا کن.

- برادران! ما مدعی هستیم که مسلمانیم. شیعه علی(ع) و پیرو محمد(ص) هستیم. نسبت دادن این القاب و صفات به خود، این چنین جوان‌های ناقابل را در راه الله از دست دادن دارد؛ چون موقعی که محمد(ص) به رسالت رسید و می‌خواست منطق خدا را بر جامعه حاکم کند و مردم مستضعف و ستم‌دیده و رنج‌کشیده را از دست ظالمان ستمکار نجات بخشد، ظالمان تصمیم گرفتند که ندای پیامبر(ص) و طرفدارانش را در گلو خفه کنند.

موقعی که علی(ع) ندای حق سومی دهد دیگر معاویه‌ها نمی‌توانند کاخ سبز داشته باشند. از این جهت خون علی(ع) و پیروان آن حضرت از اوّل تا به حال مظلومانه به زمین ریخته شده؛ چون شعار « لا اله الا الله » سر داده‌اند. نیست خدایی به جز خدای یکتا. خدایان کذایی نبود است؛ یعنی شرق و غرب‌ها نبود هستند. فقط صراط‌المستقیم که راه الله است پس این مسائل، این تحریم‌ها، این کشتارهایی که می‌بینید، در این راه تازگی ندارد و تاریخ است که تکرار می‌شود و اما مسئولیت شما، بپاخیزید به‌خصوص طبقه روشنفکر و تحصیل‌کرده و روحانیت. پیامبر(ص) در مدت سه سال با فعالیت و زحمات طاقت‌فرسایی چند نفر معدودی را بیشتر نتوانست به راه راست هدایت کند. از مسلمان‌ها، ابوذرها، یاسرها و چند تن دیگر؛ چون مردم در فقر فرهنگی و اقتصادی به سر می‌بردند،

سواد نداشتند، نمی فهمیدند و فکر می کردند که حتماً باید آقا بالاسر داشته باشند، باید برده باشند، باید نوکر باشند، آزادی و درست اندیشیدن را درک نمی کردند. در مسیر الله بودن اصلاً به مغزشان خطور نمی کرد؛ اما برعکس امروز، خوشبختانه اکثر جامعه باسواد و آگاه و به واسطه چنین رهبری پیامبرگونه که ما را با هشدارها و پند و اندرزهایش بینا و توانا می سازد. پس چرا ما امروز از اصحاب و یاران پیامبر(ص) کمترین و به آنها نمی رسیم؟ جواب را نزد خدا چگونه پس خواهیم داد؟ ما امروز با این امکاناتی که داریم هرچه از بُعد شرف و بُعد معنویت انسانی و تقوا از اصحاب پیامبر(ص) کمتر باشیم از قافله ای که دم از او می زنیم عقبیم. چگونه و چطور خود را امتحان می کنیم و خودمان را قانع می کنیم که مسلمانیم، شیعه علی(ع) و پیرو پیامبر(ص) و جزو یاران او می باشیم؟ آیا عملکرد هر روز زندگی ما با عملکرد آنها یکی است؟ ببینید و پرسید که آنها چه کرده اند تا شما مدعیان راه آنها همان کار را و همان راه را طی کنید. عده ای می گویند: «ما که سواد نداریم و بیش از این نمی فهمیم و خدا بیش از این، توقع از ما ندارد» خیر، این طور نیست، اگر تو سواد نداری فرزندی، برادرت، خواهرانت، دوستانت، روحانیت که دارد. آنها مسئول اند که بگویند و تو یاد بگیری، آگاه شوی، بینش و سیاست اسلامی داشته باشی و تو مسئولی بررسی که چی و چه شده و چه باید کرد؟ تا راهنمایی ات کنند. امروز هیچ کس حق ندارد بگوید من مسلمانم، شیعه علی(ع) و پیرو محمد و با این عناوین از کار کردن در راه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی شان خالی کند و حسین زمان را تنها بگذارد. مگر نشنیده اند که خداوند فرموده زجرهایی که اولیای شما در راه خدا برای بندگان کشیده و به بهشت می روند تا شما بندگان، آن زجرها را نکشید محال است که به بهشت بروید پس چه می گوید و به امید چه نشستید؟ اولیا می بایست به رسالتی که دارند ما را به راه راست هدایت کنند و ما را از ظلم و ستم و جور و ظالمان ستمکار باخبر سازند و وظیفه ما اطاعت و پیروی از اوامر آنها در مقابل ظالمان متجاوز می باشد. پس ببینید مسئولیت چقدر زیاد و سنگین است. هرچه زودتر از خواب غفلت بیدار شوید و بپاخیزید و این زنجیر اسارت و بندگی شیطانی را از خود پاره کنید و از خود دور سازید و در مسیر اولیای خدا که مسیر الله است حرکت کنید. این رفتار و کردار روزمره ما که با اسلام رابطه ای ندارد، موقعی که حضرت علی مولای متقیان(ع) می گوید: «طاعتی قلیل و معصیتی کثیر، وای بر ما و ما چه باید بگوییم»؟

- سخنی با پدر و مادر شهیدان! ببالید بر خود و افتخار کنید که توانستید بار دیگر گلی از گل های گلستان خود را تقدیم این انقلاب اسلامی کنید. آفرین بر شما که توانستید توسط زحمات و رنج و مشقت های 40 - 50 سال

زندگی تان ثابت کنید که پیرو محمد(ص) و علی(ع) و فرزندان علی(ع) هستید؛ چون که روزی و لقمه حلال با رنج و زحمت در کار و کوشش به دست آورید و به فرزندان خود دادید و اندام آن‌ها را با نام الله و برای الله پرورش دادید تا امروز بتوانند نوای حسین(ع) را لبیک گویند.

- پدرجان و پدر شهیدان! می‌دانید فرزندان شما رهرو چه کسی می‌باشند؟ رهرو کسی که تمام مبارزان تاریخ جهان و جامعه امروز افتخار می‌کنند که دنباله‌رو یک چنین شخصی هم‌چون حسین(ع) پسر مولای متقیان و نوه پیامبر(ص) می‌باشند و تاریخ جهان و جامعه چنین شخصی هم‌چون حسین(ع) بر خود نخواهد دید. پس مبدا در شهادت فرزندان غم و اندوهی در خود راه بدهید.

- پدرجان! امروز فرزند کسی احتیاج به کمک دارد که موقعی که در مسجد مدینه کمک می‌خواستی و دنبال پناهگاهی می‌گشتی، شب آمد به بالین سرت گفت: «نترس، من این‌جایم، برو هرچه می‌خواهی خود به تو می‌دهم».^۱ آیا کسی که تو را نوازش کرده نمی‌خواهی فرزندش را یاری کنی؟

- پدرجان! من که فرزند خوبی نبودم. برای تو نتوانستم قطره‌ای از دریای بی‌کران بر گردن ما حق داری آدا کنم، پس فردای قیامت نزد علی(ع) و پیامبر(ص) می‌روی و می‌گویی من دو فرزند ناقابل برای شما هدیه فرستادم در عوض آن‌ها ما را شفاعت کنند و مرا حلال کنید و در کارهای خیر و انجام عبادت ما را فراموش نکنید و طلب مغفرت و آمرزش خدا برای ما بکنید.

- مادرجان! چقدر شما را اذیت کردم، زخم زبان‌ها به شما زدم و در عوض شما مرا با محبت بخشیدی این بود بجای آوردن حق مادران بر فرزندان! چگونه جواب خواهیم داد؟ مادرجان! من از زحمات و ناراحتی‌هایی که در دل شب‌ها در سرما و گرما برایم کشیدی و تحمل کردی خجالت می‌کشم و نمی‌توانم صحبت کنم. می‌خواهم مرا حلال کنی و ببخشی. در جلسات خیر و دعا یادم کنید و برایم خیرات با معنویت بفرستید. جمعه‌ها و در نماز جماعت تا آن‌جا که می‌توانید شرکت کنید به خصوص شب‌هایی که بر مزارم می‌آیید، در ثوابش مرا شریک کن. آن هم دو جوان.^۲

^۱ . اشاره به رویایی است که پدر شهید قبل از انقلاب در تشرّف به حج می‌بیند، در آن سفر معنوی در مسجدالنبی از ائمه استمداد می‌طلبد که شب در آن‌جا خوابی می‌بیند.

^۲ . از این خانواده دو فرزند به شهادت رسیده و شهید حسین صیّادیان، دومین شهید خانواده است.

- مادر جان! می‌دانم داغ جوان سخت و مشکل است و خودت هم می‌دانی که من چقدر علاقه به شما داشتم و دارم، اما چه کنم موقعی که امام حسین(ع) طواف خانه کعبه را رها می‌کند و با فرزندان و یارانش از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد به سوی کربلا حرکت می‌کند، می‌گوید باید رفت تا این حرکت تا زمان قیامت بجوشد و بخروشد و موقعی که ظهر عاشورا بعد از کشته شدن تمام یارانش ندای «هل من ناصر ینصرنی» سر می‌دهد، آیا آن لحظه، احتیاج به کمک دارد؟ خیر، چون می‌دید و از قبل می‌دانست که هفتاد و دو نفر پیرو پیر و جوان، کوچک و بزرگ، زن و مرد در مقابل این همه لشکر باطل همه‌شان شهید شدند، هدفش این بود که بعد از من کسی هست که در هر کجا ظالم و ظلمی دید بپا خواسته قیام کند و پوزاهش را به خاک بمالد. مادر جان! با این وضع ما چگونه می‌توانیم پهلوی شما بمانیم و هجرت نکنیم؟

- مادر جان! ما راه حسین(ع) را می‌رویم که آرزوی قلبی و دیرینه شماست. چیزی است که سال‌های سال می‌خواستید باشید و او را یاری کنید. آن همین امروز است و روز امتحان شماست و آفرین بر شما که درست و موفق از امتحان بیرون آمدید و ... و فاسد نبودید.

- مادر جان! چنانچه در شهادت حسنّت صبر کردی و حماسه آفریدی و رسالت زینبی را انجام دادی حال که من حرکت کردم و با به جبهه رفتنم موافقت کردی، همین‌طور در شهادت من هم صبر کن و حماسه بیافرین و در مواقع ناراحتی برای ما بپاخیز و نمازی برپای دار و با نام الله قلبت را آرامش ببخش. مادر جان! نمی‌گویم گریه نکن حق داری، حاصل عمرت، زحمات طاقت‌فرسای شب و روزت، سختی‌های سرما و گرمایت، محرومیت‌ها را برای پرورش ما خود تحمل کردی تا یک روزی آن‌ها را در لباس دامادی ببینی. آفرین بر شما که در راه الله و نزد پروردگار جوانانتان را برای دامادی می‌فرستید.

مادر جان! موقع گریه کردن به یاد هفتاد و دو تن از شهدای کربلا و به یاد جگر پاره پاره امام حسن(ع) و به یاد پهلوی شکسته زهرا(س) گریه کن؛ چون که در موقع شهادت آن‌ها زمین و آسمان به لرزه افتاد و تمام ملائکه و در و دیوار را به گریه انداخت. آن‌ها این راه را طی کردند تا ما به سعادت و خوشبختی آخرین نایل شویم. مادر جان! موقعی که رزمندگان راه کربلا را باز کردند به بالین سر امام حسین(ع) می‌روی و می‌گویی من که به مادرتان فاطمه(س) دسترسی ندارم، به او بگویند من هم دو هدیه ناقابل برای شما فرستادم، از شفاعت در روز قیامت ما را

فراموش نکن و در آن جا برای ما دعای خیر و نماز اموات بجا آورید و در ثوابها ما را شریک کنید و من حقیر از درگاه خداوند آرزوی سلامتی و موفقیت پدر و مادران شهدا را آن طوری که صلاح می‌داند خواستارم؛ چون همه ما تسلیم در خانه او هستیم.

- خواهرانم و خواهران! می‌دانید که مسئولیت شما چقدر سنگین است، باید زینب‌گونه صبر پیشه کنید. رسالت خود را انجام دهید و خداوند این شاءالله صبر در شهادت برادرانتان را به شما عطا کند.

- برادرانم و دوستانم! شما هم چون امام زین‌العابدین(ع) رسالت را آن طور که او انجام داد شما هم انجام دهید تا ما خوش حال و شاد و خرم باشیم و در دعا و کارهای خیر ما را شریک کنید. برادران! این قلب تپنده مستضعفان جهان پیر جماران را یاری کنید تا خدا شما را یاری کند. یاری، نه به حرف باشد، بلکه به عمل یاری کنید و برای سلامتی‌اش دعا کنید. در ظهور آقا امام زمان(عج) خود را آماده کنید و چند سخن با کسانی که صدای مرا می‌شنوند اگر در برقراری قیامت و وجود بهشت و جهنم یقین نداری، مشکلی در آن داری و بر اثر ناآگاهی آن را چیزی به حساب نمی‌آوری و شاید هم فراموش می‌کنی و ممکن است این سؤال پیش بیاید که خداوند این بهشت و جهنمی که به ما وعده داده و می‌دهند در کجا می‌توان یافت. خداوند یک بهشت و جهنم در قلب کوچک هر انسانی قرار داده است. این است قدرت و عظمت خدا.

قال رسول‌الله(ص): «از کنار جهنم گذشتم در حالی که آتش آن خاموش بود.» برای من و شما می‌شنونده سؤال پیش می‌آید که چطور آتش جهنم روشن و چطور خاموش است؟ و از طرف دیگر بهشت سرسبز و خرم و چطور بهشت کم‌صفا یا اصلاً بی‌صفاست. وقتی هوای نفسانی و شیطانی و حیوانی انسان بر انسان غالب می‌شود و او را دچار خود می‌سازد خدا را فراموش می‌کند، وظیفه انسان و انسانیت را زیر پا می‌گذارد و در برخوردها عصبانیت بر او غالب می‌شود و در درون داغ می‌شود و دیگر چیزی متوجه نمی‌شود، او را نصیحت می‌کنی ولی دوستی‌ات را فراموش کرده، اهمیت نمی‌دهد و طغیان و سرکشی می‌کند و نمی‌توانی او را از صحنه برکنار کنی؛ چون هوای نفسانی و شیطانی، آتش در درونش افروخته که دیگر قدرت کنترل خود را ندارد در صورتی که ما فقط ظاهرش و حرکتش را می‌بینیم، ولی از درون او خبر نداریم که چه آتشی شعله‌ور شده و به طرف آسمان روانه است و او را به این کار وادار کرده و ما حرارت نمی‌بینیم، ولی درک می‌کنیم موقعی که کارهای ناشایسته انجام می‌دهد خلاف امر خدا حرکت

می‌کند ظلم و ستم و جور و فساد می‌کند، آتش جهنم افروخته و افروخته‌تر می‌شود و از آن طرف در مقابل آتش سرسبزی و خرمی بهشتی از بین می‌رود و بهشتی برای او باقی نمی‌ماند دلیل بر این که در موقع عصبانیت دیگر رفاقت و دوستی و خوبی و بدی را نمی‌شناسد همه را فراموش می‌کند حال موقعی که در صفای انسانیت به سر می‌برد با معبود و معشوق خود الله صحبت می‌کند، وظیفهٔ انسانی و انسانیت را رعایت می‌کند، در درون چه حالتی به او دست می‌دهد؟ چقدر خرم و باصفا و بامتانت و در مافوق از لذت‌های انسانی به سر می‌برد. اگر در همین حال کسی او را مشاهده کند به غیر از شکل ظاهری و رفتار ظاهری چیز دیگری را نمی‌تواند درک کند، در صورتی که او با الله رابطه برقرار کرده اما شخص مشاهده‌کننده نه می‌بیند و نه درک می‌کند. اگر در این حال کسی به او ناسزا گفت، توهین کرد، عمل ناشایسته انجام داد اصلاً در برابر او عکس‌العمل نشان نمی‌دهد، فقط او را نصیحت و پند و اندرز می‌دهد؛ چون صفای انسانیت بر هوای نفسانی او غالب شده و او را مهار کرده و نمی‌گذارد آتش در درونش رخنه کند و همین صفای انسانی، بهشتی سرسبز و خرم و آباد با نهرهای روان در آن ایجاد می‌کند و هرچه انسان باصفا تر می‌باشد و اگر کسی ظلم و ستم و جور و فساد و اختلاف کند آتش جهنم شعله‌ور و شعله‌ورتر می‌شود و همین آتش باعث می‌شود که سرسبزی بهشتی را از بین ببرد تا جایی که ریشه‌اش خشک شود و دیگر سبز نشود.

- اما تذکری به مسئولان! هر پست و مقام و مسئولیتی که به هر عنوان به شما به طور امانت سپرده شد باید از او به نحو احسن پاسداری و انجام وظیفه نمایید. می‌دانید مسئولیت شما چقدر سنگین است؟ شما حافظ و نمایندهٔ این ملت مستضعف هستید، شما حافظ و پاسدار خون شهیدان هستید که با سوز و درد دل خوردن زبانشان به سخن نیامد. پس با توان هرچه بیش‌تر کار و کوشش و فعالیت زیادتر در راه خدا و متحدتر و صمیمی‌تر و پایدارتر و از هرگونه تفرقه بپرهیزید و با هم متحدتر شوید. بدانید کسانی که با عناوین و بهانه‌هایی درصدد تفرقه هستند بین دو برادر مسلمان، بدانید یا نمی‌فهمند یا آگاهانه کار می‌کنند که باید از جایی سرچشمه گرفته باشد، حواستان جمع باشد.

- مسئولان! در همه جا و همه کار دعای « **اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ وَ عَمَلِي مِنَ الزِّيَاةِ وَ لِسَانِي مِنَ الْكُذْبِ وَ عَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ** » را با معنا سرلوحهٔ کارتان قرار دهید و آن را بالای سرتان یا روبه‌روی خودتان نصب کرده تا از آن غافل نگردید.

- ممکن است عده‌ای موقع شنیدن سخنان حقیر بگویند این چه بود و چه می‌گوید؟ من هیچ نیستم از همه شما سروران حقیرترم، اما وظیفه این است مسئولیت خیلی سنگین است و نمی‌توانم بر گردنم حمل کنم. پس گوش کنید چه می‌گویم. از همین الان تصمیم بگیر و ساعتی در خلوت فکر کن. تا به حال چه کرده‌ای که رضای خدا در آن باشد؟ و از همین الان چه کار باید بکنی که سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی تو را تأمین بکند. همیشه تا آن جا که می‌توانید در نماز جماعت‌ها و جمعه‌ها شرکت بکنید و نگویند که فلانی به درد نمی‌خورد، او مسئولیتش به عهده خودش می‌باشد تو وظایف را انجام بده که نتیجه می‌گیری، بعد ما را در کارهای خیر یاد کنید و از روحانیت مبارز و متعهد تا پای جان حمایت کنید ما به غیر از آن‌ها کسی دیگر نداریم و ثوابی از آن برای ما بفرستید؛ چون تا در میان شما بودیم گناه کردیم، ولی امروز که ظاهراً در جمع شما نیستم دیگر دستمان کوتاه است.

والسلام

فصل یکم :

اخلاق فردی

1. فضیلت اخلاقی : ادب

أ) تعریف واژه : به کارگیری امور نیک در گفتار و رفتار.

ب) آیه : « وَ الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا »^۱؛

آنان که شب را به سجده و قیام نماز، برای خدا روز می کنند.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « الْأَدَبُ حُلٌّ جُدُّ »^۲؛

ادب جامه‌هایی نو است.

سیمای ادب در شهید حسین صیادیان

ادب یکی از الطاف خاصّ خداوند است که پروردگار یکتا به بعضی از بندگان خاصّ خود عطا کند و این توفیق را در شهید حسین صیادیان هر وقت که با هم صحبت می کردیم مشاهده می کردیم.

راوی: عبدالملکی^۳

مسئول لجستیک تیپ بیت المقدس

ادب واژه‌ای کلی است که برگرفته از چند خصلت دیگر است که وقتی با هم در یک نفر جمع شود می گویند وی فردی با ادب است.

در طول پنج سال آشنایی، رفتاری خارج از ادب، از ایشان ندیدم و همیشه در کمال ادب و احترام با دیگران رفتار می کرد و یکی از مسائلی که باعث می شد دیگران جذب او شوند، ادب رفتاری و گفتاری ایشان بود.

راوی: سردار مهدی کلیشادی^۴

قائم مقام تیپ قدس

حسین از شش سالگی در کارهای دامداری و کشاورزی به من کمک می کرد.

به گونه‌ای که در سن پانزده سالگی در کارهای گاوداری و کشاورزی مهارت‌های خاصی داشت؛ اما به این کار علاقه نداشت.

او چون برای پدر و مادرش احترام قائل بود تا آخرین روزهای قبل از جبهه، هم در دوشیدن گاوها و غذادادن به

¹ . فرقان، آیه 64.

² . بحار الانوار، ج 78، ص 39، ح 13.

³ . مسئول لجستیک تیپ بیت المقدس قبل از شهید حسین صیادیان.

⁴ . قائم مقام تیپ قدس کردستان اعزامی از اصفهان.

آن‌ها به من و پدرش کمک می‌کرد.

هیچ وقت به پدرش نگفت که این شغل را دوست ندارم. همیشه به صورت جدی به ما کمک می‌کرد. حتی وقتی

تصمیم گرفت مشاغل دیگری یاد بگیرد، در جواب پدرش که به او می‌گفت:

تو نیاز به شغل نداری؛ ان‌شاءالله با درس خواندن به جایی می‌رسی و اگر هم خدایی ناکرده از طریق درس موفق

نشدی از طریق دامداری با هم کار می‌کنیم و امور را می‌گذرانی، در جواب پدرش می‌گفت:

«انسان باید مشاغل مختلف را بلد باشد که اگر در یکی شکست خورد، بتواند بلند شود و شغل دیگری را دست و

پا کند.»

راوی: مادر شهید

کاهندهٔ مشقت و زحمت بود ادب

سرمایهٔ بزرگی و دولت بود ادب

چون منتج فواید عزت بود ادب

می‌کوش در ادب که عزیز جهان شوی

دیوان لامع اصفهانی ، ص 177

2. فضیلت اخلاقی : مطالعه

أ) تعریف واژه : انس با کتاب، نشریات و آثار مکتوب با هدف استفاده و افزایش معلومات و تجارب.

ب) آیه : « يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ »^۱ ؛

ای یحیی! کتاب را با توانایی بگیر.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَةٌ »^۲ ؛

کسی که با کتاب خود را آرامش دهد، هیچ آرامشی را از دست نمی‌دهد.

سیمای مطالعه در شهید حسین صیادیان

شهید بزرگوار حسین صیادیان هرگز وقت اضافه نداشت. انصافاً بگویم که این بنده خدا، مدام دنبال گردان‌ها بود و اگر اوقات فراغتی برای این شهید بزرگوار پیش می‌آمد، به مطالعه مشغول می‌شد و از فرصت کمال استفاده را می‌برد.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

شهید حسین صیادیان همیشه چیزی را که نمی‌دانست، می‌پرسید و هیچ ابایی نداشت که از افراد پایین‌تر از خودش مطلبی را بیاموزد. چون او معتقد بود «ندانستن ننگ است نه سؤال کردن».

شهید حسین صیادیان مطالعات زیادی داشت. در آن ساعاتی که همه در خواب و استراحت بودند و یا مشغول صحبت بودند، ایشان سعی می‌کرد آن ساعات را به مطالعه بپردازد و حتی اگر نمی‌رسید کتابی را بخواند، به ما که به او نزدیک‌تر بودیم می‌گفت: «فلانی! این کتاب را بخوان و خلاصه‌اش را به من بده و یا بعضی از صفحاتی که می‌دانی خودم باید بخوانم را مشخص کن».

از ویژگی‌های خوب او این بود که دوست داشت چیزی را که یاد می‌گیرد به دیگران هم یاد بدهد.

راوی: آقای پیل‌زور^۳

همرزم شهید

¹ . مریم، آیه 12.

² . غررالحکم، ج 2، ح 2355.

³ . راننده ترابری (ماشین سنگین آیفای) که از طرف بسیج اعزام شده بودند.

در دوران انقلاب بچه‌های محل، همه بعد از ظهرها به راهپیمایی علیه حکومت شاهنشاهی می‌رفتند. راهپیمایی یکی از برنامه‌های روزانه برای مردم شده بود.

با آمدن امام خمینی(ره) و پیروزی انقلاب، دیگر تظاهراتی در کار نبود. بچه‌های محل عصرها خلأ راهپیمایی را در برنامه‌های روزانه خود احساس می‌کردند.

غروب که می‌شد سرکوجه جمع می‌شدند. شهید بزرگوار برای پرکردن این خلأ، موافقت یکی از اهالی را که مغازه‌ای در کوچه داشت و بدون استفاده بود برای تأسیس کتاب‌خانه گرفت و به همه اعلام کرد:

«هر کس کتاب اضافی در منزل دارد به کتاب‌خانه بسپارد» و اشتراک دو روزنامه را هم برای کتاب‌خانه گرفت. در عرض یک هفته بدون هیچ پشتوانه مالی کتاب‌خانه‌ای با حدود 1000 عنوان کتاب تأسیس کرد که این حرکت مقدمه تأسیس کتاب‌خانه ابوذرا آرآن و بیدگل شد که هنوز هم در مسجد سیدالشهدای محله فعال است.

راوی: علی صیادیان^۱
برادر شهید

به علت کشش و توان و صبری که داشت کاری که به ایشان می‌سپردیم تقریباً از ناحیه ایشان راحت بودیم و با فکر آسوده‌تر می‌توانستیم به کارهای دیگرمان برسیم.

منطقه کردستان منطقه سختی است واقعاً از نظر جغرافیایی و از نظر وضعیت مذهبی و مسائل دیگر، منطقه‌ای است که اگر نیرویی نتواند کار کند و کیش نداشته باشد، اعصاب دیگران را هم خرد می‌کند، ولی ایشان ویژگی خاصی داشت که ما از ناحیه ایشان بسیار راحت بودیم و کاری که به ایشان سپرده می‌شد، به علت تقوا، ایمان و مطالعه دایمی که اکثراً مطالعات عقیدتی بود از جهت خودسازی خودش را تقویت می‌کرد و بر این اساس بر مشکلات فایق می‌آمد.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی^۲
فرمانده تیپ قدس

^۱ . برادر شهید حسین صیادیان و مسئول واحد تأمین و خرید در تیپ بیت المقدس.
^۲ . فرمانده تیپ قدس اعزامی از تهران.

تمام کسانی که به دین ما گرویدند حتی کفار، فقط در اثر رفتار، کردار، گفتار و عملکرد مسلمانان آن دوره بود. این رفتار، گفتار، کردار و عملکرد هم باید در اثر شناخت به وجود بیاید. برای شناخت هم انسان باید به دنبال تحقیق، مطالعه و بررسی برود. هم عامل باشد و هم بتواند معرفت مکتبش باشد.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

همسرم! از موقعیت استفاده کن و مطالعه را فراموش نکن.

نامه شهید حسین صیادیان
63/7/8

که تشنه از پی آب است، جويا
حریص دانش آن مردان راه‌اند
جمال آرای فردوس برین است

به راه دانش‌اند آن گونه پویا
خلایق گر حریص مال و جاه‌اند
که دانش رهبر دنیا و دین است

دیوان الهی قمش‌ای ، ص 43

در جهان نامدار می‌باشد

هر که با علم و دانش است قرین

دیوان فیض کاشانی ، ص 180

3. فضیلت اخلاقی : ورزش و تقویت جسمانی

أ) تعریف واژه : پرداختن به جسم و به کار بردن رموز صحت و تندرستی و سلامت جسم برای دستیابی به توانایی و چالاکی و نشاط.

ب) آیه : « إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ » ؛^۱

و خداوند طالوت را برای بنی اسرائیل برگزید و به او دانش و قوت بدنی داد.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي » ؛^۲

خدایا! اعضای بدنم را در مسیر خدمت به خودت قرار بده و آن را تقویت فرما.

سیمای ورزش در شهید حسین صیادیان

ما به اتفاق چند نفر از دوستان جلسه قرائت قرآنی داشتیم که این مجمع، پایه گذار کارهای خیر زیادی بود. روزی شهید حسین صیادیان گفت: باید محلی را برای ورزش مهیا کنیم. قرار شد زیر زمین یکی از همسایه ها را در اختیار بگیریم که چند مدتی خالی افتاده بود.

شهید حسین صیادیان متوجه شد که ما پول نداریم. ایشان از طرق مختلف پول هایی را جمع آوری کرد و چندین وسیله ورزش باستانی (میل، تخته شنا و کتاده) تهیه کرد. از بچه های محله های دیگر هم دعوت کرد. من که در طول عمرم 100 ساعت هم ورزش نکرده بودم، به گونه ای با ما رفتار کرد که من هم وارد گود شدم و ورزش کردم. این اقدامات ناشی از روحیه پهلوانی و شجاعانه حسین بود.

راوی: حبیب الله عظیم زاده^۳
همسایه و دوست شهید

از آن پس نیاید چنان روزگار

چو کاهل بود مرد هنگام کار

ز سستی کژی آید و کاستی

ز نیرو بود مرد را راستی

امثال و حکم ، ج 2 ، ص 823

¹ . بقره، آیه 247.

² . مفاتیح الجنان، دعای کمیل بن زیاد.

³ . از همسایگان و دوستان شهید صیادیان.

4. فضیلت اخلاقی : اطمینان

أ) تعریف واژه : آرامش و سکون قلب در امور زندگی و در ارتباط با مردم و توکل بر خدا.

ب) آیه : « **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** » ؛^۱

آگاه باشید که یاد خدا دل‌ها را آرامش می‌بخشد.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « **الْطَّمَأْنِينَةُ قَبْلَ الْخُبْرَةِ خَلْفُ الْحَزْمِ** » ؛^۲

اعتماد و اطمینان قبل از آزمایش، خلاف احتیاط است.

سیمای اطمینان در شهید حسین صیادیان

در اکثر عملیات‌های داخلی و برون‌مرزی که شرکت می‌کردیم قبل از عملیات جلسه‌ای در میان مسئولان هر یگان برگزار می‌شد و هر یک از اعضا فراز و نشیب‌های مسئولیتش را بازگو می‌کرد.

از شهید حسین صیادیان در رابطه با لجستیک که اصلی‌ترین بحث مهم عملیاتی بود می‌پرسیدند که آمادگی شما از نظر مهمات و آذوقه تا چه حد است؟ بدون معطلی و برخلاف معمول برادران در واحد لجستیک که همیشه ورد زبان‌شان این بود که نداریم، می‌گفت: مشکلی نداریم، و این در صورتی بود که در بعضی از زمینه‌ها واقعاً مشکل داشتیم؛ زیرا یگان ما را استان کردستان می‌کرد که خود آن را نیز بعضی اوقات ما پشتیبانی می‌کردیم.

وقتی به این روئے شهید حسین صیادیان اعتراض می‌کردیم، در جواب می‌گفت: « **تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ** »؛ به خداوند امیدوارم و خداوند همه چیز را خودش درست می‌کند و ما وسیله‌ای بیش نیستیم و جداً نیز همین می‌شد.

راوی: حسن سعدی^۳

همرزم شهید

اگر مشکلی بزرگ نیز در کارها اعم از تهیه امکانات، ادوات، وسایل جنگی و تعمیر وسایل جنگی داشت برای این‌که همیشه به خدا توکل داشت و با پشتکار و تجربه‌ای که داشت برایش آسان می‌آمد و قابل حل بود.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

جز تو ای روح روان! هیچ مددکاری نیست

غم دل با که بگویم که مرا یاری نیست

دیوان امام خمینی ، ص 73

^۱ . رعد، آیه 28.

^۲ . غررالحکم، ج 1، ح 391.

^۳ . همرزم شهید و مسئول تدارکات و عملیات تیب قدس و بیت المقدس.

5. فضیلت اخلاقی : امیدواری

أ) تعریف واژه : امید به خدا و در انتظار رحمت الهی بودن و اعتماد عمیق به رحمت و کرامت گسترده الهی که در نهایت منجر به شادی مؤمنان گردد.

ب) آیه : « لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ » ؛¹

هیچ‌گاه از رحمت و عنایت الهی ناامید نشوید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « إِنَّكُمْ إِنْ رَجَوْتُمْ اللَّهَ بَلَّغْتُمْ آمَالَكُمْ » ؛²

همانا شما اگر به خدا امیدوار باشید به آرزوهایتان نایل خواهید شد.

سیمای امیدواری در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان در زمان تصدی مسئولیت لجستیک، قبل از هر عملیاتی اعم از داخلی و برون‌مرزی در کم‌ترین مدت معین شده آن مقدار اجناس درخواستی را به هر وسیله‌ای که بود فراهم می‌آورد و به این جمله یقین وافر داشت که بالاترین سرمایه هر مؤمن، امید به پروردگار باری تعالی است.

او همیشه به دیگران امید می‌داد و خدا را در همه کارها ناظر بر اعمال و رفتار خود می‌دید.

رویه مسئولان و افرادی که در واحد تدارکات فعالیت می‌کردند، این بود که همیشه می‌خواستند انبارهای توزیع و تغذیه و امکانات و سایر تجهیزات را مملو و ذخیره داشته باشند و اگر چنانچه مسئول تیپ، گردان‌ها و نیروهای رزمنده درخواستی را هم عنوان می‌کردند اصولاً در برخورد اولیّه می‌گفتند: نداریم (اصطلاح نه بر سر زبانشان بود)؛ ولی روحیه شهید حسین صیادیان دقیقاً بر خلاف بقیّه بود، هیچ وقت نمی‌گفت نداریم.

اصلاً عناوین «نداریم»، «نیست» و «وجود ندارد»، نزد ایشان معنایی نداشت.

حتی خیلی چیزها و امکانات را که از او درخواست می‌کردند و در انبارهای تدارکات تیپ هم وجود نداشت می‌گفت: داریم.

چندین مرتبه به او گفتیم که فلان چیز و فلان امکانات را نداریم، چرا می‌گویی داریم؟

می‌گفت: خدا بخواهد، سریع جور می‌شود و این‌طور با اعتماد حرف می‌زد و جور هم می‌شد.

¹ . زمر، آیه 53.

² . غررالحکم، ج 3، ح 68.

برای نمونه یادم هست اواسط زمستان بود که برای عملیات در روستاهای آرمرده و تپه سورن - که در جنوب شهر بانه قرار داشت - رفته بودیم و عقبه ما در غرب شهر بانه مستقر بودند. مسئول ستاد، فرماندهی تیپ و مسئول عملیات هر سه نفر در آن جلسه به آقای صیادیان گفتند:

اکثر سنگرها و سوله‌هایی که پس از عملیات می‌بایست در منطقه ایجاد شود علاوه بر پلنت، گونی و تراور به مقدار زیادی نایلون (حدود 200 الی 300 رول) هم برای جلوگیری از نفوذ برف و باران به داخل سنگرها نیاز هست.

این در حالی بود که حتی یکی دو رول نایلون هم در انبار تدارکات تیپ موجود نداشتیم.

ولی شهید حسین صیادیان اشاره کرد که: «در انبار داریم».

سریع مرا جهت تهیه به شهرستان بانه فرستاد. در آن موقع همه شهر را جستجو کردیم حدود 20 رول نایلون وجود نداشت و طی صحبتی که با برادران تدارکات و مسئولان تأمین انجام دادیم قرار شد که از شهرستان سنندج خریداری شود و به منطقه ارسال گردد که ظرف دو سه روز این کار صورت پذیرفت.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

از خصوصیت بارز شهید صیادیان این بود که هیچ‌گاه سخن مایوسانه از زبان ایشان خارج نمی‌شد. در بدترین شرایط و فشارها و در سخت‌ترین حالات همیشه ما ایشان را با روحیه باز و این که خدا کمک می‌کند و ما این مسائل را می‌توانیم حل کنیم و حل می‌کنیم و در حال حل کردیم معمولاً از این جملات استفاده می‌کرد و این شرایط را پشت سر می‌گذاشتیم. همین روحیه قوی و ظرفیت بالای ایشان باعث می‌شد که همه با او بتوانند بدون این که ناراحتی داشته باشند درد دل بکنند و مشکلات و مسائلشان را بگویند و این خود به خود با راه حل‌ها و آن راه‌کارهایی که می‌داد به افراد مختلف آن‌ها را کمک می‌کرد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم¹

رئیس ستاد تیپ قدس

¹ . رئیس ستاد تیپ قدس که در سانحه هوایی در منطقه سیستان و بلوچستان در روز 1381/11/30 به شهادت رسیدند.

همه امید من به رحمت توست

جان و روزی همه به نعمت توست

حديقة الحقیقه سنایی ، ص 151

از سر کوی تو مأیوس نگردم هرگز

غمزه‌ای، غمزدگان را تو مددکاری کن

دیوان امام خمینی ، ص 132

6. فضیلت اخلاقی : عزّت و بزرگ‌منشی

أ) تعریف واژه : خصوصیتی است که فرد را غیرشکننده و دارای تحمل بالا در رویارویی با مشکلات و اتفاقات و مسائل روزمره می‌نماید.

ب) آیه : « يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ »^۱؛

در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت سرزنش‌کنندگان هراس ندارند.

ج) حدیث : امام باقر(ع) : « الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ »^۲؛

خداباوران سخت‌تر از کوه هستند.

سیمای عزّت و بزرگ‌منشی در شهید حسین صیّادیان

شهید حسین صیّادیان ظرفیت و تحمل درد دل‌ها و حرف‌های افراد را در حدّ بالایی داشت.

می‌توان گفت که او سنگ صبور دیگران بود و همه به او مراجعه می‌کردند و مشکلات و فشارهایی که به آنها می‌آمد، چه در مأموریت و چه مسائل دیگر اعمّ از کاستی‌ها و نارسایی‌هایی را که در محیط وجود داشت، به ایشان منتقل می‌کردند و ایشان با صبر و حوصله و با رازداری آنها را می‌شنید و آنها را به صبر و پایداری در برابر مشکلات توصیه می‌فرمود.

راوی: سردار مهدی کلیشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

عزّت و بزرگواری شهید قابل تحسین بود. خیلی هم دوست داشت که شغل ایشان پاسداری از کشور اسلامی‌مان است و این عزّت و ایثار شهید حسین صیّادیان خیلی از خصوصیات خاص و خوب اخلاقی دیگر را هم به همراه داشت.

راوی: همسر شهید

^۱ . مانده، آیه 54.
^۲ . اصول کافی، ج 2، ص 241، ح 37.

پافشاری و استقامت میخ

دار عبرت بشر گردد

هرچه کوبند بیشتر بر سر او

پافشاری اش بیشتر گردد

دیوان ملک الشعراء بهار، ص 307

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش ها گر کند خار مگیلان، غم مخور

دیوان حافظ، ص 344

7. فضیلت اخلاقی : استقامت و ثبات

أ) تعریف واژه : مقاومت انسان در لحظه‌های حساس و خطرناک و پایداری در برابر شدايد و ناملایمات و عدم بروز نشانه‌های شکست در چهره انسان.

ب) آیه : « وَ أَلُو اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً عَذْقًا »^۱ ؛

اگر بر طریقه و راه صحیح استقامت ورزند، آن‌ها را از آبی گوارا سیراب می‌سازیم.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « ثَبَاتُ الدِّينِ بِقُوَّةِ الْيَقِينِ »^۲ ؛

پایداری دین به زیادی و استحکام یقین است.

سیمای استقامت و ثبات در شهید حسین صیادیان

به علت صبر و استقامتی که نشئت از تقوا و ایمانش می‌گرفت بارها و بارها می‌شد که مشکلات ایشان را محاصره می‌کرد. حتی گاهی این را می‌گفت که نمی‌دانم چرا مشکلات گاهی وقت‌ها ما را محاصره می‌کند؛ یعنی هر طرف می‌رویم می‌بینیم مشکل وجود دارد. گاهی کارهای مان به نتیجه نمی‌رسد، گاهی برای ترابری مان مشکلاتی پیش می‌آید که نمی‌توانیم نیروها را جابه‌جا کنیم و از این مسائل مطرح می‌شد و می‌گفت:

گاهی این قدر مشکلات ما را محاصره می‌کند که احساس می‌کنم از پس هیچ کاری بر نمی‌آیم و نمی‌توانم کاری را انجام دهم. وقتی همان لحظه به یاد خدا و شهدا می‌افتم و از خدا کمک می‌خواهم، فردا صبح می‌بینم ورق برگشت و 180 درجه قضیه فرق کرد و نه تنها مشکلات ما را محاصره نکرده، بلکه مشکلات حل شده و این به خاطر استقامت و صبر و ثباتی بود که در وجود ایشان بود و ما هم به علت همین کشش و توان و صبری که داشت کاری که به ایشان می‌سپردیم تقریباً از ناحیه ایشان راحت بودیم.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

روزهای آخری که خودم می‌خواستم از آن جا [تیپ قدس] به جای دیگری انتقال پیدا کنم، ایشان هم می‌خواستند از آن جا بروند. من فکر کردم ایشان می‌خواهد در تیپ و لشکرهای جنوب کار بکند و یا مشکلاتی در این تیپ داشته دیگر مسئولیتی را فعلاً نمی‌پذیرد.

¹ . جن، آیه 16.

² . غررالحکم، ج 3، ح 350.

ولی بلافاصله بعد از سلب مسئولیت از تیپ قدس در تیپ بیت‌المقدس رفته، در یک فاصله زمانی بسیار کم دوباره مسئولیت را پذیرفت که من به دوستان می‌گفتم این صیادیان عجب توان و کیشی دارند. من می‌دانم که واقعاً مسئولیت تدارکات در تیپ بیت‌المقدس یک کار بسیار سختی بود که هیچ‌کس نمی‌پذیرفت و ایشان پذیرفت و شروع به کار کرد، تازه آن‌جا در دو جناح کار می‌کرد؛ هم تعدادی نیرو داشت که در جنوب پدافند می‌کردند و هم تعدادی نیرو داشت که در کردستان مشغول بودند.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

بنه بر دوش من تا بردباری‌های من بینی

برای امتحان تا می‌توانی بار درد و غم

دیوان هاتف اصفهانی ، ص 118

دل به حق بر بند و بی وسواس زی

در ره دین سخت چو الماس زی

دیوان اقبال لاهوری ، ص 384

8. فضیلت اخلاقی : سبقت جهت الگوشدن

أ) تعریف واژه : تلاش در جهت بالارفتن جایگاه علمی و عملی و عروج به قلّه پیشوایی و اسوه‌شدن برای دیگران و سرعت‌جستن بر دیگران در انجام امور نیک.

ب) آیه : « وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ » ؛^۱

طایفه‌ای هستند که در کار نیک از دیگران سبقت می‌گیرند، همانا آنان مقربان الهی هستند و در بهشت الهی متنعم و بهره‌مند هستند.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « إِذَا رَأَيْتُمُ الْخَيْرَ فَسَارِعْتُمْ إِلَيْهِ » ؛^۲

چون کار خیری را دیدید به سوی انجام آن بشتابید.

سیمای الگوشدن در شهید حسین صیادیان

از شهید حسین صیادیان در برخورد اولیّه تصوّر یک جوان حدوداً 24 یا 25 ساله را داشتم، اما وقتی ماه‌ها با او همراه می‌شدم، در عملیات‌ها، در جبهه‌ها، در یگان، در مأموریت‌ها، در ماشین از این شهر به آن شهر و یک دوران طولانی و شبانه‌روز با او انس می‌گرفتم، آن موقع بود که دیگر به شناخت ظاهری بسنده نمی‌کردی و او را شبیه به یک فرشته می‌دانستی و از این جهت برای همه الگو شده بود.

راوی: سردار مهدی کلیشادی
قائم‌مقام تیپ قدس

شهید بزرگوار قبل از این‌که به جبهه برود خیلی به وضعیّت جسمانی خودش و این‌که بهترین غذا را بخورد و به موقع استراحت کند، اهمّیّت می‌داد. خصوصاً این‌که اهل ورزش هم بود، خوراک خوبی هم داشت. بنابراین تصوّری که ما از حسین قبل از انقلاب داشتیم یک انسان راحت‌طلب بود.

با رفتن ایشان به سربازی و بعد از آن هم به جبهه و واردشدن در فعالیت‌های اجتماعی، این تصوّر همچنان در ما باقی بود تا این‌که دو سه سالی از حضور ایشان در جبهه گذشته بود، به سنجیدن دیدار ایشان رفتیم و حدود دو هفته‌ای هم آن‌جا ماندیم. رفتارهایی که از این بزرگوار دیدیم دقیقاً خلاف آنچه که فکر می‌کردیم بود.

دیدیم اصلاً به فکر آسایش خودش نیست. برایش مهم نبود چه غذایی بخورد.

¹ . واقعه، آیه‌های 10 - 12.

² . غررالحکم، ج 3، ح 184.

به محض ورود به منزل، اوّل کاری که می‌کرد جوراب‌هایش را می‌شست و بعد از آن هم اتاق‌ها را مرتّب می‌کرد و ... من وقتی که این رفتارها را از ایشان دیدم، خیلی شگفت‌زده شدم! گفتم: خدایا! چه شده که ایشان تا این حد تغییر کرده‌اند.

این رفتارها بیشتر مرا به یاد برادر شهیدش حسن آقا انداخت.

واقعاً تلاشش بر این بود که زحمت برای دیگران ایجاد نکند و کار را از دوش ما و اعضای خانواده بردارد.

راوی: مادر شهید

شهید حسین صیّادیان به عنوان یک الگو و موتور پرتحرک برای همه شناخته‌شده بود که تا ان‌شاءالله ما نیز در آینده بتوانیم در اعمالمان این خصوصیات را به وجود بیاوریم.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی

فرمانده تپ قدس

جز به نور حق نبیند خویش را

تا جهان دیگری پیدا کند

مرد حق باز آفریند خویش را

بر عیار مصطفی خود را زند

دیوان اقبال لاهوری ، ص 398

9. فضیلت اخلاقی : فروبردن خشم

أ) تعریف واژه : کنترل خشم به گونه‌ای که غضب به‌زودی بر او چیره نشود و در قول و فعل، خشم پنهان گردد.

ب) آیه : « وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ »^۱؛

کسانی که خشم خود را فرو می‌برند و از تقصیر مردم درمی‌گذرند و خدا اهل احسان را دوست دارد.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « بِالْحِلْمِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ »^۲؛

به واسطه بردباری و حلم، یاران زیاد می‌شوند.

سیمای کظم غیظ در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان مصداق « وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ » بود و این صفتِ فروبردن خشم را

در خودش به صورت ملکه درآورده بود؛ حتی موقعی هم که عصبانی می‌شد، می‌دیدیم فریادزدن او و جوش‌زدن او و تندی او همراه با دلسوزی و توجه بود.

راوی: سردار مهدی کلیشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

شهید حسین صیادیان توکل‌والایی داشت. بعد از انجام کار وقتی در موردش صحبت می‌کردیم، عمدتاً می‌گفت ما تکلیف و وظیفه خودمان را انجام دادیم و شاید وجود آرامش در روحیه ایشان به همین دلیل بود و به شدت تلاش و فعالیت می‌کرد.

فضایی برایش به وجود آمده بود که دیگر عصبانیت، بار نمی‌آورد و من احساس می‌کردم پرخاشگری و تندی جایی در روحیاتش نداشت. در واقع با این فضا بار آمده بود و ملکه ذهنی و عملی‌اش شده بود. خیلی راحت بود و آرامش خاص خودش را داشت.

راوی: سردار محمدباقر کریمی^۳

فرمانده گردان تیپ قدس

^۱ آل عمران، آیه 134.

^۲ غررالحکم، ح 4185.

^۳ از فرماندهان گردان و جانشین فرماندهی در تیپ قدس اعزامی از اصفهان.

کتر می‌دیدیم عصبانی شود؛ اما اگر در جایی که بیت‌المال مخدوش می‌شد، عصبانی می‌شد ولی در مسائل عادی و جاری هیچ وقت ندیدم که صدایش بلند شود و عصبانی شود.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

بسیار کم عصبی می‌شد؛ ولی اگر چیزی هم بود بیشتر با خودش کلنجار می‌رفت تا یک جوری حلش کند. متین، خونسرد، با وقار، مقاوم و اهل نماز شب و دعا بود.

راوی: حسن سعدی
همرمز شهید

در مدت حدود دو سال که در کنار ایشان (شهید حسین صیّادیان) بودم، کمتر می‌دیدم که عصبانی شود و اگر هم عصبانی می‌شد غالباً برای امور بیت‌المال بود که خدای نکرده اسراف صورت نگیرد و یا حقی ضایع نگردد و یا سوءاستفاده نشود. روزی برگه مرخصی را خدمت ایشان آوردم که امضا کند. پرسید: چند روز مرخصی می‌خواهی؟ گفتم سیزده روز. فرمود: من برگه را امضا می‌کنم، ولی اگر خسته شدی می‌توانی زودتر برگردی. در ضمن حال که به مرخصی می‌روی، یک نامه مأموریتی برای شما صادر می‌کنم و موقع برگشت ان‌شاءالله دست خالی نیایی. گفتم: بسیار خوب است.

سرانجام در طی نامه‌ای حقیر را به عنوان رابط و نماینده تیپ قدس سپاه کردستان برای جمع‌آوری هدایای مردمی به اداره جهاد سازندگی بابل معرفی کردند و بنده نیز سه چهار روز از وقت مرخصی‌ام را به این امر اختصاص دادم و یک کامیون بار شامل پوشاک، ارزاق و وسایل لازم برای جبهه‌های کردستان آماده شد.

وقتی بارها را به تیپ قدس آوردیم و مشغول پیاده‌کردن بارها بودیم یکی از دوستان شیرازی که در اطلاعات و عملیات بود به بنده گفت: در قبال این بارهایی که آوردید چه چیزی به شما دادند؟ گفتم: هیچ چیزی ندادند. مگر باید چیزی بدهند؟ گفت: معمولاً باید یک تشویقی یا هدیه‌ای بدهند.

خلاصه این که در حقیر وسوسه‌ای ایجاد کرد که من به شهید حسین صیّادیان - که در آن زمان مسئول تبلیغات بود - بگویم که یک هدیه‌ای در قبال کارم به من بدهد.

وقتی بنده این مطلب را با ایشان در میان گذاشتم، چنان عصبانی شد و صورتشان سرخ شد و فرمود: از تو چنین انتظاری نداشتم!

و بنده نیز خیلی خجالت کشیدم؛ اما چون ایشان کارش را برای خدا انجام می داد، بعد از مدت کمی پیش بنده آمد و دلجویی کرد و گفت: ما مسئولان باید بیشتر دقت کنیم تا دیگران حواسشان جمع شود.

راوی: محمد نقویان^۱
همرزم شهید

جمع نشین ورنه پریشان شوی

خشم مکن، خواجه پشیمان شوی

کلیات شمس ، ص 1221

که با پیل دهان پیکار جوید

نه مرد است آن به نزدیک خردمند

که چون خشم آیدش باطل نگوید

بلی، مرد آن کس است از روی تحقیق

گلستان سعدی ، ص 89

زیر دامن در بلا دارد دافین

خشم را طاعت مدار زیرا که خشم

خود مکار این تخم وز این بر مچین

بر پشیمانی خوری از تخم خشم

دیوان ناصر خسرو ، ص 130

¹ . همرزم شهید و مدیر داخلی تبلیغات تیپ قدس.

10. فضیلت اخلاقی : حقارت نفس در گفتار و عمل

أ) تعریف واژه : کوچک شمردن خود و برتر دانستن دیگران بر خود در جایگاه بر شمردن کمالات و صفات و سجایای برجسته انسانی.

ب) آیه : « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ »^۱؛

ای رسول ما! به مردم بگو که من هم بشری مثل شما هستم مگر این که بر من وحی می‌شود.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « مَنْ حَقَّرَ نَفْسَهُ عَظُمَ »^۲؛

هر کس که نفس خود را حقیر شمرد به بزرگی و بلندمرتبگی رسد.

سیمای حقارت نفس در گفتار شهید حسین صیادیان

از جمله‌هایی که ورد زبان ایشان بود و در اکثر جلسات داخلی لجستیک و فرماندهی پس از حمد و ثنای الهی در سخنانشان بارز و برجسته بود این عبارت بود که « أَحَبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ »؛ من نیکوکاران را دوست دارم، ولی خودم از آنها نیستم. این جمله، جمله‌ای است که عارفان و بزرگان برای جلوگیری از غرور و خودبزرگ‌بینی مطرح می‌کنند.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی^۳
همرزم شهید

روزی چند نفر کارشناس و پیمانکار از سازمان کل مسکن و شهرسازی استان کردستان برای نظارت بر اجرای پروژه‌ای به جلوی در پادگان آمدند و سراغ شهید حسین صیادیان را گرفتند.

دژبان پس از هماهنگی با واحد تدارکات آنها را به طرف ساختمان ما راهنمایی کرد. به محض این که وارد ساختمان شدند با شهید حسین صیادیان روبه‌رو شدند و از ایشان سراغ آقای صیادیان فرمانده واحد تدارکات را می‌گیرند.

شهید حسین صیادیان که قبلاً از طریق دژبانی دقیقاً مطلع شده بود که این‌ها چه کسانی هستند و چه منظوری دارند، ضمن راهنمایی آنها به داخل آسایشگاه، مشغول پذیرایی از آنان شد و در همین حین به من پیام دادند که

^۱ . کتف، آیه 110.

^۲ . غررالحکم، ج 5، ح 144.

^۳ . همرزم شهید و جانشین ایشان در امور لجستیکی و پشتیبانی در تیپ قدس و بیت المقدس.

سریعاً بیا عده‌ای با شما کار دارند.

به محض ورودم به آسایشگاه دیدم ایشان در حال پذیرایی از میهمانان است.

خواستم وسایل پذیرایی را از دست ایشان بگیرم و پذیرایی را ادامه دهم. امر کرد برو و موضوع جلسه را پیگیری کن و اصلاً به گرفتن وسایل پذیرایی اصرار نکن.

آقایان به محض ورود من از جای خود بلند شده و خیلی هم احترام کردند و با توجه به اوصافی که از صیادیان شنیده بودند از من به عنوان فرماندهی لایق، تمجید و تعریف کردند.

چند مرتبه از شهید حسین صیادیان خواستند که قدر ما را داشته باشند. او هم همان‌طور که به عنوان یک پیش‌خدمت پذیرایی می‌کرد، می‌فرمود:... چشم، حتماً... سعی می‌کنیم در حدّ توان احترام آقایان را داشته باشیم... ان‌شاءالله بتوانیم دین خود را نسبت به آن‌ها ادا کنیم.

شهید حسین صیادیان بعد از اتمام پذیرایی از مهمانان، پایین محفل نشست و به مذاکرات ما گوش می‌داد و مهمانان ما تا آخر جلسه هم متوجه نشدند که فرمانده تدارکات ایشان هست نه بنده حقیر! و اجازه هم نداد که ایشان را معرفی کنم. بعد از خداحافظی آقایان، به ایشان عرض کردم: چرا این کار را کردید؟

اشاره کرد، به دو دلیل: اول این که چون آقایان بنده را نشناختند، نخواستم خجالت‌زده شوند و ثانیاً این که شما با آن‌ها بیشتر در ارتباط هستید. شاید در تسریع امور مؤثرتر باشد. عرض کردم: چرا نفرمودی بیایند پذیرایی کنند؟ فرمود: چه اشکالی دارد که من پذیرایی کنم؟ این خود نوعی عبادت است.

راوی: علی صیادیان
برادر شهید

شهید بزرگوار در هنگامی که وارد منزل می‌شد پس از سلام و احوال‌پرسی گرم با خانواده، اول جوراب‌های خود را بیرون می‌آورد و شخصاً آن را می‌شست.

راوی: همسر شهید

ز شرف برتر از فلک باشی

ترک دیوی کنی ملک باشی

حَدِيقَةُ الْحَقِيقَةِ سَنَائِي ، ص 380

11. فضیلت اخلاقی : تواضع و فروتنی

أ) تعریف واژه : حالتی که انسان خود را برتر و بالاتر از دیگران نبیند و به کسانی که شایسته و سزاوار احترام‌اند، احترام گذارد و افعال و اقوال خود را به گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که زمینه‌ساز احترام دیگران گردد.

ب) آیه : « وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ »^۱؛

پر و بال خود را برای مؤمنان بگستران و در برابر آن‌ها متواضع و فروتن باش.

ج) حدیث : امام حسن عسکری (ع) : « التَّوَّاضُعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا »^۲؛

فروتنی نعمتی است که مورد طمع حسودان قرار نمی‌گیرد.

سیمای تواضع در شهید حسین صیادیان

در موقع کشیدن سفره پیش‌قدم بود. همچنین بعد از صرف غذا سفره را جمع می‌کرد و ظروف را می‌شست. مقید بود که هر روز کفش‌هایش را واکس بزند. موقع واکس‌زدن، اول کفش بچه‌ها را واکس می‌زد و دست آخر کفش خود را واکس می‌زد و تکیه‌کلامش این بود: خدمت به مردم خدمت به خداست.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

به عنوان یک خدمتگزار در محورهای عملیاتی شهر سنندج فعالیت می‌کردم. یک روز که برای آوردن نیرو به یادگان توحید که محل اعزام نیرو بود، رفته بودم. در آن جا به واسطه یکی از دوستان با شهید حسین صیادیان آشنا شدم و فرمود که ما به اتفاق چند تن از نیروهای همشهری در واحد تدارکات تیپ قدس کار می‌کنیم.

البته با این که من یک نیروی عملیاتی بودم، اما با صحبت‌های محکم و دلنشینی که برایم کرد، گفت: احتیاج به شما داریم؛ راغب شدم با ایشان باشم.

البته یکی از دوستان نیز برایش از خصوصیاتم گفته بود و با توجه به جذبه و پشتکاری که در اولین برخورد با او پیدا کردم، عاشق و شیفته او شدم و قرار شد با مسئول عملیات سپاه سنندج شهید بزرگوار اکبری^۳ صحبت کنم و این شد که پس از گفت‌وگو، کارهای تسویه حساب را انجام دادم و پس از دو سه روز به محل کار رفتم و آن قدر

^۱ .شعر، آیه 215.

^۲ .تحف العقول، ص 489.

^۳ . قائم مقام فرماندهی تیپ بیت‌المقدس و از شهدای دفاع مقدس.

گرم و صمیمی تحویل گرفتند که گویا سال‌هاست با هم دوست هستیم و در کنار هم کار می‌کنیم و این شد ماجرای آشنایی با آن بزرگوار و بنده نیز از کارکردن در کنار او احساس آرامش و رضایت می‌کردم و شاید همین آشنایی بود که زمان ماندگاری مرا در جبهه و جنگ بیشتر کرد. ایشان بود که مرا ترغیب کرد به عضویت سپاه پاسداران درآیم و تمام کارها و مراحل اداری را خودش برایم انجام داد.

راوی: حسن سعدی
همرزم شهید

شهید حسین صیادیان پیش از ورود به سپاه پاسداران خدمت سربازی را در ارتش گذرانده بود و تمام نظم و آداب و رفتارهای نظامی را کاملاً درک کرده بود.

صفت بسیار بارزی که در شخصیت این شهید بزرگوار غیر از تعهد و توکلش، وجود داشت جنبه‌های بسیار متواضعانه توأم با خلوص وی با مسئولان هم‌ردیف یا مافوق خودش بود که در آن محیط به شدت برای او جذابیت ایجاد می‌کرد. یادم نمی‌آید که هیچ وقت با هیچ یک از مسئولان واحدها و یا معاونت‌ها با تندی یا حالتی که ایجاد نارضایتی و یا دلخوری در او ایجاد بکند رفتار کند. اگر یک وقت یک چیزی در جلسه‌ای یا در محیطی انتقادی از جریان خاص می‌کرد، بلافاصله با استدلال و توجیه او را نسبت به آن اشکالی که داشت بیشتر هدایت می‌کرد و یا اگر لازم بود در خارج از جلسه او را بیشتر توجیه می‌کرد که حالا ایجاد کدورتی نکند. این برخورد متواضعانه‌اش بسیار کمک می‌کرد که بتواند روی افراد اثر بگذارد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

یکی از مواردی که هیچ وقت یادم نمی‌رود همان بحث دشت شیلر بود. یک روز صبح که از خواب برای نماز بیدار شدیم، قبل از وضو فهمیدیم که یکی دو تا از برادرها توالت و دستشویی درست می‌کنند. رفتیم دیدیم که شهید حسین صیادیان و مرحوم آقای یزدانی^۱ هستند که من واقعاً با دیدن این صحنه به حال این‌ها غبطه خوردم که چه خوب بود ما زودتر این کارها را انجام می‌دادیم، این‌ها واقعاً از فرصت استفاده کرده بودند، این‌ها قبل از این که ما در آن جا به این فکر باشیم به فکر افتاده بودند.

^۱ . مسئول لجستیک (پشتیبانی و تدارکات) تیپ بیت المقدس پس از شهادت شهید حسین صیادیان که بدرود حیات گفته‌اند.

صبح زود حالا نماز صبح را کی خوانده بودند، بعد از نماز شبشان آمدند و یک چنین حرکتی را انجام دادند. این کار تقریباً با یک حالت پنهانی هم بود، چون صبح زود ما بیدار شدیم تقریباً کار تمام شده بود. یعنی چاله را کنده بودند و دستشویی صحرائی را نصب کرده بودند که مثلاً قابل استفاده باشد که این اتفاق و خاطره واقعاً یادمان نمی‌رود.

راوی: یدالله مکاری^۱
مسئول تسلیحات قرارگاه نجف اشرف

شهید بزرگوار حسین صیادیان آدمی بود از نظر روحی به شدت پرتلاش، کوشا، فعال و در عین حال عابد، زاهد و خیلی دوست‌داشتنی. آدم به راحتی با ایشان انس و الفت می‌گرفت به طوری که در موضوعات مختلف صحبت با ایشان در فضای راحتی بود؛ مثلاً در شوخی، درد دل و حتی مباحث جدی‌تر. بچه‌ها عمدتاً ایشان را دوست داشتند. یادم هست ارتباطی که تک‌تک بچه‌ها با این شهید بزرگوار داشتند، زبانزد بود و دلیل آن، چیزی جز راحت بودن خود ایشان و گرم گرفتنشان با بچه‌ها نبود، معمولاً دیگران کمتر این‌طور بودند، ولی ایشان خیلی بزرگوار بود.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

نیست اکسیری به عالم بهتر از افتادگی
از تواضع افسر خورشید زرین گشته است
قطره ناچیز گردد گوهر از افتادگی
کم نمی‌گردد فروغ گوهر از افتادگی

دیوان صائب تبریزی ، ص 857

گردن خود زنده خواهی، تواضع پیشه کن
به ز خاکستر لباسی نیست آتش پاره را

دیوان صائب تبریزی ، ص 67

¹ . مسئول تسلیحات قرارگاه نجف اشرف سپاه پاسداران مستقر در کرمانشاه.

افتادگی ز خاک برآورد دانه را

گردن کشی به خاک نشانده، نشانه را

دیوان صائب تبریزی ، ص 119

ز راه خاکساری کسب عزّت کرده‌ام صائب

که چون خورشید هم بالای سر هم زیر پا باشم

دیوان صائب تبریزی ، ص 736

12. فضیلت اخلاقی : آراستگی و پاکیزگی ظاهری

أ) تعریف واژه : نزاهت و پاکیزگی اعضا و جوارح و لباس و محیط زندگی از ناپاکی‌ها و بی‌سامانی‌ها.

ب) آیه : « وَ ثِيَابِكَ فَطَهَّرْ * وَ الرَّجْزَ فَهَجُرْ » ؛^۱

و جامه‌هایت را پاک کن و از پلیدی‌ها به دور باش.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « بُنِيَ الدِّينُ عَلَى النَّظَافَةِ » ؛^۲

دین بر پایهٔ نظافت و آراستگی بنا شده است.

سیمای آراستگی ظاهری در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان جزو اولین افرادی بود که همیشه لباس اتوزده و کفش‌های واکس‌زده و مرتب می‌پوشید و در میدان صبحگاه حاضر می‌شد.

راوی: حسن سعدی
همرزم شهید

هر روز صبح که به محل کار می‌آمد کاملاً نظامی، پوتین‌ها واکس‌زده، پیراهن داخل شلوار قرار گرفته- موها تمیز و شانه کرده و محاسن معمولی مرتبی نیز داشت و شاید بتوان گفت که جزو اولین‌ها بود که در میدان صبحگاه حاضر می‌شد.

راوی: حسن سعدی
همرزم شهید

شهید حسین صیادیان به مطالبی که می‌گفت خیلی مقید بود؛ مثلاً صبح‌ها خیلی زود برای مراسم صبحگاه به پادگان می‌رفت و همیشه تمیز و مرتب بود. لباس‌های اتوکشیده و کفش‌هایش واکس‌زده بود و معمولاً هم، خودش این کارها را انجام می‌داد.

راوی: همسر شهید

¹ . مَنْتَر، آیه‌های 4 - 5.
² . الکافی، ج 6، ص 241، ح 2.

ماه‌های آخر خدمتم را سپری می‌کردم. بیشتر رزمندگان مستقر در تیپ قدس و مسئولان حقیر را می‌شناختند؛ چون مجری برنامه‌های فرهنگی تیپ در مسجد، صبحگاه و مراسمات بودم. همه حقیر را به عنوان یک چهره تبلیغاتی می‌شناختند. براین‌اساس، روزی به جای پوتین نظامی کفش به پا کردم و در پادگان برای صبحگاه حاضر شدم. همین که چشم شهید حسین صیادیان به من افتاد فرمود: آقای نقویان! چرا گتر نکردید؟ چرا پوتین ندارید؟ بنده برای این که کارم را توجیه کنم، عرض کردم: بنده کار تبلیغاتی می‌کنم، کار رزمی که نمی‌کنم تا پوتین بپوشم.

در جواب فرمود: قانون پادگان این است که همه باید پوتین به پا کنند.

راوی: محمد نقویان
همرزم شهید

پیش همه کس عزیز باشی

چون با ادب و تمیز باشی

دیوان ایرج میرزا ، ص 161

13. فضیلت اخلاقی : زهد

أ) تعریف واژه : قطع دل از دنیا و اکتفا به قدر ضرورت و پشت کردن به دنیا و مظاهر آن و روی گردانی از غیر خدا برای رسیدن به خدا.

ب) آیه : « فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ... * وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً »^۱؛

پس قارون با شکوه مادی به قوم خود برگشت ... و کسانی که دانش به آن‌ها عطا شده بود گفتند: وای بر شما، پاداش خدا بهتر است برای آن که ایمان آورد و اعمال نیک انجام دهد.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « لَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ »^۲؛

هیچ زهدی همانند بی‌رغبتی به محارم الهی نیست.

سیمای زهد در شهید حسین صیادیان

آن روزها پاسدارشدن یعنی جواز مرگ‌گرفتن و خدا را شاهد می‌گیرم و این جمله را از ته دل می‌گویم. من یک بار ندیدم که ایشان یک خواسته مادی یا دنیوی داشته باشند.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

پدرم برای این که کمکی به ما کرده باشد و ما در دوره جوانی زودتر بتوانیم به زندگی خود سامانی بدهیم، یک قطعه زمین به مساحت 250 متر مربع و دو تخته قالی با ابعاد و نقش‌های مختلف با دسترنج خود برای من و شهید بزرگوار خریداری کرد.

زمین به‌گونه‌ای بود که قسمت شرقی آن به علت نبش واقع‌شدن و معبر اصلی‌بودن نسبت به قسمت غرب مرغوب‌تر و قالی‌ها هم به علت نقش و بزرگ‌تربودن متفاوت بود.

من زودتر از حسین تصمیم به ازدواج گرفتم. در جلسه مهریه که بزرگان فامیل طرفین حضور داشتند، پدرم

فرمود:

نظر به این که حسین فرزند بزرگ من است، در انتخاب زمین و فرش اولویت با ایشان است.

در کمال ناپاوری در همان جمع حسین فرمود:

¹ .قصص، آیه‌های 79 - 80.

² .نهج البلاغه، حکمت 113.

من که هنوز ازدواج نکرده‌ام و فعلاً هم تصمیم ندارم، اگر پدرم اجازه بفرماید، سهم زمین خودم را به برادرم می‌بخشم و تمام زمین از ایشان.

اما در مورد فرش، بزرگ‌تر از آن برادر و فرش کوچک‌تر را که برای مفروش کردن اتاق ابوی مورد نیاز است، استفاده می‌کنیم. هر موقع که من ازدواج کردم خدای من هم بزرگ است.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

کآسمان در رفتنت دارد شتاب	دل بکن جانا از این دیر خراب
تو بمانی بی دل آن‌جا در عذاب	گر نکندی بسته ماند این‌جا دلت
دل به چیزی کو نشد زان کامیاب	حسرتی ماند به دل آن‌جا که داد

دیوان فیض کاشانی ، ص 32

در بند توانگری و درویشی نیست	آسوده کسی که در کم و بیشی نیست
با خویشتن به ذره ای خویشی نیست	فارغ ز غم جهان و از خلق جهان

کلیات شمس مولوی ، ص 386

14. فضیلت اخلاقی : وجدان کاری

أ) تعریف واژه : ارزش دادن به تلاش و فعالیت روزانه و احساس مسئولیت در سازماندهی و سازندگی جامعه و تلاش برای قدر ضرورت زندگی.

ب) آیه : « إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا »^۱ ؛

ای پیامبر! تو در روز سعی و تلاش وسیعی داری.

ج) حدیث : رسول الله(ص) : « التَّائِبُ نِصْفُ الْعَيْشِ »^۲ ؛

برنامه ریزی اقتصادی، نیمی از کار و زندگی است.

سیمای وجدان کاری در شهید حسین صیادیان

روحیه متعهدانه و توأم با اخلاص ایشان باعث شده بود که هر کاری را هرچه قدر هم جزئی و هرچه قدر هم کوچک همانند کارهای بزرگ با دقت انجام دهد و آن را به نحو احسن و بهترین وجه به سرانجام برساند و این مسئله خیلی در افرادی که داخل تیپ بودند تأثیر مثبت می گذاشت.

راوی: سردار شهید مجید حاج حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

حسین با این که معمولاً دیرتر از همه و یا آخرین نفری بود که از پادگان خارج می شد، صبح خیلی زود به پادگان می آمد تا در صبحگاه حضور داشته باشد و اصلاً کارهای ایشان پادگان و منزل نمی شناخت.

راوی: همسر شهید

آن زمان که موقع جنگ بود، شهید بزرگوار حتی روزهای تعطیل هم در منزل نبود و به کارهای جاری سپاه می پرداخت.

راوی: همسر شهید

^۱ . مَرْقَل، آیه 7.
^۲ . بحار الانوار، ج 78، ص 326.

در محیط کار هیچ‌گاه او را بی‌کار نمی‌دیدیم که بگوید «کارمان تمام شد یا خسته شده‌ام» آن قدر احساس مسئولیت داشت که حتی در راه منزل یا در خانه یا مأموریت هم می‌گفت برگه‌ای بردار و کارهایی را که می‌گویم بنویس، چرا که وقتی به محل کار رسیدیم بدانیم می‌خواهیم چه بکنیم و سرگردان نباشیم.

یکی از رموز موفقیت ایشان این بود که همیشه به فکر کار بود حتی در هنگام مرخصی، وقتی به شهرستان آران و بیدگل می‌آمد لیستی از کارها را تهیه کرده بود و پیگیری می‌کرد و حتی دیگران هم که به مرخصی می‌آمدند می‌گفت: فلان کار و فلان کار را پیگیری کن و نتیجه‌اش را به من گزارش کن.

در اولین روزهایی که در مسئولیت لجستیک آمده بود برای همه مسئولان قسمت‌ها دفترهای جیبی تهیه کرده بود و به هر کدام یک جلد داد و گفت: هر کاری که می‌گویم در آن بنویسید و پیگیری نمایید و به وسیله آن دفتر به من گزارش نمایید و گفت: هر کاری که یادداشت نشود بعد فراموش می‌شود و انجام نمی‌شود. بعداً کتابی دیدیم با عنوان «بنویسید تا اتفاق بیفتد».

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی
همرزم شهید

زمانی که در محور آویهنگ - که واقع در غرب شهر سندرچ بود - عملیاتی انجام دادیم شهید حسین صیادیان در آن عملیات مسئول تبلیغات بود. آویهنگ دارای شرایطی بود که بعد از انقلاب هیچ یک از دستگاه‌های نظام در آن جا حضور پیدا نکرده بودند؛ اما ایشان با تلاش فوق‌العاده فرهنگی و تبلیغاتی توانست تا حد زیادی زمینه‌های حضور جمهوری اسلامی را در آن منطقه فراهم کند.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

یادم می‌آید وقتی که محور «توریور» را پاکسازی کردیم آمدیم به سمت دو روستایی که جاده نداشتند و به شدت هم ضدانقلاب در آن جاها فعال بودند؛ یکی روستای شیان بود و دیگری روستای حشمیز. در روستای حشمیز تعداد زیادی افراد کومله حضور داشتند. یادم هست که برای آن عملیات خیلی با جزئیات طرح‌ریزی کردیم و قرار شد که با دقت و بدون تلفات جلو برویم. وقتی که ما روستا را پاکسازی کردیم زمینه مناسبی برای ماندن ما در روستا وجود نداشت؛ چون گروهک کومله یک گروه مارکسیسم داشتند که کار زیادی روی افکار مردم آن جا کرده بودند. در آن

چند روزی که در آنجا بودیم شهید صیادیان فعالیت زیادی داشت تا بتواند تبلیغات و فعالیت‌هایی را که دشمن کرده بود کم‌رنگ کند. از این رو تلاش می‌کرد با وجود این که آنجا جاده هم نداشت در طی دو ماه امکانات تبلیغاتی و فرهنگی را به آن منطقه بیاورد. به طور مداوم بین مردم سخنرانی می‌کرد، تقریباً می‌شود گفت با یک کار 20 الی 30 روزه توانست تا حدّ زیادی تبلیغات چندین ساله گروهک ضدانقلاب و کومله را خنثی کند. باز همین کار را در روستایی بالاتر به نام روستای حلوان انجام داد و تلاشش بسیار چشمگیر بود. در این زمان شهید حسین صیادیان با این که مسئول تبلیغات تیپ قدس بود، ولی حیطة فعالیتش می‌شود گفت بیشتر از کارهای تبلیغاتی بود. ایشان یک مشاور خیلی خوب برای فرمانده بود، در کارهای عملیاتی نظر می‌داد، در کارهای مختلف تدارکاتی و یا جنبه‌های مختلفی که عملیات داشت ایشان به صورت بسیار فعال کار می‌کرد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

ما از استعداد و کشش شهید حسین صیادیان غافل نبودیم و احساس می‌کردیم که از این کشش باید در واحدهای مختلف استفاده شود، به هر صورت ما در همان واحد تبلیغات هم که بود در کلیه کارهای جمعی مان از استعداد و فکر ایشان استفاده می‌کردیم و خود ایشان هم یک جوهره‌ای ذاتی داشت که محال بود که لحظه‌ای بی‌کار شود و همیشه از وقت بی‌کاری برای پیشبرد کارهای به جا مانده و روی زمین مانده استفاده می‌کرد و ما هم از وجود آن فرد در آن تیپ استفاده زیادی کردیم؛ هم استفاده معنوی و هم استفاده در خصوص تشکیلات و پیشبرد اهداف سپاه و هم در ارتباط با جنگ.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

زمانی که وارد تیپ قدس شدم بعد از مصاحبه در واحد پرسنلی به واحد تبلیغات ارجاع شدم.

موقعی بود که شهید حسین صیادیان در مرخصی یا مأموریت بود. چند روزی را به عنوان خطاط در واحد تبلیغات سپری کردم. بعد از آمدن شهید حسین صیادیان به نزدش رفتم و سؤالاتی از حقیر پرسید و اطلاعاتی از موقعیت بنده پیدا کرد و به من فرمود: فعلاً به عنوان خطاط مشغول باش تا به شما خبر بدهم که در چه قسمت مشغول شوی.

بعد از چند روز به نزد آمد و فرمود: آماده سفر به مشهد شو. وقتی داخل اتوبوس شدیم تذکراتی در خصوص سفر به مشهد و قدردانستن این موقعیت‌ها و ... بیان کرد. آن‌گاه رو به حقیر کرد و فرمود: شما خودتان را آماده کنید، وقتی از این سفر برگشتیم، باید مسئول تبلیغات داخلی تیپ قدس شوید. خودتان را آماده کنید و برنامه‌های کاری خود را در نظر بگیرید.

در همین راستا بود که یک سالنامه به بنده هدیه داد و فرمود: هر شب، آخر وقت قبل از خواب برنامه کاری فردا را در آن بنویس و روز، همه آن‌ها را تعقیب کن.

گفتنی است که این سالنامه یادگاری از شهید حسین صیادیان بعد از سی و دو سال هنوز در نزد هست.

راوی: محمد نقویان

همرزم شهید

آخرین جایی که با ایشان همراه بودم منطقه والفجر 9 بود؛ روبه‌روی میوان داخل خاک عراق. در آن عملیات ایشان مسئول تدارکات بود. یکی از مشکلات اساسی ما در عملیات‌های برون‌مرزی که وارد می‌شدیم، بحث تدارکات و پشتیبانی بود و همیشه برایمان این سؤال بود که ما چگونه کار پشتیبانی خودمان را تنظیم کنیم که به نحو احسن انجام شود؟ لذا برای این‌که وضعیتمان را بهتر کنیم شخصیت شهید صیادیان در ذهن همه مخصوصاً برادر عزیزمان آقای ربیعی [فرمانده تیپ قدس] و دیگر مسئولان تداعی شد که باید یک جابه‌جایی انجام بشود و ایشان به تدارکات بیاید و در آن‌جا مشغول خدمت شود؛ از این‌رو وقتی به ایشان پیشنهاد مسئولیت تدارکات داده شد، ابتدا نمی‌پذیرفت؛ چون تبلیغات در جبهه را امری محکم برمی‌شمرد؛ سرانجام با اصرار سردار ربیعی پذیرفت و البته برای مدتی هم کارهای تبلیغاتی را به‌عهده داشت و هم مسئولیت تدارکات، ولی دیگر بیشتر انرژی خودش را مصروف تدارکات می‌کرد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم

رئیس ستاد تیپ قدس

از ویژگی‌های دیگر شهید حسین صیادیان بی‌خوابی و کم‌خوابی ایشان بود. کمتر نیروهایی بودند که از خواب خودشان بزنند و این‌طور فعالانه کار بکنند. ایشان شب و روز می‌دوید. صبح، از همه زودتر می‌آمد و از همه هم دیرتر به منزل می‌رفت.

گاهی تا ساعت 12 شب در ستاد تیپ پیش ما نشسته بود و راجع به مسائل و کارهای خودش صحبت می کرد و منزل نمی رفت با این که خانواده اش هم در سندنج بود، ولی به کارهای جنگ و سپاه بیشتر اهمیت می داد.

راوی: سردار حاج علی رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

صبح زود می دیدیم که شهید حسین صیادیان در سپاه حاضر است و کارهای خودش را پیگیری می کند. من می دیدم که واقعاً شب و روز تلاش می کرد که از کار جنگ و انقلاب از هدفی که ایشان دنبال می کرد عقب نماند. این ویژگی ای بود که کمتر در افراد دیگر دیده می شد.

راوی: سردار حاج علی رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

بحمدالله که گر دیدیم رنجی	در آخر یافتیم این طور گنجی
به دشواری چنین گنجی توان یافت	بلی، کی گنج بی رنجی توان یافت
سحرخیزی بسی کردم چو خورشید	که زر گردید خاک راه امید

دیوان وحشی بافقی ، ص 482

ز بس در کار طاعت پُر شتاباند	حریص اندر عبادت ، بی حساباند
به اندک ، جام آنان، نیست سرشار	هم افزون را کم انگارند، بسیار

دیوان الهی قمشه ای ، ص 41

نیکبخت آن کسی که بنده اوست	در همه کارها بسنده بر اوست
----------------------------	----------------------------

حدیقه الحقیقه سنایی ، ص 99

15. فضیلت اخلاقی : گردشگری و سیاحت

أ) تعریف واژه : حرکت و انتقال از محلّ زیستن دایمی به سرزمینی دیگر جهت تفریح، زیارت، علم‌اندوزی و یا حفظ دین و دفاع از آیین و مرز و بوم و

ب) آیه : « **فَلْيَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ** » ؛^۱

بگو بگردید در زمین و نگاه کنید چگونه آفرینش را آغاز کرد.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « **سَافِرُوا تَصِحَّوْا وَ جَاهِدُوا تَغْنَمُوا** » ؛^۲

مسافرت کنید تا تندرست بمانید و جهاد کنید تا غنیمت به دست آورید.

سیمای گردشگری و سیاحت در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان در هر موقعیتی که به دست می‌آمد همسر، فرزند و خانواده‌اش را به مسافرت می‌برد. گاهی در مسافرت‌های مأموریتی که برای انجام کاری می‌رفت از آن فرصت‌ها استفاده می‌کرد و زن و فرزندش را هم به منطقه (سنندج) می‌برد.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

سفری به مشهد مقدّس با شهید حسین صیادیان به همراه خانواده‌شان داشتیم. او در این سفر چندروزه دنبال جذب امکانات برای رزمندگان بود. یاد دارم یک روز قرار بود دسته‌جمعی به جایی برویم، همه منتظر ماندیم تا او بیاید، ولی کارش طول کشید و دیر آمد و بعداً گفت که دنبال برنامه‌های تیپ و تهیّۀ امکانات رزمندگان بوده است.

راوی: همسر شهید

^۱ . عنکبوت، آیه 20.
^۲ . بحار الانوار، ج 76، ص 221، ح 3.

در وطن تا هست آینه جلا پیدا نکرد

جزم بر عزم جلا کن گر جلا می‌بایدت

دیوان لامع ، ص 118

فرات و دجله و جیحون چه تلخ بودندی

اگر مقیم بُدندی به جای چو دریا

نه آفتاب و نه مهتاب نور بخشیدی

اگر مقیم بُدندی چو صخره عنقا

کلیات شمس ، ص 128

16. فضیلت اخلاقی : جود و سخاوت

أ) تعریف واژه : مصرف مال و ثروت در امور شایسته و بخشش مال قبل از سؤال سائل و بخشیدن مال به اندازه احتیاج و رسیدگی به امور نیازمندان به اندازه توان.

ب) آیه : « فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَ اتَّقَىٰ * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ »^۱ ؛

پس آن که بخشید و پرهیزگاری و تصدیق و نیکوکاری کرد، به زودی به سوی آسمان رهنمونش کنیم.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « بِالْجُودِ تَكُونُ السِّيَادَةَ »^۲ ؛

به سبب سخاوت، سیادت حاصل می شود.

سیمای سخاوت و جود در شهید حسین صیادیان

روزی شهید حسین صیادیان از مغازه من مقداری گوشت خرید و رفت. بعد از مدتی مجدداً آمد، ضمن خرید گوشت برای منزل، از من خواست که مقداری گوشت دیگر هم وزن کرده، به صورت مساوی تقسیم و بسته بندی کنم. من این کار را انجام دادم و ایشان هم گوشتها را با خودشان برد. چندین مرتبه با فاصله زمانی این عمل را انجام داد تا این که یک روز بعد از بسته بندی گوشتها از من سؤال کرد که آیا اشخاصی را می شناسید که محتاج باشند و قدرت خرید گوشت هم نداشته باشند تا اینها را برای آنها ببرم؟ من هم تعدادی پیرمرد و پیرزن را که می شناختم معرفی کردم، ایشان هم خوش حال شد و گوشتها را مخفیانه برای آنها می برد. بعد از گذشت مدت زمانی روزی بعد از توزیع گوشتها فرمود: آیا ممکن است از شما خواهشی داشته باشم؟ عرض کردم، بفرمایید.

فرمود: آیا برایتان مقدور است که زحمت توزیع گوشتها را بین افراد مستمند بپذیرید تا من فقط پولش را پرداخت کنم، ولی نمی خواهم که بفهمند که چه کسی گوشتها را برای شان می فرستد. من هم پیشنهاد ایشان را پذیرفته، از آن به بعد هر موقع که به مرخصی می آمد، پول را پرداخت می کرد و من هم به مرور گوشتها را بین افراد مستمندی که می شناختم توزیع می کردم و این روند تا زمان شهادت ایشان ادامه داشت.

راوی: ناصر بتولی^۳
هم محله ای شهید

^۱ . لیل، آیه های 5 - 7 .

^۲ . غرر الحکم، ج 2، ح 201 .

^۳ . هم محله ای شهید و کاسب محله سکونت شهید .

رنج خود و راحت یاران طلب
تات رسانند به فرماندهی
چون مه و خورشید جوانمرد باش

دیوان نظامی ، ص 57

سایه خورشید سواران طلب
دردستانی کن و درمان دهی
گرم شو از مهر و ز کین سرد باش

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا

دیوان عطار ، ص 34

نفقه کن چیزی که داری چارسو

17. فضیلت اخلاقی : نظم در زندگی

أ) تعریف واژه : مرتب کردن امور زندگی و آراستن کارها همراه با برنامه‌ریزی و توجه به عنصر زمان و اولویته‌ها و نیازها.

ب) آیه : « إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا »^۱ ؛

همانا خداوند تمام نمود کار خود را، برای هر چیزی اندازه معلوم قرار داد.

ج) حدیث : رسول الله (ص) : « اسْتَوُوا وَ لَا تَخْتَلَفُوا فَتَخْتَلَفَ قُلُوبُكُمْ »^۲ ؛

در صفوف جماعت منظم باشید؛ چرا که بی‌انضباطی صفوف، دل‌های شما را هم دچار اختلاف می‌کند.

سیمای نظم در زندگی در شهید حسین صیادیان

در اولین روزی که به تهران پادگان امام حسین (ع) برای آموزش جمع شده بودیم، فرمانده میدان همه را جمع کرد و اعلام کرد که آنانی که آموزش نظامی دیده‌اند جلو بیایند. ایشان از همان آخر صف در حالی که گیوه پوشیده بود با حالت نظامی خاصی (رژه‌رفتن) جلو فرمانده خود را معرفی کرد و به فرمانده احترام گذاشت و خبردار ایستاد.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

در عملیات کربلای یک در منطقه مهران تیپ بیت‌المقدس به عنوان یکی از یگان‌های عمل‌کننده در این منطقه مأموریت یافته بود. یادم هست در دره پایین تر از امامزاده صالح نیروهای رزمی تیپ را مستقر کرده بودند که اکثر واحدهای اطلاعات و عملیات و تدارکات نیز در نزدیکی آنها مستقر شده بودند، پس از شناسایی منطقه در نزدیکی شهر مهران یک بُنه تدارکاتی نیز برای رساندن امکانات به رزمندگان تدارک دیده شده بود که من به اتفاق شهید حسین صیادیان آن مکان را بررسی کردیم و امکانات را به آنجا انتقال دادیم. منطقه قبل از عملیات نیز به گونه‌ای بود که بسیاری از هواپیماهای عراقی بر فراز شهر و اطراف آن در حال گشت‌زنی بودند و اکثر منافقان کوردل نیز در سنگرهای زیر زمین که در سطح شهر درست شده بود، جایی یافته بودند و نیروهای عراقی علاوه بر ارتفاعات بزرگ و کوچک بر قلّه قلاویزان نیز مستقر بودند و خود شهر در یک دشت بزرگ واقع بود.

¹ . طلاق، آیه 3.

² . نهج‌الفصاحه، ص 140.

عملیات آغاز شد و یگان‌های عمل‌کننده مواضع از قبل پیش‌بینی شده را یکی پس از دیگری به تصرف درآوردند. زیرگذر ورودی شهر مهران سنگر فرماندهی تیپ بیت‌المقدس قرار داشت که جای امن و بسیار محکم بود. یک روز می‌خواستیم در آن‌جا نماز ظهر بخوانیم که یادم هست آن روز همه به شهید حسین صیّادیان اقتدا کرده، نماز ظهر را خواندیم؛ اما برای اقامه نماز عصر هر کاری کردیم جلو نایستاد و لذا نماز عصر را با آقای عابد^۱ فرمانده تیپ به جماعت خواندیم.

شهید حسین صیّادیان وقتی دید منطقه زیر آتش و گلوله باران است، کلاه‌خود را بر سر گذاشت و به من گفت: چر از این کلاه استفاده نمی‌کنی؟ همین که داخل کانال شد ترکش بسیار بزرگ بر کلاه‌خود وی اصابت کرد و کلاهش را شکافت. در این لحظه رو به من کرد و گفت: نگاه کن، وقتی می‌گویم از تجهیزات استفاده کن برای همین است. الان اگر روی سرم این کلاه‌خود نبود، چه بر سرم می‌آمد. ایشان چون دوره سربازی را نیز در ارتش گذارنده بود بسیار نظم و انضباط و قوانین نظامی حتی در میدانی جنگ رعایت را می‌کرد.

راوی: حسن سعدی
همرمز شهید

شهید حسین صیّادیان تمام کارهایش بر اساس نظم و انضباط بود. ایشان تمام کارهای روز بعد را از شب قبل یادداشت می‌کرد و بر اساس نظم و برنامه‌ریزی انجام می‌داد.

راوی: همسر شهید

شهید حسین صیّادیان هر روز صبح زود که به محل کار می‌آمد کاملاً نظامی صرف، گتر کرده، پوتین‌ها واکس زده، پیراهن داخل شلوار قرار گرفته، موها تمیز و شانه کرده و محاسن معمولی مرتب داشت و قطعاً می‌توان گفت جزو اولین‌ها بود که در میدان صبحگاه حاضر می‌شد.

وی همیشه لبخندی ملیح بر لب داشت، علی‌رغم این‌که یک نظامی محکم و استوار بود و بر سر حرفش ایستادگی می‌کرد.

راوی: حسن سعدی
همرمز شهید

^۱ . فرمانده تیپ بیت المقدس در دوران دفاع مقدس.

همیشه به همه توصیه می‌کرد کارهای روز بعد را که می‌باید انجام پذیرد در یک دفترچه کوچک یادداشت کنید و خودش هم این کار را انجام می‌داد و تمامی برنامه‌ها و کارهایی را که می‌باید در روز بعد انجام دهد یادداشت می‌کرد.

راوی: حسن سعدی
همرمزم شهید

بی‌وقت بُود کار به سر بردن دشوار

با وقت بُود بسته همه کار و همه چیز

امثال و حکم ، ج 1 ، ص 235

18. فضیلت اخلاقی : ایثار

أ) تعریف واژه : بالاترین درجه سخاوت است به گونه‌ای که انسان از دارایی و حقّ خود برای دیگران بگذرد، در حالی که خود به آن نیازمند است.

ب) آیه : « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ »^۱ ؛

و از میان مردم، کسانی هستند که برای کسب رضای خدا، جان خود را می‌فروشند.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « عِنْدَ الْإِيثَارِ عَلَى النَّفْسِ تَتَبَيَّنُ جَوَاهِرُ الْكُرَمَاءِ »^۲ ؛

هنگام ایثار و مقدّم انداختن دیگران بر خود، جوهره بزرگواران بروز می‌کند.

سیمای ایثار در شهید حسین صیّادیان

شهید حسین صیّادیان تا جایی که برایش مقدور بوداز امکانات بیت‌المال استفاده نمی‌کردو حتی اکثر اوقات از وسیله شخصی خودش در ارتباط با کارهای داخلی سپاه استفاده می‌کرد.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

شهید حسین صیّادیان نه تنها از وسایل دولتی و اموال بیت‌المال استفاده نمی‌کرد، بلکه وسیله نقلیه شخصی خودش را هم در اختیار امور جاری سپاه و مأموریت‌ها قرار می‌داد.

راوی: همسر شهید

در سال 63 از طریق قرعه‌کشی یک دستگاه پیکان دریافت کرده بود، من متأهل و صاحب یک فرزند بودم و شهید بزرگوار هم تازه ازدواج کرده بود ولیکن هنوز زندگی مشترک را تشکیل نداده بود، به محض این که پیکان را از ایران خودرو تحویل گرفت یک سوئیچش را به من داد و یکی را هم به خانمش، که تازه عروس بود و رانندگی هم بلد نبود.

به من گفت که تو بچه کوچک داری، این ماشین فعلاً در نزد شما باشد هر موقع که نیاز داشتیم از شما می‌گیرم و اگر خانمم هم نیاز داشت، استفاده کند در صورتی که همسرش اصلاً برای یک مرتبه هم نیامد پیکان را ببرد. پیکان

¹ . بقره، آیه 207.

² غررالحکم، ج 4، ح 226.

صفر کیلومتر تحویل ما بود. موقعی که به مرخصی می‌آمد، پیش ما حضور پیدا می‌کرد و از من سؤال می‌کرد
نمی‌خواهی با ماشین جایی بروی؟

می‌گفتم: نه. می‌گفت: همسرت نمی‌خواهد جایی برود؟

می‌گفتم: نه، چطور؟

می‌گفت: امکان دارد سوئیچ را بدهید من بروم با ماشین دوری بزنم؟ من خیلی خجالت‌زده می‌گفتم: این چه
سؤالی است؟

این ماشین خودت هست، چه سؤال‌هایی است که از من می‌پرسی؟ می‌گفت: نه، من و تو نداریم. نحوه
درخواستش برای ماشین در این چند روزی که در مرخصی بود به‌گونه‌ای بود که هرکسی که موضوع را نمی‌دانست
فکر می‌کرد خودرو در مالکیت من است و ایشان التماس می‌کند که سوئیچ را بگیرد به‌گونه‌ای که چند مرتبه
همسرم به من گفت: تو ماشین را از ایشان خریده‌ای، ولی حقیقت را به من نمی‌گویی و من سوگند یاد می‌کردم که
نه این‌طور نیست و او در جواب می‌گفت: اگر واقعاً ایشان مالک خودرو هست، پس چرا با التماس درخواست سوئیچ
می‌کند و سریع هم مجدداً برمی‌گرداند.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

جزای آن به یکی ده، ز دادگر یابی

بیخش مال و مترس از کمی که هر چه دهی

دیوان سلمان ساوجی ، ص 174

19. فضیلت اخلاقی : میهمان دوستی

أ) تعریف واژه : حالتی است که انسان از میهمان و میزبانی او لذت می برد و اطعام و غذادادن و پذیرایی از آن ها را غنیمت می شمارد.

ب) آیه : « فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزَوْنَ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ »^۱ ؛

پس بترسید خدا را، خوارم نسازید در مهمانانم، آیا نیست در بین شما مردی خردمند و رشید؟

ج) حدیث : رسول الله (ص) : « الضَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ »^۲ ؛

مهمان راهنمای به سوی بهشت است.

سیمای میهمان دوستی در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان هر جمعه رزمندگان همشهری خود را به خانه خودش به مهمانی دعوت می کرد و مکرراً اعلام می کرد که پسندیده نیست که من در کنار خانواده باشم و آن ها از خانواده و فرزندان خود دور باشند. البته هزینه پذیرایی هم با خودش بود.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرمزم شهید

هرگاه مسئولان جهت بازدید به پادگان می آمدند، بعد از اتمام بازدید شرایط پادگان برای پذیرایی مناسب نبود، شهید حسین صیادیان آن ها را با هزینه خویش به خانه خود می برد و از آنان پذیرایی می کرد و می گفت که شما مهمان هستید و مهمان در نزد خدا دارای ارزش و احترام است.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرمزم شهید

یکی از مهم ترین صفات بارز اخلاقی شهید حسین صیادیان، میهمان نوازی ایشان بود.

شهید بزرگوار بیشتر وقت ها مهمان به منزل دعوت می کرد و خیلی مهمان نواز بود.

راوی: همسر شهید

¹ . هود، آیه 78.

² . بحار الانوار، ج 75، ص 460.

به ندرت اتفاق می‌افتاد که شهید عزیز به آران و بیدگل بیاید و با خودش مهمان همراه بیاورد. اصلاً هم ملاحظه‌ای نداشت که چند نفر باشند و برای پذیرایی به هرچه آماده بود، اکتفا و قناعت می‌کرد. می‌گفت: ما صفای باهم‌بودن را می‌خواهیم. می‌گفت: وقتی مهمان وارد منزل می‌شود، با خودش خیر و برکت می‌آورد و موقعی که خداحافظی می‌کند تمام بلاهای خانه را با خود از منزل بیرون می‌برد. یک روز به ایشان گفتم:

حسین جان! حداقل نصف روز زودتر به من زنگ بزن تا من امکانات در خور شأن شما و مهمان‌ها را تهیه کنم. گفت: خدا را شکر که همیشه در منزل شیر و ماست و پنیر هست (چون پدرم در منزل دامداری داشت) شما سعی کن که نان خشک محلی در منزل آماده باشد، پتو و بالش هم برای 20 نفر پیش‌بینی کن، مابقی با من، فقط نمی‌دانم چگونه از خانواده‌ات تشکر کنم که آن‌ها را به زحمت می‌اندازم و اگر احساس می‌کنی که آن‌ها ناراحت هستند حتماً به من تذکر بده مبادا آن‌ها را به خاطر من یا میهمانان من به زحمت بیندازی.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

میزبان ماست هر کس می‌شود میهمان ما

رزق ما آید به پای میهمان از خوان غیب

دیوان صائب تبریزی ، ص 55

خانه اهل کرم روشن ز مهمان می‌شود

نور چشم من چو شمع از گریه گرم من است

دیوان صائب تبریزی ، ص 349

20. فضیلت اخلاقی : ستودن مردم و مؤمنان

أ) تعریف واژه : عبارت است از : تمجید و نیکوگفتن در خصوص مؤمنان و همچنین اظهار مسائلی که موجب خوشایند آن‌هاست و همچنین دفاع از آبروی آنان و یادآوری و ذکر خیر افراد اگرچه با نوشتن، کنایه و اشاره باشد.

ب) آیه : « وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ اِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا » ؛^۱

و یاد کن موسی را که بسیار بنده‌ای مخلص و رسول بزرگی بر خلق بود.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « ثَمَرَةُ الْأَخُوَّةِ حِفْظُ الْغَيْبِ وَ إِهْدَاءُ الْغَيْبِ » ؛^۲

از نتایج برادری حقیقی، پرهیز از غیبت و اهدای نواقص و عیوب به خود فرد است.

سیمای ستایش مؤمنان در شهید حسین صیادیان

بسیار جای خوش‌بختی و سرافرازی است که سعادت ما را یاری کرد تا در جمع برادران مخلص و صدیق و مؤمن به انقلاب و مهاجر و مجاهد فی سبیل‌الله باشیم. ما دوست داریم صالحان را و بسیار دوست داریم در جمع صالحان باشیم، هرچند که خودمان از صالحان نیستیم.

سخنرانی شهید حسین صیادیان

در راه‌پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

همیشه آن نکویی یاد می‌دار

کسی کو با تو نیکی کرد یک بار

دیوان ناصر خسرو ، ص 28

¹ . مریم، آیه 51.

² . غررالحکم، ج 3، ح 330.

21. فضیلت اخلاقی : سرور و خنده‌رویی

أ) تعریف واژه : احساس شادی و اظهار سرور در برخوردها و داشتن چهره‌ای متبسم در برخورد با دیگران و پوشاندن اندوه در درون و تلاش جهت شاد نمودن دیگران و خندانند آنها بدون ارتکاب گناه.

ب) آیه : « وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا »^۱؛

اهل ایمان شادمان سوی خانواده خود برمی‌گردند.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « أَصْلُ الْعَقْلِ الْقُدْرَةُ وَ ثَمَرَتُهَا السَّرُورُ »^۲؛

ریشه خرد توانمندی است و میوه آن شادمانی است.

سیمای سرور و خنده‌رویی در شهید حسین صیادیان

شهید بزرگوار حسین صیادیان دارای خلق و خوی اسلامی بود به طوری که همیشه بر لبان پرمهر و محبت او لبخند دوستانه و عاشقانه نمایان بود و با برخوردی آرام و متین، اما دارای کمال و تمام همه چیز را به انسان می‌آموخت.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

شهید حسین صیادیان را از سال 62 وقتی که به عنوان خدمت‌گزار وارد تیپ قدس شدم، شناختم. جوانی 24 الی 25 ساله و چهره‌ای که همواره در برخوردها تبسم بر لب داشت.

راوی: سردار مهدی کلشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

عملیات آرمده - سورن یادم هست در منطقه هزار قلّه علاوه بر امکانات و تجهیزات و ادوات نظامی و تدارکاتی و خودروها یک گروهان قاطر ریزه هم داشتیم که با استفاده از چوب‌های درختان جنگلی منطقه، مکان خوبی را برایشان درست کرده بودیم، اما برای تهیه علوفه مشکل داشتیم.

¹ .انشقاق، آیه 9.

² .بحار الانوار، ج 75، ص 7، ح 59.

قریب به 80 الی 90 رأس قاطر می‌شدند، مسئولیت پیگیری نیازهای نیروها و تجهیزات مستقر در مناطق عملیاتی از سوی شهید حسین صیادیان بر عهده این جانب سپرده و خود شهید بزرگوار و تیم تدارکاتی‌اش امکانات درخواستی ما را که در مناطق عملیاتی مستقر می‌شدیم، تهیه می‌کرد. یادم هست روزی که این شهید عزیز برای سرکشی به منطقه آمده بود، اکثر مشکلات را با ایشان در میان گذاشتیم؛ از جمله مشکل تهیه علوفه قاطرها را که ایشان با گشاده‌رویی و اخلاق خوش و تبسم - که همیشه چاشنی حرف‌هایش بود - یادآور شد:

آن که دندان دهد نان دهد ... و این مشکل را نیز بعد از یکی دو روزی که در منطقه بود، سریع با خالی نمودن سه الی چهار کامیون علوفه حل کرد، این در حالی بود که در نزدیکی ما قرارگاه نجف اشرف (پشتیبانی‌کننده ما) مستقر بودند و بارها برای درخواست علوفه حضوری به آن جا رفته بودیم، ولی امروز و فردا می‌کردند و این تلاش و پشتیبانی و برخورد بسیار جذاب و کارآمد شهید بزرگوار برای همه قابل احترام بود و این مشکل نیز با توکل بر خدا و اراده قوی ایشان حل و فصل گردید.

راوی: حسن سعدی
همرزم شهید

نافه را بوی خوش آن هر کجا پیدا کنند

خُلق نیکو خود به خود از هر کسی سازد بروز

دیوان لامع ، ص 168

نه آشوب افکند در باغ ، چون زاغ

وگر خندد چو گل خندد در این باغ

که آرد بلبلان را در ترتم

چو غنچه لب گشاید در تبسم

گل از خنده خزان گردد به بستان

لب خندان خوش است اما نه چندان

که لبخند فزون ، دل را کند ریش

بخند ای نازنین! لیکن بیندیش

دیوان الهی قمشهای ، ص 59

22. فضیلت اخلاقی : صدق و راستی و پرهیز از دروغ

أ) تعریف واژه : مطابقت اعمال ظاهری با حالات و صفات درونی و خبردادن از چیزها آن چنانی که بوده و هستند.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ » ؛¹

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و با راستگویان باشید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « أَحْسَنُ الْمَقَالِ مَا صَدَّقَهُ الْفِعَالُ » ؛²

زیباترین گفتار، گفتاری است که رفتار نیک (گوینده‌اش) آن را تصدیق کند.

سیمای صدق و راستی در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان از روزی که مسئولیت تدارکات را پذیرفت، با نگاهی دینی و اعتقادی آمد. اعتقاد به درست کردن کارها داشت و تا زمانی هم که بود من که نزدیک‌ترین فرد از نظر سازمانی به ایشان بودم، ندیدم جایی دروغ بگوید.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

در زمان مسئولیت شهید حسین صیادیان در سِمَت لجستیک تیپ 105 قدس گروه‌های جوشکار، لوله‌کش، بنا و ... از شهرستان آران و بیدگل به وسیله ایشان به تیپ دعوت می‌شدند و در امور جبهه‌های غرب و پادگان فعالیت می‌کردند، بعداً که با آن‌ها مصاحبه‌هایی انجام می‌دادیم از این‌ها سؤال می‌کردیم: چرا به آن منطقه‌ها اعزام شده‌اید؟ اکثراً می‌گفتند: در هنگام صحبت با شهید صیادیان صفا، صداقت و صمیمیت فراوانی را در ایشان می‌دیدیم که نمی‌توانستیم جواب ندهیم.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

روال مسئولان و افرادی که در واحد تدارکات فعالیت می‌کردند این بود که همیشه می‌خواستند انبارهای توزیع و تغذیه و امکانات و سایر تجهیزات را مملو و ذخیره داشته باشند و اگر چنانچه مسئول تیپ، گردان‌ها و نیروهای

¹ .توبه، آیه 119.

² . غررالحکم، ج 2، ح 402.

رزمنده درخواستی را عنوان می‌کردند اصولاً در برخورد اولیّه می‌گفتند: نداریم (پاسخ نه بر سر زبانشان بود) ولی در طول خدمت من با برادر شهید صیّادیان اصلاً هیچ وقت ندیدم که به کسی نه بگوید.

حتّی خیلی از مواقع نزدیک عملیات مسئولان تیپ نزد او می‌آمدند و درخواست وسایل می‌کردند که در انبارهای تدارکات تیپ هم وجود نداشت، ولی می‌گفت: داریم!

چندین مرتبه به او گفتم که فلان چیز و امکانات را نداریم، چرا می‌گویید داریم؟ گفت: خدا بخواهد سریع جور می‌شود و این‌طور با اعتماد و پشتکار حرف می‌زد و جور هم می‌شد.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

شهید حسین صیّادیان به خاطر مباحثه بر سر یک دروغ و راست پیش فرماندهی تیپ رفت و سریع درخواست جابه‌جایی کرد؛ یعنی نه جابه‌جایی ولی با حفظ سمّت مسئول لجستیک شد.

من خود به‌طور کامل در جریان موضوع بودم. یادم هست اوایل با تدارکاتی‌ها خیلی بحث داشتیم. بچه‌های عملیات این مسئله را داشتند که هر چه می‌خواهیم بگیریم می‌گویند: نداریم، به تدارکاتی‌ها می‌گفتند: وسایل را در انبار نگه‌داری می‌کنید از بین می‌رود و تحویل هم نمی‌دهید. این‌جا فقط ندارم است، و بچه‌ها عمدتاً می‌گفتند: ننویسید تدارکات، بنویسید تدارکات! هر وقت که می‌آییم، می‌گویید: نیست و نداریم.

ولی وقتی شهید حسین صیّادیان بود به ایشان می‌گفتند: شما که دیگر دروغ نمی‌گویید، داری یا نداری؟!

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

یک روز شهید حسین صیّادیان برای تهیّه برخی وسایل به نزد مسئول تدارکات آمد، ایشان احساس کرد که دروغ می‌شنود. رو به مسئول تدارکات کرد و گفت که راست بگویید.

مسئول تدارکات گفت: آقای صیّادیان! از فردا شما بیاید تدارکات را قبول کنید و راست هم بگویید. در تدارکات بنا به مصالحی نمی‌توان همیشه راست‌گو بود. شهید بزرگوار گفت: هیچ مشکلی ندارد. من از فردا می‌آیم و مطمئن باش که راست هم می‌گویم و بعد از چند روز این جابه‌جایی انجام شد.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

به فعل و قول زبان یک نهاد باش و مباش

به دل خلاف زبان چو پیشیز زر اندود

دیوان ناصر خسرو ، ص 32

راستی آور که شوی رستگار

راستی از تو ، ظفر از کردگار

امثال و حکم ، ج 2 ، ص 789

23. فضیلت اخلاقی : امانت‌داری

أ) تعریف واژه : حالتی است که موجب پای‌بندی انسان بر عهدها و مسئولیت‌های دینی و اجتماعی با خدا و مردم می‌شود و باعث عدم تجاوز به حقوق دیگران می‌گردد.

ب) آیه : « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا » ؛^۱

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آن بسپارید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ » ؛^۲

اساس اسلام، امانت‌داری است.

سیمای امانت‌داری در شهید حسین صیادیان

این انقلاب که به دست ماست یک امانت بسیار گران‌بهاست که با هیچ چیز دنیا نمی‌توان آن را مقایسه کرد. برای پیروزی انقلاب هزاران شهید و مجروح جان خویش را از دست داده‌اند. پس باید از این امانت به‌طور دقیق مراقبت و آن را به صاحب اصلی‌اش آقا امام زمان(عج) برسانیم.

سخنرانی شهید حسین صیادیان

در راه‌پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

نگه دارد نکو، آن پاک آیین

امانات حق و خلق و دل و دین

نسازد فاش اسرار نهان را

نگه دارد همه راز جهان را

دیوان الهی قمش‌های ، ص 58

¹ .نساء، آیه 58.

² . غررالحکم، ج 4، ح 47.

24. فضیلت اخلاقی : تقوا

أ) تعریف واژه : حضور در جایی که فرمان خدا هست و عدم حضور در جایی که نهی خداوند است و مخالفت با هواهای نفسانی و مراقبت بر آداب شریعت.

ب) آیه : « فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ »^۱ ؛

خداوند اهل تقوا را دوست دارد.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « التَّقْوَى حِصْنُ الْمُؤْمِنِ »^۲ ؛

تقوا و پرهیزگاری قلعه حفاظت برای مؤمن است.

سیمای تقوا در شهید حسین صیادیان

از نمونه‌های بارز شخصیت شهید حسین صیادیان تقوای عجیب او بود. هرکس با او آشنا می‌شد و ارتباط نزدیک‌تری با او پیدا می‌کرد و تا حدی از مسائل جاری آگاهی داشت، به راستی می‌دید که چگونه ایشان تلاش می‌کند که کارش، رفتارش، اعمال و کردارش را برای خدا انجام دهد؛ زیرا خداوند را در همه جا و در همه حال ناظر بر اعمال خویش می‌دید.

راوی: آقای پیل‌زور

همرزم شهید

اگر به معنای تقوا توجه کنیم متوجه می‌شویم که اگر در فردی جمیع صفات حسنه را ببینی، می‌گویی فرد با تقوایی است.

من در مدت حدود پنج سالی که از آموزش تا شهادت در کنار شهید حسین صیادیان بودم این جمیع صفات را در او می‌دیدم و متوجه می‌شدم که ایشان فردی حسابگر است و نفس خود را محاسبه می‌کند و عمل خود را با خدا و قرآن می‌سنجد. بعد انجام می‌دهد و کمتر به یاد دارم عمل خلاف اخلاق و تقوا از ایشان سرزده باشد و این را نه تنها من می‌گویم، بلکه همه افرادی که با او در امور تبلیغاتی و لجیستکی مراوده داشته‌اند بیان می‌نمایند.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی

همرزم شهید

^۱. آل عمران، آیه 76.

^۲. غررالحکم، ح 104.

در مقطعی از زمان به علت جوسازی عده‌ای علیه شهید حسین صیادیان در جمع رزمندگان و طرح مسائل واهی مشکلاتی را به وجود آورده بودند که ایشان مصلحت را بر این دید که از جمع کناره‌گیری کند. وقتی فرماندهی ناحیه کردستان و فرمانده یکی از یگان‌های رزم از تصمیم ایشان مطلع شد، حسین را مکلف کرد که مسئولیت لجستیک یگان تحت امرشان را بپذیرد.

حدود چند هفته‌ای بود که در جمع رزمندگان جدید، شهید حسین صیادیان مسئولیت لجستیک را پذیرفته بود و یکی دو روزی بود که از عملیات کربلای یک برگشته بود که زیر مجموعه قبلی ایشان - در یکی از مناطق عملیاتی وارد عمل شده، در حین عملیات با مشکل مدیریتی در لجستیک مواجه شده بودند و از ایشان تلفنی تقاضای کمک کردند، در این حین یکی از نزدیکان شهید حسین صیادیان که به مسائل گذشته او کاملاً آگاهی داشت خنده معناداری کرد و پرسید: آیا می‌خواهید به آن‌ها کمک کنید؟

شما نباید به آن‌ها کمک کنید، بگذار تا خوب به اشتباه خود پی ببرند و بفهمند که مرتکب چه خلافی شده‌اند. چهره شهید بزرگوار با شنیدن این سخن برافروخته شد و با حالت عصبانیت گفت: مگر ما برای آن‌ها کار می‌کنیم؟ رزمندگان چه گناهی کرده‌اند؟ این یگان با آن یگان چه فرقی دارد؟ اگر خدای ناکرده بر اثر سهل‌انگاری ما کوچک‌ترین آسیبی در هر کجای جبهه به هر رزمنده‌ای وارد شود و یا خللی در اهداف ایجاد شود فردای قیامت چه جوابی داریم در پیشگاه خداوند و شهدا بدهیم؟ لذا بلافاصله به همان فرد مأموریت داد تا با تمام امکانات به یاری آن‌ها بشتابد و از هیچ مساعدتی هم دریغ نرزد بدون آن که کوچک‌ترین اشاره‌ای به گذشته داشته باشد.

راوی: حسن سعدی
همرزم شهید

این اواخر خانواده اصرار داشتند که شهید حسین صیادیان در فکر تهیه منزل شخصی باشد، البته اصرار آن‌ها از این جهت بود که می‌دیدند شرایط و امکانات برای احداث منزل فراهم است؛ مثلاً قطعه زمینی را پدرمان به او داده بود. امکاناتی مانند آهن‌آلات و مصالح ساختمانی از طریق ارگان‌ها با قیمت مناسب در اختیار رزمندگان قرار داده می‌شد، خانواده دو طرف هم حاضر بودند پول مورد نیاز را به عنوان وام در حد مقدور در اختیارشان قرار دهند

این‌ها مجموعه عواملی بود که اطرافیان به ویژه همسرش را مَصِرّ بر احداث منزل کرده بود. در حالی که شهید بزرگوار نسبت به این مسائل اصلاً توجهی نداشت.

در مسیر مسافرت به مشهد بودیم که همسرش باب صحبت از منزل را باز کرد.

من که از اوضاع اطلاع داشتم و می‌دانستم که خانواده با این وضع چه حالتی دارند و حسین هم در حالتی است که اصلاً حاضر نیست فکر و ذهنش را برای این‌گونه امور مشغول کند، خواستم کمکی به آن‌ها کرده باشم. از این جهت از ایشان سؤال کردم: آیا اجازه می‌فرمایید من امکاناتی را تهیه کنم و مشترکاً ساختمان‌سازی را شروع کنیم؟

ایشان بدون این‌که صحبتی داشته باشد، سری تکان داد و ما این‌گونه استنباط کردیم که او رضایت داده است، در نتیجه صحبت از منزل تمام شد.

روزی با مسئول ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ استان کردستان برای انجام کاری با هم بودیم، خدمت ایشان عرض کردم که ما نیرویی داریم با این مشخصات (کلیه ویژگی‌های فردی و مسئولیتی شهید حسین صیادیان را برشمردم نظر به این‌که ایشان را می‌شناختند نامی از او نبردم) مسئول ستاد یاد آور شد: اگر مطالبی را که می‌فرمایید دقیقاً اطلاع دارید و شخصاً تأیید می‌نمایید، ما در اولین فرصت امکاناتی را در اختیار شما قرار داده تا به ایشان تحویل دهید و همه موافقیم نیازهای این چنین نیروهایی را تأمین کنیم تا دغدغه خاطر نداشته باشند و خانواده آن‌ها هم از زندگی با آن‌ها احساس رضایت کنند. حتماً یکی دو هفته آینده مجدداً تماس بگیرید.

ناگفته نماند که شهید عزیز به من مأموریت داده بود مقداری آهن‌آلات برای ساخت چند باب پناهگاه تهیه نمایم که از میان آهن‌آلات مذکور به چند شاخه آهن نمره 20 و 22 نیاز داشتیم که در آن مقطع زمانی کمیاب و باعث تعطیلی کار شده بود.

بعد از گذشت مدتی روزی از دفتر کار ایشان با ستاد تماس گرفته، مشغول صحبت بودم که ایشان رسید و شاهد صحبت‌های تلفنی ما شد.

در پایان صحبت تلفنی به من گفتند اگر نقشه ساختمانی رزمنده‌ای را که می‌خواستی به او کمک کنی، بیاوری ما می‌توانیم کلیه امکانات مورد نیاز شامل تیرآهن، پروفیل، وسایل برقی، لوازم لوله‌کشی، سیمان، شیشه و ... را تأمین کنیم که تیرآهن آن موجود و آماده تحویل است... سریعاً فردی را مأمور کنید تا حواله آهن را صادر و نسبت به تحویل آن اقدام نماییم.

من خیلی خوش حال شدم خصوصاً از این جهت که من هم در این وسط بی‌بهره نمی‌مانم. خبر آماده‌شدن آهن را به شهید حسین صیادیان دادم ایشان هم خیلی خوش حال و به شکرانه آن دستش را به طرف آسمان بلند و خدا را شکرگزاری کرد.

سپس به من گفت: بررسی کن که به چه مبلغی پول احتیاج هست تا نامه‌ای برای امور مالی بدهم که پول مورد نیاز را بدهند و بروید سریعاً آهن‌آلات را بیاورید.

با توجه به شناختی که از ایشان داشتم امکان نداشت از پول بیت‌المال جهت کارهای شخصی استفاده کند. از این جهت حدس زدم که ممکن است این آهن‌ها را با تیرآهن‌هایی که باید برای ساخت پناهگاه تهیه می‌کردیم اشتباه گرفته باشد.

فوری از دفتر کارش بیرون آمده، ایشان را صدا کردم تا موضوع را مطرح نمایم. ایشان هم آمد با چهره‌ای خوش حال و خندان از این‌که موفق شدیم بعد از مدتی آهن‌آلات را تهیه کنیم و مجدداً کار ساخت پناهگاه را ادامه دهیم. سؤال کردم: آیا می‌دانی کدام آهن‌ها را می‌گوییم؟ آهن برای ساخت منزل. تا این حرف را شنید رنگ از چهره‌اش پرید و چنان دو دستی سیلی بر صورت خودش زد که اثر انگشتانش روی صورتش ماند.

سپس فریاد زد: وای بر من! تو از تلفن بیت‌المال برای گرفتن آهن شخصی استفاده کرده‌ای؟ من بمیرم و نباشم که از این چنین خانه‌ای استفاده کنم. وای بر من، در حالی که تمام ملت ایران برای مردم‌گرد و رزمندگان کردستان اهدایی می‌فرستند، من چگونه جرئت می‌کنم لوازم ساختمانی از کردستان به شهرستان ببرم؟ چگونه می‌توانم جواب خدا را بدهم؟

مدام با حالتی بغض‌آلود طلب آمرزش می‌کرد.

من که دیدم هر لحظه ممکن است کشیده‌ای به صورتم نواخته شود با حالت عجز از روی ترس با لکنت به ایشان عرض کردم که مگر در راه سفر به مشهد که بحث ساختن خانه مطرح شد و من پرسیدم: آیا موافقی امکاناتی را تهیه کنیم و ساختمان‌سازی را شروع کنیم، شما سرتان را به علامت رضایت تکان ندادی؟

جواب داد: در آن لحظه و شرایط در برابر خواست به حق همسر، پدر و مادر چه می‌توانستم بگویم به جز سرتکان دادن.

ثانیاً من که با تو صحبتی نکرده‌ام، به چه حقی در کار شخصی من دخالت می‌کنی؟

و ... از آن تاریخ به بعد دیگر جرئت پیدا نکردم با این که چندین مرتبه به من پیام داده شد بیا و امکانات را ببر، مسئله را پیگیری نمایم و تا لحظه شهادت هم اصلاً هیچ اقدامی برای کار شخصی خود نکرد.

راوی: علی صیادیان
برادر شهید

بارها شیشه تقوا و سفر دور و دراز

گر سلامت بتوان یار به منزل بودن

دیوان شهریار ، ج 2 ، ص 945

25. فضیلت اخلاقی : رازداری

أ) تعریف واژه : نگه داشتن اسرار و عیوب خود و دیگران.

ب) آیه : « **عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا** »؛^۱

و بگو خداوند دانای همه پنهان‌هاست، اما آن‌ها را برای هیچ‌کس آشکار نمی‌سازد.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « **لَا يَتَّقِ لِمَنْ يُدِيغُ سِرَّكَ** »؛^۲

به کسی که اسرار را فاش می‌کند، اعتماد نکن.

سیمای رازداری در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان در بین بچه‌ها یک همکار نبود، بلکه یک هم‌راز بود. انسان باید خیلی به کسی اعتماد داشته باشد که حتی مسائل خانوادگی خود را به او بگوید. من می‌توانم این را با قاطعیت بگویم و به شهادت بسیاری از دوستانم، خیلی از افراد مسائل و مشکلات شخصی خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

ما خانه به دوشان همگی، صاحب دردییم

با کس ننماییم بیان، حال دل خویش

دیوان امام خمینی ، ص 163

مُهر کردند و دهانش دوختند

هر که را اسرار حق آموختند

دیوان عمان سامانی ، ص 92

به کس مگشای و هم خامش زبان باش

گرت رازی بُود، بسته دهان باش

خسرو نامه عطار ، ص 79

¹ . جن، آیه 26.

² . غررالحکم، ج 6، ح 276.

26. فضیلت اخلاقی : نیکی به همسایگان

أ) تعریف واژه : رعایت حقوق همسایگان و آداب هم‌جواری و همزیستی و شناخت حقوق آنان و احسان به ایشان به واسطه ادای حقوق.

ب) آیه : « وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ

وَ الصَّاحِبِ

بِالْجُنُبِ » ؛^۱

نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه خویش و همسایه‌ای که بیگانه است و دوست موافق نیکی کنید.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ » ؛^۲

همزیستی سالم با همسایگان موجب توسعه اقتصادی در زندگی می‌شود.

سیمای نیکی به همسایگان در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان برای همسایگان احترام خاصی قائل بود. چه در آران و بیدگل و چه در سنندج؛ هرگاه همسایگان را می‌دید با روی گشاده و چهره خندان و با گرمی با آنان برخورد می‌کرد و به آن‌ها احترام می‌گذاشت.

راوی: همسر شهید

باطلی گر کند یاد میار

حق همسایگان بزرگ شمار

امثال و حکم ، ج 2 ، ص 698

ز قرآن در نیوش این نغز گفتار

مخواه آزدن همسایه، زنهار

ز آزار دل آنان بیندیش

به احسان کوش، با همسایه خویش

سفارش‌ها نموده دلبر عشق

حق همسایه را در دفتر عشق

دیوان الهی قمشه‌ای ، ص 58

¹ .نساء، آیه 36.

² .الزهد، ص 43، ح 115.

27. فضیلت اخلاقی : کوتاهی آرزوها

أ) تعریف واژه : عدم آرزوی ماندن در دنیا و اعتقادداشتن به رفتن از دنیا و رهایی از تعلقات دنیوی.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا » ؛^۱

ای مردم ! همانا وعده خدا بر حق است (مرگ) ؛ پس به زندگی دنیا فریفته نشوید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « طُوبَى لِمَنْ قَصَرَ أَمَلُهُ وَ اغْتَنَّمَ مَهَلَهُ » ؛^۲

خوشا به حال کسی که آرزوهایش را کوتاه کند و فرصت‌هایش را غنیمت شمارد.

سیمای کوتاهی آرزوها در شهید حسین صیادیان

این جمله را از ته دل می‌گوییم که یک بار ندیدم که شهید حسین صیادیان یک خواستهٔ مادی یا دنیوی داشته باشد.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

شهید حسین صیادیان فردی بود که از مشهورشدن بسیار پرهیز داشت. سعی نمی‌کرد که خودش را مطرح کند.

در دنیا هیچ آرزوی مادی نداشت، زیرا معتقد بود که دنیا جای بقا نیست.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

در منزل بسیجی، تخم امل مکار

در ساحل رحیلی، برگ سفر بساز

حَدِيقَةُ الْحَقِيقَةِ سَنَائِي ، ص 72

کزو غم در غمی پیوسته داری

چرا در عالمی دل بسته داری

خسرو نامه عطار ، ص 390

¹ . فاطر، آیه 5.

² . غررالحکم، ج 4، ح 240.

28. فضیلت اخلاقی : اکرام و احترام مؤمنان

أ) تعریف واژه : احترام به مؤمنان و خودداری از آزار و اذیت آنان و اظهار لطف و مرحمت بر آنها.

ب) آیه : « يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ »^۱ ؛

خداوند درجات مؤمنان و دانشمندان را بالا می‌برد.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « لَيْسَ لِلْأَحْرَارِ جَزَاءٌ إِلَّا الْإِكْرَامُ »^۲ ؛

برای آزادمردان هیچ پاداشی به جز گرامی‌داشت و احترام نیست.

سیمای اکرام و احترام مؤمنان در شهید حسین صیادیان

به لحاظ روحیات قوی و توانمندی که شهید حسین صیادیان دارا بود، خودم می‌دیدم که با تمام مراجعان طوری رفتار می‌کرد هرچند خواسته‌های آنها مادی بود و گاهی هم آن را برآورده نمی‌کرد، ولی راضی برمی‌گشتند و این مسئله توی منطقه کردستان خیلی مهم بود و به‌طور کلی بگویم که شهید حسین صیادیان نسبت به همه مراجعان و کسانی که با او ارتباط داشتند در نهایت احترام و بزرگواری برخورد می‌کرد.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی

فرمانده تیپ قدس

خو نکودار و روی چون خو دار

خوی بد عالم از تو سیر کند

با همه خلق روی نیکو دار

خوی نیکو تو را چو شیر کند

امثال و حکم ، ج 2 ، ص 766

¹ . مجادله، آیه 11.

² . غررالحکم، ح 8125.

29. فضیلت اخلاقی : صبر و بردباری

أ) تعریف واژه : ثبات روحی و عدم تشویش خاطر در بحران‌ها و پایداری بر اجرای احکام دینی.

ب) آیه : « وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ »^۱؛

صبر پیشه کنید که خداوند با صابران است.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « إِنَّ الصَّبْرَ نِصْفُ الْإِيمَانِ »^۲؛

به‌درستی که صبر نصف ایمان است.

سیمای صبر و بردباری در شهید حسین صیادیان

خصوصیت بارز شهید حسین صیادیان که حتی می‌توانم آن را بیان کنم و در افراد دیگر کم‌تر می‌توان یافت،

صبوری و بردباری ایشان بود که با هر نوع برخوردی خیلی خونسردانه روبه‌رو می‌شد و کم‌تر از خود واکنش نشان می‌داد.

راوی: سردار مهدی کلیشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

شهید حسین صیادیان فوق‌العاده صبور بود و در اکثر موارد حساس، با خون‌سردی و طمأنینه تصمیم می‌گرفت.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

این جانب شخصاً شهید حسین صیادیان را سردار صبر و استقامت در منطقه کردستان در برابر مشکلات می‌دانم.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی

فرمانده تیپ قدس

در عملیات‌ها می‌دیدیم که شهید حسین صیادیان آن‌قدر دوندگی و بی‌خوابی می‌کند که چشم‌هایش گود می‌افتد،

از بی‌خوابی وزنش 5 الی 6 کیلو کم شده بود، گاهی به خودش می‌گفتم که لاغر شده‌ای یک مقداری استراحت کن.

ایشان در جواب می‌گفت: توکل بر خدا، ان‌شاءالله کار برای خدا خستگی ندارد، من خسته نشده‌ام و هیچ وقت آثار

¹ .انفال، آیه 46.

² .میزان الحکمه، ح 10043.

خستگی در روحیه‌اش دیده نمی‌شد. ولی خوب ... معتقد بود انسان بایستی برای اسلام چهره‌اش زرد شود، انسان برای جنگ و انقلاب باید زرد بشود، حدیث هم از امام جعفر صادق (ع) می‌گفت که : «اگر مرد برای اسلام زرد نشود و لاغر و نحیف نشود به درد نمی‌خورد».

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

همسرم! صبور و شکیبا در مقابل تمام مشکلات و با اراده‌ای راسخ‌تر به درس خواندن خودت ادامه بده تا سرافراز و سربلند باشی.

نامه شهید حسین صیادیان
62/12/24

بس درشتی که در وی آسانی است

بسی گره، کاو کلید پنهانی است

درع صبر از برای این روز است

گرچه پیکان غم جگردوز است

دیوان نظامی گنجوی ، ص 626

30. فضیلت اخلاقی : سپاس و قدرشناسی از مردم

أ) تعریف واژه : قدردانی از خدمات و زحمات دیگران نسبت به انسان به وسیله تشکر زبانی و یا رفتارهای خاص.

ب) آیه : « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ » ؛^۱

آیا پاداش نیکی، جز نیکی است؟

ج) حدیث : امام رضا(ع) : « مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ » ؛^۲

هرکس در قبال خوبی مردم تشکر نکند از خدای عز و جل تشکر نکرده است.

سیمای قدرشناسی از مردم در شهید حسین صیادیان

هیچ وقت فراموش نمی‌کنم که سه مرتبه در جاده‌های منطقه با اتومبیل از کنار هم رد شدیم. من متوجه شهید حسین صیادیان نشدم ولی او مرا شناخت. بلافاصله از راننده خواست که خودرو را متوقف کند و برگردد. ایشان هر سه مرتبه خودش را به من رساند، من از بوق‌های ممتد ماشین و خاموش و روشن کردن چراغ اتومبیل متوجه شدم که با من کار دارد. خودرو را متوقف کردم. با دیدن شهید حسین صیادیان و عجله ایشان برای متوقف کردن، فکر کردم که حتماً مأموریت مهمی برای من دارد، ولی وقتی از ماشین پیاده شد، پس از احوال‌پرسی و روبوسی گفت که خدا به شما خیر دهد، خسته نباشید و خدا قوت، کاری نداری؟ مشکلی که نیست و ... و بعد هم خداحافظی کرد و به مسیر خود ادامه داد.

راوی: جواد محبوبی^۳
همرزم و همشهری شهید

بدوزند نعمت به میخ سپاس

خردمند طبعان سنت‌شناس

بوستان سعدی ، ص 179

¹ . الرحمن، آیه 60.

² . عبون الاخبار الرضا، ج 2، ص 24، ح 2.

³ . از نانوایان شهرستان آران و بیدگل که به وسیله شهید حسین صیادیان به جبهه کردستان اعزام گردیده بود و در ارتفاعات هزار قله تنور نانوایی نصب نمود.

31. فضیلت اخلاقی : شکر و سپاس نسبت به خدا

أ) تعریف واژه : شناخت نعمت‌های الهی و سپاس از او به خاطر اعطای نعمت‌ها و به دنبال آن اطاعت و پیروی از او.

ب) آیه : « لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ »^۱ ؛

اگر خدا را سپاس گزارید، خداوند نعمت‌هایش را برای شما افزون تر می‌کند.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « اِسْتَعْلِ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ عَنِ التَّطَرُّبِ بِهَا »^۲ ؛

در عوض شادمانی کاذب به سپاس نعمت‌های الهی بپردازید.

سیمای شکر و سپاس نسبت به خدا در شهید حسین صیادیان

حسین به مرخصی آمده بود. به ایشان گفتم که دیگر به جبهه نروید. ما که با شهادت برادرت دین خود را به انقلاب و کشور ادا کرده‌ایم و شما هم به اندازه سهم خود در جبهه بوده‌اید. شهید بزرگوار در جواب گفت:

پدرجان! برو خدا را شاکر باش که این توفیق را به شما داده تا با رنج و زحمت و تلاش و کوشش لقمه حلال به دست آوردی و به فرزندان دادی تا آن‌ها به جبهه بروند و یا این‌که شهید شوند.

راوی: پدر شهید

انشاءالله خداوند درک قدرشناسی نعمت‌های خویش را به ما بیاموزد تا بتوانیم بنده‌ای شاکر و قدردان باشیم.

نامه شهید حسین صیادیان

63/3/7

^۱ . ابراهیم، آیه 7.
^۲ . غررالحکم، ج 2، ح 186.

خدایی که رزاق انس است و جان
چگونه کنم شکر احسان تمام؟

مرا از کرم گسترانیده خوان
ز عاجز بُود عجز ختم کلام

دیوان رفعت سمنانی ، ص 277

عاجزیم از شکر نعمت‌های تو
ای بدی از ما و نیکویی ز تو
فیض را از فیض خود سیراب کن

عجز ما بین بگذر از کفران ما
آن خود کن پرده پوش آن ما
ای بهشت و کوثر و رضوان ما

دیوان فیض کاشانی ، ص 4

32. فضیلت اخلاقی : سکوت حکیمانه

أ) تعریف واژه : پرهیز از گفتار باطل و تکلم مفید و گویا و خلاصه.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا »^۱ ؛

ای مؤمنان! از خداوند پروا کنید و درست و استوار سخن بگویید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « أَلَصَّمْتُ رَوْضَةَ الْفِكْرِ »^۲ ؛

سکوت، باغ اندیشه است.

سیمای سکوت حکیمانه در شهید حسین صیادیان

چندین بار دیدم در آن ساعاتی که همه خواب بودند و یا در بین خودشان داشتند صحبت می کردند، ایشان سعی

می کرد در فکر فرو رود و درباره مسائل و موضوعات مختلف برنامه ریزی می کرد.

راوی: آقای پیلزور

همرمز شهید

یا سخن دانسته گوی ای مرد عاقل یا خموش

بر بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست

دیوان حافظ ، ص 86

چیزی که نپرسند تو از پیش مگو

کم گوی و به جز مصلحت خویش مگو

دیوان بابا افضل ، ص 68

از خامشان خطا نشنیده است هیچ کس

گفتار در میان صواب و خطا بود

آواز مرحبا نشنیده است هیچ کس

صائب، خموش باش کزین حرف دشمنان

دیوان صائب تبریزی ، ص 659

¹ .احزاب، آیه 70.

² .غررالحکم، ج 1، ح 146.

33. فضیلت اخلاقی : قدرت بیان و خطابه

أ) تعریف واژه : توانایی ارتباط برقرار کردن با دیگران از طریق گفتار با توجه به شیوه‌ها و روش‌های خطابه جهت آگاهی‌دادن، ارشاد و تربیت با بهره‌گیری از احساسات و عواطف و دمیدن روحیه دل‌آوری.

ب) آیه : « رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي »^۱ ؛
موسی گفت: پروردگارا! به سینه‌ام توسعه مرحمت کن و کارم را آسان گردان و گره از زبانم بگشا تا سخنم را دریابند.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « آلهُ الْبَلَاغَةِ قَلْبٌ عَقُولٌ وَ لِسَانٌ قَائِلٌ »^۲ ؛

ابزار و شیوه بلاغت و شیوایی، دلی آکنده از خرد و هوشیاری و زبانی گویاست.

سیمای بیان و خطابه در شهید حسین صیادیان

بیش از آن که گفتارش با کردارش یکی بود. حرفی را که می‌زد خودش عامل بود و تا زمانی که خودش کاری را انجام نمی‌داد به کسی نمی‌گفت که انجام بدهد و هر حرفی که می‌زد به دل می‌نشست و همه گوش می‌کردند. حتی جاهایی پیش می‌آمد که فرمانده به ایشان می‌گفت: شما فلان کار را انجام بده و یا فلان قضیه را حل کن.

راوی: آقای پیل‌زور
همرزم شهید

به نرمی جا کند در سنگ، آب، آهسته آهسته

کند تأثیر در دل چون ملایم گو بُود واعظ

گلزار ادب ، ص 647

¹ . طه، آیه‌های 25-28.
² . غررالحکم، ح 1492.

34. فضیلت اخلاقی : استفاده از سرزمین‌ها، مکان‌ها و زمان‌های مقدّس

أ) تعریف واژه : بهره‌وری دقیق و قدرشناسی فرصت‌های خاص و شرایط مکانی مناسب برای کسب معارف، تربیت و اخلاق.

ب) آیه : « يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَأَيُّيَ فَاعْبُدُونِ »^۱؛

ای مؤمنان! همانا سرزمین من وسیع است، پس تنها مرا پرستید.

ج) حدیث : امام باقر(ع) : « النَّائِمُ بِمَكَّةَ كَأَمْتَهَجِدُ فِي الْبُلْدَانِ »^۲؛

فرد خوابیده در مکه، همانند فرد متهدّد و شب‌زنده‌دار در شهرهای دیگر است.

سیمای بهره‌مندی از سرزمین‌ها، مکان‌ها و زمان‌های مقدّس در شهید حسین صیّادیان

ساعت 10 صبح روز بعد از عملیات کربلای یک بود، شهید حسین صیّادیان را دیدم که چشم‌ها کاملاً از بی‌خوابی قرمز و چهره برافروخته شده و حالت عرفانی عجیبی در چهره‌اش نمایان بود به‌گونه‌ای که می‌خواستم بنشینم و فقط صورتش را تماشا کنم. با یک حالت معصومانه و ملتسمانه به من گفت که خیلی خسته‌ام. چند شبانه‌روزی است که اصلاً نخوابیده‌ام.

منطقه عملیاتی کربلای یک در مهران بود. در آن‌جا روستایی بود به نام صالح‌آباد با زیارتگاهی باصفا. شهید حسین صیّادیان گفت: به نظرم می‌رسد کار کمی سبک شده و بچه‌ها در مواضع خود مستقر و امکانات نیز دارند، من می‌روم برای زیارت، نماز و دعا و اگر شد لحظه‌ای استراحت کنم. اگر فرماندهی با من کار داشت بیا و مرا خبر کن.

حدوداً حوالی ظهر بود از فرماندهی شهید حسین صیّادیان را خواستند. گفتم: تا 10 دقیقه دیگر می‌آید. سریع رفتم زیارت صالح‌آباد. دیدم در گوشه‌ای از زیارت همانند یک طفل معصوم چنان دوست‌داشتنی خوابیده به‌طوری که خیلی برایم سخت بود او را که حدود چهار شبانه‌روز نخوابیده بود بیدار کنم. فقط می‌خواستم او را ببوسم ولی شرم، اجازه چنین کاری را به من نداد.

دقایقی بالای سر او ایستادم و به ناچار او را صدا زدم. با اولین صدا از جا برخاست. به اتفاق به سمت قرارگاه حرکت کردیم. در مسیر از فشار کار و خیلی چیزهای دیگر صحبت کرد که خیلی بیشتر مجذوب و شیفته او شدم.

^۱ عنکبوت، آیه 56.

^۲ محمدی ری‌شهری، الحج و العمرة، 42.

اخلاص از تمام وجود او می‌بارید و برای اولین بار فیض شهادت را در چهره او دیدم، بغض گلویم را گرفت و دیگر تا
قرارگاه که چند دقیقه‌ای بیشتر فاصله نداشتیم هیچ نگفتم و فکرم این بود که اگر حسین شهید بشود و ...

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

تا طواف او کنی پاینده‌ای

تو ز پیوند حریمی زنده‌ای

دیوان اقبال لاهوری ، ص 91

35. فضیلت اخلاقی : خودسازی

أ) تعریف واژه : تجدید نظر در حالات و رفتارهای غلط به دلیل تشکیل محکمه درونی و مراقبت از خود در قبال نفسانیات.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ » ؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مواظب نفس خود باشید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « مَنْ سَخِطَ عَلَى نَفْسِهِ أَرْضَى رَبَّهُ » ؛^۲

هر کس بر نفس خود خشم گیرد، خدای خود را خشنود ساخته است.

سیمای خودسازی در شهید حسین صیادیان

گاهی مواقع هنگامی که شهید حسین صیادیان می‌دید که راه درست را می‌رود و بعضی از دوستان مانع او می‌شوند یک خشونت ظاهری انجام می‌داد و بر سر آن‌ها فریاد می‌کشید، ولی خیلی زود برمی‌گشت و دل‌های شکسته را به دست می‌آورد و حتی گاهی اوقات به من می‌گفت که من بر سر فلانی فریاد زدم، ولی رفتم از او معذرت‌خواهی کردم، باز هم ظاهراً راضی نشده، تو برو با او صحبت کن تا از دل او ناراحتی بیرون برود.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده

همسایه و دوست شهید

همه ما به اصطلاح آمده‌ایم برای صدور انقلاب، ما ضمن این که در عمل مدعی صدور انقلاب هستیم باید در زبان هم نشان‌دهنده صدور انقلاب باشیم. قبل از این که ما بخواهیم منطقه را پاکسازی کنیم باید خودمان را پاکسازی کنیم، ردایی که در من و خدای ناکرده در بعضی از برادرهاست باید برطرف شود تا بتواند در پاکسازی مؤثر باشد. ما باید اول خودمان را پاکسازی کنیم تا سپس بتوانیم منطقه را پاکسازی کنیم.

ما اول باید پاسدار خود باشیم بعد پاسدار اسلام. فرضاً تا یک دارویی برای خودمان مؤثر نباشد آیا می‌توانیم آن را به دیگری تجویز کنیم؟ نمی‌شود دیگر، مضر و خطرناک است. تا ما هم از خودمان پاسداری نکرده باشیم تا خودمان را نساخته باشیم، تا خودمان را پاکسازی نکرده باشیم نمی‌توانیم در پاکسازی مؤثر باشیم.

سخنرانی شهید حسین صیادیان

در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

^۱ مائده، آیه 105.
^۲ غررالحکم، ح 322.

نفس تو مثل شتر، خود پرور است

مرد شو، آور زمام او به کف

هر که بر خود نیست فرمانش دوان

خودپرست و خودسوار و خودسر است

تا شوی گوهر، اگر باشی خَزَف

می‌شود فرمان‌پذیر از دیگران

دیوان اقبال لاهوری ، ص 20

36. فضیلت اخلاقی : اجتناب از افراد آلوده و بد اخلاق

أ) تعریف واژه : انتخاب دوستان مناسب و دوری از افراد شرور که موجب سرایت ناهنجاری‌ها و رشد و تقویت آن‌ها در نفس می‌گردد.

ب) آیه : « يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي » ؛^۱

ای وای بر من! کاش فلانی را دوست نگرفته بودم؛ چراکه مرا از قرآن و پس از آن که پیام من به تو رسید، بازداشت و به انحراف کشانید.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « إِحْذَرُ مَجَالِسَةَ قَرِينِ السُّوءِ فَإِنَّهُ يُهْلِكُ مُقَارِنَهُ وَ يُرْدِي مُصَاحِبَهُ » ؛^۲

از هم‌نشینی با بدان بپرهیز؛ چراکه همواره دوست خود را به هلاکت می‌اندازد و هم‌نشین خود را تباه و پست می‌سازد.

سیمای اجتناب از افراد آلوده و بد اخلاق در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان از افراد بی‌توجه و کم‌اهمیت به مسائل دینی بسیار بدش می‌آمد و نسبت به آینده کسانی که واجبات را انجام نمی‌دادند و به امور دینی و مذهبی و انجام وظایف شرعی اهمیت نمی‌دادند، بسیار خون دل می‌خورد.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تپ بیت المقدس

من آن‌گه بگویم که تو کیستی

تو اول بگو با کیان زیستی

گر چه پاکی تو را پلید کند

با بدان کم نشین که صحبت بد

لگه‌ای ابر ناپدید کند

آفتابی بدان بزرگی را

گلستان سعدی ، ص 82

صحبت احمق بسی خون‌ها بریخت

ز احمقان بگریز، چون عیسی گریخت

فرهنگ تلمیحات ، ص 428

^۱. فرقان، آیه‌های 28-29.

^۲. غررالحکم، ح 1284.

37. فضیلت اخلاقی : احتیاط و دقت

أ) تعریف واژه : رعایت و ملاحظه همه جوانب امور برای آغاز کارها خصوصاً امور مهم و سرنوشت‌ساز همانند ازدواج، جنگ، تعیین شغل و

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ

نَادِمِينَ » ؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برایتان خبری آورد پس تحقیق و بازرسی کنید و مبادا قومی را از روی نادانی از بین ببرید؛ پس صبحگاهان به آنچه کرده‌اید پشیمان باشید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « الْحَزْمُ حِفْظُ التَّجْرِيبَةِ » ؛^۲

دوران‌دیشی، نگه‌داری تجربه است.

سیمای احتیاط و دقت در شهید حسین صیادیان

یکی از خصوصیات برجسته شهید حسین صیادیان این بود که هرگاه تصمیم داشت به شخصی مسئولیتی بسپرد از ماه‌ها قبل او را تحت نظر و مراقبت داشت و بر تمامی حالات و رفتار و نحوه برخورد او به نحوی نظارت می‌نمود و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌داد، سپس با افراد معتمد و موثق مشورت می‌کرد. به دنبال آن گاهی مدت‌ها شخص مورد نظر را برای انجام مسئولیت و نحوه کار هدایت و راهنمایی می‌نمود و پس از اطمینان از توانایی شخصی برای انجام مسئولیت محوله اقدام می‌نمود.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرمز شهید

پای تا سر، چشم باش و گوش باش

اندین ره، جان من باهوش باش

مثنوی طاق‌دیس ، ص 380

^۱. حجرات، آیه 6.
^۲. غررالحکم، ح 961.

38. فضیلت اخلاقی : سکینه و آرامش

أ) تعریف واژه : نوری الهی است که خداوند بر دل افراد مؤمن نازل می‌کند و در نتیجه اضطراب و شتاب از انسان رخت بر می‌بندد و باعث پایداری و افزایش ایمان می‌گردد.

ب) آیه : « فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ »^۱؛

پس خدا آرامش را بر رسول خود و بر مؤمنان فرو فرستاد.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا زَيَّنَّهُ بِالسَّكِينَةِ وَالْحِلْمِ »^۲؛

اگر خداوند بنده ای را دوست بدارد، او را به آرامش و بردباری می‌آراید.

سیمای سکینه و آرامش در شهید حسین صیادیان

... به حول و قوه الهی نیروی مادی و معنوی ما خیلی زیاد است. امکانات، مهمات و قدرت الهی زیادی داریم؛ ولی اگر زمانی فرا رسید که تنها و بدون مهمات شدیم به هیچ وجه نباید به خودمان ترس و رعب و وحشت راه دهیم چون مولای متقیان (ع) می‌فرماید که زیادی جمعیت در روحیه من اثر ندارد.

سخنرانی شهید حسین صیادیان

در راه پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

شهید حسین صیادیان ظرفیت تحمل درد دل‌ها و حرف‌های افراد را در حد بالایی داشت و به هنگام بیان کاستی‌ها و مشکلات، در نهایت آرامش و با حوصله حرف‌های مخاطبان را می‌شنید.

راوی: سردار مهدی کلشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

... به هنگام بحران هیچ‌گاه ندیدم که شهید حسین صیادیان خودش را ببازد یا خودش را گم کند.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

¹. فتح، آیه 26.

². غررالحکم، ج 3، ص 161.

... اکثر اوقات بعد از نماز که بچه‌ها شروع به گفتن مشکلات می‌کردند، آرامش خاصی را در وجود شهید حسین
صیادیان می‌دیدم که من دلیل این آرامش را جز ارتباط تنگاتنگ او با خدا و نماز و راز و نیازهایش در چیز دیگر
نمی‌بینم.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند

دیوان حافظ ، ص 81

فصل دوم :

اخلاق اجتماعی – سیاسی

39. فضیلت اخلاقی : شجاعت

أ) تعریف واژه : نهراسیدن از کسی یا چیزی که شایسته ترس نیست و اقدام به کارهای سخت و خطرناک و دفاع از حق هنگامی که به آن نیاز باشد و عقل و شرع آن را تأیید نماید.

ب) آیه : « مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ »^۱؛

محمد رسول خداست و کسانی که با اویند بسیار سختدل و باصلابت در برابر کفارند و مهربان در بین یکدیگر هستند.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « الشَّجَاعَةُ زِينٌ »^۲؛

شجاعت و دلیری، زینت و زیبایی است.

سیمای شجاعت در شهید حسین صیادیان

با این که شهید حسین صیادیان مدتی کارشان تبلیغات جبهه و جنگ بود، اما یک فرد عملیاتی بود؛ از حیث رزمندگی و حضور در عملیات‌ها و درگیری‌ها، مانند یک فرد رزمنده با شجاعت کامل و به دور از هرگونه هراسی با دشمن سینه به سینه می‌شد.

راوی: سردار مهدی کلیشادی
قائم‌مقام تیپ قدس

در آغازین روزهای زندگی، وقتی که از دیگران می‌پرسیدم که آقای صیادیان چه روحیاتی دارد؟ معرفان، شهید حسین صیادیان را شخصی بسیار خونگرم، شجاع، با ایمان، متواضع، قانع، با درایت و... معرفی می‌کردند.

راوی: همسر شهید

در پذیرش مسئولیت خیلی شجاع بود. اوایل تشکیل تیپ قدس ایشان به عنوان مسئول تبلیغات معرفی شد. برای گرفتن امکانات به لجستیک مراجعه کرد، اکثر مواقع مسئول واحد تدارکات در برابر درخواست‌های ایشان، می‌گفت: نداریم.

روزی به مسئول تدارکات گفت که ندارید یا دروغ می‌گویید و ذخیره کرده‌اید برای روز مبادا و نمی‌خواهید

¹ .فتح، آیه 29.

² .غررالحکم، ج 1، ح 34.

بدهید؟ مسئول مربوطه در پاسخ گفت: همین است که می‌بینید. اگر توان داری خودت بیا مسئولیت این واحد را بپذیر. ایشان بلافاصله به او گفت: « برویم فرماندهی در صورت موافقت ایشان من می‌پذیرم» و سرانجام با قبول این مسئولیت مدتی واحد تدارکات و تبلیغات را با هم اداره می‌کرد.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی
همرزم شهید

«عملیات قادر» در منطقه اشنویه و داخل خاک عراق انجام شد. چیزی حدود 30 الی 40 کیلومتر در داخل خاک عراق بود. یادم هست که یک منطقه‌ای پایین ارتفاعات سوبله بود فکر می‌کنم که عراقی‌ها روی آن بودند و ما از این طرف داشتیم عملیات می‌کردیم، خلاصه این‌که در دید عراقی‌ها بودیم و آن‌ها منطقه را به شدت زیر آتش می‌گرفتند.

ما در آن‌جا دو سه تا ماشین داشتیم که به محض عبور از آن منطقه با آتش شدید عراقی‌ها مواجه شدند و از کار افتادند و در همان نقطه باقی ماندند که متأسفانه در دید عراقی‌ها بود. ما هم به هر کس که می‌گفتیم این ماشین‌ها را تخلیه کنید، به خاطر شرایطی که داشت به سختی و کراهت می‌خواستند این را انجام بدهند.

یکی دو بار که از آن محور با شهید حسین صیادیان عبور کردیم، یک شب خود ایشان چند نفر را برداشت و به آن‌جا رفت و عراقی‌ها فهمیدند و شروع به آتش کردند؛ اما او آن دو دستگاه ماشین را که در آن‌جا بود، زیر آتش شدید خمپاره‌های دشمن تخلیه کرد و آورد. احساس می‌کردم که هر وقت از آن محور رفت و آمد می‌کرد و آن ماشین‌ها را می‌دید، یک غمی در دلش احساس می‌کرد، ولی وقتی که آن‌ها را تخلیه کرد تا حد زیادی آرامش گرفت و از آن حالت خارج شد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

از خیابانت چو گل چیند تو را	دشمنت ترسان اگر بیند تو را
هم نگاهش مثل خنجر می‌فتد	ضرب تیغ او قوی‌تر می‌فتد
ورنه صد سیل است در دریای ما	بیم چون بند است اندر پای ما

دیوان اقبال لاهوری ، ص 71

40. فضیلت اخلاقی : وحدت و همدلی

أ) تعریف واژه : ایجاد همزبانی و آرامش و دوستی درونی میان تمام افراد جامعه اسلامی و پرهیز از بروز عوامل اختلاف‌زا.

ب) آیه : « وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا »^۱ ؛

به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضاً »^۲ ؛

مؤمن برای مؤمن مانند بنای ساختمان است که بعضی اجزا، بعضی دیگر را نگه می‌دارند.

سیمای وحدت و همدلی در شهید حسین صیادیان

این وحدت و یگانگی در امت‌های مستضعف و ملت مسلمان، سمّ کشنده‌ای برای استعمار شرق و غرب است.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در راه‌پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

تنها چیزی که می‌تواند منافع استعمار را در جهان به خطر بیندازد، عمل کردن به اسلام، حفظ وحدت و یگانگی و یکپارچگی است.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در راه‌پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

یکی از کارهای فرهنگی شهید حسین صیادیان این بود که اصرار داشت به عنوان یک تکلیف عمدتاً در مساجد به روحانیون اهل سنت اقتدا کنیم و حتی نمازهایمان را به صورت پنج‌گانه‌ای که آن‌ها می‌خوانند، بخوانیم.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

شهید حسین صیادیان خیلی مقید به وحدت شیعه و سنی بود و سعی می‌کرد که این وحدت را حفظ کنند و با افراد اهل تسنن رابطه‌ی دوستانه برقرار می‌کرد. در نماز جمعه سنندج شرکت می‌کرد و حتی بعضی وقت‌ها دوست

¹. آل عمران، آیه 103.

². کنز العمال، 674.

داشت که من هم ایشان را همراهی کنم و می‌گفت برای وحدت باید در نماز جمعه شرکت کرد.

راوی: همسر شهید

دولت همه ز اتفاق خیزد

بی‌دولتی از نفاق خیزد

کلیات سعدی ، ص 81

مورچگان را چو بود اتفاق

شیر ژیان را بدرانند پوست

کلیات سعدی ، ص 94

41. فضیلت اخلاقی : حجاب

أ) تعریف واژه : رعایت حدود شرعی خواسته شده در قرآن و روایات و حفظ شئون اسلامی و احکام الهی در مکالمات، ارتباطات و نگاه‌ها.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا

يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً »^۱ ؛

ای پیامبر! به زنان و دختران و زنان مؤمن بگو که خویشان را با چادر فرودپوشند که این کار برای این که آن‌ها شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند برای آن‌ها بس مهم‌تر است و خداوند آمرزنده و مهربان است.

ج) حدیث : امام علی (ع) می‌فرماید : خدمت پیامبر اسلام (ص) بودیم که حضرت پرسید: چه چیز برای زنان نیکو و رواست؟ حضرت فاطمه (س) در پاسخ فرمود:

« خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ »^۲ ؛

آن‌چه برای زنان نیکوست این که بدون ضرورت مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان هم آن‌ها را ننگرند.

سیمای حجاب در شهید حسین صیادیان

حیاط منزل ما با حیاط منزل ابوی مشترک است با این تفاوت که آن‌ها از طریق ساختمان و ما از حیاط با کوچه ارتباط داریم. در حیاط که می‌ایستیم به درون ساختمان ابوی کاملاً مشرف هستیم. برنامه‌ریزی شده بود که جلسه بزرگداشت هفتمین روز شهادت شهید حسین صیادیان (مخصوص بانوان) در حیاط منزل برگزار و مردان فامیل که معمولاً برای فاتحه‌خوانی و احتمالاً خدمت‌کردن تشریف می‌آورند در اتاق ما تجمع و پذیرایی شوند. بعد از ادای فریضه صبح به علت خستگی بیش از حد، کمی چرت‌زدن مناسب بود. از این‌رو خوابیدم. در عالم خواب یک لحظه حسین را دیدم که با عصبانیت وارد منزل شد و بر سر من فریاد کشید و گفت:

چگونه به خودت اجازه دادی تا در جایی که جلسه زنانه برگزار می‌شود، مردان تردد کنند و زن در معرض دید آن‌ها قرار گیرد؟

از خواب پریدم... خدایا چه شده؟! و چه اشتباهی از من سرزده است که شهید از من این‌گونه عصبانی است...

^۱ .احزاب، آیه 59.

^۲ .نهج‌الحیاء، ص 160.

بلند شدم و حیاط (محلّی) را که برای نشستن خانمها مفروش شده بود، برانداز کردم.

متوجه شدم که حق با او است و ما فکر این را نکرده بودیم که باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم تا وقتی آقایان

وارد حیاط می‌شوند، مزاحم خانمها نباشند.

این بود که با پرده‌ای، محلّ تردّد آقایان را از محلّ برگزاری جلسه خانمها تفکیک کردیم، سپس جلسه را برگزار

نمودیم.

راوی: علی صیّادیان

برادر شهید

شهید حسین صیّادیان خیلی به رعایت مسائل حجاب به‌خصوص محرم و نامحرم حسّاس بود و هر دو ما در یک ساختمان زندگی می‌کردیم که یکی از اتاق‌ها در اختیار من و خانواده‌ام بود و اتاق دیگری در اختیار شهید بزرگوار و خانواده‌اش.

روزی در داخل حیاط ساختمان بین من و همسرم بر سر مسئله‌ای جزئی صحبت بلندی رد و بدل شد، شهید عزیز در ایوان ایستاده بود. همین‌طور که صحبت‌های ما ادامه پیدا می‌کرد و صدای من هم بلندتر شد، یک دفعه با حالت عتاب‌آلود به من گفت:

خجالت نمی‌کشی برابر من که نامحرم هستم با همسرت بلند صحبت می‌کنی؟

از این رفتار حسین خیلی شرمنده شدم و شاید بارها با همسرم به عنوان بهترین خاطره از شهید در زندگی مشترکمان یاد می‌کنیم.

راوی: علی صیّادیان

برادر شهید

رهانیدند جان از نفس بدخواه

ز کید نفس و مکر آسمان رست

ز خوی عفت آن مردان آگاه

به عفت، دست شهوت می‌توان بست

دیوان الهی قمشه‌ای ، ص 24

42. فضیلت اخلاقی : رعایت اموال عمومی و بیت‌المال

أ) تعریف واژه : مراقبت و مواظبت از اموال متعلق به ملت و جامعه اسلامی و امانت‌داری در حفظ آن و پرداخت حقوق و اموال عمومی به صاحبان آن و عدم اسراف در حق خود.

ب) آیه : « وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذُلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ »^۱ ؛

مال یک‌دیگر را به ناحق نخورید و کار را به محکمه قضاوت نفرستید تا به وسیله رشوه و زور، مال مردم را بخورید، یا این که شما بطلان دعوی خود را می‌دانید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « ... وَ لَكِنِّي آسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاءُهَا وَ فَجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَهُ خَوْلًا »^۲ ؛

امام علی(ع) به مالک اشتر می‌نویسد: اما غم من این است که کار این امت را نابخردان و نابکاران آن‌ها به عهده گیرند و در نتیجه مال خدا و بیت‌المال را میان خود، دست به دست گردانند و بندگان او را به بندگی گیرند.

سیمای رعایت اموال عمومی و بیت‌المال در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان در حفظ و نگه‌داری اموال بیت‌المال بسیار کوشش می‌کرد، حتی بعضی از اقلام که دیگر قابل استفاده سنگرها نبودند، جمع‌آوری می‌کرد و در خط و جبهه‌ای دیگر مورد استفاده قرار می‌داد.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

کاروانی از رزمندگان به سرپرستی شهید حسین صیادیان به زیارت آقا امام هشتم(ع) حرکت کرد. توفیقی نصیب ما شد که در جمع این کاروان باشیم. موقع بازگشت به تهران که رسیدیم مرا در ترمینال غرب از اتوبوس پیاده کرد؛ چرا که باید به ترمینال جنوب می‌رفتم تا از آن‌جا به آران و بیدگل بیایم.

یکی از بچه‌های راننده اصرار داشت که مرا با وانت تویوتای سپاه که همراه کاروان بود تا ترمینال برساند. شهید

^۱ . بقره، آیه ۱۸۸.

^۲ . نهج البلاغه، نامه ۶۲.

حسین صیّادیان دستم را گرفت و به کناری برد و گفت:

پدرجان! من مسئول بیت‌المال هستم و اگر امروز شما را با خودرو سپاه برسانند، فردا نمی‌توانم به دیگری بگویم که از خودرو بیت‌المال استفاده شخصی نکنید. پس خواهش می‌کنم که هرچند راننده لطف کرده و اصرار دارد شما را برساند، اما شما با تاکسی بروید و به هیچ وجه از ماشین سپاه استفاده نکنید.

راوی: پدر شهید

شهید بزرگوار بی‌نهایت به من علاقه‌مند بود و از امکانات شخصی خودشان هر چه داشت (ماشین، پول و...) بدون حساب و کتاب در اختیار من می‌گذاشت.

اما در مورد بیت‌المال درست عکس آن عمل می‌کرد. مدتی به عنوان رابط در واحدی که مسئولیت آن با شهید حسین صیّادیان بود کار می‌کردم، مرسوم بود که اکثر رابطین همیشه مقداری جیره غذایی شامل آب‌میوه، کمپوت، بیسکویت و... در ماشین همراه خود داشتند. بارها خدمت ایشان عرض کردم که نامه‌ای بدهید تا مقداری جیره غذایی تحویل گرفته، در ماشین داشته باشم، هر دفعه به عناوینی طفره رفت و تا مدتی که با ایشان بودم حتی یک مرتبه برای من نامه نداد، در صورتی که برای رابطین دیگری که همزمان در واحد ما مشغول خدمت بودند، خودشان شخصاً بدون درخواست آن‌ها جیره می‌برد و یا نامه می‌داد.

راوی: علی صیّادیان

برادر شهید

روزی به اتفاق تعدادی از برادران تیپ بیت‌المقدس برای انجام مأموریت عازم شهرستان بیجار شدیم. حدس می‌زدیم که تا عصر مأموریت ما تمام شود، ولی مقداری از کار برای روز بعد ماند. باید بقیه برادران برمی‌گشتند و ما می‌ماندیم. در حالی که شهید حسین صیّادیان فرمانده بود، گفت:

ماشین را به آن‌ها بده ببرند، ما بعد از این که کارمان تمام شد با مینی‌بوس خط برمی‌گردیم.

راوی: علی صیّادیان

برادر شهید

شهید حسین صیّادیان به هیچ عنوان از اموال بیت‌المال استفاده نمی‌کرد. بیشتر وقت‌ها و حتی در مسائل کاری

هم از وسیله نقلیه شخصی خود استفاده می کرد. لباس فرمی را که می پوشید با هزینه خودش تهیه می کرد. پارچه می خرید و به خیاط می داد تا برایش بدوزد. اصلاً به یاد ندارم از غذای پادگان یا نانی که در آن جا پخت می شد به منزل آورده باشد.

راوی: همسر شهید

با دست می زد روی داشبورد و می گفت: آهسته، مال بیت المال است. با توجه به کمبود خودرو در کردستان ایشان یک جیپ لندکروز از ارتش به صورت امانت گرفته بود و تا مدت ها با این جیپ کل کارهای تبلیغات را انجام می داد و رسیدگی زیادی به این خودرو داشت، ولی بعد از این که در مسئولیت تدارکات مشغول کار شد و جیپ را به مسئولان جایگزین خود داد در مدت زمان کوتاهی جیپ از کار افتاد و کسی دیگر به آن نرسید و تبدیل به جیپ اسقاطی شد.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرمز شهید

شهید حسین صیادیان مقیدترین فرد نسبت به مسائل شرع و بیت المال بود.

راوی: سردار مجتبی فدا¹

همرمز شهید

شهید حسین صیادیان روحیه بسیار حساسی نسبت به اموال بیت المال داشت، اگر می دید که یک قسمتی از بیت المال بی خودی درگیر و مستهلک می شود، همه تلاش و هم و غم خودش را می گذاشت که نگذارد آن فرسودگی و نابودی انجام شود، هم در کارهایی که داشت و هم در دادن امکانات به رده های مختلف سعی می کرد حداکثر صرفه جویی را رعایت بکند در عین حال که در آن زمان و هم در جاهای مختلف که حضور داشتیم امکانات کم نبود امکانات ما به صورت متوسط ما که برای یک تیپ داشتیم عملیات می کردیم چیزی حدود دو تا تیپ امکانات داشتیم در جبهه ولی باز ایشان صرفه جویی را کاملاً رعایت می کرد و نمی گذاشت اموال به صورت نامناسب مورد استفاده قرار گیرد.

راوی: سردار شهید مجید حاج حاتم

¹ . همرمز شهید و فرمانده گردان کمیل تیپ قدس در دوران دفاع مقدس.

رئیس ستاد تیپ قدس

کتر می دیدم عصبانی شود، مگر جایی که بیت‌المال مخدوش می‌شد ایشان عصبانی می‌شد. ولی در مسائل عادی و جاری هیچ وقت ندیدیم که صدایش بلند شود یا ناراحت و عصبانی شود.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم

رئیس ستاد تیپ قدس

نه از حق یک قدم بیرون نهد گام

نپوید راه باطل آن نکونام

دیوان الهی قمشهای ، ص 59

43. فضیلت اخلاقی : دشمن شناسی

أ) تعریف واژه : باورداشتن وجود دشمن و مطالعه دقیق و شناسایی تعداد و ابزار و راه‌های نفوذ آن‌ها و آمادگی برای مقابله با هجوم و تقویت روحیه دفاعی و ستیزگی و چگونگی مقابله با آن‌ها و فریب‌نخوردن در برابر خدعه دشمن.

ب) آیه : « إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا » ؛^۱

کافران برای شما دشمنی آشکار هستند.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ » ؛^۲

هرکس از دشمن خود غافل شود، دسیسه‌ها او را به خود آورد.

سیمای دشمن شناسی در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان در جلسات تذکر می‌داد که خطبه‌های نماز جمعه را به عنوان مهم‌ترین سخنرانی هفته گوش کنید؛ زیرا معتقد بود که خطبه‌های نماز جمعه در شناخت مسائل مهم سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و در مقوله دشمن شناسی بسیار مفید و ارزشمند است.

ایشان نه تنها دشمن شناس بود، بلکه شیوه مبارزه و پیشگیری از نفوذ دشمنان را هم می‌دانست. در دوران مسئولیت پس از پاکسازی روستا تمام مردم را در مسجد روستا جمع‌آوری می‌کرد و برای آن‌ها صحبت می‌کرد. از اهداف جمهوری اسلامی و حتی برای مردم و بچه‌های روستا بسته بندی‌های آجیل و شیرینی و تصاویری از حضرت امام (ره) تهیه نموده و بین آن‌ها توزیع می‌نمود و این کار اثر فراوانی در آن‌ها داشت.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

¹ .نساء، آیه 101.

² . غررالحکم، ج 1، ح 8672.

گرگ اگر با تو نماید روبہی

ہین مکن باور کہ ناید زو بہی

مثنوی معنوی ، دفتر 6 ، ص 372

بہ جایی نخسبید عقاب دلیر

کہ آبی توان ہستن او را بہ زیر

امثال و حکم ، ج 1 ، ص 4

دانی کہ چہ گفت زال با رستم گُرد

دشمن نتوان حقیر و بی چارہ شمرد

گلستان سعدی ، ص 62

44. فضیلت اخلاقی : شرکت در امور عام‌المنفعه

(أ) تعریف واژه : مشارکت در ساختن مساجد، مدارس، کاشتن درخت و وقف بناهای ماندگار.

(ب) آیه : « تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ » ؛^۱

در امور نیک و گسترش تقوا همکاری داشته باشید، ولی در گناه و ظلم به یکدیگر کمک نکنید.

(ج) حدیث : امام صادق(ع) : « سِنَّةٌ يُلْحَقَنَّ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ: وَلَدٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَخْلُقُهُ وَ ... وَ

سِنَّةٌ يُؤَخِّدُ

بِهَا مِنْ بَعْدِهِ » ؛^۲

شش چیز است که بعد از مرگ ثوابش به مؤمن می‌رسد: فرزندی که دعاگوی او باشد، قرآنی که به یادگار گذارده

و خوانده شود و ... روش نیکی را که پایه‌گذاری نموده باشد و پس از آن به آن عمل کنند.

سیمای شرکت در امور عام‌المنفعه در شهید حسین صیادیان

زمین مخروبه و تقریباً بن‌بستی بود که از آن استفاده‌های نادرستی شبیه محلّ ریختن زباله‌های همسایه‌ها می‌شد.

چون آن موقع من تربیت‌معلم قبول شده بودم و قرار بود معلم شوم، شهید حسین صیادیان یک روز به من گفت که

می‌خواهیم به اتفاق یک‌دیگر خدمت آقای شریفی^۳ معاون اداره آموزش و پرورش برویم.

گفتم: برای چه؟

گفت: تو می‌خواهی معلم شوی. حرف شما را بیشتر می‌خواند. من و شما هر دو شاگرد آقای شریفی بوده‌ایم،

می‌خواهم این زمین را تبدیل به مدرسه کنم (مدرسه شهید خادمپور کنونی) الان کوچه دارد. آن موقع تپه خاکی

عجیبی بود و بن‌بست.

من امروز و فردا می‌کردم. یک روز به من گفت: از ثواب محروم می‌شوی. بیا با هم برویم، اگر نیایی خودم تنهایی

می‌روم.

گفتم: حسین! من و شما که نمی‌توانیم مدرسه بسازیم و آموزش و پرورش هم آن‌چنان کمکی به ما نمی‌کند. در

نهایت با پافشاری ایشان رفتیم پیش آقای شریفی که هر دو ما را می‌شناخت.

^۱ . مانده، آیه 2.

^۲ . من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 185، ح 555.

^۳ . معاون فقیه آموزش و پرورش آران و بیدگل (اوایل انقلاب سال 1359 – 1358).

آقای شریفی گفت: من ده هزار تومانِ اوّل را می‌دهم. شما دست به کار شوید. این بود که وارد کار شدیم، خیلی از بچه‌ها به علّت کمی پول، ما را مسخره می‌کردند. یک روز شهید حسین صیّادیان به من گفت: می‌خواهیم جلسه-ای بگیریم و در خصوص ساخت مدرسه صحبت کنیم.

گفتم: من و تو می‌توانیم این طرف و آن طرف بزنیم، ولی نمی‌توانیم کار بنّایی را انجام بدهیم. نهایتاً تصمیم گرفتیم پای چند نفر دیگر را که می‌توانند کار بکنند وسط میدان بکشیم. روزی به خدمت یکی از بنّاهای جوان رفته، او هم به ما گفت: چون کار خیر است و من شما را دوست دارم وارد عمل می‌شویم و در مدّت سه ماه مدرسه خیلی سریع آماده شد با 90 هزار تومان پولی که آموزش و پرورش به ما داد و حدود 400 الی 500 هزار تومانی که خودمان جمع‌آوری کرده بودیم.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده
همسایه و دوست شهید

کس نیارد، ز پس و پیش فرست

برگ عیشی به گور خود فرست

گلستان سعدی ، ص 19

45. فضیلت اخلاقی : هجرت

أ) تعریف واژه : ترک وطن و شهر و انتقال به محلّه یا شهر دیگر به همراه خانواده و یا به گونه شخصی با هدف تبلیغ دین و یا برای پاسداری از امور دینی و یا دیدار با امام معصوم(ع).

ب) آیه : « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ »^۱؛

کسانی که ایمان آورند و از وطن خود هجرت کنند و در راه خدا جهاد نمایند، اینان منتظر رحمت خدا باشند که خداوند بخشاینده و مهربان است.

ج) حدیث : امام صادق(ع) : « الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ الْخَطَايَا »^۲؛

مهاجر کسی است که از خطاها مهاجرت نماید.

سیمای هجرت در شهید حسین صیّادیان

شهید حسین صیّادیان خانواده‌اش را به سنندج آورده بود و آن‌ها را در خانه‌های سازمانی مقابل سپاه ناحیه کردستان در خیابان آبیدر و زیر کوه آبیدر مستقر کرده بود. در کردستان هم در آن حاشیه شهر، مرتب تیراندازی و درگیری بود و شب‌ها صدای تیراندازی و انفجار به گوش می‌رسید و ایشان گاهی چند روز می‌شد که به جهت حضور در منطقه مأموریت نمی‌توانست به خانواده‌اش رسیدگی و سرکشی کند و با آن وضع ناامنی که در سنندج بود خانواده ایشان در تنهایی و شرایط نامناسب روحی زندگی می‌کردند، شما حساب کنید یک خانم محترمی که از مناطق مرکزی کشور است، هجرت کرده و همراه شوهرش به یک منطقه درگیری که مرتب تیراندازی و انفجار است آمده و هر روز خبر شهادت یکی از همسایگان را از برادرهایی که در منطقه مأموریت حضور داشتند می‌شنید، چه قدر تحمل می‌خواهد.

راوی: سردار مهدی کلیشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

دل از وطن بریدم و از خاندان خویش

کردم جدا هوای تو از دوستان خویش

آواره کرد عشق توأم ز آشیان خویش

من در هوای دوست گذشتم ز جان خویش

در شهر خویش بود مرا دوستان بسی

من داشتم به گلشن خود آشیانه ای

¹ . بقره، آیه 218.

² . کنز العمال، ص 676.

46. فضیلت اخلاقی : مسئولیت پذیری و مدیریت

أ) تعریف واژه : پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی با هدف به‌دست‌آوردن حقوق همگانی و حفظ اموال و شخصیت افراد و جلوگیری از معلق و یا تعطیل شدن احکام الهی با هدف اطاعت از امام زمان (عج) و یا اولی الامر و هم‌چنین به‌جریان‌انداختن امور اجتماعی و احساس مسئولیت در برابر سرمایه‌های انسانی و اسلامی.

ب) آیه : « قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ »^۱

یوسف گفت : مرا به خزینه‌داری مملکت منصوب کن که من امانت‌دار و دانا هستم.

ج) حدیث : رسول‌الله (ص) : « إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ »^۲

هرگاه سه نفر همسفر شدند از میان خود یک نفر را به سالاری برگزینند.

سیمای مسئولیت‌پذیری و مدیریت در شهید حسین صیادیان

یکی از ویژگی‌های شاخص شهید حسین صیادیان که زیاده‌تر از همه بود، مسئله مدیریت عجیب ایشان بود. به‌راستی او یک مدیر و یک مغز تشکیلاتی بود. ساماندهی را در حدّ اعلاّی درجه به صورت‌های مختلف و در مکان‌های مختلف با مسائل جاری وفق می‌داد. در هر واحدی که کار می‌کرد و ما هم با ایشان همکاری بودیم به‌گونه‌ای عمل می‌کرد که این مدیریت بسیار محسوس بود. بارها دیده بودم که ساعت‌ها قبل از خواب فکر می‌کرد و دنبال کار و نقشه‌های خودش بود.

راوی: آقای پیل‌زور
هم‌رمز شهید

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برجسته شهید حسین صیادیان روحیه متعهدانه و توأم با اخلاص ایشان بود. هر کاری را هرچه قدر هم جزئی و هرچه قدر هم کوچک بود با همان دقت کارهای بزرگ تلاش می‌کرد که به نحو احسن و به بهترین وجه انجام دهد و این خودش بر افرادی که در تیپ بودند، تأثیر می‌گذاشت.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

^۱ . یوسف، آیه 55.
^۲ . کنز العمال، ح 17550.

من معمولاً می‌دیدم کارهایی که به شهید حسین صیّادیان واگذار می‌شد به هر ترتیبی بود به نتیجه می‌رسید و این امر ناشی از آن بود که این شهید بزرگوار فردی پیگیر بود و آن قدر دنبال کارها می‌رفت تا به نتیجه مثبت برسد، کاری که در خور توجه جنگ و انقلاب باشد.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

از ویژگی‌های بارز شهید حسین صیّادیان این بود که هرگاه مسئولیتی را می‌پذیرفت، نه تنها خودش ابتدا سعی می‌کرد آن مسئولیت را بشناسد و بعد اقدام به کار کند؛ بلکه افراد جدیدی را که هم به کار می‌گرفت، در آغاز چندین ساعت با او درباره کار و حیطة مسئولیتی او صحبت می‌کرد، آن‌گاه او را به کار می‌گرفت.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی
همرزم شهید

جنگ‌های داخلی در شهر بانه شدت گرفته بود. یکی از گردان‌های درگیر با ضدانقلاب با کمبود مهمات مواجه شد. فرمانده گردان مربوط مدام پشت بی‌سیم با التماس می‌گفت که مهمات نداریم و هر لحظه ممکن است به اسارت دشمن درآییم.

به هر طریقی که شده مهمات به ما برسانید. وضعیت منطقه هم بسیار خطرناک بود. از یک طرف منطقه به وسیله دشمن مین‌گذاری شده بود و برای کسانی که می‌خواستند تردد کنند خطر روی مین‌رفتن بود و از طرفی منطقه، جنگلی و پوشیده از درخت بود که امکان کمین دشمن وجود داشت. تقریباً عبور از چنین منطقه‌ای غیر ممکن می‌نمود. با این شرایط به محض این‌که شهید حسین صیّادیان باخبر شد مهمات رزمندگان تمام شده و امکان اسارت یا به شهادت‌رسیدن آن‌ها وجود دارد، بلافاصله مهمات مورد نیاز را بر پشت سه رأس قاطر سوار کرد و خودش از جلو حرکت کرد و دو نفر دیگر به همراهی قاطرها پشت سر ایشان به راه افتادند و مهمات را به موقع به واحد عمل‌کننده رساندند و گردان را از خطر اسارت نجات دادند.

راوی: سردار مهدی کلیشادی
قائم‌مقام تیپ قدس

بارها فرمانده سپاه سنندج می‌گفت که اشکالی ندارد که ایشان (شهید حسین صیّادیان) در تیپ قدس کار کند، ولی خوب، بعد از آن‌ها هم در سپاه سنندج کار کند و عملاً قبل از این که متوجه بشوم دیدم که شهید حسین صیّادیان در ساعات بی‌کاری هم به تبلیغات ناحیه کردستان کمک می‌کند و هم به تبلیغات سپاه سنندج. همین علت باعث شد که ما از توان وی استفاده کنیم بعد از این که مسئول تبلیغات بود با حفظ مسئولیت تبلیغات، مسئولیت تدارکات تیپ را هم پذیرفت.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

برای خاطر بیچارگان نیاسودن
مقیم گشتن و دامان خود نیالودن
هماره بر صفت و خوی نیک‌افزودن

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست؟
به کاخ دهد که آرایش است بنیادش
همی ز عادت و کردار زشت کم‌کردن

دیوان پروین اعتصامی ، ص 83

47. فضیلت اخلاقی : شهادت طلبی و جهاد در راه خدا

أ) تعریف واژه : آمادگی برای جان فشانی در راه خدا و برپایی نظام حق و عدالت اگرچه به اهدای جان منتهی شود، هم چنین کوشش و حفظ آمادگی برای رفع دشمن به قلب و زبان و مال و جان.

ب) آیه : « وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ »^۱؛

به کسانی که در راه خدا کشته شده اند مردگان نگوئید، بلکه آنان زنده اند ولی شما نمی فهمید.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « اَللّهُمَّ ... فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ »^۲؛

خداوندا! ... شهادت را نصیب ما بفرما.

سیمای شهادت طلبی در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان عشق و علاقه اش به شهادت را به روی من نمی آورد، ولی وقتی شهید علی آزادپور^۳ به شهادت رسید آن شب تا صبح گریه می کرد.

راوی: همسر شهید

من خودم چندین بار خصوصاً وقتی که فشار روی شهید حسین صیادیان بود و در عملیات های مختلف همه ما با آن فشارهای مضاعفی که روی ما بود و از جنبه های مختلف روحیه مان می خواست تضعیف شود، ایشان تنها گرایش برای ارتقای روحیه همین جملات مربوط به شهادت بود که بر لبش بود.

تمایل وی به شهادت واقعاً از آن روز اولی که ایشان را دیدم تا آن روز آخری که با هم بودیم همین طور رشد می کرد و با تغییر مسئولیت ها و فعالیت ها بیشتر می شد، همواره روحیه شهادت طلبی او رو به افزایش و تقویت بود. چندین بار من خودم شنیدم در مسائل خیلی بزرگ می گفت: امیدوارم که حالا دیگر شهید شویم و دیگر با مسائلی که آن قدر بغرنج و مهم است درگیر نباشیم.

راوی: سردار شهید مجید حاج حاتم

رئیس ستاد تیپ قدس

^۱. بقره، آیه ۱۵۴.

^۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱.

^۳. همرزم شهید و قائم مقام طرح و عملیات تیپ قدس و از شهدای دفاع مقدس.

شهید حسین صیّادیان آرزو داشت که مانند مولایش حضرت علی(ع) در نماز به شهادت برسد و همان‌طور که مولای عارفان به ضربه شمشیر به شهادت رسید، او نیز با ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نایل گردد.

راوی: حسن سعدی
همرزم شهید

کردستان منطقه محرومی است.

شهید حسین صیّادیان معتقد بود هر جا که شرایط سخت‌تر است، باید کار بکند. از این‌رو، در روستاهای کردستان می‌رفت تبلیغ می‌کرد و با آن هیئت تبلیغاتی که در اختیار ایشان بود و با استفاده از روحانیون همیشه سعی می‌کرد در جهت بالابردن فرهنگ مردم منطقه کردستان نقش به‌سزایی داشته باشد. می‌گفت: می‌خواهم خون دل بخورم در منطقه و با خون دل هم شهید بشوم. این حرفی بود که ما از لابه‌لای صحبت‌هایش هم آن را می‌فهمیدیم.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی
فرمانده تیپ قدس

هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست!

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست!

که یاد می‌نکند عهد آشتیان ای دوست!

جان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم

کلیات سعدی ، ص 463

خجل از ننگ بضاعت، که سزاوار تو نیست

من سری دارم و در پای تو خواهم بازید

کلیات سعدی ، ص 463

بر فراز مجمر گیتی چو اسفندیم ما

ارتقای ما مسیر می‌شود با سوختن

در میان همگنان بی‌مثل و مانندیم ما

گر نمی‌آید چنین روزی کجا دانند خلق

دیوان فرخی یزدی ، ص 80

تا صلاهی ارجعی بشنید از طبل رحیل

مرغ روح از آشیان تن کند، پرواز تو

دیوان لامع ، ص 466

آن که بدو داد جان، زنده جاوید شد

عمر دو روزینه داد، عمر فراوان گرفت

هر که ز دینش گذشت، لذت عقبی 'چشید

وان که ز عقبی 'گذشت، کام ز جانان گرفت

دیوان فیض کاشانی ، ص 44

48. فضیلت اخلاقی : زمان شناسی و مدیریت زمان

أ) تعریف واژه : دریافت اهمّیت زمانی در سرنوشت زندگی انسان و غنیمت دانستن فرصت‌ها و استفاده از اوقات با توجه به برنامه‌ریزی و اصول مدیریت.

ب) آیه : « أَنْ أَخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ » ؛^۱

ای موسی! برون آور قوم خویش را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی و روزهای خدایی را یادشان بیاور.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « أَلْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ النَّوَابِسُ » ؛^۲

کسی که وقت را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نمی‌گیرد.

سیمای زمان شناسی و مدیریت زمان در شهید حسین صیّادیان

رساندن غذا و مهمّات به علّت این که منطقه کاملاً کوهستانی بود، بسیار سخت بود. آن جا برای اولین بار به دستور شهید حسین صیّادیان گروه‌های قاطر ریزه و چندین رأس قاطر برای حمل مهمّات و غذا برای رزمندگان راه‌اندازی شد. چون قبلاً در اکثر عملیات‌ها از روستاهای مجاور برای ارسال آذوقه و مهمّات، قاطر کرایه می‌کردیم و این برنامه بسیار وقت‌گیر بود و شاید ساعت‌ها می‌بایست چند نفر به روستاهای مجاور رفته، این کار را انجام دهند، تشکیل گروه‌هایی به این عنوان و با این هدف از ابتکارات شهید حسین صیّادیان بود.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

در محورهای عملیاتی وقتی که شهید حسین صیّادیان می‌آمد گویا دیگر یادش نبود که مسئول پشتیبانی است نه تبلیغات. اوایل که آمده بود به عنوان تبلیغات بلندگو را روی ماشین وانت می‌بست و کار خودش را می‌کرد. ولی وقتی پشتیبانی بود وظیفه‌اش را انجام داده بود بچه‌ها را سازماندهی کرده بود، اما خودش را بیشتر تبلیغاتی می‌دانست، لذا بسته‌بندی‌هایی را که از قبل تهیّه کرده بود به بچه‌ها می‌داد یا با «ماموستای»^۳ روستا به بحث و صحبت می‌پرداخت.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

^۱ . ابراهیم، آیه 5.

^۲ . تحف العقول، ص 256.

^۳ . در زبان کردی به معنی معلم، مدرس، استاد و شیخ می‌باشد و به روحانی دینی اهل تسنن کردستان گفته می‌شود.

صبح روز پنجشنبه بود، از شب قبل برنامه‌ریزی کرده بودیم که بعد از صرف صبحانه برویم زیارت حرم مطهر امام رضا(ع). سپس به بازدید یکی از اماکن تاریخی رفته، مجدداً برای ادای فریضه ظهر در مسجد گوهرشاد باشیم و بعد از صرف نهار در منزل و کمی استراحت به درخواست خانواده برای خرید سوغات به بازار رضا(ع) رفته، نماز مغرب و عشا را در حرم مطهر باشیم.

قبل از صرف صبحانه شهید حسین صیادیان مرا صدا زد و از من سوئیچ خواست و گفت: تا شما صبحانه می‌خورید من می‌روم از شخصی کمکی را برای جبهه دریافت کنم، برمی‌گردم. من با توجه به شناختی که از ایشان داشتم خدمتشان عرض کردم: حسین! خانواده برنامه‌ریزی کرده‌اند و دوست دارند که شما با آن‌ها باشی نکند بروی و ما را اسیر کنی.

گفت: نه، سعی می‌کنم زود برگردم. بعد از صرف صبحانه و یکی دو ساعات استراحت هنوز از ایشان خبری نبود، من به خانواده پیشنهاد دادم که ما برویم زیارت، حسین بعداً می‌آید، آن‌ها موافقت نکرده، گفتند: ما صبر می‌کنیم تا او بیاید و باهم برویم.

موقع صرف نهار شد باز هم از ایشان خبری نشد، همگی دلواپس شدند، من می‌دانستم که ایشان همه فکر و ذهنش جبهه است و الان هم دنبال جذب امکانات است و خارج از حال و هوای خانواده است، از این جهت به دروغ گفتم که حسین موقع رفتن به من گفت: ممکن است تا شب نیایم، پس بهتر که ما بعد از نهار به حرم برویم.

خانواده با اکراه پیشنهاد من را پذیرفته، بعد از صرف نهار به زیارت حرم آقا امام هشتم(ع) رفتیم، خانواده منتظر بودند و دلواپس، نشد زیاد در حرم بمانیم، برگشتیم به منزل، من هم نگران و دلواپس از منزل بیرون آمده، در کوچه مشغول قدم‌زدن شدم، یک ساعتی از شب گذشته بود که او پیدا شد تا من را قدم‌زنان در آن حالت دید، پرسید: چه خبر؟

(لازم به توضیح است که چهره حسین جذابیت خاصی داشت تا او را می‌دیدیم همه ناراحتی‌ها را فراموش کرده، یا اصلاً به خود جرئت نمی‌دادی که با او با تندی یا پرخاش صحبت کنی)

با دیدن آن چهره نورانی همه ناراحتی‌ها را فراموش کرده، ملتسانه پرسیدم: کجا بودی؟

چرا همه را اسیر کردی؟

فرمود: رفته بودم امکانات برای رزمندگان تهیه کنم که فرصتی پیش آمد تا با مسئول آستان قدس ملاقاتی

داشته باشم و از این طریق هم بتوانیم در آینده امکاناتی برای جبهه تهیه کنیم.

دیدم اگر امروز این کار را نکنم ممکن است دیگر فرصت پیش نیاید که بحمدالله دیدار خوبی بود، وعده‌هایی هم دادند.

عرض کردم: حسین جان! خانواده به مسافرت و تفریح آمده‌اند، چرا این‌گونه برخورد می‌کنی؟ خیلی خونسردانه و خندان گفت:

اشکالی ندارد از صبح تا به حال شما بچه‌داری کرده‌اید و من رفته‌ام، از حالا به بعد هم شما بروید زیارت، شب جمعه است و دعای کمیل و ... بخوانید من بچه‌داری می‌کنم. از من هم خواست که سریعاً این کار را بکنم، سپس فرمود: تا من وضو می‌گیرم شما سریعاً آن‌ها را ببر تا مرا نبینند که من بیشتر از این خجالت‌زده نشوم. ما هم بچه‌های کوچک را در منزل برای ایشان گذاشتیم رفتیم به زیارت آقا امام هشتم(ع) چه زیارتی!

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

حاصل از حیات ای دل یکدم است نادانی

وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی

دیوان حافظ ، ص 340

که اوقات ضایع مکن تا توانی

وصیت همین است جان برادر

امثال و حکم ، ج 4 ، ص 1891

49. فضیلت اخلاقی : مشورت ، مشارکت و هم‌اندیشی

أ) تعریف واژه : هم‌فکری و ایجاد فضای تفاهم فکری و تحمل نظریات دیگران و ایجاد وحدت رویه عملی و شرکت در امور اجتماعی.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » ؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر پیشه کنید و دعوت به صبر کنید و با یک‌دیگر ارتباط داشته باشید و تقوای الهی پیشه کنید شاید رستگار شوید.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ » ؛^۲

جماعت و یکپارچگی رحمت است و پراکندگی موجب عذاب است.

سیمای مشورت و هم‌اندیشی در شهید حسین صیادیان

هر کاری که می‌خواست انجام دهد به‌تنهایی تصمیم نمی‌گرفت و به‌تنهایی عمل نمی‌کرد. اول در فکرش مطرح می‌کرد که خوب است یا بد و چه نقاط ضعف و قوتی دارد. نقطه ضعفش را برطرف و بعد آن‌ها را پیاده می‌کرد. مشورت و پرس‌وجوی ایشان زبانزد همه بود.

راوی: آقای پیل‌زور

هم‌رمز شهید

تپه خاکی مشرف به خانه همسایگان بود. صاحبان خانه از این‌که از روی تپه خانه آن‌ها دیده می‌شد خیلی ناراحت بودند. شهید حسین صیادیان که به تازگی و رسماً به عنوان معتمد محل انتخاب شده بود متوجه این ناراحتی اهالی شد، به آن‌ها پیشنهاد داد اگر 5 هزار تومان در اختیار من بگذارید من این تپه خاک را از این‌جا برمی‌دارم. بعد از سه ماه نه تنها اثری از خاک و تپه خاکی نبود، بلکه اولین مدرسه مردمی در شهرستان در زمین زیر تپه احداث شده بود.

راوی: پدر شهید

¹. آل عمران، آیه 200.

². کنز العمال، ج 674.

شهید حسین صیّادیان که به مرخصی می آمد در طول چند روزی که این جا بود، خود را موظّف می دانست که باید به دوستان و اقوام سربزند، حتّی اقوام خیلی دور مخصوصاً آنهایی که سنی از آن ها گذشته بود. پیرمردها و پیرزن های فامیل که کمتر کسی به سراغ آن ها می رفت. شهید بزرگوار می گفت اول به دیدن آن ها برویم. یک جعبه شیرینی می خرید و خیلی هم دوست داشت که همه اعضای خانواده دسته جمعی برویم، اگر کسی او را همراهی نمی کرد خودش به تنهایی این کار را انجام می داد، نداشتن همراه مانع از این نمی شد که به دیدار دوست یا فامیل هر چند دور نرود.

راوی: مادر شهید

مشورت کردی که خواهد مر تو را
کشتی مقصد رهد از انقلاب

چون بود "المستشار مؤتمن"
مشورت باشد به هر امری صواب

دیوان لامع ، ص 524

50. فضیلت اخلاقی : الفت با دیگران

أ) تعریف واژه : اتفاق نظر و کمک در تدبیر امور و مدارا و انس و محبت به دیگران.

ب) آیه : « لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ »^۱؛

اگر هرآنچه در روی زمین است خرج می‌کردی، بین دل‌های ایشان آلفت نمی‌افکندی ولی خداوند میان آن‌ها آلفت برقرار کرد.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ الْمُؤَافِقَةِ »^۲؛

بر شما باد پیوند و موافقت با یک‌دیگر.

سیمای الفت با دیگران در شهید حسین صیادیان

در یک شب بارانی با لندرور در خیابان‌های سنندج در حال گشت بودیم که به آقا و خانمی که در کنار خیابان منتظر ماشین بودند، برخوردیم. شهید حسین صیادیان که مشغول رانندگی بود توقف کرد. سؤال کردم: چرا ایستادید؟ می‌خواهید چه کار کنید؟

گفت: می‌خواهم این دو نفر را سوار کنم. کمی ترسیدم که نکند این‌ها ضدانقلاب باشند و نقشه ترور ما را داشته باشند، چون قبلاً چنین اتفاقی افتاده بود. اعتراض کردم. گفتم که این کار خطرناکی است. ممکن است نقشه‌ای داشته باشند. در جواب گفت: اشتباه بعضی‌ها همین است که همه مردم کردستان را ضدانقلاب می‌دانند، در صورتی که ما باید صف مردم را از ضدانقلاب جدا کنیم. سپس ضمن صدور فرمان نظامی مبنی بر مسلح کردن اسلحه و آمادگی دفاعی، امر کرد که بروم صندلی عقب بنشینم تا بتوانم مراقبت و کنترل بیشتری بر اوضاع داشته باشم. آن دو را سوار کرد و با گذشتن از کوچه پس کوچه‌های سنندج آن‌ها را به منزلشان رساند. در بین راه متوجه شدیم که آقا و خانم هر دو پزشک هستند و از مطب برمی‌گردند. این حرکات به لحاظ تبلیغی بزرگ‌ترین تأثیر را به همراه داشت و عامل مهمی در جذب اعتماد مردم کردستان به نظام شد.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی
همرزم شهید

^۱ .انفال، آیه 63.
^۲ .غررالحکم، ج 6152.

در طول مدتی که شهید به مرخصی می‌آمد برای خودش برنامه‌ریزی می‌کرد که در طول ایام مرخصی به خانه تمامی بستگان و آشنایان برود؛ حتی به دیگر افراد خانواده هم تأکید داشت تا به صورت دسته جمعی و گروهی برویم و حتی اکثر افراد خانواده و دوستان همزمان با ایام مرخصی شهید بزرگوار چشم به راه انجام دیدارهای دسته‌جمعی بودند.

راوی: پدر شهید

به خُلق نیک در عالم توانی زندگی کردن
مکرر امتحان کردم که بهر زندگی کردن
که با خُلق نکو رام تو گردد شیر آجامی
به است از تندی و آشفتگی، نرمی و آرامی

دیوان ملک الشعراء بهار ، ص 418

51. فضیلت اخلاقی : امر به معروف و نهی از منکر

أ) تعریف واژه : اهتمام در ترویج نیکی‌ها و امور ارزشمند دینی و اسلامی و ستیز و مبارزه با مفسد عقلی و بازدارندگی افراد از شرّ و تشویق به خیر و نیکی.

ب) آیه : « وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »^۱؛

و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند، اینان رستگار خواهند بود.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ »^۲؛

پایه و پایداری دین، امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی است.

سیمای امر به معروف و نهی از منکر در شهید حسین صیّادیان

زمانی که یکی از نوارهای سخنرانی شهید حسین صیّادیان را ویرایش می‌کردم؛ دیدم که ایشان در آن زمان به مسئله امر به معروف و نهی از منکر در محیط پادگان تذکر می‌دهد و به افراد می‌گوید: همه مسئولید که امر به معروف و نهی از منکر کنید، چه در رابطه با نماز و چه در رابطه با مسائل دینی، همه تذکر دهید.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرمزم شهید

شهید حسین صیّادیان در امور مختلف از آمران به معروف و ناهیان از منکر بود.

راوی: همسر شهید

لیک از مشفق نظیف لطیف

فیما رحمه من الله است

امر به معروف خصلتی است شریف

صفت آن که سالک راه است

سعادت نامه شیخ محمود شبستری ، ص 230

¹ .آل عمران، آیه 104.

² .غررالحکم، ح 6817.

52. فضیلت اخلاقی : اهتمام به امور جامعه

أ) تعریف واژه : تلاش در برآورده کردن نیازها و خواسته‌های مؤمنان.

ب) آیه : « وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ » ؛^۱

زنان و مردان مؤمن همگی یاور همدیگرند.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ » ؛^۲

اگر کسی نیازی از برادران مؤمن خود را برطرف کند، گویا همه روزگار خود را عبادت خداوند کرده است.

سیمای اهتمام به امور جامعه در شهید حسین صیادیان

معمولاً کسانی که در واحد لجستیک کار می‌کنند دیدگاهشان این است که هرچیز و یا وسیله را به هر طریق که می‌توانی جذب کن، ممکن است روزی به کار آید و برای این عمل خود توجیهاتی هم دارند. با توجه به این مطلب زمانی در استانداری (ستاد پشتیبانی) بودم متوجه شدم که مقداری آهن آمده. من هم بلافاصله درخواستی نوشتم با توجیهات فراوان که ما الان نیاز داریم. در نتیجه حواله حدود 50 تن تیرآهن را گرفتم.

خوش حال از این که امروز با دست پُر برگشته‌ام و منتظر تشویق هم بودم. وقتی حواله را برای گرفتن وجه آن به شهید بزرگوار دادم از من پرسید: این‌ها را برای چه گرفته‌ای؟ گفتم: زمانی نیاز می‌شود. فرمود:

مردم گناه دارند. می‌دانی با این مقدار آهن چه مقدار از مشکلات مردم را می‌توان حل کرد؟ ضمن این‌که، این عمل باعث می‌شود که در بازار کمبود ایجاد شود و در آخر هم به من فرمود: حق نداری تا زمانی که نیاز نداریم آهن‌ها را تحویل بگیری.

هر موقع هم که نیاز داشتیم خدا بزرگ است. در امور توکل بر خدا کن حتماً همه چیز فراهم می‌شود.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

در زمان جنگ در شهر ما تاکسی درون‌شهری و یا آژانس وجود نداشت.

ایام برگزاری امتحانات خردادماه بود. با من تماس گرفت و گفت که همسر فلان‌رزمنده به علت بیماری برای

شرکت در امتحانات پایان سال دچار مشکل شده شما یک ماشین پیدا کن و تا هر زمانی که نیاز داشته باشند

¹ .توبه، آیه 71.

² .امالی طوسی، ص 481.

ایشان را به جلسهٔ امتحان برسان و سپس به منزلشان برگردان. موارد زیادی پیش آمد که با من تماس گرفت و این‌گونه موارد را محوّل کرد که از نظر من خیلی بی‌معنا و پردردسر بود؛ غافل از این‌که این نوع برخورد او با نیروها باعث شده بود که تعداد زیادی از رزمندگان با آسودگی خاطر در جبهه بمانند.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

مقرر شده بود که در پادگان هفت تیر سنندج، 3 باب پناهگاه بسازیم، بعد از اتمام کار طرّاحی، ایشان بنده را مسئول پیگیری امکانات قرار داد. وقتی لیست برآورد هزینهٔ پروژه را دیدم، شگفت‌زده گفتم: از کجا می‌خواهیم این همه امکانات را فراهم کنیم با توجّه به این‌که استان پشتیبانی‌کنندهٔ ما (کردستان) استانی محروم و بدون امکانات است؟

با حالت عصبانیت به من فرمود: مگر می‌خواهی از جیب خودت خرج کنی؟ تو وسیله‌ای بیش نیستی! بر خدا توکل کن و کمر همّت را ببند آن موقع می‌بینی که خداوند چگونه خودش وسایل را فراهم می‌کند. اگر غیر از این فکر می‌کنی برو و اعتقادات را تقویت کن.

همین هم شد اصلاً نمی‌دانم امکانات از کجا و چگونه تهیّه شد، حتّی یکی از پناهگاه‌ها به صورت چند منظوره ساخته شد که الان هم از آن استفاده می‌شود و فکر نمی‌کنم از میان آن همه پناهگاهی که در زمان جنگ در این کشور پهناور ساخته شد پناهگاهی باشد که بعد از جنگ هم این‌گونه قابل بهره‌برداری باشد. در دیدار اخیر از منطقه (تابستان 75) دیدم از آن به‌عنوان سالن غذاخوری استفاده می‌کردند.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

تا سال 1365 شهرستان آران و بیدگل تلفن شهری نداشت و برای برقراری ارتباط با جبهه مجبور بودیم ساعت‌ها در مخابرات انتظار بکشیم.

با این وجود، شهید عزیز برایم پیام می‌داد که با من تماس بگیر. با وجود مشغلهٔ زیاد به تصوّر این‌که کار مهمّی دارد بعد از ساعت‌ها انتظار در ادارهٔ مخابرات موفق به تماس شدم. بعد از احوال‌پرسی گفت: برو به منزل فلان کس (از نیروهایی بود که به صورت بسیجی در واحد ایشان کار می‌کرد) و بررسی کن که آیا زن و بچه‌های او خرجی

دارند یا نه و اگر خدای ناکرده مشکلی داشته باشند به هر نحوی که شده مشکل آن‌ها را برطرف کن و اصرار زیاد داشت که مبدا در این مورد سستی شود.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

به خَلق آسایش آرد خویش را رنج
که جوید در خراب خویشتن گنج
تو نیز ای جان! چو مردان وفا خیز
جهان را نوش باش و خویش را نیش

دیوان الهی قمشهای ، ص 62

خواهی که خدای بر تو بخشد
با خَلق خدای کن نیکویی

کَلّیات سعدی ، ص 56

تار و پود عالم هستی به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد
راه بسیار است مردم را به سوی حق و لیک
راه نزدیکش دل مردم به دست آوردن است

دیوان شهریار ، ج 2 ، ص 1168

لیلی که چراغ دیگران بود
رنج خود و گنج دیگران بود

کَلّیات نظامی ، ص 963

53. فضیلت اخلاقی : تکثیر عمل صالح

أ) تعریف واژه : دعوت به انجام کارهایی که خالی از عیب و نقص بوده و مطابق با نظر و رضایت خداوند، امام و حجت زمان است.

ب) آیه : « وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ »^۱ ؛

و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آنان اهل بهشت‌اند و در آن جاودانه خواهند ماند.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « الْعَمَلُ الصَّالِحُ شِعْرُ الْمُؤْمِنِ »^۲ ؛

کار شایسته، شعار انسان مؤمن است.

سیمای عمل صالح در شهید حسین صیادیان

همان انجمن قرائت قرآنی که به اتفاق دوستان و با همراهی و درایت شهید حسین صیادیان تشکیل دادیم باعث امور خیر فراوان دیگر و شاید همان قرائت قرآن باعث تشکیل مجدد مسجد سیدالشهدا(ع) و خرید زمین و کارهای اساسی دیگر اعم از ساخت مدرسه، تشکیل کتابخانه و ... گردید.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده

همسایه و دوست شهید

یک روز به شهید بزرگوار پیشنهاد دادم چرا در جلسه با واحدها که یک جلسه کاری و تخصصی است این قدر آیات و روایات ائمه(ع) را می‌گویی و جلسه را طولانی می‌کنی؟ برو سر اصل مطلب و بگذار بچه‌ها زودتر به سر کارشان بروند. ایشان در جواب گفت: مشکل این است که خدا را فراموش می‌کنیم و گرنه کار نباید با عیب و نقص انجام شود، وقتی که از خدا غافل شدیم کار را به موقع و درست انجام نمی‌دهیم. پس باید همیشه متذکر به ناظر- بودن خدا باشیم.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

زان پیش‌تر که بانگ برآید فلان نماند

خیری کن ای فلان! غنیمت شمار عمر

کتابت سعدی ، ص 38

¹ . بقره، آیه 82.

² . غررالحکم، ح 408.

54. فضیلت اخلاقی : مدیریت روابط اجتماعی

أ) تعریف واژه : ایجاد روابط سالم اجتماعی و حفظ و تقویت آن و مقابله و رویارویی با عوامل مُخلّ روابط اجتماعی و تقویت روحیّه اخلاق جمعی و کار گروهی.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » ؛^۱

ای اهل ایمان! در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مراقب کارهای خود بوده و خداترس باشید، شاید رستگار شوید.

ج) حدیث : رسول الله(ص) : « أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفِرْقَةَ » ؛^۲

ای مردم! به جماعت و یکپارچگی روی آورید و از پراکندگی بپرهیزید.

اخلاق اجتماعی در شهید حسین صیّادیان

یادم هست در منطقه تنگه سر در مدت زمان بیست روزی که بودیم، با مدیریت شهید حسین صیّادیان برای مردم منطقه جلساتی برقرار کردیم، شورا تشکیل دادیم و شناسنامه‌هایشان را جمع کردیم که بعد بیایند سندج کوپن بگیرند و این کارها باعث شد که سال‌ها بعد مردم منطقه از ما رزمندگان به خوبی یاد کنند. پیرو کار تبلیغاتی و فرهنگی که ما می‌کردیم جهاد سازندگی هم جاده‌سازی می‌کرد و کم‌کم فضا تغییر کرد و آن احساسی که در برخی‌ها بود و می‌گفتند: دیگر کردستان امن نمی‌شود، بعد از عملیات‌های نظامی - که از سال 59 شروع شده و در سال 65 پایان یافته بود - تغییر کرد و امنیت کردستان به دست خود مردم داده شد و طبیعتاً دیگر ضدانقلاب در آن جا جایگاهی نداشت.

راوی: سردار محمدباقر کریمی

فرمانده گردان تیپ قدس

در فضای کردستان پشتیبانی صرف نمی‌خواستیم، بلکه فضایی می‌خواستیم که در عین حال که دارد پشتیبانی می‌کند بین مردم و یگانی که می‌آید، بحث تبلیغات هم کار خودش را داشته باشد و عملاً این دو واحد با یکدیگر ترکیب می‌شد هرچند در قالب واحد به خصوصی به وجود نمی‌آمد.

شهید حسین صیّادیان وقتی خودش با چنین روحیه‌ای وارد آمد می‌شد، طبیعتاً نیروهایی با همین روحیه را

¹. آل عمران، آیه 200.

². میزان الحکمه، ح 2434.

جذب می‌کرد. نیرو وقتی بین مردم می‌آمد مثل مردم منطقه عمومی کردستان مستقر می‌شد، ارتباطش با مردم ارتباط تنگاتنگی بود که بحث فرهنگی و تبلیغاتی خودش را هم لازم داشت.

در آن زمان شهید بزرگوار تدبیر لازم را برای انجام این کار داشت. هم از بُعد شخصیتی و فردی و هم از بُعد اثر بخشی سازمانی. اگر سازمانی نگاه کنیم می‌بینیم که به‌شدت نیازمند این کار هستیم که در منطقه کردستان که می‌خواهیم بیاییم همراه با کار نظامی، کار تبلیغاتی و جانداختن نظام نیز انجام شود که این کار به خودی خود پشتیبان نیز می‌خواهد؛ یعنی پشتیبان به صرف این که بیاید تأمین ارزاق بکند، ولی به فکر تأمین امنیت از نظر روحی روانی و اعتقادی نباشد به خودی خود در این مجموعه ضعیف است.

همان‌طور که سابقاً گفتم بُعد فردی - شخصیتی آن بزرگوار به‌شدت حالت عرفانی داشت. در دعاها و مراسم انس بیشتری با مردم داشت و زمانی که دو پست پشتیبانی و تدارکاتی را با هم ترکیب کرد خیلی خوب بود خصوصاً در منطقه کردستان موفقیت خیلی بالایی داشت، اگرچه این فضا در جنوب اثر بخشی‌اش به اندازه غرب نبود، ولی در غرب بسیار مؤثر بود.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

بهترین مدیریت و بهترین مسئول کسی است که انسان را به وظیفه خودش آشنا سازد، وقتی وظیفه‌شناس شدیم آن موقع است که «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ».

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

یاد یاران که کنند از دل و جان یاری هم
غم زدایند ز دل‌های هم از خوش‌خویی
کم کنند از خود و افزونی یاران طلبند
از ره لطف و محبت همه هم را دلجوی
سرشان ز آتش سودای محبت پرشور

باز سر کرده روند از پی غمخواری هم
بهره گیرند ز دانش به مددکاری هم
رنج، راحت شمرند از پی دلداری هم
وز سر مهر و وفا در صدد یاری هم
پای پر آبله در راه طلب کاری هم

مثنوی طاق‌نویس ، ص 261

فصل سوم :

اخلاق اعتقادی

55. فضیلت اخلاقی : انس با احادیث معصومان (علیهم السّلام)

أ) تعریف واژه : نگهداری و ماندگاری جملات زرّین پیشوایان دینی و به‌خاطر سپردن، اندیشیدن، گسترش و اشاعه آن‌ها.

ب) آیه : « وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ »^۱ ؛

پیامبر از روی هوس سخن نمی‌گوید و سخنان او، وحی است.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « اِعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ مِنَّا عَلَىٰ قَدْرِ رَوَايَاتِهِمْ عَنَّا »^۲ ؛

جایگاه و منزلت مردم در نزد ما را، در اندازه روایاتی که از ما نقل می‌کنند بشناسید.

سیمای انس با احادیث معصومان (علیهم السّلام) در شهید حسین صیّادیان

شهید حسین صیّادیان یک فرد قرآنی بود. با قرآن آشنا بود. با حدیث آشنا بود. اهل منبر و پای منبرنشستن و اهل جلسات مذهبی و اهل معرفت دینی بود.

این را از خلال صحبت‌های ایشان در شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌شد درک کرد.

برای هر موقعیتی و برای هر شرایطی و در هر جمعی آیه یا حدیث مرتبط با آن موضوع را در آستین داشت که

آن را بیان و تفسیر کند و همیشه به آیه یا حدیثی از ائمه (علیهم السّلام) استدلال می‌کرد.

راوی: سردار مهدی کلشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

شهید حسین صیّادیان مصرّ بودند که حتماً باید تمامی جلسات با تلاوت آیات نورانی کلام وحی و پس از آن ذکر

حدیثی از ائمه معصوم (علیهم السّلام) آغاز شود.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

اولین زمان آشنایی ما با شهید حسین صیّادیان به این جا برمی‌خورد که ما برای مراحل پذیرش و مصاحبه باید به

اصفهان اعزام می‌شدیم. از کاشان با اتوبوس حرکت کردیم. داخل اتوبوس نشسته بودیم که شهید حسین صیّادیان

بلند شد و گفت: برادرها! حدود سه ساعت در راه هستیم. در این زمان نباید وقت را بی‌خودی تلف کنیم. پیشنهاد

^۱ .نجم، آیه‌های 3 - 4.

^۲ .بحارالانوار، ج 2، ص 150، ح 24.

من این است که من به عنوان اولین فرد بلند می‌شوم و حدیثی می‌گویم و از همه می‌خواهم که بلند شوند و یک حدیث بگویند. ایشان بلند شد و حدیثی گفت و نشست. نفر دومی پیدا نشد و ما بغل دستش بودیم، گفت: شما بلند شو، گفتم: من حالا حدیثی یاد ندارم. همان‌جا حدیثی به من یاد داد و من بلند شدم و داخل اتوبوس آن را بیان نمودم.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی
همرزم شهید

سر بتاب از عمر و زید و قال قال
وآنگهی زی آل او آمد مقال
مر رسول مصطفی را کیست آل؟

علم را از جایگاه او بجوی
قال اوّل جز پیمبر کس نگفت
جز که زهرا و علی و اولادشان

دیوان ناصر خسرو ، ص 73 - 74

56. فضیلت اخلاقی : فرمان‌پذیری و ولایت‌پذیری

أ) تعریف واژه : تسلیم محض در برابر کسی که اطاعت از فرامین و دستورهای او لازم است و اطاعت کامل از فرامین خدا، رسول، اوصیا، پیامبران و

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ » ؛^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و رسول و صاحبان امر اطاعت نمایید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « مَنْ أَطَاعَ إِمَامَهُ فَقَدْ أَطَاعَ رَبَّهُ » ؛^۲

کسی که از امامش اطاعت کند به تحقیق از خداوند اطاعت کرده است.

سیمای ولایت‌پذیری در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان می‌گفت:

امروز، زمانی است که ولیّ فقیه بالاترین سرمایه است و ما تحت امر نایب امام زمان(عج) داریم خدمت می‌کنیم و این جنگ‌ها یک جنگ ناب است.

حقیقتاً جنگ اسلام و کفر است و شک و تردیدی هم در این نیست و در چه زمانی دیگر چنین شرایطی پیش خواهد آمد و در یک جهاد و جنگ نابی که می‌دانیم که یک طرفشان خودمان بر حق هستیم تحت زعامت و رهبری نایب امام زمان(عج) هستیم و طرف مقابل هم دشمنی باطل است و این جنگ مرضیّ خداوند متعال است.

راوی: سردار مهدی کلشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

در سال 64 که تیپ 105 قدس به استان گیلان تحویل شد با شهید حسین صیادیان و شهید علی آزادپور و سایر دوستان تصمیم گرفته بودیم که تسویه حساب کنیم و به جبهه جنوب برویم.

روز بعد شهید حسین صیادیان با فرمانده سپاه ناحیه کردستان سردار دقیقی^۳ ملاقاتی داشت. وقتی برگشت؛

گفتم که چه کنیم؟ به جبهه‌های جنوب برویم؟

ایشان گفت: سردار دقیقی دستور دادند:

¹ . نساء، آیه 59.

² . غررالحکم، ج 5، ح 425.

فعلاً جبهه‌های کردستان به نیروی بیشتری نیاز دارد و باید این‌جا باشیم؛ چون در حال حاضر فرمانده ناحیه چنین دستور داده‌اند اطاعت از ایشان برای ما واجب است و از همان لحظه از تصمیم خود برای رفتن به جبهه جنوب منصرف شد و تا لحظه شهادت در کردستان ماند.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی
همرزم شهید

آنچه از این شهید بزرگوار حسین صیادیان دیده‌ایم و شنیده‌ایم این است که ایشان آن قدر بزرگوار بود که با تمام قوا در خدمت اسلام و قرآن و نیروهای مسلح و مخصوصاً یگان مربوط به خودش بود. در مباحث ولایتی عمدتاً فرمایش‌های حضرت امام(ره) را مدنظر داشت و بخش عمده صحبت‌های ایشان از فرمایش‌های امام(ره) بود.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

چند ماهی بیشتر از شهادت برادر کوچکترش حسن آقا نگذشته بود که یک روز به من گفتم: تصمیم گرفتم پاسدار شوم و از این طریق به جبهه بروم. گفتم: تو که شغل داری، برای خودت مغازه خیاطی و شاگرد داری، بحمدالله کسب و کارت هم که بد نیست، احتیاجی به این کارها نداری.

در جواب گفتم: مگر هر کس بی‌کار است یا احتیاج دارد، به جبهه می‌رود؟ الان انقلاب نیاز به کمک دارد، همه ما وظیفه داریم انقلاب را یاری کنیم و همه در برابر این انقلاب و خون شهدا مسئول هستیم. وقتی که این حرف‌ها را زد، من دیگر حرفی برای گفتن نداشتم. بعد از چند روز مغازه و شغل و درآمد را رها کرد و رفت و عاقبت هم به مقام شهادت رسید.

راوی: پدر شهید

که حل شود به تو هر مشکلی لاینحل

بزن به دامن شوریدگان حق، دستی

ولای آل پیغمبر بود معراج روح من

به حبّل الله مہر اہل بیت است اعتصام من

ز بہر حق شناسان ہرچہ خواہم می شود حاصل

عصا این جا و عصیان را شفیع آن جاست مہر او

بہ جز این آسمان ہا، آسمانی کردہام پیدا

برای نظم ایمان، ریسمانی کردہام پیدا

درون خویشتن گنج نہانی کردہام پیدا

دو عالم گشتہام تا مہربانی کردہام پیدا

دیوان فیض کاشانی ، ص 12

57. فضیلت اخلاقی : توجّه به نماز و اقامه آن به جماعت

أ) تعریف واژه : آمیخته و آموزه‌ای است آسمانی و خویشتن را از بند تعلّقات رسته دانستن و خود را در محضر خداوند یکتا و بی‌نیاز به حساب آوردن.

ب) آیه : « **اقم الصلّاة لذكری** »^۱ ؛

نماز را برای یاد من به پادار.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « **الصلّاة معراج المؤمن** »^۲ ؛

نماز معراج انسان با ایمان است.

سیمای نماز در شهید حسین صیّادیان

شهید حسین صیّادیان به نماز اوّل وقت و تا جایی که مقدور بود به جماعت مقید بود به طوری که اگر دو تا سه نفر بودند می‌خواست که یکی جلو بایستد ولی اکثراً او را به عنوان امام جماعت انتخاب می‌کردند و ایشان هم دیگر اصرار نمی‌کرد و جلو می‌ایستاد و بقیّه هم به او اقتدا می‌کردند.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

شهید حسین صیّادیان برای برگزاری نماز جماعت و مراسم مذهبی در پادگان از همه پیش‌قدم و راسخ‌تر بود و از همه ما می‌خواست که هرطور شده در مراسم مذهبی به‌ویژه نماز جماعت حضوری فعال داشته باشیم.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

در یکی از روزها موقع اذان ظهر من به عنوان این‌که شاید مراجعه‌کننده‌ای داشته باشیم، برای مسجد و نماز جماعت آماده نشدم. ایشان از مأموریت برگشته و جلو دفتر از ماشین پیاده شد بدون این‌که وارد دفتر شود، سریع وضو گرفته، برای نماز اوّل وقت آماده شد. در حین رفتن به سمت مسجد دید که در دفتر باز است.

بدون این‌که وارد شود سر را داخل دفتر آورد و با مشاهده من فرمود که مگر به نماز جماعت نمی‌روی؟

¹ . طه، آیه 14.

² . اصول کافی، ج 2، ص 198.

من با حالت حق به جانب گفتم:

مگر خودتان نفرمودی هیچ وقت در دفتر بسته نباشد، شاید رزمنده‌ای یا دیگری کاری داشته باشد؟ با حالت آمرانه گفت:

وقت نماز را که نگفتم. موقع نماز همه موظف هستند در نماز جماعت اول وقت شرکت کنند و هرکس کاری هم دارد باید بعد از نماز مراجعه نماید، ولی غیر از موقع نماز حق بستن در را ندارید.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

دقیقاً یادم هست که در کلاس ششم ابتدایی که در مدارس نماز جماعت برگزار می‌شد امام جماعت مدرسه، شهید حسین صیّادیان بود.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده
همسایه و دوست شهید

یکی از خصوصیات آنکه از خانواده‌اش یادم هست این که حتی نماز جماعت در خانه را هم ترک نمی‌کرد و در خانواده‌شان نماز را با جماعت می‌خواند که این واقعاً یک درس بود برای ما که تا این حد ایشان به وظایف اعتقادی و عمل به آن اهمیت می‌دهد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

زمانی که با لشکر به دلیل پاتک‌های عراق راهی غرب و جنوب شده بودیم (در غرب بودیم ولی برای کسب اطلاعات به جنوب می‌آمدیم) یادم هست که در یک ماه 4 یا 5 بار یگان راهی غرب و جنوب می‌شد و این جابه‌جایی‌ها و سرویس‌دهی خیلی مشکل بود.

کسی که این کاره است می‌داند چه مشکلاتی وجود دارد، خصوصاً در زمینه پشتیبانی، برای تبلیغات یک روحانی کافی است ولی در زمینه پشتیبانی حمل وسایل به‌شدت مشکل ایجاد می‌کند مخصوصاً در کردستان که به دلیل شرایط اقلیمی و کوهستانی بودن منطقه، کار مضاعف می‌شد.

در جنوب، ماشین وسایل را جابه‌جا می‌کرد، ولی در کردستان برای حمل و نقل در کوه‌ها مجبور به استفاده از

چهارپا (قاطر) بودند و این طبیعتاً کار را مشکل می‌کرد. از طرفی هم در جنوب عمدتاً وضعیّت امنیتی داخلی منطقه خود به خود برقرار بود، ولی در کردستان این امنیّت هم نبود؛ یعنی در معابر و جاده‌هایی که می‌خواستند تردد کنند، احتمال کمین‌خوردن از ناحیه ضدانقلاب وجود داشت و فضایی ایجاد می‌کرد که علاوه بر پشتیبانی، تأمین حفاظت یگان و ستونی که باید جابه‌جا می‌شد نیز مورد نیاز بود. همه این‌ها دست به دست هم می‌داد و کار را مشکل می‌کرد.

با وجود همه این‌ها، ایشان آرامش خاصی داشتند، اکثر اوقات بعد از نماز که بچه‌ها شروع به گفتن از مشکلات می‌کردند، آرامش خاصی در ایشان وجود داشت. من دلیل این آرامش را جز ارتباط تنگاتنگی که با خداوند در نمازها و راز و نیازهایش داشت نمی‌بینم.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

هر کس به محض این‌که صدای اذان را شنید، بلند شود و نماز جماعت برگزار کند. نماز جماعتی که این همه ثواب دارد. بعد از نماز قرآن بخواند، قرآنی که در ارتباط با اهمیّتش این همه اشاره شده است. قرآنی که دشمنان ما این‌طور درصدد نابودی‌اش هستند و روایت داریم در هر اتاقی که صبح صدای قرآن در آن بلند شود در آن اتاق فرشتگان خدا فرود می‌آیند و نور خدا بر آن اتاق می‌تابد و شیاطین و شیطان‌صفتان از آن اتاق فراری می‌شوند و معنویّت و نوری از آن اتاق به‌طرف آسمان متبلور می‌شود که هر شخصی قدرت درک آن را ندارد.

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

قلب مسلم را حج اصغر نماز	لا اله باشد صدف، گوهر نماز
قاتل فحشا و بغی و منکر است	در کف مسلم مثال خنجر است

دیوان اقبال لاهوری، ص 31

گنج ابدی پیروی حق و عبادت
راضی مشو از بندگی‌ات تا نمایی
خواهی به عبادت خللی راه نیابد
هرگز نتوانی که تلافی کنی آن را

مفتاح در خیر نمازی به جماعت
آداب و شرایط همه را نیک رعایت
می‌کن دلت از وسوسه دیو حمایت
گر از تو شود فوت نمازی به جماعت

دیوان فیض کاشانی ، ص 35

در بدن داری اگر سوز حیات

هست معراج مسلمان در صلوات

دیوان اقبال لاهوری ، ص 91

58. فضیلت اخلاقی : گریه ارزشی در عزای اهل بیت (علیهم السلام)

أ) تعریف واژه : حالتی انتخابی و یا گاهی انفعالی است که در شرایط خاص با توجه و انگیزه و اهدافی خاص بر انسان حاکم می‌شود و در پی آن قطرات اشک از چشمان انسان جاری می‌گردد.

ب) آیه : « وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَبُكِيًّا »^۱؛

هرگاه آیات الهی بر آن‌ها خوانده شود گریان به سجده می‌افتند.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ »^۲؛

هرکس در نزد او از ما یاد شود و او بگرید خداوند چهره‌اش را بر آتش حرام می‌کند.

سیمای گریه ارزشی در شهید حسین صیادیان

یکی از کارهای با ارزش و مبتکرانه شهید حسین صیادیان در زمان دارا بودن مسئولیت تبلیغات، راه‌اندازی دسته‌جات عزاداری به‌وسیله رزمندگان در سطح شهر سنندج در ایام محرم و حضور در حسینیه‌های آن شهر بود که به این وسیله سایر مراکز فرهنگی سپاه و ارگان‌ها هم اقدام به این کار نمودند و در ماه محرم، سنندج هم مانند سایر شهرها رنگ و بوی حسینی گرفته بود.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

عاشورای سال 62 یا 63 بود که از من خواستند به اتفاق هم به دیدار یکی از خانواده شهدا - که از ذاکران اهل بیت (علیهم السلام) هم هستند - برویم. وقتی وارد منزل شدیم با محفل مرثیه‌خوان‌های اباعبدالله الحسین (ع) که در آن جا گرد آمده بودند مواجه شدیم.

شهید حسین صیادیان خیلی خوش حال شد. هریک از ذاکران به نوبت چند بیتی در رثای آقا اباعبدالله (ع) خواندند. مجلس حال و هوای خوشی پیدا کرده بود. شهید بزرگوار هم در گوشه‌ای از اتاق نشسته، های و های گریه می‌کرد. به گونه‌ای که چند بار سرم را بلند کرده، به ایشان عرض کردم چه خبرت شده؟ زشت است. کمی آهسته‌تر. به خاطر نحوه گریه ایشان حالت خجالت‌زدگی به من دست داد. به ذهنم رسید که مبادا خضار فکر کنند، ایشان مشکلی دارد که این گونه گریه می‌کند. در حالی که من می‌دانستم که مشکل ایشان مشکل مالی و مادی نیست.

¹ . مریم، آیه 58.

² . کامل‌الزیارات، ص 104.

عشق به امام حسین(ع) بود که او را این گونه به گریه واداشت.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

بگذار دردمند فراق رخ نگار

از درد خویش ناله و آه و فغان کند

دیوان امام خمینی ، ص 101

چو بر حسین بگریی به حشر خندانی

هر آن دو دیده که نگریست سخت مغبون شد

چه آتشی که می جوشد اشکها گویی

که چشمها همه کارون و سینه کانون شد

دیوان شهریار ، ص 1142

آبروی کعبه گر از چشمه زمزم بُود

کعبه دل را صفا از دیده پر نم بُود

دیوان صائب تبریزی ، ص 358

59. فضیلت اخلاقی : عشق به قرآن و تلاوت آن

ا) تعریف واژه : در محضر قرآن بودن و خواندن آیات آن یا برنامه‌ریزی معین و یا در هر فرصت ممکن و تدبیر و تعقل در آیات و معانی آن.

ب) آیه : « فَأَقْرُوا مَا نَيَّسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ » ؛^۱

تا آن جا که می‌توانید قرآن بخوانید.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « أَشْرَفُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ » ؛^۲

برترین و برجسته‌ترین امت من، حاملان قرآن هستند.

سیمای عشق به قرآن و تلاوت آن در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان شخصیتی متین، خونسرد، مقاوم و اهل نماز و دعا بود و اکثراً در جلسات با آیه‌ای از قرآن سخنان خود را شروع می‌کرد.

راوی: حسن سعدی

هم‌رمز شهید

از همان اوایل که من با ایشان آشنا شدم هم‌عقیده و در کنار یک‌دیگر بودیم. کلاس دوم را که خواندیم شهید حسین صیادیان وارد قرائت قرآنی در سرمحله به سرپرستی آقای ناصر عسکری^۳ شد که به نام قرائت جوانان سرمحله معروف بود. اوایل رحل می‌چیدیم و قرآن توزیع می‌کردیم. ایشان ظرف دو یا سه سال قاری قرآن شد. قرآن را خوب تلاوت می‌کرد و گاهی که من در رفتن به جلسات قرآن سستی می‌کردم، ایشان دنبال من می‌آمد و با هم به دعای ندبه، قرائت و ... می‌رفتیم.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده

همسایه و دوست شهید

برای انجام مأموریتی از سنجج به مقصد سقز یا ستون نظامی حرکت کردیم. من با توجه به نوع مسئولیتم (مدیحه‌سرایی) با ماشین شهید حسین صیادیان که مجهز به سیستم صوتی بود کمی زودتر از نیروهای دیگر حرکت

^۱ . مَرْقَل، آیه 20.

^۲ . الخصائص، ج 7، ص 21.

^۳ . سرپرست قرائت قرآن جوانان سرمحله در سال‌های گذشته.

کردیم. وقتی به مقصد مورد نظر رسیدیم، به ناچار باید صبر می‌کردیم تا نیروها برسند. بعد از توقف در کنار جاده، شهید بزرگوار گفت: الان بی‌کار هستیم و خوب نیست وقت را بیهوده هدر دهیم. بلافاصله از داخل ماشین قرآنی را بیرون آورد و فرمود: بیا هر کدام چند آیه بخوانیم و حفظ کنیم تا نیروها برسند.

راوی: محمدتقی نمکی^۱
مداح اهل بیت

امروزه دشمنان ما به عظمت قرآن پی برده‌اند، به واقعیت قرآن پی برده‌اند. درک کرده‌اند که پیامبر فرموده است: «هرگاه فتنه‌ها و آشوب‌ها مانند شب ظلمانی به شما رو می‌آورد به قرآن پناه ببرید». آن‌ها این واقعیت را شناخته‌اند.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در راه‌پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

تنها چیزی که می‌تواند به حیات استعمار در این دنیا خاتمه بدهد و گلوی استعمار را فشار دهد و حتی یک لحظه به آنان حیات ندهد، عمل به قرآن است.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در راه‌پیمایی 22 بهمن، سنندج، سال 62

گرفتاری ما قبل از انقلاب و علت این‌که رژیم ستم‌شاهی محمدرضا پهلوی بر ما مسلط بود، و علت این‌که مستشاران آمریکایی در ایران هرکاری که دلشان می‌خواست می‌کردند، و علت این‌که یک سگ آمریکایی و فرانسوی از یک ارتشبد ارتشی [ایران] ارزش و احترامش بیشتر بود، برای این بود که مردم از قرآن جدا بودند، برای این‌که قرآن را فقط در سر مزارها می‌خواندند. برای این‌که اگر در یک خانه صدای قرآن بلند می‌شد همسایه دیگر اعتراض می‌کرد و می‌گفت: مگر کسی مرده است که شما از صبح قرآن می‌خوانید. جدایی از قرآن، ببینید چه قدر خطرناک است که دشمنان ما چنین برداشتی کرده‌اند و معتقدند با وجود قرآن و عمل مسلمانان به آن ذلت و خواری هرگز برای ما مسلمانان نخواهد بود.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

¹ . از مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) که به وسیله شهید صیادیان به جبهه کردستان اعزام گردیده بود.

ابتدا نماز جماعت برگزار می‌شود و بعد دور هم می‌نشینیم و چند آیه از قرآن را می‌خوانیم. یکی ممکن است بگوید: آقا! من بلد نیستم و یا خجالت می‌کشم. من در پاسخ می‌گویم: ندانستن و نپرسیدن عیب است، ندانستن و پرسیدن که عیب نیست. اگر بلد باشی بلند می‌خوانی، اگر نه تکراری می‌خوانیم تا یاد بگیری. ما افرادی را در واحد خودمان داشتیم که یک کلاس سواد داشتند، ولی حالا قرآن را بدون غلط می‌خوانند و علتش هم این بوده که اگر کسی بگوید: آقا! من سواد ندارم یا بلد نیستم و یا خجالت می‌کشم، این‌ها از صفات زشت بوده و باید کنار گذاشته شود. با یک همت جدی شرکت کنید تا ان شاء الله به امید خدا آن‌هایی که بلد نیستند یاد بگیرند و بعداً به آن عمل کنند تا بتوانیم در کارهایمان موفق باشیم.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

یکی از دوستان ما در همدان می‌گفت: هرکس که می‌خواهد بفهمد آیا به بهشت می‌رود یا نه، ببیند که چه قدر به قرآن عمل می‌کند، میزان، قرآن باشد و این واقعیت را جوانان مسلمان و مبارز لبنان اثبات کردند.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در یوم‌الله 22 بهمن، سنندج، سال 62

قرآنی که در یک‌هزار و چهارصد سال پیش از طرف خداوند برای ما فرستاده شده است و کتاب نجات برای نه فقط متقین، بلکه برای هر فردی است. برای کسانی که بخواهند هدایت شوند، راه نجات را پیدا کنند و در صراط مستقیم باشند. قرآن برای این تیپ افراد راه نجات است.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

آقا! ما می‌خواهیم بدانیم که چه قدر از این کتاب شناخت داریم، بحث خیلی مشکلی باهم نداریم. خیلی خودمانی می‌خواهیم با هم صحبت کنیم؛ ولی قبل از آن می‌دانیم که متأسفانه دشمنان ما بهتر از ما - که مجری قرآن هستیم و باید به آن عمل کنیم - قرآن را شناخته‌اند و بر اساس شناختی که نسبت به قرآن دارند روزبه‌روز بر توطئه‌هایشان علیه قرآن می‌افزایند و در هر کجا حرکتی به وجود بیاید که ببینند منشأ آن قرآن است به هر قیمتی که باشد درصد هستند که آن نهضت را سرکوب کنند... .

یکی از نمایندگان جنایت‌کار فرانسه در مجلس، قرآن را به دست می‌گیرد و فریاد می‌کشد و خطاب به مسئولان

صنایع نظامی می‌گوید: «ای سازندگان صنایع نظامی! بمب نسازید، فکری به حال این بمب بکنید». آن لعنتی، قرآن را بر زمین می‌کوبد و می‌گوید: فکری به حال این بمب بکنید که این قرآن و یک بچه مسلمان در هر کجای دنیا که باشند و آن بچه مسلمان به این کتاب عمل کند انفجاری در دنیا به وجود می‌آید که هیچ چیزی نمی‌تواند جلو این انفجار را بگیرد....

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

علّت این که حکومت دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی سرنگون شد و انقلاب به ثمر رسید و بعد دست تمام جنایت‌کاران رو شد و تمام توطئه‌ها یکی پس از دیگری خنثی شد و جنگ را به لطف خدا با این همه پیروزی به این جا رساندیم فقط این بود که رهبر ما به قرآن عمل می‌کرد و اکنون می‌بینید که آسایش را از تمام دنیا سلب کرده‌است (بگذریم از این مسائل).

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

همسرم! سفارش من در رابطه با خواندن قرآن سوره واقعه را فراموش نکن.

نامه شهید حسین صیّادیان
63/1/15

ز شوق دوست، چون شمع گدازان
به ترتیب و تفکر، روز درایت
هزارن درد جان خویش درمان
صحیفه سرّ سبحان است دریاب
صعود قوسی و قوس صعودی است
همی خوانند نام دلبر خویش
بدین خوش نغمه از دل بر کند آه

همه شب تا سحر آن عشق بازان
کنند اجزای قرآن را تلاوت
کنند از فکر در آیات قرآن
کتاب عشق، قرآن است دریاب
شهود غیبی و غیب شهودی است
خوشا آنان که شب زین دفتر عشق
خوشا آنان که هر شب تا سحرگاه

دیوان الهی قمشهای ، ص 35

دل پر درد را دوا قرآن
حجت اوست لایح و لائق

حديقة الحقیقه سنایی ، ص 171

دل مجروح را شفا قرآن
سخن اوست واضح و واثق

60. فضیلت اخلاقی : ارتباط با مسجد و نماز

أ) تعریف واژه : رفت و آمد و رونق بخشیدن به مساجد و پایگاه‌های الهی، انس، مجالست، عبادت، عمران مساجد و رونق بخشیدن آن.

ب) آیه : « **إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ** »

أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ » ؛^۱

به درستی که تعمیر مساجد خداوند به دست کسانی است که به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و زکات را می‌پردازند و از هیچ کس غیر از خداوند نمی‌هراسند؛ پس شاید آن‌ها از هدایت‌شدگان باشند.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « **عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ** » ؛^۲

بر شما باد به رفتن به مسجد، زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین هستند.

سیمای ارتباط با مسجد در شهید حسین صیادیان

هرجا اردو می‌زدیم و هرجا وارد می‌شدیم شهید حسین صیادیان به دنبال آماده کردن محل نماز و صدا کردن برادرها برای برگزاری یک نماز جماعت باشکوه بود. در محل استقرار تیپ هم این صفت را داشت و نزدیک نماز که می‌شد و موقعی که صدای اذان بلند می‌شد صدای شهید والامقام را در راهرو و در اتاق‌ها می‌شنیدی که فریاد می‌زند: برادرها! از نماز جماعت و مسجد عقب نمانید و همه را به مسجد و نماز جماعت دعوت می‌کرد.

راوی: سردار مهدی کلیشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

در نماز جماعت همیشه ایشان پیش‌تاز بود. قبول کنید این را گزافه‌گویی نکردم. ایشان همیشه قبل از امام جماعت وارد مسجد می‌شد و 10 تا 15 دقیقه یا به تلاوت قرآن مشغول بود یا به تشویق بچه‌ها.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

¹ .توبه، آیه 18.

² . صدوق، امالی، ص 293، ح 8.

از روحيات شهيد حسين صياديان توجه ويژه به مسائل اعتقادي و عقيدتي بود. او توجه خاصي به برگزاري و اقامه نماز و آن هم نماز جماعت و مراسم عبادي و دعا داشت.

راوی: سردار شهيد مجيد حاج حاتم
رئيس ستاد تيب قدس

شهيد صياديان نه تنها خودش در همه شرايط نمازش را به جماعت برپا مي داشت و در همه مراسم ادعيه شرکت مي کرد، بلکه در جمع، همه را ملزم مي کرد که به اين صورت عمل کنند.

راوی: سردار شهيد مجيد حاج حاتم
رئيس ستاد تيب قدس

شهيد حسين صياديان سعی مي کرد نمازشان را در اول وقت و با جماعت و حتي الامکان در مسجد بخواند و از من هم مي خواست که ايشان را همراهي کنم.

راوی: همسر شهيد

من اکثراً ايشان را در مسجد و مراسم مذهبي ملاقات مي کردم. ايشان به شدت در آن زمان مُصرّ به برگزاري نمازها و دعاها بود و در اين زمينه خيلي تلاش مي کرد؛ مثلاً در تأمين روحاني که مي خواست عمدتاً در گردانها حضور داشته باشد به شدت فعال بود، به نوعي مي خواست ارتباط وجود داشته باشد، که وقتي گردانها به مناطق جنگي مي روند روحاني با خود داشته باشند.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تيب قدس

در دوران جنگ به ويژه در مناطق عملياتي نيروهاي بسيجي کمتر به مراسم صبحگاه، پوشيدن پوتين، واکس زدن کفش، گتر کردن شلوار و... توجه داشتند (حدّ اقل در يگان ما اين گونه بود). اما شهيد حسين صياديان روی اين اصول اصرار مي ورزید و خودش اول عامل به آنها بود. مخصوصاً در رابطه با برگزاري مراسم صبحگاه.

در منطقه عملياتي مهران بوديم در حالي که همه بچهها خسته و کوفته و شديدتاً نياز به استراحت داشتند

این‌گونه برخورد او حتی باعث ناراحتی بعضی از دوستان هم شده و گله‌مند بودند. خدمت ایشان عرض کردم: چه اصراری به برگزاری صبحگاه هست آن هم در منطقه عملیاتی که تجمع افراد چندان صلاح نیست...؟ ایشان در جواب فرمود:

برگزاری مراسم صبحگاه محاسن زیادی دارد؛ یکی از آن محاسن که برای من خیلی مهم است این نکته است که بچه‌ها نمازشان را به موقع می‌خوانند و نماز آن‌ها قضا نمی‌شود؛ ولی اگر من به بچه‌ها فشار بیاورم که باید حتماً بلند شوید و نماز بخوانید ممکن است نسبت به نماز بدبین شوند و تأثیر بدی در آن‌ها گذاشته شود و... .

اما وقتی می‌گوییم: این‌جا یک منطقه نظامی است و در پادگان نظامی برگزاری مراسم صبحگاه جزء برنامه است افراد مجبوراند تبعیت کنند و طبیعتاً نماز اول وقت را هم می‌خوانند و خدای ناکرده نماز آن‌ها هم قضا نمی‌شود و بدبینی هم ایجاد نکرده‌ایم.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

سخت‌کوشی از ویژگی‌های بارز ایشان بود. شب و روز، وقت و بی‌وقت به این در و آن در می‌زد؛ چه آن زمان که مسئول تبلیغات بود و چه آن زمان که مسئول تدارکات یا پشتیبانی بود آرام و قرار نداشت، احساس می‌کردم که آرام و قرار ایشان موقعی بود که می‌آمد داخل مسجد، قرآن یا کتاب دعا را برمی‌داشت و به کناری می‌نشست و آن را می‌خواند، بقیه‌اش دیگر این طرف و آن طرف تلاش داشت و فعالیت می‌کرد.

راوی: سردار محمدباقر کریمی
فرمانده گردان تیپ قدس

بزرگ‌ترین نعمت این است که مسجد، نزدیکتان است.

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

گر از تو شود فوت نمازی به جماعت

هرگز نتوانی که تلافی کنی آن را

دیوان فیض کاشانی ، ص 35

61. فضیلت اخلاقی : تشکیل محافل ارزشی

أ) تعریف واژه : مجالست و هم‌نشینی و شرکت در محافلی که ارزش دینی و یا انسانی دارند به‌گونه‌ای که این محافل ارزش‌مند، هدفدار باشند.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ » ؛^۱

ای اهل ایمان! از خدا بترسید و همواره با صادقان و راستگویان باشید.

ج) حدیث : امام رضا(ع) : « مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ » ؛^۲

هرکس در مجلسی که نام و یاد ما در آن زنده است بنشیند، در آن روزی که دل‌ها می‌میرند دل او نمی‌میرد.

سیمای تشکیل محافل ارزشی در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان آنس خاصی با قرآن داشت. مضافاً بر این که علاقه‌مند بود این روحیه را به دیگران اعم از جوانان و نوجوانان نیز منتقل کند. بر این اساس از پول شخصی خود با همکاری سایر جوانان اقدام به خرید تعدادی کلام الله مجید، مفاتیح و رحل به نیت تشکیل انجمن قرائت قرآن و دعای ندبه و توسل نمود و برای این که این تشکیلات پا بگیرد و به صورت هفتگی تداوم یابد ابتدا جلسات را در منزل خودمان برگزار و سپس به صورت دوره‌ای به منزل سایر اهالی منتقل نمود. طبیعت بچه‌ها به‌گونه‌ای بود که دوست داشتند صبح‌ها بعد از نماز معمولاً تا دیر وقت بخواهند که این حالت مانع شرکت بعضی‌ها در جلسات دعای ندبه که صبح روزهای جمعه برگزار می‌شد بود. شهید حسین صیادیان برای غلبه بر این صفت، تعدادی از نوجوانان را - که همگی بعدها به شهادت رسیدند شهیدان اصغری، باغبانی، خادم‌پور، احسان بتولی و ... - مأمور کرده بود که بعد از نماز صبح، در منزل تک تک افراد را زده، آن‌ها را از خواب بیدار کنند و به جلسه بیاورند و یکی دو نفر هم مأمور کرده بود که برای صبحانه، نان و پنیر تهیه کنند که بعد از مراسم دعا صرف شود. بدین ترتیب انجمن قرائت قرآن و دعای ندبه و دعای توسل شکل گرفت و هنوز هم در سطح بسیار گسترده در زمینه‌های کارهای فرهنگی در حال فعالیت است.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

^۱ .توبه، آیه 119.

^۲ . صدوق، امالی، ص 68، ح 4.

شهید حسین صیّادیان بعد از اتمام خدمت سربازی در محله ما یک کارگاه خیاطی دایر کرد. روحیه مردم‌داری و نوع دوستی ایشان عاملی بود که کارگاه تبدیل به محلّ اجتماع جوانان محله که به علت تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها بی‌کار بودند، بشود. شهید بزرگوار جوانان را پشتوانه انقلاب می‌دانست و معتقد بود که این قشر نباید از انقلاب جدا شوند؛ زیرا در آن ایام گروهک منحرف منافقین تمام تلاش خود را برای جذب جوانان و نوجوانان به کار بسته بود. او معتقد بود باید روحیه معنویت را در جوانان تقویت و از اوقات بی‌کاری آن‌ها حداکثر بهره را در جهت اهداف انقلاب برد تا مبدا شیفته شعارهای توخالی گروهک‌ها شوند.

راوی: علی صیّادیان
برادر شهید

روزی یکی از دوستان شهید حسین صیّادیان به ایشان گفت: همه بچه‌های محله برای خودشان جمعی دارند، چرا ما جمع نداشته باشیم؟ (مثلاً ما برای خواندن قرآن می‌رفتیم جلسات قرآن و ادعیه محله‌های دیگر که بسیار شلوغ می‌شد.)

برای قرائت قرآن، بزرگان کمتر به ما توجه می‌کردند.

شهید والامقام به من گفت:

اگر چندین نفر به من کمک کنند قرائت قرآن را شروع می‌کنیم. اولین کاری که کردیم قرار شد هر کدام چند نفر از دوستان خود را به قرائت بیاوریم. ضمن این‌که چون قرآن نداشتیم، قرار شد هر نفر یک قرآن هم بیاورد. اساس بسیاری از کارهای ما اعم از ساخت مدرسه و تأسیس کتاب‌خانه از همین قرائت شروع شد.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده
همسایه و دوست شهید

روحیه فوق‌العاده‌ای برای برگزاری و اقامه نماز و مراسم عبادی و دعا در شهید حسین صیّادیان وجود داشت. هر جا که ما می‌رفتیم گرچه در بعضی موارد با مضیقه جا روبه‌رو بودیم، ولی شهید بزرگوار با سرعت مکان نمازخانه و محلّ دعایی را ایجاد می‌کرد و سعی می‌کرد آن‌جا را به نحو احسن و مرتب نگه دارد که همه به سمت آن‌جا جذب بشوند.

با برنامه‌های مختلفی که دنبال می‌کرد، حتی آن روزهای آخر که مسئولیت تدارکات را هم برعهده داشت، این

جنبه‌ها را همیشه در نظر داشت و به شدت مقید بود که همه را به نحوه‌های مختلف به سمت این مراسم جذب کند.

حالا گاهی با برخوردهای خشک نظامی و انضباطی یا رفتارهای مختلف که نشان می‌داد؛ یا خودش می‌رفت سراغ افراد مختلف و یا جذابیت‌هایی که ایجاد می‌کرد، سعی داشت آن‌ها را مقید کند.

خودش نیز در همه شرایط نمازش را به جماعت برپا می‌داشت و در تمام مراسم ادعیه شرکت می‌کرد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

یکی ممکن است بگوید که من نمازم را نه حالا به جماعت بلکه بعداً خودم می‌خوانم. قرآن را خودم می‌خوانم، احکام را خودم می‌دانم. من دوست ندارم در جمع باشم. آقا! علّت این که این همه روی اجتماع و روی تجمع تأکید کرده‌اند، فقط برای بهره‌برداری صحیح از یک‌دیگر است، نه این که فقط فکر کنید این نماز جماعت ما فقط به خاطر حضور صرف شما این همه ثواب دارد یا در این جلسه ما حضور یکایک شما این قدر مؤثر باشد، نه آن نتیجه و بهره‌برداری که از یک‌دیگر می‌شود این، آن ارزش را دارد که بستگی به اجتماع ما دارد و آن اجتماع هم، دور هم جمع شدن و شرکت در مجالس و محافل و نماز جماعت است.

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

در ارتباط با اهمّیت جماعت یک روایت خدمت برادرهای عزیز نقل کنم و مسائل را جمع کنم.
هرکس دوست دارد در دل بهشت سکونت بگیرد با جماعت باشد. علّت این که اسلام این همه بر اتحاد و انسجام تکیه می‌کند، این است که هستی ما از این‌هاست.

هستی ما از خوب بودن با یک‌دیگر، دور هم جمع بودن و از هم‌دیگر استفاده کردن است. هرکس دوست دارد در روز قیامت در دل بهشت جا داشته باشد، باید در دنیا هم در جماعت باشد، دنیا مزرعه آخرت است.
انسان باید در این دنیا کار کند و زحمت بکشد و فعالیت کند تا در آن دنیا بتواند بهره‌اش را ببرد.

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

آقا! این نماز جماعتی که این همه با ارزش است و تا این حد به ما نزدیک است و ما روایت داریم که اگر شخصی صدای اذان را بشنود و در آن شرکت نکند، پیغمبر(ص) می‌فرماید که از ما نیست.

آقا جان! نمی‌توانیم و نباید این گفته‌ها را شوخی به حساب بیاوریم. آقا! سعی کنید یک کمی به این گفته‌ها یقین پیدا کنید. چرا دستت را توی برق نمی‌زنی؟ چون یقین داری اگر بزنی می‌گشادت. چرا سم نمی‌خوری؟ چون یقین داری اگر بخوری از دنیا می‌روی.

آقا جان! کمی به مرگ یقین داشته باشید. آیا کسی می‌تواند اطمینان بدهد که تا لحظه دیگر زنده است؟ نمی‌شود اعتماد کرد. آدمی به یک دم بند است. این است که برادرها سعی کنند موقعیت خودشان را درک کنند و بدانند تنها چیزی که می‌تواند در خودگردانی و اداره خود در چارچوب اسلام به ما کمک کند، شرکت در همین مجالس و محافل و خواندن دعا و نماز جماعت و خواندن قرآن و عمل به احکام است.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

اجتماع دوستان یکدلیم آمد به یاد

سر به هم آورده دیدم برگ‌های غنچه را

دیوان صائب تبریزی ، ص 16

62. فضیلت اخلاقی : ذکر نام و یاد خدا و توجّه به دعا و مناجات

أ) تعریف واژه : حضور یاد خدا در دل و جان و نام خدا بر زبان جاری ساختن و روی آوردن به ادعیه.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا »^۱؛

ای مؤمنان! خداوند را بسیار یاد کنید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « اَلذِّكْرُ مُجَالِسَةُ الْمَحْبُوبِ »^۲؛

ذکر خدا، نشستن با محبوب است.

سیمای ذکر و یاد خدا در شهید حسین صیّادیان

شهید حسین صیّادیان در شبهای سرد زمستان بانه از خواب برمی خاست و در میان برفها می ایستاد و ساعتها

به راز و نیاز با خداوند مشغول می گشت.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

برادران عزیز! در نظر داشته باشیم که نباید خدا را فراموش کرد. دعا سلاح مؤمن است. پس محکم به ریسمان

خدا چنگ بزنیم و با دعاها به حول و قوّه الهی به حرکت خودمان ادامه دهیم.

سخنرانی شهید حسین صیّادیان

در راهپیمایی 22 بهمن ، سنندج، سال 62

یادم می آید قبل از عقد یکی از وابستگان استخاره کردند برای ازدواج با شهید حسین صیّادیان، می گفت: آیه صبر

آمده است و این صبر را به دور بودن شهید حسین صیّادیان از شهر و دیار خود توجیه کردند.

راوی: همسر شهید

شهید حسین صیّادیان همیشه کارهایش با بسم الله و یاد خدا شروع می شد.

به محض این که سوار اتوبوس می شدیم می فرمود: سه مرتبه صلوات و سه مرتبه آیه الکرسی را بخوانید که اینها ما

را در مقابل حوادث محفوظ نگه می دارد.

¹. احزاب، آیه 41.

². غرر الحکم، ح 362.

و همیشه در ابتدای سخنرانی در مسجد می‌گفت: سه مرتبه صلوات بفرستید، ولی چون با لهجهٔ آرانی می‌گفت همه تعجب می‌کردند و می‌گفتند: مگر ما وقت داریم صد بار صلوات بفرستیم.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی
همرمزم شهید

یکی از چیزهای خوبی که از شهید حسین صیّادیان به یادگار دارم این است که مرا سفارش کرد که وقتی می‌خواهی سوار ماشین شوی و به مسافرت بروی، چهار قُل و آیه‌الکرسی را تلاوت کن و بنده هم در اجرای این سفارش در طی مأموریتی که به استان گیلان داشتم آیه‌الکرسی را حفظ کردم و هنوز هم از آن بهره می‌برم و از این شهید یاد می‌کنم.

راوی: محمد نقویان
همرمزم شهید

خوشا به حال آن افرادی که قبل از اذان صبح، شب‌زنده‌داری می‌کنند و با خدای خودشان راز و نیاز می‌کنند و تنها چیزی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند مستحبات است، واجبات که وظیفهٔ همه است. نماز، روزه و حتی هنگامی که جهاد لازم می‌شود وظیفه است. زمانی که هجرت لازم است باز هم وظیفه است. این‌ها همه‌اش وظیفه است؛ مثل هوایی که ما وظیفه‌مان است تنفس کنیم چه بخواهیم و چه نخواهیم مجبوریم هوا را تنفس کنیم. یا بالفرض غذا، یک شخص تا چه وقت می‌تواند غذا نخورد، غذا خوردن جزو وظایفش است. این واجبات، این نماز پنج‌گانه، این روزه، این هجرت، این جهاد همه وظیفه است؛ اما تنها چیزی که انسان را بیش از پیش به خدا نزدیک می‌کند، انجام‌دادن مستحبات و ترک مکروهات است. خوشا به حال کسانی که قبل از نماز با معبودشان رابطه دارند. از آن‌ها التماس دعا داریم.

سخنرانی شهید حسین صیّادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

برادرها باید بیشتر دقت کنید و بدانید که اصل و اساس انقلاب ما معنویت است و تمام پیروزی‌هایی که در این 5 سال انقلاب و 4 سال جنگ به‌دست آورده‌ایم فقط و فقط در معنویتی بوده که بچه‌های ما داشته‌اند. این معنویت

باید انقلاب را بسپارد به صاحب اصلی اش آقا امام زمان (عج). این است برادرها دقت کنند و بیش از پیش به خودشان برسند و موقعیت و شخصیت و اهمیت خودشان را زیر سؤال نبرند.

سخنرانی شهید حسین صیادیان
در جمع انتظامات تیپ قدس، سال 61

برگزاری مراسم مختلف ادعیه اعم از دعای کمیل، ندبه، توسل، تعقیبات نماز و ... از مسائلی بود که شهید حسین صیادیان بسیار به آن توجه می کرد.

راوی: آقای پیلزور
همرمز شهید

شهید حسین صیادیان در تمامی مراسم ادعیه شرکت و دیگران را نیز به شرکت در این مراسم دعوت می نمود .

راوی: سردار شهید مجید حاج حاتم
رئیس ستاد تیپ قدس

برای من بسیار تعجب آور بود که شهید حسین صیادیان در اوج خستگی، دعا و نیایش را بر استراحت ترجیح می داد.
راوی: علی صیادیان
برادر شهید

دعا و مناجات برای شهید حسین صیادیان بسیار با اهمیت بود و در مواقعی که در منطقه نبود بعضی شبهای جمعه به اتفاق یکدیگر به دعای کمیل می رفتیم.

راوی: همسر شهید

شهید حسین صیادیان بین نماز و یا در پایان جلسات می گفت: سه تا صلوات بفرستید، کلمه سه را با لهجه غلیظ محلی به گونه ای تلفظ می کرد که شنونده تصور می کرد که می گوید: صد تا، فوراً همه با حالت تعجب می گفتند: صد

تا؟!

راوی: سردار مجتبی فدا
همرمز شهید

دلا بردار از لب مُهر خاموشی و با دلبر

سخن آغاز کن هنگام عرض مطلب است امشب

دیوان هاتف اصفهانی ، ص 78

ای که کام دو جهان را ز خدا می طلبی
غافل از مور مشو گرچه سلیمان شده ای

هر دو موقوف به یک آه سحرگاه بود
که ز هر ذره، به درگاه خدا راه بود

دیوان صائب تبریزی ، ص 357

من و یاد خدا دگر همه هیچ
شمع بیگانه پرتوی ندهد
حدم بس بود دگر همه پوچ
روی دل سوی قبله درویش
باده مصطفی ای حق چو رسد
به مناجاتش ار شبی گذرد
در دل شب چو شمع گریه و سوز
بی نیازی ز خلق و صحبت امن
فیض را بس پس از نبی و علی

بندگی و فنا دگر همه هیچ
من و آن آشنا دگر همه هیچ
صحبت با خدا دگر همه هیچ
مست جام لقا دگر همه هیچ
از کف مرتضی دگر همه هیچ
بس بود آن مرا دگر همه هیچ
طاعت بی ریا دگر همه هیچ
دوری از ماسوا دگر همه هیچ
یازده پیشوا دگر همه هیچ

دیوان فیض کاشانی ، ص 73

63. فضیلت اخلاقی : دوستی محمد(ص) و آل محمد (علیهم السّلام)

أ) تعریف واژه : میل قلبی و عشق به محمد(ص) و خاندان مطهر ایشان (علیهم السّلام).

ب) آیه : « قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ »^۱ ؛

بگو من در برابر رسالتم از شما هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی با اهل بیتم.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ »^۲ ؛

بنیاد اسلام محبت ما اهل بیت است.

سیمای دوستی اهل بیت(ع) در شهید حسین صیّادیان

در سال 63 شب عاشورا بود. در حسینیه سنندج عزاداری می‌کردیم. برادری داشت مصیبت می‌خواند. دیدم که شهید حسین صیّادیان جسمش آن‌جاست و مشخص بود که فکرش جای دیگر است و این موضوع را از ظاهرش می‌توانست فهمید. یک دفعه بلند شد با صدای بلند آقایش را صدا زد و شروع کرد به سینه‌زدن و بر سرکوفتن و در پی او همه بلند شدند و شور عجیبی آن مجلس را فراگرفت و به‌راستی که او دوست‌دار این خاندان بود و به همه آن‌ها عشق می‌ورزید و دستورات آن‌ها را آویزه گوش خود کرده بود.

راوی: آقای پیل‌زور

هم‌رمز شهید

شهید حسین صیّادیان گاهی اوقات در منزل خود جلسه روضه‌خوانی برپا می‌کرد. خودش خیلی زحمت می‌کشید و به ما که دوستان او بودیم توصیه می‌کرد که شما زودتر بیایید و کمک کنید.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده

همسایه و دوست شهید

یکی از ویژگی‌های برجسته شهید حسین صیّادیان این بود که همیشه تلاش می‌کرد زندگی‌اش را با الگوبرداری از ائمه معصوم (علیهم السّلام) به‌ویژه امام حسین(ع) و با تأسی از نهضت عاشورا پیش ببرد.

راوی: همسر شهید

¹. شوری، آیه 23.

². امالی طوسی، ص 84، ح 126.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برجسته شهید حسین صیادیان این بود که سرآغاز تمامی جلسات را با آیه و حدیثی از اهل بیت (علیهم‌السلام) آغاز می‌کرد و از همه افراد حاضر در جلسه قرائت تقاضا می‌کرد هر کدام یک آیه یا یک حدیث تلاوت نمایند.

وقتی یک روز جمعه با عده زیادی به منزل ایشان برای مهمانی رفته بودیم پس از صرف نهار گفت: از وقت استفاده کنیم هر نفر یک حدیث بگوید، همه حدیث می‌گفتیم نوبت به یکی از دوستان رسید ایشان گفت: من حدیث بلد نیستم، شهید بزرگوار گفت: « **النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ** » را بلدی بگو، ایشان هم این حدیث را گفت و برای تمام جلسات، آن رزمنده فقط همین حدیث را می‌گفت.

راوی: سرهنگ حسین حاجی‌حسینی
همرزم شهید

همسرم! این نامه را روز تولد امام حسن (ع) در اردوگاه انصارالحسین مستقر در پادگان سقز برای شما می‌نویسم.
انشاءالله که خداوند ما را جزء یاوران واقعی امام حسن (ع) قرار دهد.

نامه شهید حسین صیادیان
63/3/25

ولای آل پیغمبر بود معراج روح من	به جز این آسمان‌ها، آسمانی کرده‌ام پیدا
به حب‌الله مهر اهل بیت است اعتصام من	برای نظم ایمان، ریسمانی کرده‌ام پیدا
ز مهر حق شناسان هر چه می‌خواهم شود حاصل	درون خویشتن گنج نهانی کرده‌ام پیدا
سخن‌های امیرالمؤمنین دل می‌برد از من	ز اسرار حقایق دلستانی کرده‌ام پیدا
به خاک درگه آل نبی پی برده‌ام چون فیض	برای خود ز جنت، آسمانی کرده‌ام پیدا

دیوان فیض کاشانی ، ص 12

64. فضیلت اخلاقی : یاد شهدا و کرامات آن‌ها

أ) تعریف واژه : فراموش نکردن اهل جنگ با کفار و زیارت فراوان آن‌ها و کسب معرفت از مزار و ارواح مطهر آن‌ها.

ب) آیه : « وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ »^۱ ؛

و هرگز نپندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و در جوار رحمت حق تعالی روزی می‌خورند.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيُزِرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا »^۲ ؛

هرکس قادر به زیارت ما نیست دوستان صالح ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته شود.

سیمای یاد شهدا و کرامات آن‌ها در شهید حسین صیادیان

یادم هست در اولین شبی که به اتفاق همسرش به زندگی مشترک پای نهادند، مردم جلو در منزل او جمع شده، سراغ شهید حسین صیادیان و همسرش را گرفتند. ایشان گویا از قبل با همسرش قرار گذاشته بود که وقتی از خانه پدر همسرش به قصد خانه خود حرکت کند، اول به گلزار شهدا در محمّد هلال (ع) رفته، در آن جا پیمان‌هایی را با امامزاده و شهدا ببندند و بعد وارد زندگی مشترک خویش شوند.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده
همسایه و دوست شهید

شهید حسین صیادیان نسبت به شهدا ارادت خاصی داشت تا جایی که در یکی از نامه‌ها درخواست کرده بود که عکس تمام شهدای محله را برایش بفرستم و در مورد تأثیر آن این‌گونه نوشته بود: «من موقعی که نگاهم به عکس شهدا می‌افتد خستگی‌ام رفع می‌شود و دوباره از نو روحیه می‌گیرم».

راوی: علی صیادیان
برادر شهید

^۱. آل عمران، آیه ۱۶۹.
^۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۴، ح ۲۹.

شهید حسین صیّادیان برای خانواده شهدا احترام خاصی قائل بود و بعضاً با هم‌دیگر به دیدار خانواده شهدا می‌رفتیم و وقتی هم که به آران و بیدگل می‌آمد تا آن‌جا که امکان داشت و وقت اجازه می‌داد به بعضی از خانواده شهدا حتماً یک سری می‌زد.

راوی: همسر شهید

در ابتدای جنگ واحدی به نام تعاون وجود نداشت، ولی ایشان برنامه بازدید از خانواده شهدا را در واحد تبلیغات راه‌اندازی نمود، هر ماه به چندین خانواده شهید در سایر شهرستان‌ها سرکشی می‌کرد و مشکلات آن‌ها را رفع می‌نمود و لوح یادبود خاصی نیز از طرف تیپ طراحی و هنگام سرکشی و دیدار با خانواده شهید به آن‌ها تقدیم می‌نمود.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

من موقعی که نگاهم به عکس شهدا می‌خورد خستگی‌ام رفع می‌شود و دوباره از نو روحیه کار کردن می‌گیرم.

نامه شهید حسین صیّادیان

61/10/17

پدرجان و مادرجان! گاهی شب‌ها به منزل حاجی حسن بتولی و حاجی آقا رضا مسجدی و عربیان و حاجی آقا رضا باغبانی بروید و آن‌ها را تنها نگذارید و با هم باشید تا احساس تنهایی نکنند به‌خصوص حاجی حسن بتولی و سلام من را به یک‌یک آن‌ها برسانید.

نامه شهید حسین صیّادیان

علی‌آقا جان! به خانواده سفارش کن که بعضی از شب‌ها با خانواده به خانه حاجی حسن بتولی بروید و او را تنها نگذارید و سلام مرا به او برسانید تا احساس تنهایی و ضعف نکند.

نامه شهید حسین صیّادیان

61/9/13

کراماتی از شهید حسین صیّادیان

دختر کوچکم 6 ماهه بود که صورتش از ناحیه زیر چشم راست دچار زخم شده بود، من خیلی نگران بودم که نکند زخم به صورت دایمی باشد. هرچه پماد بتامنازون روی زخم می‌مالیدم، کمی بهتر می‌شد ولیکن بعد از چند روز زخم مجدداً عود می‌کرد، خیلی ناراحت بودم.

شبى با ناراحتی خوابیدم. در عالم رؤیا شهید حسین صیّادیان وارد اتاق شد پس از احوال‌پرسی، دختر بچه را بغل کرد، گفت: ناراحتی‌اش چیست؟

گفتم: نمی‌دانم، مدتی است صورتش زخم شده، می‌ترسم هرگز بهبود نیابد و این زخم به صورت دایمی باشد. گفت: کجای صورت؟ با دست محلّ زخم را اشاره کردم. با انگشت شست روی محلّ زخم و اطراف آن را لمس کرد و گفت که این چیزی نیست، هیچ مشکلی ندارد.

صبح که از خواب بیدار شدم هیچ اثری از زخم روی صورتش ندیدم مهم‌تر این که گاهی اوقات لگه‌های قرمز رنگی روی بعضی از قسمت‌های صورتش به ویژه پیشانی مشاهده می‌شود، ولیکن آن قسمت‌هایی را که شهید با دست لمس کردند هیچ لگه‌ای یا جوش مشاهده نمی‌شود.

راوی: یکی از بستگان شهید

برای عملیات کربلای 5 آماده می‌شدیم.

شب قبل از عملیات در عالم خواب شهید حسین صیّادیان را دیدم که با حالت عصبانیت به طرف من آمد و گفت که چرا بچه‌ها این‌جا تجمع کرده‌اند؟ تک‌تک دوستان را نام برد و گفت: بگو بروند فلان‌جا (داخل سنگر، کانال و ...) مگر نمی‌دانید این‌جا منطقه جنگی است و هر لحظه گلوله منفجر می‌شود.

پاسی از شب گذشته بود که بچه‌ها توسط فرماندهی نسبت به عملیات توجیه شدند و با هم روبوسی کردند و از یک‌دیگر حلالیت می‌طلبیدند. من هم داشتم با عده‌ای از دوستان مزاح می‌کردم.

شادابی عجیبی ناشی از شرکت در عملیات بر ما حاکم بود، بعضی‌ها از خوش‌حالی گریه می‌کردند و به انتظار شهادت، عده‌ای هم مرگ را به مسخره گرفته بودند و بر سستی دنیا می‌خندیدند.

ما هم خیلی خوش‌حال و خندان بودیم. در یک لحظه، خواب شب گذشته و آن قیافه جدی و فریاد آمرانه و دلسوزانه شهید بزرگوار که به من امر می‌کرد: بچه‌ها را متفرق کن و هر کدام را به جای امنی هدایت کن، در ذهنم

مجسم شد، در یک لحظه غم تمام وجودم را فرا گرفت؛ به طوری که بچه‌ها از چهره‌ام متوجه و شگفت‌زده شدند.

ناخودآگاه فریاد کشیدم: سریعاً متفرق شوید... . احدی حق ندارد در این محوطه بماند.

سریعاً بچه‌هایی را که دم دستم بودند به اصرار به داخل سنگرها هدایت کردم و خودم به‌عنوان آخرین و

دوازدهمین نفر به زور داخل سنگری شدم که شاید حدود یک متر ارتفاع و 2 متر عرض و پهنا داشت.

هنوز درست ننشسته بودم که صدای انفجار مهیبی منطقه را لرزاند.

سریعاً بیرون پریده مواجه با پیکرهای بی‌سر و دست و پایی شدم که کمی دورتر از ما در کنار تانکر آب در حال

وضوگرفتن به دیدار معبود خود شتافته بودند و من در آن موقع متوجه حضور آن‌ها نشده بودم.

راوی: حسن سعدی

همرزم شهید

اندوه که اندوه‌گساران همه رفتند

تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند

شو یار سفر بند که یاران همه رفتند

افسوس که افسانه‌سرایان همه رفتند

یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران

دعوی چه کنی، داعیه‌داران همه رفتند

دیوان ملک الشعراء بهار ، ص 123

پیچید بساط نوبهارانم را

می‌بارمشان گوهر بارانم را

سیل آمد و در ربود یارانم را

من از سر خاکشان بچشم ابر بهار

دیوان شهریار ، ص 1162

65. فضیلت اخلاقی : انتظار

أ) تعریف واژه : چشم به راه آخرین حجت الهی بودن و احساس نیاز به وجود او جهت حل مشکلات معنوی و مادی و حل معضلات بزرگ جوامع اسلامی.

ب) آیه : « بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ »^۱ ؛

بقیه‌الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ »^۲ ؛

برترین اعمال امت من انتظار فرج از خداوند عزیز و جلیل است.

سیمای انتظار در شهید حسین صیادیان

ان‌شاءالله که همگی بتوانیم توفیق حاصل کنیم و از مولای متقیان(ع) درس بگیریم و نگاه و عنایت حضرت مهدی(عج) را با خود داشته باشیم.

سخنرانی شهید حسین صیادیان

حضور شهید حسین صیادیان در واحد تدارکات باعث نشد که وی بخش‌های فرهنگی و اعتقادی را فراموش کند. سعی می‌کرد همه را با ائمه هدی^۱ و فلسفه انتظار حضرت مهدی(عج) آشنا سازد.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت‌المقدس

شهید حسین صیادیان صبح جمعه‌ها خود و دوستانش را مقید به برگزاری دعای ندبه می‌دانست.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

^۱. هود، آیه 86.

^۲. بحارالانوار، ج 52، ص 128، ح 12.

مصدر هر هشت گردون مبدأ هر خلقت اختر

خالق هر شش جهت، نور دل هر پنج مصدر

والی هر چار عنصر، حکمران هر سه دفتر

پادشاه هر دو عالم، حجّت یکتای اکبر

آن که جودش شهره نه آسمان بل لامکان شد

دیوان اشعار امام خمینی ، ص 375

صف بیارایید رندان، رهبر دل آمده

جان برای دیدنش منزل به منزل آمده

بانگ زن در جمع خفاشان پست کوردل

از ورای کوهساران شمس کامل آمده

باز گو اهریمنان را بار عشرت بار بست

زندگی بر کامتان زهر هلاهل آمده

دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین

با دم عیسی برای حل مشکل آمده

دیوان اشعار امام خمینی ، ص 178

فصل چهارم :

اخلاق اقتصادی

66. فضیلت اخلاقی : میانه‌روی

أ) تعریف واژه : برگزیدن راه میانه و پرهیز از تندروی و کندروی.

ب) آیه : « وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ » ؛^۱

و این‌گونه شما را از امت میانه‌رو و معتدل و آراسته به اخلاق میانه‌روی قرار دادیم تا گواه مردم باشید.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « الْمُؤْمِنُ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ » ؛^۲

مؤمن شیوه‌اش میانه‌روی است و راه پیمودن او راه رشد است.

سیمای میانه‌روی در شهید حسین صیادیان

یکی از صفاتی که شهید بزرگوار حسین صیادیان داشتند این بود که «مشیهم الاقتصاد» بود که یکی از صفات مؤمنان است. در زندگی میانه‌رو بود. هیچ وقت چیزی بیش از حد خرج خودش نمی‌کرد. وضعیت سادگی او در برخوردها و در رفت و آمدهای خانوادگی کاملاً مشهود بود. سعی نمی‌کرد خودش را مطرح کند.

راوی: سردار مهدی کلیشادی

قائم‌مقام تیپ قدس

می‌توان گفت یک مشکل عمده‌ای که در همه تدارکات‌ها وجود داشت این بود که تلاش زیاد و عمل‌گرایی افراد باعث می‌شد که روحیه معنویت در آن‌ها تا حدی کم شود که این جنبه را شهید حسین صیادیان قوی و شدید با آن برخورد می‌کرد؛ یعنی ایشان با حضور در تدارکات، در آن قسمت عمل‌گرایانه‌اش محدود نشده بود که بخش‌های فرهنگی را فراموش بکند بلکه با همان امکاناتی که داشت اقدامات تبلیغی را نیز تقویت می‌کرد. در ضمن در میان پرسنل تدارکات هم تلاش می‌کرد که روحیه معنوی آن‌ها را رشد دهد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم

رئیس ستاد تیپ قدس

^۱ . بقره، آیه ۱۴۳.

^۲ . غررالحکم، ج ۱۵۰۱.

میانه گزین در همه کار کرد

به پیوستگی هم به ننگ و نبرد

شاهنامه فردوسی ، ص 499

میانه کار باش ای پسر کمال بجوی

که مه تمام نشد جز ز بهر نقصان را

دیوان ناصر خسرو ، ص 117

در کار میانه رو بُود سالم تر

یعنی که بُود خیر الامور الاوسط

دیوان لامع اصفهانی ، ص 396

67. فضیلت اخلاقی : حرفه‌آموزی و هنرمندی

أ) تعریف واژه : آموختن مهارت‌های فنی و اشتیاق به هنر و تلاش برای فراگیری مهارت‌های فنی از طریق تحصیل شیوه‌های نوین.

ب) آیه : « فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ وَ ... » ؛^۱

و ما به حضرت نوح(ع) وحی کردیم که از طریق آموزش و وحی کشتی را بساز.

ج) حدیث : رسول‌الله(ص) : « إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ » ؛^۲

خدای بلندمرتبه انسان مؤمن پیشرو در مشاغل را دوست دارد.

سیمای هنرمندی و حرفه‌آموزی در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان همه‌فن حریف بود. در انواع کارهای فنی مهارت داشت. از انجام هیچ کار حلال امتناع نمی‌ورزید و ابایی نداشت.

او اهل ابتکار و زحمت بود. از خدمت به پدر در صحرا گرفته تا مغازه خیاطی، ضمن این‌که او در انتخاب وسایل شغلی خود نیز نهایت تلاش و دقت را انجام می‌داد و وسایل اساسی را انتخاب می‌کرد.

راوی: حبیب‌الله عظیم‌زاده

همسایه و دوست شهید

به محض این‌که شهید حسین صیادیان از خدمت سربازی فارغ شد، به فکر دست و پا کردن شغل آبرومندی بود.

حدود یک ماهی به این طرف و آن طرف سر زد تا شاید بتواند در اداره‌ای مشغول به کار شود.

وقتی دید شرایط برای شغل کارمندی مناسب نیست بی‌کار نشست، بلکه به عنوان کارگر در یک کارگاه خیاطی

مشغول به کار شد و چون حرفه‌آموزی و اشتغال برای ایشان اصل بود بعد از حدود دو الی سه ماه به عنوان استاد

خیاط برای خودش مغازه‌ای در خیابان 17 شهریور افتتاح کرد و علاوه بر این‌که خودش صاحب شغل آبرومندی

شده بود دو نفر را هم به عنوان شاگرد پذیرفت و به آن‌ها خیاطی آموزش می‌داد.

راوی: پدر شهید

¹ . مؤمنون، آیه 27.
² . کنز العمال، ح 9199.

زمانی که شهید حسین صیّادیان در دوره دبیرستان مشغول به تحصیل بود از فرصت تعطیلی تابستان حداکثر تلاش را برای این که آینده شغلی اش تضمین باشد به کار می گرفت. برای مثال آن موقع فالوده و بستنی را که ترکیبی از شیر و نشاسته و شکر و آب بود با دست درست می کردند. شهید بزرگوار در تابستان 1355 که دانش آموز دوره دبیرستان بود با دو روز شاگردی نزد یکی از بستنی فروشان شهر، مغازه ای را در خیابان 17 شهریور کرایه کرد و از اواسط خرداد تا اواخر مهرماه فالوده و بستنی را که با دست خود تهیه کرده بود می فروخت.

راوی: پدر شهید

کسب کن، کاسب حبیب الله بُود

طاعت بی کسب دام ره بُود

مثنوی طاقدییس ، ص 107

به روزی در پی کسب حلالند

به حشر آسوده ز اندوه و وبال اند

دهد رزق حلال آسایش دل

شود بر طاعت دلداری، مایل

حرام از دل بَرَد مهر و وفا را

کند ناپاک قلب با صفا را

دیوان الهی قمشه ای ، ص 45

68. فضیلت اخلاقی : حلال خوری

أ) تعریف واژه : پاک نگه داشتن خود از مال حرام در خوردن، درآمد، گرفتن و استفاده.

ب) آیه : « يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا »^۱ ؛

ای مردم! بخورید از هرچه که بر روی زمین است از حلال و طیب آن.

ج) حدیث : رسول الله(ص) : « الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً وَ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ »^۲ ؛

عبادت خداوند هفتاد جزء دارد که برترین آن ها کسب حلال است.

سیمای حلال خوری در شهید حسین صیادیان

روزی با شهید حسین صیادیان در ماشین نشسته، مشغول انجام مأموریت بودیم. به ایشان گفتم:

حسین! همسرت توقع دارد که ماشینت را بفروشی و با پولش خانه بسازی، چرا این کار را نمی کنی؟ شما که به

ماشین نیاز نداری برای امور روزمره ماشین سپاه که در اختیار هست. او در پاسخ گفت:

خانواده به من گفته اند موقع برگشتن، از داروخانه برای بچه، شیر خشک بخر و بیاور، من هیچ گاه با ماشین

بیت المال از مسیر خارج نخواهم شد تا برای بچه ام شیر خشک یا چیزی دیگر بخرم؛ زیرا من می خواهم لقمه حلال

برای خانواده و فرزندم ببرم.

این را گفت و برای مدتی در سکوت فرو رفت. ایشان از این طریق توجه به مسئله لقمه حلال را به یاد ما آورد.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

واطلبوا الارزاق من اسبابها

ادخلوا الآيات من ابوابها

مثنوی معنوی ، ص 34

¹ . بقره، آیه 168.

² . معانی الاخبار، ص 267، ح 1.

69. فضیلت اخلاقی : قناعت

أ) تعریف واژه : خشنودبودن به نصیب و بهره خدادادی و اکتفاکردن به امور زندگی به قدر احتیاج و کفاف و پرهیز از تکاثر و زیاده‌طلبی.

ب) آیه : « وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ » ؛^۱

و کسی از خدا بترسد خداوند راه خلاصی برایش قرار می دهد و از آن جایی که گمان نمی کند روزی‌اش را می‌رساند.

ج) حدیث : امام علی(ع) : « الْفَنَاءَةُ عِلْمَةُ الْأَتْقِيَاءِ » ؛^۲

قناعت نشانه پرهیزگاران است.

نشانه‌های قناعت در شهید حسین صیادیان

شهید حسین صیادیان همیشه بر آنچه داشت راضی بود و آن را عنایت خدا می‌دانست. من این را از ته دل می‌گویم که یک بار ندیدم ایشان یک خواسته مادی یا دنیوی داشته باشد.

راوی: عبدالملکی

مسئول لجستیک تیپ بیت المقدس

ایشان نه تنها قناعت می‌کرد، بلکه آنچه داشت با دیگران مصرف می‌کرد و هر جمعه تعدادی از رزمندگان را به منزل می‌برد، وقتی می‌گفتی: چرا این کار را می‌کنی؟ می‌گفت:

این‌ها در پادگان تنها هستند وقتی به شهر می‌آیند از دلتنگی بیرون می‌آیند و حتی مهمانانی که از فرارگاه می‌آمدند شب به منزل می‌برد و از غذای منزل به آن‌ها می‌داد.

راوی: سرهنگ حسین حاجی حسینی

همرزم شهید

شهید حسین صیادیان اصلاً به تجملات اهمّیت نمی‌داد و در امور زندگی همیشه راه و منش میانه‌روی را انتخاب

^۱ . طلاق، آیه های 2 - 3.

^۲ . غررالحکم، ج 5، ح 165.

می‌کرد. وقتی یک تلویزیون نو از طریق تعاونی و به قیمت یک تلویزیون سالم خریده بود و به منزل آورده بود موقع بازکردن کارتن متوجه شدم که چند جای آن ترک و شکستگی جزئی دارد. فکر کردم که حسین نمی‌داند و او را مغبون کرده‌اند. وقتی به او گفتم، ایشان گفت: فکر می‌کنی که چقدر عمر می‌کنیم؟ و ما هنوز این تلویزیون را داریم. اصلاً به مال دنیا اهمیتی نمی‌داد و حتی همین تلویزیون را هم در جهت آسایش ما خریده بود.

راوی: همسر شهید

عافیت در مرد قانع را ز کم یا بیش نیست

دیوان لامع اصفهانی ، ص 188

هر که را گنج قناعت باشد او درویش نیست

کاین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

دیوان حافظ ، ص 315

حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ مشوی

که بهر معیشت ز مال و بضاعت

اگر می‌توانی قناعت قناعت

دیوان سلمان ساوجی ، ص 171

از پیر جهان‌دیده کردم سؤالی

چه سرمایه‌سازم که سودم دهد گفت

فصل پنجم :

اخلاق خانوادگی

70. فضیلت اخلاقی : هدیه دادن

أ) تعریف واژه : دادن چیزی به انسان دیگر به جهت اظهار محبت و تأکید بر دوستی به برادر مؤمن خواه غنی باشد یا فقیر.

ب) آیه : « وَإِذَا حُيِّتُمْ بِحَيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها »^۱؛

هرگاه شما را به درودی ستایش گفتند پس شما به بهتر از آن، آن‌ها را پاسخ گوید.

ج) حدیث : رسول الله (ص) : « نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ وَ هِيَ مِفْتَاحُ الْحَوَائِجِ »^۲؛

چه چیز خوبی است هدیه؛ چراکه کلید نیازمندی‌هاست.

سیمای هدیه دادن در شهید حسین صیادیان

اولین هدیه دوران عقد یک جلد قرآن بود که صفحه اول آن را به این شرح نوشته است:

بسمه تعالی، با سلام بر مهدی موعود منجی عالم بشریت و نایب بر حقش، رهبر کبیر انقلاب اسلامی خمینی (ره) بتشکن و با سلام و درود به ارواح پاک شهدای اسلام، به عرض می‌رساند که این‌جانب حسین صیادیان این هدیه گوهر بار و کلید نجات راه حق و هدایت و رهنمای تمام ناملایمات زندگی و آرامش‌دهنده هر فرد و ایمان‌آورنده را به همسرم تقدیم می‌نمایم. به امید آن‌که خداوند بر توفیقات تمام خدمت‌گزاران به اسلام بیفزاید و خداوند ما را به وظایف دینی‌مان آشنا بگرداند. والسلام علیکم، حسین صیادیان.

راوی: همسر شهید

شهید صیادیان هر موقع از جبهه برمی‌گشت یا می‌خواست به جبهه برود، در مسیرش یک سری هم به منزل ما می‌زد. یکی از روزها که به دیدن ما آمده بود، متوجه شد که خداوند به دخترم اولادی عطا کرده است. شهید بزرگوار خیلی خوش حال شد بچه را بغل کرد و بوسید و مبلغ قابل توجهی پول نقد (معادل نصف حقوق یک ماه) به عنوان چشم‌روشنی در سینه بچه گذاشت. این رفتار ایشان از دو جهت مرا شگفت‌زده کرد؛ یکی این‌که با توجه به وضعیت حقوق و درآمد خودش مبلغ قابل توجه بود. ثانیاً این‌که از ایشان در آن شرایط انتظار چنین حرکتی نبود.

راوی: پسر عموی شهید

یادگاری که در این گنبد دوآر بماند

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

دیوان حافظ ، ص 36

¹ .نساء، آیه 86.

² . بحارالانوار، ج 15، ص 45، ح 3.

71. فضیلت اخلاقی : احسان و نیکی و احترام به والدین

أ) تعریف واژه : نیکوکاری به والدین با مال و آبرو و فرمانبرداری محض از دستوره‌های آنها مگر در معصیت خداوند.

ب) آیه : « وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً »^۱ ؛

و خداوند را بپرستید و چیزی برای او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر خود نیکی کنید.

ج) حدیث : امام علی (ع) : « بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ »^۲ ؛

نیکی به والدین بزرگ‌ترین واجب الهی است.

سیمای احسان به والدین در شهید حسین صیادیان

دوری شهید حسین صیادیان برایم مشکل بود، اما به روی خود نمی‌آوردم. هر موقع که می‌خواست به جبهه برود، برای این‌که شاهد رفتن ایشان نباشم، هر دفعه تحت عناوینی یکی دو ساعت قبل از حرکت ایشان از منزل بیرون می‌آمدم و اکثراً هم به مزرعه می‌رفتم، اما ایشان به هر ترتیبی که بود، حتی یکی دو مورد پیش آمد که حرکت را به تأخیر انداخت. مرا پیدا کرد و در نهایت محبت بوسید و حلالیت طلبید.

سپس خداحافظی کرد و رفت. یک مورد نشد که بدون خداحافظی و بوسیدن من برود که یادآوری این خاطره خیلی برای من غم‌انگیز است.

راوی: پدر شهید

بارها شهید حسین صیادیان با من تماس می‌گرفت و به من نسبت به پدر و مادرم سفارش می‌کرد.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

در تمامی نامه‌های ایشان، احترام و محبت و عشق‌ورزی به پدر و مادر مورد تأیید و تأکید قرار می‌گرفت.

راوی: علی صیادیان

برادر شهید

^۱. نساء، آیه ۳۶.

^۲. غررالحکم، ح 4423.

با وجود علاقه و احترامی که میان من و پدر و مادرم بود باز هم همیشه تلاش می‌کرد که محبت آن‌ها را در دل من و محبت من را در دل آن‌ها افزایش دهد.

راوی: همسر شهید

در کاشان مقدار زیادی جنس خریده بودم و با مینی‌بوس‌های شهری به آران و بیدگل آوردم، سرکوجه که از ماشین پیاده شدم، دیدم شهید حسین صیّادیان - که آن موقع کلاس چهارم دبیرستان بود - با جمعی از دوستانش کنار خیابان ایستاده بودند با ویژگی‌های خاصّ جوانی، به محض مشاهده من با اثاثیه سنگین بلافاصله از دوستانش جدا شد و اجازه نداد که من دست به بارها بگذارم، در حضور مردم بدون هیچ شرمندگی اثاثیه را بر پشت خود حمل کرد و به منزل آورد.

راوی: پدر شهید

شهید حسین صیّادیان زمانی که جبهه بود در هر فرصتی که پیش می‌آمد سراغ اولین چیزی را که از من می‌گرفت وضعیّت پدر و مادر بود. به من سفارش می‌کرد که مبادا به آن‌ها بد بگذرد، مبادا احساس کمبود داشته باشند و من را موظّف می‌کرد که همه خواسته‌های آن‌ها را برآورده کنم.

راوی: علی صیّادیان

برادر شهید

آماده خدمتش به جان باش

با مادر خویش مهربان باش

وز گفته او مپیچ سر را

با چشم ادب نگر پدر را

خرسند شود ز تو خداوند

چون این دو شوند از تو خرسند

دیوان ایرج میرزا ، ص 161

72. فضیلت اخلاقی : اخلاق خانوادگی

أ) تعریف واژه : شناخت و رعایت حقوق اعضای خانواده و تلاش برای حصول اهداف تشکیل خانواده از جلوه‌گاه عقلی و شرعی و تلاش برای رسیدن به اهداف آرمانی و تربیت سالم و صالح خود و فرزندان.

ب) آیه : « وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْنُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى »^۱؛

اهل بیت خود را به نماز فرمان ده و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش، ما از تو روزی نمی‌خواهیم و به تو روزی می‌دهیم و عاقبت خیر مخصوص تقوا است.

ج) حدیث : امام صادق (ع) : « خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ »^۲؛

خدمت به خانواده، کفاره گناهان کبیره است.

سیمای اخلاق خانوادگی در شهید حسین صیادیان

بنده با شهید حسین صیادیان ارتباط خانوادگی داشتم. خانه ما در یک محله در سنج بود، رفتارش علی‌رغم فشار زیادی که در محیط کارش متحمل می‌شد، در خانه بر خلاف خیلی از ما که وقتی فشار بیرون از خانه روی ما بود، تعادل را از دست می‌دادیم کاملاً متعادل و هماهنگ و آرام بود و هیچ‌گاه ندیدم که فشارهای بیرونی ناشی از محیط کار بر رفتار او در خانه و بر خانواده اثر منفی بگذارد.

راوی: سردار شهید مجید حاج‌حاتم

رئیس ستاد تیپ قدس

برادرمان شهید حسین صیادیان فردی با صیانت و خویشن‌دار بود. با همه مشغله‌ای که در آن‌جا داشت من تعقیب می‌کردم و متوجه می‌شدم که به زن و فرزند و خانواده هم رسیدگی می‌کند به آن اندازه که اسلام برایش مشخص کرده بود به هر صورت از رسیدگی به وضع خانواده عدول نمی‌کرد. هرگاه فرصتی پیدا می‌کرد همسر، فرزند و خانواده‌اش را به مسافرت می‌برد، حتی در مسافرت‌هایی که می‌خواست برود و کاری را انجام بدهد از همان کار خودش از آن فرصت‌ها استفاده می‌کرد و زن و فرزندش را هم می‌برد به منطقه و یا آن‌جایی که می‌خواست برود و کارش را هم انجام می‌داد.

راوی: سردار حاج علی‌رضا ربیعی

فرمانده تیپ قدس

^۱. طه، آیه ۱۳۲.
^۲. جامع السعادات، ج ۲.

پسری را پدر وصیت کرد

هر که با اهل خود وفا نکند

کای جوان بخت یاد گیر این پند

نشود دوست روی و دولتمند

کلیات سعدی ، ص 158

به پور خویش دین و دانش آموز

به دست او اگر دادی هنر را

که تا ابد چون مه و انجم نگینش

ید بیضاست اندر آستینش

دیوان اقبال لاهوری ، ص 468

فصل ششم :

ضمانت

سردار شهید حسین صیّادیان در یک نگاه

نام : حسین

نام خانوادگی : صیّادیان آرانی

نام پدر : عباسقلی

تاریخ تولد : 1337/4/1

محل تولد : آران و بیدگل

تحصیلات : دیپلم

تاریخ اخذ دیپلم از هنرستان محمد نراقی کاشان : 1356/3/31

وضعیت تأهل : متأهل

تاریخ ازدواج : 1362/12/3

تعداد فرزند : یک دختر به نام زینب (تاریخ تولد : 1364/3/11)

نگاهی اجمالی به فعالیت‌های سردار شهید حسین صیّادیان

الف) فعالیت‌های اجتماعی شهید قبل از حضور در جبهه :

1) تشکیل انجمن قرائت قرآن و دعای ندبه و توسّل کوی ابادر.

2) تأسیس کتاب‌خانه کوی ابادر.

3) منتخب مردم به عنوان عضوی شورای محلی کوی ابادر.

4) احداث مدرسه شهید خادم‌پور از طریق بسیج امکانات محلی.

5) تشکیل باشگاه فرهنگی ورزشی باستانی کوی ابادر.

ب) فعالیت‌های شهید در جبهه :

1) عضویت در سپاه : ورود به پادگان آموزشی امام حسین(ع) تهران در تاریخ 1361/6/28.

2) مدت آموزش : 45 روز تحت عنوان دوره 19 سپاه غرب کشور.

3) اعزام به سنندج : در تاریخ 1361/8/15 و استقرار در محلّ خانه سازمانی سازمان آب منطقه‌ای غرب کشور واقع در جنوب شرقی شهر سنندج که بعدها پادگان قدس نام گرفت که این محل به عنوان مقرّ اصلی تیپ ویژه 105 قدس در نظر گرفته شد و شهید حسین صیّادیان به همراه سایر نیروهای اعزامی از کاشان و آران و بیدگل به عنوان هسته اصلی و بنیانگذاران این تیپ بودند و شهید صیّادیان از ابتدای ورود به تیپ، به عنوان مسئول تبلیغات مشخص گردید و امور تبلیغات داخل پادگان و عملیات‌های داخلی را به عهده داشت. تیپ 105 قدس از مهرماه 1361 تا مهرماه 1365 به این نام بود و از مهرماه 1365 تا 1367 به نام لشکر 52 قدس، از شهریور 1367 تاکنون به نام لشکر 16 قدس می باشد.¹

فعالیت‌های شهید حسین صیّادیان در تیپ قدس :

- ایجاد نمازخانه.

- برگزاری مراسم مذهبی هفتگی شامل (نماز جماعت پنج‌گانه، اجرای تعقیبات نماز، دعای توسّل، کمیل، ندبه، زیارت عاشورا و ...).

- برگزاری مراسم مذهبی سالانه شامل (اعیاد، عزاداری‌ها، وفات و شهادت ائمه و ...).

- برپایی هیئت عزاداری محرّم برای اولین بار در داخل شهر سنندج توسط نیروهای تیپ قدس.

- نصب پارچه نوشته‌های مختلف و تهیّه پرچم برای داخل پادگان و گردان‌ها.

- پیش‌بینی سخنران و مدّاح برای برنامه‌های تبلیغی و دینی و ایجاد شورآفرینی و تقویت روحیه رزمندگان.

- دعوت از ائمه جمعه و جماعات و شخصیت‌های رسمی و ... برای سخنرانی در جمع رزمندگان.

¹ . مجاهدت‌های خاموش، ج 6، ص 71.

- شرکت‌دادن رزمندگان در مراسم و راه‌پیمایی‌ها در سطح شهر سنندج و سایر شهرستان‌هایی که رزمندگان تیپ حضور داشتند.

- اجرای کامل مراسم صبحگاه روزانه.

- زیباسازی محیط پادگان به‌وسیله دیوارنویسی و خودروهای یگان.

- توزیع هدایا، کتب، بروشور، تصاویر امام خمینی(ره) بین رزمندگان.

- انجام مراسم بدرقه رزمندگان جهت عملیات.

- انجام مراسم استقبال از رزمندگان بعد از هر عملیات.

- حضور رزمندگان در نماز جمعه شهر سنندج و شهرهایی که رزمندگان در آن حضور داشتند.

- دیدار با علمای برجسته استان کردستان.

- دیدار با خانواده شهدای کردستان (بومی) و شهدای تیپ در سایر شهرستان‌ها (غیر بومی).

- دیدار با امام خمینی (ره) و سایر علمای برجسته سطح کشور.

- اعزام رزمندگان به سفرهای زیارتی (قم، مشهد، عبدالعظیم حسنی و ...).

- فضا سازی شهر سنندج به‌وسیله شعارنویسی بر دیوارهای شهر و سایر شهرها و روستاهایی که رزمندگان فتح می‌کردند.

- سخنرانی در جمع مردم شهر و روستاهای آزاد شده به منظور آگاه‌سازی آن‌ها.

- جلسه با ماموستا (امام جماعت) شهر و روستاها به منظور انجام امور تبلیغی.

- توزیع عکس و پوستر امام خمینی (ره) و شهدا و سایر موضوعات در بین مردم روستاهای آزاد شده.

- توزیع هدایا بین کودکان و جوانان روستاهای آزاد شده.

- برپایی نماز جماعت در اردوگاه‌ها (محل استقرار رزمندگان) یا مناطق آزاد شده در صورت امکان.

4) شهید حسین صیادیان از سال 1364 به عنوان مسئول لجستیک (تدارکات و پشتیبانی) تیپ 105 قدس مشغول فعالیت شدند و اقدامات زیر را انجام داده‌اند:

- تهیه ساختار سازمانی لجستیک و سازمان اقلام و امکانات و نیروی انسانی.

- ساخت سرویس بهداشتی و انجام تعمیرات ساختمانی مقر تیپ.

- ارتباط با ستاد جذب کمک‌های مردمی شهرهای استان اصفهان به ویژه کاشان و آران و بیدگل جهت دریافت پشتیبانی مردم به جبهه‌ها به‌طور مستمر.

- راه‌اندازی شوفرخانه یگان که تا قبل از آن، سازمان آب منطقه‌ای کردستان طی مناقصه‌ای برآورد مبلغ چند میلیون تومانی داده بودند که شهید صیادیان به‌وسیله نیروهای مردمی شهرستان آران و بیدگل و اعزام لوله‌کش و برق‌کار و تعمیرکار با حداقل هزینه، آن را به اتمام رساندند.

- بازسازی خودروها و سلاح‌های خسارتی و ...

- پشتیبانی از عملیات‌های داخلی کردستان در زمینه ترابری، تغذیه، مهمات، سلاح و ...

- ایجاد آشپزخانه صحرایی به‌منظور تهیه غذای گرم برای رزمندگان، در شهرهایی که تیپ در آن‌ها عملیات داشتند.

- برپایی خبازخانه در مناطق عملیاتی ویژه ارتفاعات هزار قله مریوان جهت تهیه نان تازه برای رزمندگان.

- ساخت برجک‌های نگهبانی جهت حفاظت از مقر تیپ در سازمان آب منطقه‌ای کردستان.

- پیگیری تأمین امکانات برای تیپ 105 قدس از ناحیه کردستان و قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع).

- ساخت زاغه مهمات در مقر اصلی تیپ در سنندج.

- تیپ قدس کردستان از تاریخ شهریور 1361 تا سال 1364 در هفتاد عملیات درون‌مرزی و دو عملیات برون‌مرزی (قادر و والفجر 9) و خط پدافندی هزار قلّه با عراق شرکت داشت که شهید حسین صیّادیان به عنوان مسئول تبلیغات و تدارکات حضور داشت.

- حضور در روستاهای آزاد شده و کمک به مردم و جاده‌سازی و تدارک‌رسانی به مردم روستاها.

(5) انتقال به تیپ 39 بیت‌المقدّس :

- این تیپ با ادغام گردان‌های جندالله سنندج، بیجار، قروه و کامیاران¹ با هم در اواخر سال 1363 شکل گرفت و به نام‌های تیپ شهید افیونی، تیپ سنندج و لشکر 22 بیت‌المقدّس شناخته می‌شود.

شهید حسین صیّادیان از سال 1364 در آن تیپ به عنوان مسئول لجستیک (تدارکات و پشتیبانی) مشغول فعالیت شدند. مقرّ این تیپ در ابتدای ورودی شهر سنندج کنار گلزار شهدا (بهشت محمدی) با نام پادگان هفت تیر نامگذاری شده بود و مأموریت تیپ، اجرای عملیات برون‌مرزی با عراق بود که در خطّ پدافندی جزیرهٔ مجنون و در عملیات‌های کربلای یک (آزادسازی مهران) و کربلای چهار و کربلای پنج و ... حضور داشتند.

(6) اقدامات شهید حسین صیّادیان در تیپ 39 بیت‌المقدّس:

- پشتیبانی تدارکاتی از عملیات‌های تیپ شامل سوخت و آب‌رسانی، تغذیه، مهمات، سلاح و ...

- انجام عملیات ساخت و ساز (ساختمانی) در مقرّ اصلی یگان.

- انجام تعمیرات خودرویی، اموال و ...

- پیگیری دریافت پشتیبانی از قرارگاه نجف اشرف، حمزهٔ سیدالشهدا برای تیپ.

- ارتباط به ستاد جذب و هدایت کمک‌های مردمی شهرستان‌های استان کردستان و اصفهان شامل کاشان و آران و

بیدگل جهت دریافت کمک به جبهه‌ها به‌ویژه تیپ بیت‌المقدّس.

- تأمین نیروی مردمی از شهرستان‌های آران و بیدگل شامل (جوشکار، لوله‌کش، بنا، صافکار و ...).

¹ . مجاهدت‌های خاموش، ج 6، ص 80.

- ساخت سه عدد پناهگاه چندمنظوره جهت (سالن غذاخوری، اداری) در مقرّ اصلی تیپ 39 بیت‌المقدس با بودجه‌ها و امکانات و نیروهای مردمی شهرستان آران و بیدگل.
 - ساخت سردرب ورودی تیپ با نمایی از مسجدالاقصی.
 - ساخت یک باب سوله اداری 12×32 جهت امور اداری تدارکات.
 - ساخت چند زاغه مهمّات برای تیپ.
 - درخت‌کاری اطراف پادگان.
 - تکمیل سازمان تیپ از نظر تجهیزات سلاح و تجهیزات و مهمّات و اقلام اداری و ...
 - پشتیبانی از خط پدافندی یگان در جزایر مجنون.
- و ...

آشنایی با مؤسسه فرهنگی پژوهشی سردار شهید حسین صیادیان

(ایثارگران جبهه های غرب کشور) شهرستان آران و بیدگل تأسیس 1391 شماره ثبت: 121

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 1357، استکبار جهانی که دستش از منابع جمهوری اسلامی ایران قطع شده بود، هر روز به دنبال بحران آفرینی در جمهوری اسلامی ایران بودند و یکی از مناطقی که زمینه ایجاد بحران آفرینی را داشت، مناطق کُرد و تُرک نشین غرب و شمال غرب کشور بود.

در همان روزهای آغازین پیروزی انقلاب، گروهک‌های معاند داخلی با همکاری ضدانقلابیون و با پشتیبانی استکبار جهانی و استفاده از ضعف دولت موقت و عدم آمادگی نیروهای مسلح، توانستند مناطقی از غرب و شمال غرب کشور را دچار بحران نمایند و بخش‌های زیادی از آن مناطق را ناامن و به کنترل خود درآورند. پس از این حادثه، مردم و از جمله جوانان انقلابی، به فرمان حضرت امام خمینی (ره) به سمت جبهه های غرب و شمال غرب کشور بسیج شدند و توانستند با توجه به کمبودهای فراوان و تجاوز گسترده رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی، آن مناطق را از لوث وجود ضدانقلاب پاکسازی و سپس متجاوزین رژیم بعث را نیز از آن مناطق خارج نمایند و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، خدمت در آن مناطق را مجاهدت‌های خاموش نامیدند.

مردم و رزمندگان شهرستان آران و بیدگل از لحظات شروع بحران در پاکسازی و ایجاد امنیت در آن مناطق، نقش فراوان ایفا نموده و با تقدیم حدود 178 شهید و 80 جانباز و ارسال کمک‌های مردمی، نقش مهمی در ایجاد امنیت پایدار و خارج نمودن متجاوزان رژیم بعث عراق در آن مناطق داشتند و سردار شهید حسین صیادیان در بسیج رزمندگان و انتقال کمک‌های مردمی شهرستان آران و بیدگل و سردار شهید علی آزادپور با تهیه طرح‌های عملیاتی، نقش مؤثری ایفا نمودند.

مؤسسه فرهنگی پژوهشی سردار شهید حسین صیادیان (ایثارگران جبهه‌های غرب کشور) به منظور جمع‌آوری، ثبت و تبیین آن مجاهدت‌های خاموش ایثارگران شهرستان آران و بیدگل و انتقال آن به نسل‌های آینده، در سال 1391 با مجوز اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل گردیده است.

الف - اهداف مؤسسه:

1. ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و مدیریت جهادی.
2. شناسایی و شناساندن نقش رزمندگان شهرستان آران و بیدگل در مبارزه با ضدانقلاب و دوران دفاع مقدس در جبهه‌های غرب و شمال غرب.
3. شناساندن سبک زندگی شهدا در ابعاد مختلف اجتماعی، مدیریتی، خانوادگی و ... به عنوان الگوهای یک جوان موفق.
4. الگوسازی شیوه عملکرد رزمندگان برای مدیران، به ویژه در عملیات‌های امدادی و عام‌المنفعه.

ب - موضوع فعالیت‌ها:

1. برپایی مراسم یادمان شهدای جبهه‌های غرب و شمال غرب.
2. برپایی نمایشگاه کتاب و عکس و پوستر از شهدا و رزمندگان.
3. چاپ و نشر کتاب، پوستر، ویژه‌نامه، تمبر یادبود، وصیت‌نامه، زندگی‌نامه و خاطرات از شهدا و رزمندگان دوران دفاع مقدس.
4. مستندسازی خاطرات رزمندگان و زندگی‌نامه شهدا.
5. تولید محتوا در فضای مجازی.
6. تولید آثار فرهنگی با موضوع دوران دفاع مقدس.
7. برگزاری مسابقات ورزشی، اردوهای فرهنگی، هنری و تفریحی در سطوح مختلف شهرستانی، استانی و ملی.
8. برپایی مراسم شب شعر، خاطره و یادمان و ...
9. ارتباط مؤثر با خانواده‌های ایثارگران به ویژه جوانان.

اطلاعات تماس :

آدرس : آران و بیدگل - خیابان 17 شهریور - خیابان افتخارالاسلام - مؤسسه فرهنگی پژوهشی سردار شهید
حسین صیادیان (ایثارگران جبهه های غرب کشور)

تلفن تماس : 031 - 54728078

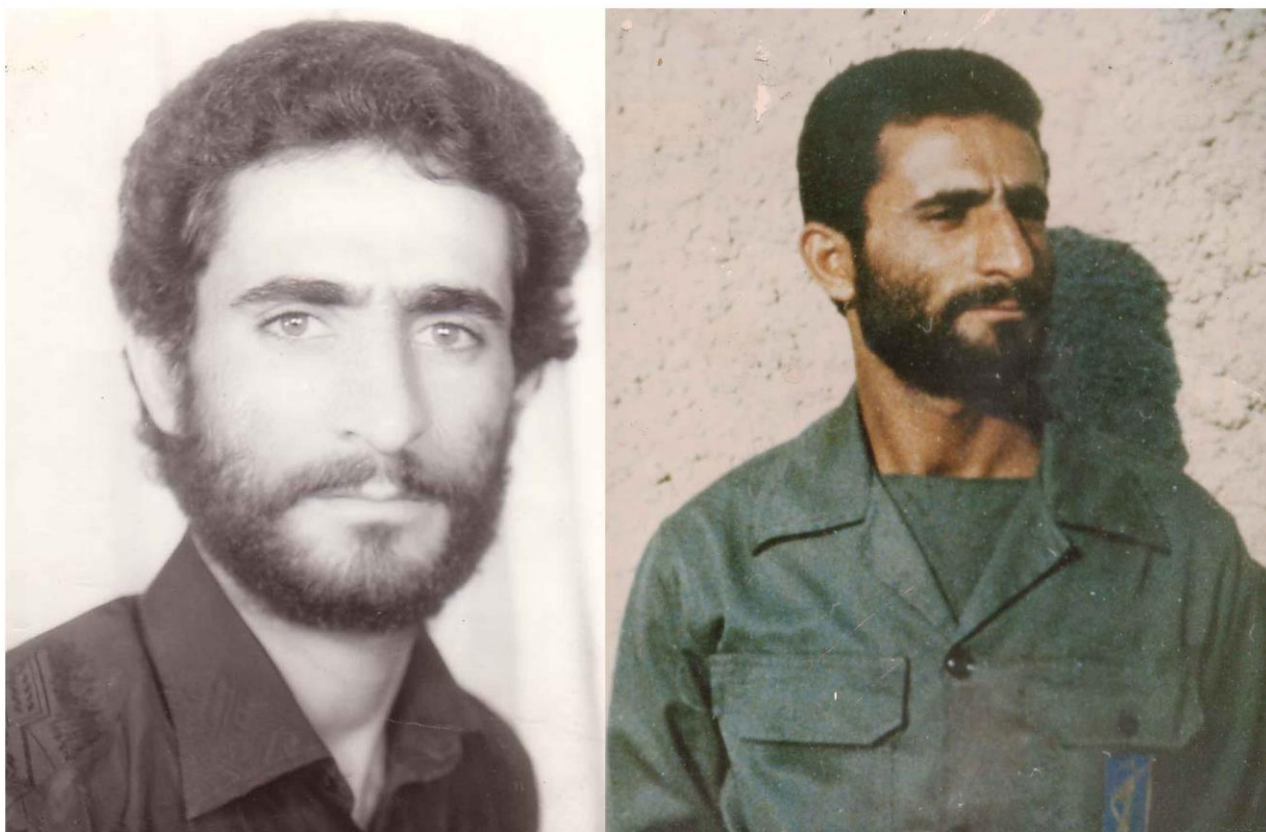
پیامک : 10003154728078

پست الکترونیک : info@shahidsayadian.com

آدرس کانال ما در تلگرام : [telegram.me/shahidsayadian](https://t.me/shahidsayadian)

آدرس سایت سردار شهید حسین صیادیان : www.shahidsayadian.com

تصاویر



سردار شهید حسین صیادیان



سردار شهید حسین صیادیان در کارگاه خیاطی



سردار شهید حسین صیادیان و انتخابات



دیدار با خانواده های شهدای کردستان



دیدار با خانواده های شهدای کردستان



حضور رزمندگان کردستان در منزل شهدای کردستان



سخنرانی سردار شهید حسین صیادیان در جمع مردم روستاهای آزاد شده کردستان



سخنرانی سردار شهید حسین صیادیان در جمع مردم روستاهای آزاد شده کردستان



سخنرانی سردار شهید حسین صیادیان در جمع رزمندگان



مهمانی در منزل سازمانی سردار شهید حسین صیادیان - سنندج



اقامه نماز جماعت رزمندگان در جبهه



سردار شهید حسین صیادیان در جمع تعدادی از رزمندگان

از راست : جانباز اکبر صمدی - حسین تهرانی - سردار شهید صیادیان - آقای یاران - سردار وطنخواه



از چپ : سردار شهید حسین صیادیان - سردار علی رضا ربیعی
- ناشناس



سردار شهید حسین صیادیان



حضور در گلزار شهدای بهشت زهرا - مزار شهید چمران



حضور در گلزار شهدای بهشت زهرا - تهران



دیدار شورای تیپ قدس کردستان با آیت الله موسوی - نماینده امام خمینی در کردستان

از راست : غضنفر قنایی - سردار شهید حسین صیادیان - سردار شهید مجید حاج حاتم - اسماعیل میرزا حسینی - سردار علی رضا ربیعی - آیت الله موسوی (نماینده ولی فقیه استان کردستان) - ناشناس - سردار حاج حسن خارا - اکبر صمدی



بازدید امام جمعه شهرستان آران و بیدگل (حجت الاسلام یوسفیان) از جبهه های کردستان

از چپ : سردار شهید حسین صیادیان - محمد تقی نمکی - شهید لقبدوست - حجت الاسلام یوسفیان - آقای یوسفیان - ناشناس



لحظه اعزام رزمندگان به عملیات



JuL.83

W.D

ستون اعزامی رزمندگان به عملیات



دسته جات عزاداری رزمندگان تپ قدس در خیابان های شهر سنندج



از چپ : سردار شهید حسین صیادیان - علی صیادیان - سردار شهید علی آزادپور در کنار عکس شهید حسن صیادیان



از راست : سردار شهید حسین صیادیان - سردار شهید علی آزادپور

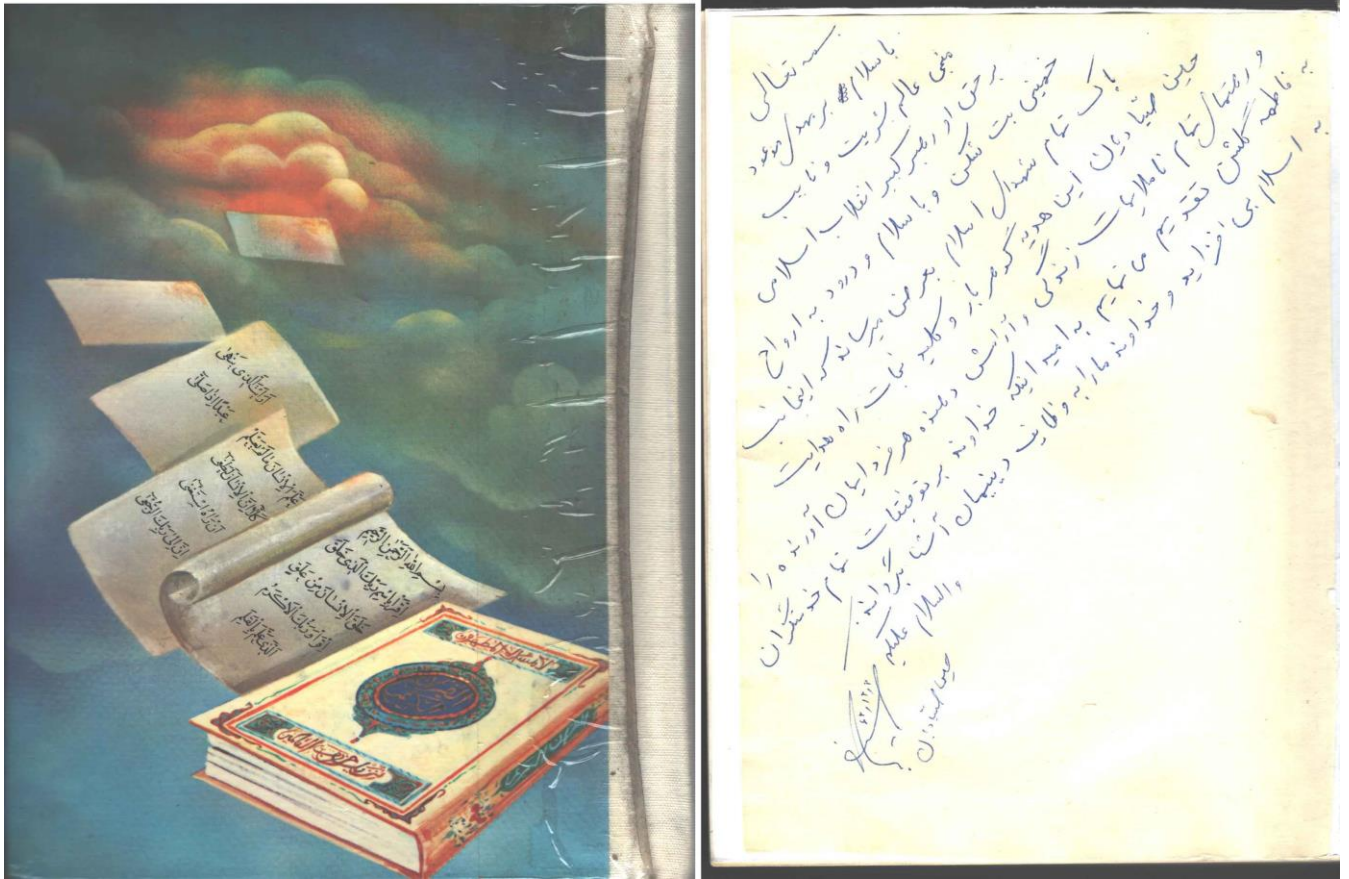


از چپ : شهید صیادیان - حسن سعدی - مرحوم عمو جعفر شبیری در منطقه عملیاتی



افراد اعزامی از بابل، حامل کمک های مردمی شهرستان بابل به تیپ قدس

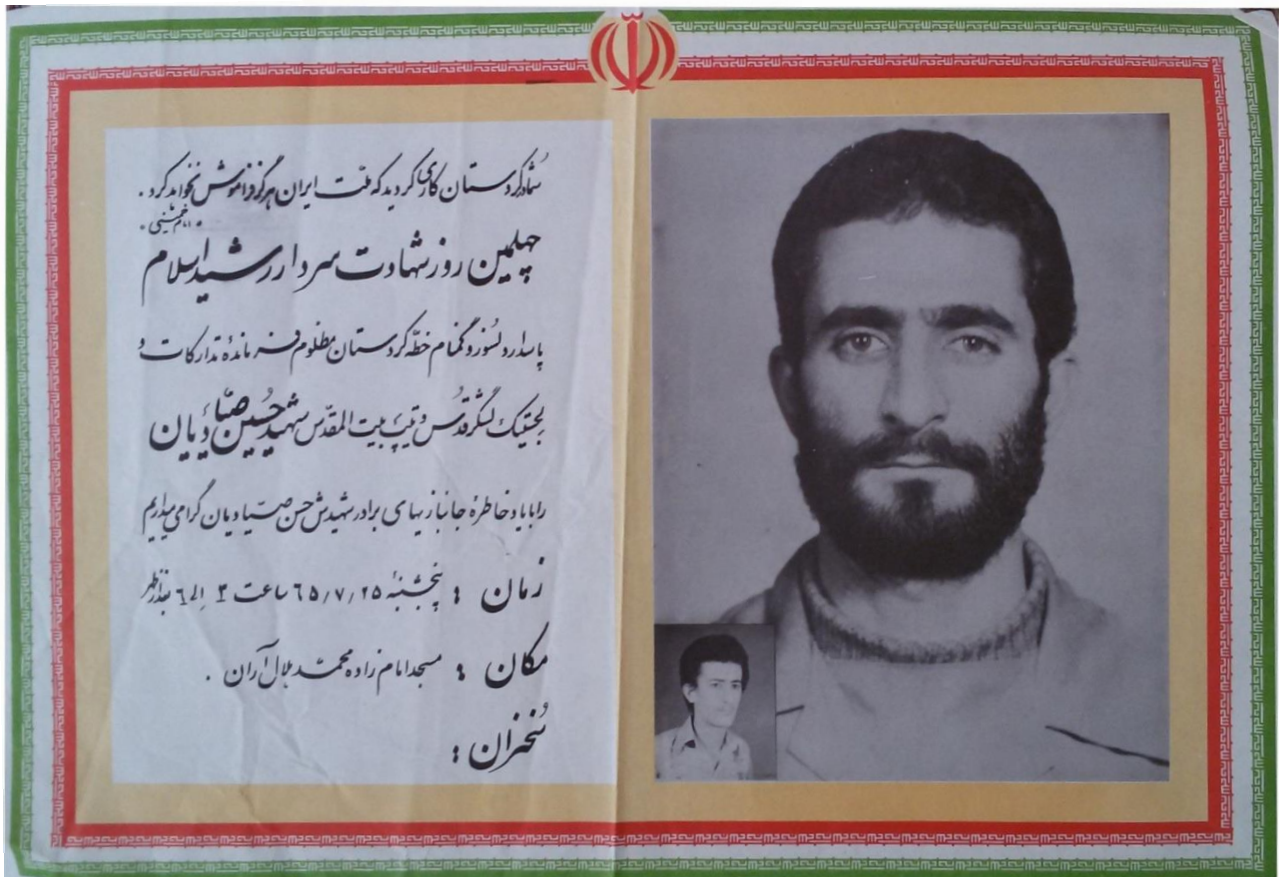
از چپ : ناشناس (اعزامی از بابل) - سردار شهید حسین صیادیان - حجت الاسلام حسینی (مبلغ اعزامی از بابل) - محمد نقویان - محمد حسن فلاح زاده - قاسم بابانتاج (مداح اعزامی از بابل) - مرحوم حسین روح اللهی (راننده اعزامی از بابل)



دست نوشته سردار شهید حسین صیادیان روی قرآن اهدایی به همسرش



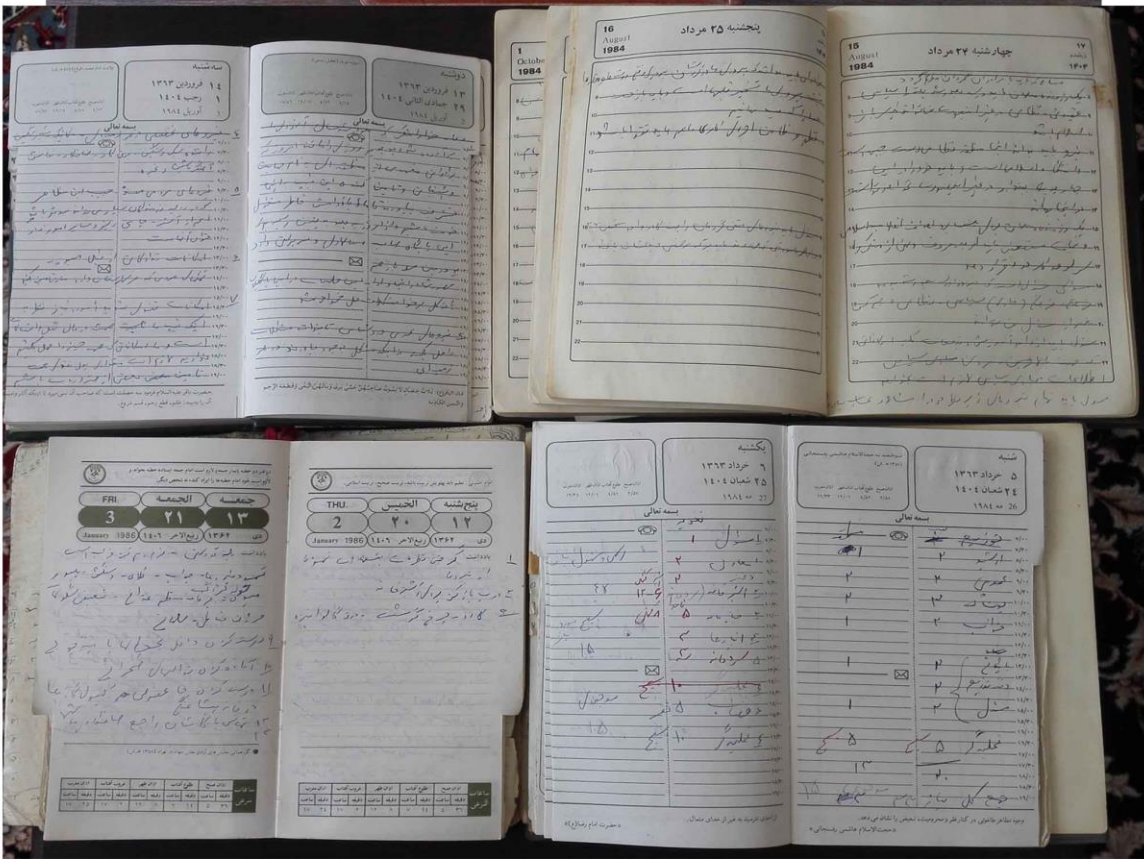
دختر شهید حسین صیادیان در آغوش پدر



اعلامیه چهلیم سردار شهید حسین صیادیان در سال 1365



مقبره شهیدان حسن و حسین صیادیان در آستان مقدس حضرت محمد هلال ابن علی (ع)



دفترچه های یادداشت سردار شهید حسین صیادیان در جبهه

بسمه تعالی

بسمه تعالی یک صحت بیادیم - هر کس در این صحت بیادیم و دستش عمل کند
 آتش جهنم را نخواهد دید بیادیم (بسمه تعالی)
 بیادیم اسلام زود اهل و وارثه کوز که چینه است
 در حرمین - این است رزید و قی در آنم بر جود با دست که اورا از
 کشت بیرون است -
 نگیز - این رفتار ناپسند سبب است که شیطان از در خانه خدا اراده کند
 و برای همیشه بدخبت در دلب باش و سرور لعن همه افراد از آن کرد
 بی حد - چهل - این هفتاد تا مطالب است که تا قبل برادرش
 قایل را مثل رسا - بشیم که این هفتاد رزید چقدر
 خطرناک است و چه بگذرد آن را برای همیشه از نعمت الهی
 محروم ساخت . بیا امید ای که اول من که بنویسد این هفتاد را به راز

خود دور کرده و بگوشت عزیزان شود نه است و است خداوند در تو مبتلا
 فشان پس از پیش بی افزاید و ما را سرور لطف و رحمت خود را در
 دست آورده است موصفت و کلامی در اول کتاب همسر عزیز را از خداوند
 متعال خواستارم . خدا ناز و نگذارش باشد /
 والسلام علیکم

حسین صیادیان
 ۱۳۵۳

نامه سردار شهید حسین صیادیان به همسرش

بسمه تعالی

یک حدیث بیاموزیم :

هر کس 40 حدیث بیاموزد و به آن عمل کند، آتش جهنم را نخواهد دید. پیامبر (ص)

پیامبر اسلام فرمود اصل و ریشه کفر سه چیز است :

1) **حرص** : این صفت رذیله وقتی در آدم به وجود آمد، باعث شد که او را از بهشت بیرون کنند.

2) **تکبر** : این رفتار ناپسند سبب شد که شیطان از در خانه خدا رانده شود و برای همیشه بدبخت و در عذاب باشد و مورد لعن همه افراد قرار گیرد.

3) **حسد و بخل** : این صفات نامطلوب باعث شد که قابیل برادرش هابیل را به قتل برساند.

ببینیم که این صفات رذیله چقدر خطرناک است و چگونه انسان را برای همیشه از نعمت‌های الهی محروم می کند. به امید این که اول من گوینده این صفات بد را از خود دور کرده و بعد شما عزیزان شنونده. ان شاء الله خداوند بر توفیقات همگان بیش از پیش بیفزاید و ما را مورد لطف و رحمت خود قرار دهد و من آرزوی موفقیت و سلامتی و شادی شما همسر عزیز را از خداوند متعال خواستارم. خدا یار و نگهدار شما باشد.

والسلام علیکم

حسین صیّادیان

1363/1/15

بسمه تعالی

ماورکتاب و کلام الی الکریم (ص) ماورکتابخانه الی الکریم

هر کس بر چه داند و در چه روزی که در کتب به مراتب از کتاب
بانام الله و باطلات و کلام بر صحت (ص) و در این جا شریف

بر صفت نوبزه آخرین است. آسمان ولایت و علمت حضرت
مهمل (ص) و باورد بر هر کس که از کتاب حضرت امام جعفر
کتابخانه ابوذر غفاری از آن واقع در کتب ابوذر جنب

میدان طاقستان آغاز بر نامه های خود را به بنویسد امام ابوذر

برای آن که در آن مبتدیان باشند و این کتاب را با آریس فرود

با این مرکز مطالعات و تحقیقات و تماس بود. و در ضمن ما در این کتابخانه

خود به دست فرماید.

اینک به است آغاز کار و در این کتابخانه نیز یک کتاب

در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

بر آن پس نیز ارسال دارند و با این کتابخانه نیز در این کتابخانه

بسمه تعالی

۱- این دعا را من کند
یا دعا کی اول قرآن یا اللهم طهر قلبی از این کفر

و چه در هر موقع اعتقاد من انسانیت به خدا بران و بران است

و چه در این مسلمانان چه چه طاعتی را انجام دهد و در این کتابخانه

و چه در این مسلمانان در دار آخرت تقاضای هر کس که

و چه در این ولایت در این نام بریده و در این کتابخانه

در ولایت نقد بر اول این است با فرود این کتابخانه

و در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

و در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

و در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

و در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

و در این کتابخانه نیز از آن روز تا اینج همه چیز را در آن تاریخ

بسمه تعالی

ما و کتاب و گوشه‌ای از گوشه جهان
ما و کتابخانه‌ای و دورهٔ شباب
هر کس به هر چه داد دل و شد به هر چه دوست
کردیم ما کتاب بهر باب انتخاب

با نام الله و با صلوات و سلام بر محمد(ص) و دوازده جانشین بر حقش به‌ویژه آخرین ستارهٔ آسمان ولایت و عصمت حضرت مهدی(عج) و با درود به رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی، کتابخانهٔ ابوذر غفاری آران واقع در کوی ابوذر جنب میدان طالقانی آغاز برنامه‌های خود را بدین‌وسیله اعلام می‌دارد.

برادران و خواهران می‌توانند با صندوق پستی آران شماره 17 یا آدرس فوق با این مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی در تماس بوده و در ضمن ما را از راهنمایی‌های خود بهره‌مند فرمایید.

اینک به مناسبت آغاز کار مدارس برای پنج نفر از کسانی که به حداقل 10 سؤال زیر پاسخ صحیح داده شود و تا تاریخ به آدرس فوق ارسال دارند جوایز مناسبی تعلق خواهد گرفت.

1) این دعا را معنا کنید یا دعای اول قرآن " یا الهی طهر قلبی " را بنویسید.

2) چه موقع موضع اعتقادی انسان نسبت به خدا برای دیگران افشا می‌شود؟

3) پیامبر برای مسلمانان چه چیزهایی را به جا گذارد و به آنها سفارش نمود؟ توضیح دهید.

4) چرا مجروحین در دار آخرت تقاضای مرگ می‌کنند؟

5) چند نوع ولایت داریم، نام ببرید و توضیح دهید.

6) ولایت فقیه جز اصول دین است یا فروع دین؟ تشریح کنید.

7) دلیلی برای یگانگی خداوند بیاورید؟

8) دلیل بر این که خداوند عادل است و ظالم نیست چیست؟

9) اگر شما به جای ما بودید برای پیشبرد امور فرهنگی (کتاب، کتابخانه، تشکیل مجالس و غیره) چه کار می‌کردید؟

10) به پنج نفر از کسانی که بهترین خلاصه نویسی و نتیجه‌گیری را از یکی سه کتاب‌های ذکر شده، " مبارزه با نفس " (جهاد اکبر امام)، " چگونگی ماهیت نهضت امام حسین(ع) "، " توحید " را به آدرس فوق بفرستند به هر یک جوایز نقدی یا جنسی تعلق خواهد گرفت.

یادداشت

تاریخ ۱۲ ماه ۱۳۶۲/۹ شماره یک

برادران که بعنوان حاشین محقق می‌شود باید
 تمام نکات زیر را رعایت کنند
 ۱ آوردن روحانی برای تبیین در هر یک باشد
 (واحد آموزش سپاه - روابط عمومی بنیاد پشتیبانی جهاد
 دفتر تبلیغات مرکزی بزرگ اسلای و ...)
 ۲ صبح بعد از نماز اگر روحانی بود در سطر روحانی
 کلاس برای خود برادران تبلیغات
 (هر کلاسی که مباح بود یا کلاسی که گفته می‌شود)
 ۳ اگر روحانی نبود و کلاس منظمی برای برادران
 وجود نداشت کسی حق خوابیدن بعد از ساعت
 صبح را ندارد. روز بعد از عملیات اشغال
 ندارد (چون خوابیدن در اول رتت باعث
 عقب ماندن از کارها می‌شود هر چند وقت ساعت
 کار نباشد)

یادداشت

تاریخ ماه ۱۳۶ شماره ۴

۴ فرد مسئول باید زودتر از همه از خواب بیدار
 شود و برنامه هر روز برادران را مشخص کرده
 تا کارها بنحو احسن انجام شود
 ۵ مسئول تا آنجایی که امکان دارد نباید از محیط
 کار خود خارج شود و زود در نظر اگر همه کارها باشد
 ۶ حضور و غیاب از برادران بعمل بیاید و اگر
 برادران در محوطه کارها نبود یا بی‌حرف مسئول گشت
 اگر بدون دلیل بود می‌تواند غیبت بگذارد
 ۷ گزارش کار هر هفته برادران جمع آورده شود.
 ۸ در عملیات برادران گزارش کار جداگانه و بعد از
 مسئول یک گزارش کلی تهیه گردد (انتقادات و
 پیشنهادها در عملیات جهت پیشرفت کار ذکر شود)

یادداشت

تاریخ ماه ۱۳۶ شماره ۲

۹ برنامه مسیحا می هر روز باید توسط تبلیغات
 اجرا و برنامه حال اجرا شده در دفتر ثبت شود.
 ۱۰ برنامه مراسم بنیاد بنیاد احسن اجرا گردد.
 ۱۱ با روابط عمومی آن مرکز صافتگ تا از سایر واحدها
 دعوت بعمل بیاید و برنامه حال اجرا در دفتر
 محققین ثبت گردد
 ۱۲ اگر تعدادی از بندها واحد در جایی بود دو واحد
 هم در جای دیگر مسئول باید کاملاً هر دو قسمت
 را زیر پوشش قرار بکشد
 ۱۳ بی‌گیری جوی برای کشتن عکس بزرگ کند
 ۱۴ برقرار کردن رابطه با تمام نهادها و انقلابی
 جهاد - امور تربیتی - روابط عمومی بنیاد پشتیبانی -
 دادگاه انقلاب - دادستانی - دفتر تبلیغات
 سایر ارگانها و ادارات دیگر

یادداشت

تاریخ ماه ۱۳۶ شماره ۳

۱۴ رابطه جوی و عمیق با بندها داشتن و از
 رهنمودها و پیشنهادها و انتقادات حال آنها استفاده
 کردن
 ۱۵ برای همیشه یک یا دو گروه سرد منظم و آماده
 داشتن
 ۱۶ معرفی کتاب هفته و معرفی حتماً مورد حال قرآن
 و به آنها جایزه دادن
 ۱۷ مسئول باید تا حدودی در جریانات سیاسی آن کتبات
 تا بهتر بتواند کار بکند
 ۱۸ فرد مسئول حداقل در ماه یک سخنرانی در جمع
 برادران داشتن
 ۱۹ باید روحانی سوخته و در پیادگان با جمع منطقه
 تقو جمع گردد و گفته شود که چه چیزهایی لازم است
 گفته شود

یادداشت

تاریخ ماه ۱۳۶ شماره ۵

۱۱ برای شرکت دادن برادران در مراسم که در
شکلین می شود باید برخوردی خوب باشد داخل
تیب یا طرح و برنامه عملیات داشته باشد تا بتواند
مدقق شود

۱۲ سخنرانیهای مسؤل تیب همیشه همگرا گردد و با یکدیگر
توافق داشته باشد

۱۳ در جلسات با یکدیگر با هم همکاری و همفکری کردن و
مسئول نظر بودن

۱۴ در موقع عملیات همیشه برادران کردن و همکاری
کردن با دوربین یا ضبط و با یکدیگر شدن آنها

۱۵ شرکت دادن برادران تیب در شب جمعها در
سازشها با برنامه عالی برپا شود که مؤثرترین
کارها باشد

۱۶ در برپائی هر مراسم همیشه تبلیغات با بلندگو
آماده در نزدیک مراسم بوده که اگر برق رفتن از آن
استفاده شود

یادداشت

تاریخ ماه ۱۳۶ شماره ۵

۱۷ برگزیده اول دعای کهن شب جمع و دعای نوبه روز
جمع جمع و دعای تسلیت چهارشنبه صبح
اجرا گردد (یک ربع قبل از نماز به وقت قرآن گذاشته شود)

۱۸ در تبلیغ مورد پیش از ذکو نفر از برادران
حق رفتن به محض اذعان و هر برادر که به
محض می فدا شد برود باید یکی را به حال زندگی
انتخاب کند و بعد برود

۱۹ در صورت امکان بودن قبل از شروع مراسم
یک سخنرانی برای برادران عملیاتی کردن

۲۰ شرکت دادن برادران در عملیات مطهر جوهر

یادداشت

تاریخ 1362/6/12

برادری که به عنوان جانشین مشخص می شود باید تمام نکات زیر را رعایت کند:

- 1- آوردن روحانی برای تیپ در هر کجا که باشد (واحد آموزش سپاه - روابط عمومی - پشتیبانی ستاد - جهاد - دفتر تبلیغات - مرکز بزرگ اسلامی و ...)
- 2- صبح بعد از نماز، اگر روحانی بود توسط روحانی کلاس برای خود برادران تبلیغات (هر کلاسی که صلاح بود یا کلاسی که گفته می شود)
- 3- اگر روحانی نبود و کلاس منظمی برای برادران وجود نداشت، کسی حق خوابیدن بعد از ساعت هفت صبح را ندارد. روز بعد از عملیات اشکال ندارد (چون خوابیدن در اول وقت باعث عقب ماندن از کارها می شود هر چند وقت ساعت کار نباشد).
- 4- فرد مسئول باید زودتر از همه از خواب بیدار شود و برنامه های ضروری برادران را مشخص کرده تا کارها به نحو احسن انجام شود.
- 5- مسئول تا آن جایی که امکان دارد نباید از محیط کار خود خارج شود و از دور نظاره گر همه کارها باشد.
- 6- حضور و غیاب از برادران به عمل آورد و اگر برادری در محوطه کاری نبود یا به حرف مسئول گوش، اگر بدون دلیل بود می تواند غیبت بگذارد.
- 7- گزارش کار هر هفته برادران، جمع آوری شود.
- 8- در هر عملیات، برادران گزارش کار جداگانه و بعد توسط مسئول، یک گزارش کلی تهیه گردد (انتقادات و پیشنهادات در هر عملیات جهت پیشرفت کار، ذکر شود).
- 9- برنامه صبحگاهی هر روز باید توسط تبلیغات اجرا و برنامه های اجرا شده در دفتر ثبت شود.
- 10- برنامه مراسم شهدا باید به نحو احسن اجرا گردد و با روابط عمومی آن شهر هماهنگ تا از سایر واحدها دعوت به عمل بیاید و برنامه های اجرا شده در دفتر مخصوص ثبت گردد.
- 11- اگر تعدادی از نیروها واحد در جایی بود و واحد هم در جای دیگر، مسئول باید هر دو واحد را زیر پوشش قرار بگیرد.
- 12- پیگیری جدی برای کشیدن عکس بزرگ شهدا.

- 13- برقرار کردن رابطه با تمامی نهادهای انقلابی (جهاد - امور تربیتی - روابط عمومی - ستاد پشتیبانی - دادگاه انقلاب - دادستانی - دفتر تبلیغات و سایر ارگانها و ادارات دیگر).
- 14- رابطه جدی و عمیق با نیروها داشتن و از رهنمودها و پیشنهادهای آنها استفاده کردن.
- 15- برای همیشه یک یا دو گروه سرود، منظم و آماده داشتن.
- 16- معرفی کتاب هفته و معرفی و حفظ سورههای قرآن و به آنها جایزه دادن.
- 17- مسئول باید تا حدودی در جریانات سیاسی آن شهر باشد تا بهتر بتواند کار کند.
- 18- فرد مسئول حداقل در ماه یک سخنرانی در جمع برادران داشتن.
- 19- باید روحانی موقع ورود به پادگان با وضع منطقه توجیه گردد و گفته شود که چه چیزهایی لازم است گفته شود.
- 20- برای شرکت دادن برادران در مراسمی که در شهر تشکیل می شود باید برخوردی جدی با مدیر داخلی تیپ یا طرح و برنامه عملیات داشته باشد تا بتواند موفق بشود.
- 21- سخنرانی های مسئول تیپ همیشه ضبط گردد و بایگانی شود.
- 22- در جلسات، مسئولین پادگان به طور جدی شرکت کردن و صاحب نظر بودن.
- 23- در موقع عملیات فیلم برداری کردن و مصاحبه کردن با دوربین یا ضبط و بایگانی نمودن آنها.
- 24- شرکت دادن برادران تیپ در شب جمعه ها در مزار شهدا با برنامه های پر محتوا که مؤثرترین کار می باشد.
- 25- در برپایی هر مراسم، ماشین تبلیغات با بلندگوی آماده در نزدیک مراسم بوده که اگر برق رفت از آن استفاده شود.
- 26- برگزاری دعای کمیل شب جمعه و دعای ندبه روز صبح جمعه و دعای توسل شب چهارشنبه حتماً اجرا گردد (بک ربع قبل از هر نماز، به وقت، قرآن گذاشته شود) (مدت دعا یک ساعت الی 1.5 ساعت).
- 27- در هیچ مورد بیش از دو نفر از برادران، حق رفتن به مرخصی را ندارند و هر برادری که می خواهد به مرخصی برود باید یکی را به جای خودش انتخاب کند و بعد برود.
- 28- در صورت امکان بودن، قبل از شروع هر عملیات یک سخنرانی کردن برای برادران عملیاتی.
- 29- شرکت دادن برادران در عملیات به طور جدی.

فصل هفتم :

اعلام

آيات

* اِحْدِي الْحُسْنَيْنِ (1)

* اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (138)

* اَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (23)

* اَنْ اُخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ وَ ذَكَرَهُمْ بِاَيَّامِ اللَّهِ (116)

* اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَ الَّذِيْنَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ (109)

* اِنَّ الْكَافِرِيْنَ كَانُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا (105)

* اِنَّ اللَّهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَ اَمْوَالَهُمْ بِاَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيْلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَ يُقْتَلُوْنَ وَ عِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التُّورٰتِ وَ الْاِنْجِيْلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهِ مِنْ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهٖ وَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ (6)

* اِنَّ اللَّهَ اصْطَفٰهُ عَلٰيكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ (22)

* اِنَّ اللَّهَ بِالْعٰمِرِ قَدْ جَعَلَ لِلّٰهِ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (55)

* اِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ اَنْ تُوَدُّوا الْاٰمٰنٰتِ اِلٰى اَهْلِهَا (68)

* اِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيْلًا (46)

* اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسٰجِدَ اللَّهِ مَنْ اٰمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ اَقَامَ الصَّلَاةَ وَ اٰتٰى الزَّكٰوةَ وَ لَمْ يَخْشَ اِلَّا اللَّهَ فَعَسٰى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَكُوْنُوْا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ (149)

* بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ (166)

* تَعٰوَنُوْا عَلٰى الْبِرِّ وَ التَّقْوٰى وَ لَا تَعٰوَنُوْا عَلٰى الْاِثْمِ وَ الْعُدُوٰنِ (107)

* تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (23)

* رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ اخْلُ لِي عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي (84)

* عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (74)

* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزَوْنَ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (60)

* فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ (144)

* فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى * وَ صدَّقَ بِالحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (53)

* فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (69)

* فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (91)

* فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعْ الْفُلْكَ وَ ... (173)

* فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ... * وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ

صَالِحًا (44)

* فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (1)

* قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمَ (110)

* قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ (36)

* قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ (51)

* قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (160)

* لَنِ لَنُ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (81)

* لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (24)

* لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا (1)

* لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ (121)

* مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (95)

* وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرِزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (184)

* وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (123)

* وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (38)

* وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَ بُكِيًّا (142)

* وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها (181)

* وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (62)

* وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (78)

* وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (182)

* وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا (97)

* وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (127)

* وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا (17)

* وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (31)

* وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (33)

* وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (124)

* وَ أَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَاهُمْ مَاءً غَدَقًا (29)

* وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّابِغِ

بِالْجُنُبِ (75)

* وَ ثِيَابِكَ فَطَهَّرْ * وَ الرَّجْزَ فَهَجِّرْ (41)

* وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ (171)

* وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (101)

* وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (162)

* وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (113)

* وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ (1)

* وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ (133)

* وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (58)

* وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (176)

* وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (63)

* هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (80)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (83)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (65 ، 152)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (156)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (119، 128)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (135)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (90)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ (87)

* يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (76)

* يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا (175)

* يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (99)

* يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإَيَّاءِ فَاعْبُدُونِ (85)

* يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي (89)

* يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ (19)

* يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (27)

* يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (77)

* يَسْتَنْبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ (1)

روايات

* آلهُ البَلاغةِ قَلْبٌ عَقولٌ وَ لِسَانٌ قَائِلٌ (84)

* الأَدبُ حُلٌّ جُدُّ (17)

* احب الصالحين و لست منهم (36)

* اِحذِرْ مَجالِسةَ قَرينِ السَّوِّءِ فَإِنَّهُ يُهْلِكُ مَقارِنَهُ وَ يُرْدى مُصاحِبَهُ (89)

* أَحسَنُ المَقالِ ما صَدَّقَهُ الفِعالِ (65)

* إِذا أَحَبَّ اللهُ عَبدًا رَبيُّهُ بِالسَّكِينَةِ وَ الحِلْمِ (91)

* إِذا رَأَيْتُمُ الحَيرَ فَسارِعْتُمُ إِلَيْهِ (31)

* إِذا كانَ ثَلاثَةً في سَفَرٍ فَلْيُومِرُوا أَحَدَهُم (110)

* أساسُ الإسلامِ حُبُّنا أَهلَ البَيتِ (160)

* اسْتَوُوا وَ لا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلوبُكُمْ (55)

* اسْتَعْلِ بِشُكْرِ النِّعمَةِ عَنِ التَّطَرُّبِ بِها (81)

* أَشْرَفُ أُمَّتى حَمَلَةُ القُرْآنِ (144)

* أَصْلُ العَقْلِ القُدْرَةُ وَ ثَمَرَتُها السَّرورُ (63)

* اِعْرِفُوا مَنازِلَ النّاسِ مِنّا عَلى قَدْرِ رِوايَتِهِم عَنّا (133)

* أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتى اِنتِظارِ الفَرَجِ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ (166)

* اَللّهُمَّ ... فَارزُقنا الشَّهادَةَ (113)

* اَللّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبى مِنَ النِّفاقِ وَ عَمَلى مِنَ الرِّياءِ وَ لِسانى مِنَ الكِذْبِ وَ عَينى مِنَ الخِيانَةِ (12)

- * إِنَّ الصَّبْرَ نِصْفُ الْإِيمَانِ (78)
- * إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ (173)
- * إِنَّكُمْ إِنْ رَجَوْتُمْ اللَّهَ بَلَّغْتُمْ آمَالَكُمْ (24)
- * آيَهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ (128)
- * بِالْجُودِ تَكُونُ السِّيَادَةُ (53)
- * بِالْحِلْمِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ (33)
- * بَرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ (182)
- * بِنَى الدِّينِ عَلَى النِّظَافَةِ (42)
- * التَّدْبِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ (46)
- * التَّقْوَى حِصْنُ الْمُؤْمِنِ (69)
- * التَّوَاضُعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا (38)
- * ثَبَاتُ الدِّينِ بِقُوَّةِ الْيَقِينِ (29)
- * ثَمَرَةُ الْأَخْوَةِ حِفْظُ الْعَيْبِ وَ إِهْدَاءُ الْعَيْبِ (62)
- * الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ (119)
- * الْحَزْمُ حِفْظُ التَّجْرِبَةِ (90)
- * حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (75)
- * خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ (184)
- * خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ (99)

* الذِّكْرُ مُجَالِسَةُ الْمَحْبُوبِ (156)

* رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ (68)

* سَافِرُوا تَصِحَّوْا وَ جَاهِدُوا تَعْنَمُوا (51)

* سِنَةٌ يَلْحَقَنَّ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ وَفَاتِهِ: وَلَدٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يَخْلُقُهُ وَ ... وَ سِنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ

(107)

* الشَّجَاعَةُ زَيْنٌ (95)

* الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ (138)

* الصَّمْتُ رَوْضَةُ الْفِكْرِ (83)

* الصَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ (60)

* الطَّمَانِينَةُ قَبْلُ الْخُبْرَةِ خَلْفُ الْحَزْمِ (23)

* طُوبَى لِمَنْ قَصَرَ أَمَلُهُ وَ اغْتَنَمَ مَهْلَهُ (76)

* الْعَالَمُ بِرِمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ (116)

* الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً وَ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ (175)

* عَلَيْكُمْ بِاتِّبَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ (149)

* عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاصِلِ وَ التَّمُوفِقَةِ (121)

* الْعَمَلُ الصَّالِحُ شِعَارُ الْمُؤْمِنِ (127)

* عِنْدَ الْإِيثَارِ عَلَى النَّفْسِ تَتَبَيَّنُ جَوَاهِرُ الْكُرْمَاءِ (58)

* غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ (123)

* الْقِنَاعَةُ عَلَامَةُ الْأَتْفِيَاءِ (176)

- * قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي (22)
- * كَلِّكُمْ رَاعٍ وَ كَلِّكُمْ مَسْنُولٌ (129)
- * لَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ (44)
- * لَا يَثِقُ لِمَنْ يُدْبِعُ سِرَّكَ (74)
- * لَيْسَ لِلْأَحْرَارِ جَزَاءٌ إِلَّا الْإِكْرَامُ (77)
- * الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ (27)
- * الْمُؤْمِنُ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرَّشْدُ (171)
- * الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضاً (97)
- * مَنْ أَطَاعَ إِمَامَهُ فَقَدْ أَطَاعَ رَبَّهُ (135)
- * مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَةٌ (19)
- * مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمَوَّتْ الْقُلُوبُ (152)
- * مَنْ حَقَّرَ نَفْسَهُ عَظَّمَ (36)
- * مَنْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ (142)
- * مَنْ سَخِطَ عَلَى نَفْسِهِ أَرْضَى رَبَّهُ (87)
- * مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ (124)
- * مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ (80)
- * مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيُزِرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا (162)
- * مَنْ نَامَ عَنِ عَدُوِّهِ أَنْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ (105)

* الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ الْخَطَايَا (109)

* النَّائِمُ بِمَكَّةَ كَأَلْمَتْهَجِدِ فِي الْبُلْدَانِ (85)

* النُّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ (161)

* نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ وَ هِيَ مِفْتَاحُ الْحَوَائِجِ (181)

* وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى (1)

* ... وَ لَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاءُهَا وَ فُجَّارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَهُ خَوْلًا

(101)

* وَ لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَيَّ الثُّوَابِ وَ خَوْفًا

مِنَ الْعِقَابِ (1)

* هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي (10)

اشعار

ابیات بر اساس فهرست موضوعی و بر مبنای حروف الفبای فارسی تنظیم شده است.

«الف»

به جز این آسمانها، آسمانی کرده‌ام پیدا

ولای آل پیغمبر بود معراج روح من

به حبل الله مِهْر اهل بیت است اعتصام من
 ز بهر حق شناسان هر چه خواهم می شود حاصل
 عصا این جا و عصیان را شفیع آن جاست مِهْر او
 سخن های امیرالمؤمنین دل می برد از من
 به خاک درگه آل نبی پی برده ام چون فیض
 برای نظم ایمان، ریسمانی کرده ام پیدا
 درون خویشتن گنج نهانی کرده ام پیدا
 دو عالم گشته ام تا مهربانی کرده ام پیدا
 ز اسرار حقایق دلستانی کرده ام پیدا
 برای خود ز جنت، آسمانی کرده ام پیدا

(161، 137)

مرد حق باز آفریند خویش را
 بر عیار مصطفی خود را زند
 جز به نور حق نبیند خویش را
 تا جهان دیگری پیدا کند

(32)

سیل آمد و در ربود یارانم را
 من از سر خاکشان بچشم ابر بهار
 پیچید بساط نوبهارانم را
 می بارمشان گوهر بارانم را

(165)

میان کار باش ای پسر کمال بجوی
 که مه تمام نشد جز ز بهر نقصان را

(172)

دشمنت ترسان اگر بیند تو را
 ضرب تیغ او قوی تر می فتد
 از خیابانت چو گل چیند تو را
 هم نگاهش مثل خنجر می فتد
 بیم چون بند است اندر پای ما
 ورنه صد سیل است در دریای ما

(96)

گردن خود زنده خواهی، تواضع پیشه کن
 به ز خاکستر لباسی نیست آتش پاره را

(40)

افتادگی ز خاک برآورد دانه را
 گردن کشی به خاک نشانند، نشانه را

(41)

ارتقای ما مسیر می‌شود با سوختن

بر فراز مجمر گیتی چو اسفندیم ما

گر نمی‌آید چنین روزی کجا دانند خُلق

در میان همگنان بی‌مثل و مانندیم ما

(114)

عاجزیم از شکر نعمت‌های تو

عجز ما بین بگذر از کفران ما

ای بدی از ما و نیکویی ز تو

آن خود کن پرده پوش آن ما

فیض را از فیض خود سیراب کن

ای بهشت و کوثر و رضوان ما

(82)

رزق ما آید به پای میهمان از خون غیب

میزبان ماست هر کس می‌شود میهمان ما

(61)

نفقه کن چیزی که داری چارسو

لن تنالوا البرّ حتی تنفقوا

(54)

ادخلوا الآيات من ابوابها

واطلبوا الارزاق من اسبابها

(175)

فرات و دجله و جیحون چه تلخ بودندی

اگر مقیم بُدندی به جای چو دریا

نه آفتاب و نه مهتاب نور بخشیدی

اگر مقیم بُدندی چو صخره عنقا

(52)

به راه دانش‌اند آن‌گونه پویا

که تشنه از پی آب است، جویا

خلایق گر حریص مال و جاه‌اند

حریص دانش آن مردان راه‌اند

که دانش رهبر دنیا و دین است

جمال آرای فردوس برین است

(21)

«پ»

دل بکن جانا از این دیر خراب
گر نکندی بسته ماند این جا دلت
حسرتی ماند به دل آن جا که داد
کآسمان در رفتنت دارد شتاب
تو بمانی بی دل آن جا در عذاب
دل به چیزی کو نشد زان کامیاب

(45)

مشورت کردی که خواهد مر تو را
چون بود "المستشار مؤتمن"
کشتی مقصد رهد از انقلاب
مشورت باشد به هر امری صواب

(120)

سرمایه بزرگی و دولت بود ادب
می کوش در ادب که عزیز جهان شوی
کاهنده مشقت و زحمت بود ادب
چون منتج فواید عزت بود ادب

(18)

دلا بردار از لب مهر خاموشی و با دلبر
سخن آغاز کن هنگام عرض مطلب است امشب

(159)

سایه خورشید سواران طلب
دردستانی کن و درمان دهی
رنج خود و راحت یاران طلب
تات رسانند به فرماندهی
گرم شو از مهر و ز کین سرد باش
چون مه و خورشید جوانمرد باش

(54)

«پ»

«ت»

در بدن داری اگر سوز حیات
هست معراج مسلمان در صلوات

(141)

ز احمقان بگریز، چون عیسی گریخت

(89)

صحت احمق بسی خون‌ها بریخت

در وطن تا هست آینه جلا پیدا نکرد

(52)

جزم بر عزم جلا کن گر جلا می‌بایدت

نفس تو مثل شتر، خود پرور است

خودپرست و خودسوار و خودسر است

مرد شو، آور زمام او به کف

تا شوی گوهر، اگر باشی خَزَف

هر که بر خود نیست فرمانش دوان

می‌شود فرمان‌پذیر از دیگران

(88)

بسی گره، کاو کلید پنهانی است

بس درشتی که در وی آسانی است

گرچه پیکان غم جگردوز است

درع صبر از برای این روز است

(79)

برگ عیشی به گور خود فرست

کس نیارد، ز پس و پیش فرست

(108)

نیکبخت آن کسی که بنده اوست

در همه کارها بسنده بر اوست

(50)

مورچگان را چو بود اتفاق

شیر ژیان را بدرانند پوست

(98)

همه امید من به رحمت توست

جان و روزی همه به نعمت توست

(26)

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست!

هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست!

جان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم

که یاد می‌نکند عهد آشتیان ای دوست!

(114)

هر که را گنج قناعت باشد او درویش نیست

عافیت در مرد قانع را ز کم یا بیش نیست

(177)

من سری دارم و در پای تو خواهم بازید

خجل از ننگ بضاعت، که سزاوار تو نیست

(114)

غم دل با که بگویم که مرا یاری نیست

جز تو ای روح روان! هیچ مددکاری نیست

(23)

آسوده کسی که در کم و بیشی نیست

در بند توانگری و درویشی نیست

فارغ ز غم جهان و از خَلق جهان

با خویشان به ذره ای خویشی نیست

(45)

از پیر جهان دیده کردم سؤالی

که بهر معیشت ز مال و بضاعت

چه سرمایه سازم که سودم دهد گفت

اگر می توانی قناعت قناعت

(177)

گنج ابدی پیروی حقّ و عبادت

مفتاح در خیر نمازی به جماعت

راضی مشو از بندگی ات تا نمایی

آداب و شرایط همه را نیک رعایت

خواهی به عبادت خللی راه نیابد

می کن دلت از وسوسه دیو حمایت

هرگز نتوانی که تلافی کنی آن را

گر از تو شود فوت نمازی به جماعت

(151، 141)

آن که بدو داد جان، زنده جاوید شد
هر که ز دینش گذشت، لذت عقبی' چشید

(115)

«ث»

«ج»

عمر دو روزینه داد، عمر فراوان گرفت
وان که ز عقبی' گذشت، کام ز جانان گرفت

به خَلق آسایش آرد خویش را رنج
تو نیز ای جان! چو مردان وفا خیز

(126)

که جوید در خراب خویشتن گنج
جهان را نوش باش و خویش را نیش

«چ»

من و یاد خدا دگر همه هیچ
شمع بیگانه پرتوی ندهد
حدم بس بود دگر همه پوچ
روی دل سوی قبله درویش
باده مصطفی ای حق چو رسد
به مناجاتش ار شبی گذرد
در دل شب چو شمع گریه و سوز
بی نیازی ز خلق و صحبت امن
فیض را بس پس از نبی و علی

(159)

بندگی و فنا دگر همه هیچ
من و آن آشنا دگر همه هیچ
صحبت با خدا دگر همه هیچ
مست جام لقا دگر همه هیچ
از کف مرتضی دگر همه هیچ
بس بود آن مرا دگر همه هیچ
طاعت بی‌ریا دگر همه هیچ
دوری از ماسوا دگر همه هیچ
یازده پیشوا دگر همه هیچ

«ح»

«خ»

«د»

سر به هم آورده دیدم برگ‌های غنچه را

(155)

اجتماع دوستان یکدلم آمد به یاد

پافشاری و استقامت میخ

دار عبرت بشر گردد

هرچه کوبند بیشتر بر سر او

پافشاری‌اش بیشتر گردد

(28)

میانه‌گزین در همه کار کرد

به پیوستگی هم به ننگ و نبرد

(172)

تار و پود عالم هستی به هم پیوسته است

عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد

راه بسیار است مردم را به سوی حق و لیک

راه نزدیکش دل مردم به دست آوردن است

(126)

دانی که چه گفت زال با رستم گُرد

دشمن نتوان حقیر و بی‌چاره شمرد

(106)

دولت همه ز اتفاق خیزد

بی‌دولتی از نفاق خیزد

(98)

چو بر حسین بگریبی به حشر خندانی

هر آن دو دیده که نگریست سخت مغبون شد

چه آتشی که می‌جوشد اشک‌ها گویی

که چشم‌ها همه کارون و سینه کانون شد

(143)

هر که با علم و دانش است قرین

در جهان نامدار می‌باشد

(21)

ز بس در کار طاعت پُر شتاباند

حریص اندر عبادت ، بی‌حساب‌اند

به اندک ، جام آنان، نیست سرشار

هم افزون را کم انگارند، بسیار

(50)

به روزی در پی کسب حلالند

به حشر آسوده ز اندوه و وبال اند

دهد رزق حلال آسایش دل

شود بر طاعت دلداری، مایل

حرام از دل بَرَد میهر و وفا را

کند ناپاک قلب با صفا را

(174)

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوار بماند

(181)

خیری کن ای فلان! غنیمت شمار عمر

زان پیش تر که بانگ برآید فلان نماند

(127)

پسری را پدر وصیت کرد

کای جوان بخت یاد گیر این پند

هر که با اهل خود وفا نکند

نشود دوست روی و دولتمند

(185)

هر که را اسرار حق آموختند

مُهر کردند و دهانش دوختند

(74)

افسوس که افسانه سرایان همه رفتند

اندوه که اندوه گساران همه رفتند

یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران

تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند

دعوی چه کنی، داعیه داران همه رفتند

شو یار سفر بند که یاران همه رفتند

(165)

بگذار دردمند فراق رخ نگار

از درد خویش ناله و آه و فغان کند

(143)

خُلُق نیکو خود به خود از هر کسی سازد بروز نافه را بوی خوش آن هر کجا پیدا کنند

(64)

آبروی کعبه گر از چشمهٔ زمزم بُود کعبهٔ دل را صفا از دیدهٔ پر نم بُود

(143)

لیلی که چراغ دیگران بود رنج خود و گنج دیگران بود

(126)

ای که کام دو جهان را ز خدا می‌طلبی هر دو موقوف به یک آه سحرگاه بود

غافل از مور مشو گرچه سلیمان شده‌ای که ز هر ذره، به درگاه خدا راه بود

(159)

کسب کن، کاسب حبیب‌الله بُود طاعت بی‌کسب دام ره بُود

(174)

به فعل و قول زبان یک نهاد باش و مباش به دل خلاف زبان چو پیشیز زر اندود

(67)

نور چشم من چو شمع از گریهٔ گرم من است خانهٔ اهل کرم روشن ز مهمان می‌شود

(61)

نه مرد است آن به نزدیک خردمند که با پیل‌دهان پیکار جوید

بلی، مرد آن کس است از روی تحقیق که چون خشم آیدش باطل نگوید

(35)

«ذ»

«ر»

مخواه آزدن همسایه، زنهار
به احسان کوش، با همسایه خویش
حقّ همسایه را در دفتر عشق
ز قرآن در نیوش این نغز گفتار
ز آزار دل آنان بیندیش
سفارش‌ها نموده دلبر عشق

(75)

با همه خَلق روی نیکو دار
خوی نیکو تو را چو شیر کند
خو نکودار و روی چون خو دار
خوی بد عالم از تو سیر کند

(77)

کسی کو با تو نیکی کرد یک بار
همیشه آن نکویی یاد می‌دار

(62)

در ساحل رحیلی، برگ سفر بساز
در منزل بسیجی، تخم امل مکار

(76)

راستی آور که شوی رستگار
راستی از تو، ظفر از کردگار

(67)

چو کاهل بود مرد هنگام کار
ز نیرو بود مرد را راستی
از آن پس نیاید چنان روزگار
ز سستی کژی آید و کاستی

(22)

با وقت بُود بسته همه کار و همه چیز
بی‌وقت بُود کار به سر بردن دشوار

(57)

حقّ همسایگان بزرگ شمار
باطلی گر کند یاد میار

(75)

مصدر هر هشت گردون مبدأ هر خلقت اختر
خالق هر شش جهت، نور دل هر پنج مصدر

والی هر چار عنصر، حکمران هر سه دفتر پادشاه هر دو عالم، حجّت یکتای اکبر

آن که جودش شهره نه آسمان بل لامکان شد

(167)

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

(92)

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مگیلان، غم مخور

(28)

به جایی نخسبید عقاب دلیر که آبی توان هشتن او را به زیر

(106)

«ز»

لا اله باشد صدف، گوهر نماز قلب مسلم را حج اصغر نماز
در کف مسلم مثال خنجر است قاتل فحشا و بغی و منکر است

(140)

«ژ»

«س»

خردمند طبعان سنت‌شناس بدوزند نعمت به میخ سپاس

(80)

گفتار در میان صواب و خطا بود از خامشان خطا نشنیده است هیچ کس
صائب، خموش باش کزین حرف دشمنان آواز مرحبا نشنیده است هیچ کس

(83)

«ش»

اندرین ره، جان من باهوش باش

(90)

پای تا سر، چشم باش و گوش باش

گرت رازی بُود، بسته دهان باش

(74)

به کس مگشای و هم خامش زبان باش

با مادر خویش مهربان باش

با چشم ادب نگر پدر را

چون این دو شوند از تو خرسند

(183)

آماده خدمتش به جان باش

وز گفته او مپیچ سر را

خرسند شود ز تو خداوند

به پور خویش دین و دانش آموز

به دست او اگر دادی هنر را

(185)

که تا ابد چون مه و انجم نگینش

ید بیضاست اندر آستینش

بر بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست

(83)

یا سخن دانسته گوی ای مرد عاقل یا خموش

من در هوای دوست گذشتم ز جان خویش

در شهر خویش بود مرا دوستان بسی

من داشتم به گلشن خود آشیانه ای

(109)

دل از وطن بریدم و از خاندان خویش

کردم جدا هوای تو از دوستان خویش

آواره کرد عشق توأم ز آشیان خویش

«ص»

«ض»

«ط»

(172)

«ظ»

«ع»

«غ»

وگر خندد چو گل خندد در این باغ

چو غنچه لب گشاید در تبسم

لب خندان خوش است اما نه چندان

بخند ای نازنین! لیکن بیندیش

نه آشوب افکند در باغ ، چون زاغ

که آرد بلبلان را در ترتم

گل از خنده خزان گردد به بستان

که لبخند فزون ، دل را کند ریش

(64)

«ف»

امر به معروف خصلتی است شریف

صفت آن که سالک راه است

لیک از مشفق نظیف لطیف

فبما رحمه من الله است

(123)

«ق»

«ک»

«گ»

«ل»

علم را از جایگاه او بجوی

قال اوّل جز پیمبر کس نگفت

سر بتاب از عمر و زید و قال قال

وآنگهی زی آل او آمد مقال

جز که زهرا و علی و اولادشان

مر رسول مصطفی را کیست آل؟

(134)

بزن به دامن شوریدگان حق، دستی

که حل شود به تو هر مشکلی لاینحل

(136)

«م»

نپوید راه باطل آن نکونام

نه از حق یک قدم بیرون نهد گام

(104)

ز راه خاکساری کسب عزت کرده‌ام صائب

که چون خورشید هم بالای سر هم زیر پا باشم

(41)

یاد یاران که کنند از دل و جان یاری هم

باز سر کرده روند از پی غمخواری هم

غم زدایند ز دل‌های هم از خوش‌خویی

بهره گیرند ز دانش به مددکاری هم

کم کنند از خود و افزونی یاران طلبند

رنج، راحت شمرند از پی دلداری هم

از ره لطف و محبت همه هم را دلجوی

وز سر مهر و وفا در صدد یاری هم

سرشان ز آتش سودای محبت پرشور

پای پر آبله در راه طلب کاری هم

(130)

با کس ننماییم بیان، حال دل خویش

ما خانه به دوشان همگی، صاحب دردییم

(74)

«ن»

دل مجروح را شفا قرآن

دل پر درد را دوا قرآن

سخن اوست واضح و واثق

حجت اوست لایح و لائق

(148)

همه شب تا سحر آن عشق بازان

ز شوق دوست، چون شمع گدازان

کنند اجزای قرآن را تلاوت

کنند از فکر در آیات قرآن

کتاب عشق، قرآن است دریاب

شهود غیبی و غیب شهودی است

خوشا آنان که شب زین دفتر عشق

خوشا آنان که هر شب تا سحرگاه

(147)

خدایی که رزاق انس است و جان

چگونه کنم شکر احسان تمام؟

(82)

بارها شیشه تقوا و سفر دور و دراز

(73)

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست؟

به کاخ دهد که آرایش است بنیادش

همی ز عادت و کردار زشت کم کردن

(112)

از سر کوی تو مایوس نگردم هرگز

(26)

خشم را طاعت مدار زیرا که خشم

بر پشیمانی خوری از تخم خشم

(35)

به ترتیب و تفکر، روز درایت

هزارن درد جان خویش درمان

صحیفه سرّ سبحان است دریاب

صعود قوسی و قوس صعودی است

همی خوانند نام دلبر خویش

بدین خوش نغمه از دل بر کند آه

مرا از کرم گسترانیده خوان

ز عاجز بود عجز ختم کلام

گر سلامت بتوان یار به منزل بودن

برای خاطر بیچارگان نیاسودن

مقیم گشتن و دامان خود نیالودن

هماره بر صفت و خوی نیکافزودن

غمزه‌ای، غمزدگان را تو مددکاری کن

زیر دامن در بلا دارد دفین

خود مکار این تخم وز این بر مچین

امانات حق و خلق و دل و دین

نگه دارد نکو، آن پاک آیین

نگه دارد همه راز جهان را

نسازد فاش اسرار نهان را

(68)

«و»

تا صلاى ارجعى بشنید از طبل رحیل

مرغ روح از آشیان تن کند، پرواز تو

(115)

کم گوی و به جز مصلحت خویش مگو

چیزی که نپرسند تو از پیش مگو

(83)

«و»

ز خوی عفت آن مردان آگاه

رهانیدند جان از نفس بدخواه

به عفت، دست شهوت می توان بست

ز کید نفس و مکر آسمان رست

(100)

کند تأثیر در دل چون ملایم گو بُود واعظ

به نرمی جا کند در سنگ، آب، آهسته آهسته

(84)

صف بیارایید رندان، رهبر دل آمده

جان برای دیدنش منزل به منزل آمده

بانگ زن در جمع خفاشان پست کوردل

از ورای کوهساران شمس کامل آمده

باز گو اهریمنان را بار عشرت بار بست

زندگی بر کامتان زهر هلاهل آمده

دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین

با دم عیسی برای حل مشکل آمده

(167)

«ی»

تو ز پیوند حریمی زنده‌ای

تا طواف او کنی پاینده‌ای

(86)

ببخش مال و مترس از کمی که هر چه دهی

جزای آن به یکی ده، ز دادگر یابی

(59)

تو اوّل بگو با کیان زیستی

من آن‌گه بگویم که تو کیستی

با بدان کم نشین که صحبتِ بد

گر چه پاکی تو را پلید کند

آفتابی بدان بزرگی را

لگه‌ای ابر ناپدید کند

(89)

بحمدالله که گر دیدیم رنجی

در آخر یافتیم این‌طور گنجی

به دشواری چنین گنجی توان یافت

بلی، کی گنج بی‌رنجی توان یافت

سحرخیزی بسی کردم چو خورشید

که زر گردید خاک راه امید

(50)

چرا در عالمی دل بسته داری

کزو غم در غمی پیوسته داری

(76)

حافظ غبار فقر و قناعت ز رخ مشوی

کاین خاک بهتر از عمل کیمیاگری

(177)

در ره دین سخت چو الماس زی

دل به حق بر بند و بی وسواس زی

(30)

چون با ادب و تمیز باشی

پیش همه کس عزیز باشی

(43)

ترک دیوی کنی ملک باشی

ز شرف برتر از فلک باشی

(37)

نیست اکسیری به عالم بهتر از افتادگی
از تواضع افسر خورشید زرین گشته است

قطره ناچیز گردد گوهر از افتادگی
کم نمی‌گردد فروغ گوهر از افتادگی

(40)

حکم تقدیرات امر زندگی
ورنه از شوق رسیدن بر ثواب
روحشان پر می‌کشیدی از قفس

چند روزی جسم را پایندگی
یا که ترس راندن و بیم عذاب
در بدن باقی نماندی یک نفس

(2)

به خُلق نیک در عالم توانی زندگی کردن
مکرر امتحان کردم که بهر زندگی کردن

که با خُلق نکو رام تو گردد شیر آجامی
به است از تندى و آشفتگی، نرمی و آرامی

(122)

وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی

حاصل از حیات ای دل یکدم است نادانی

(118)

وصیت همین است جان برادر

که اوقات ضایع مکن تا توانی

(118)

برای امتحان تا می‌توانی بار درد و غم

بنه بر دوش من تا بردباری‌های من بینی

(30)

خشم مکن، خواجه پشیمان شوی

جمع نشین ورنه پریشان شوی

(35)

هین مکن باور که ناید زو بهی

گرگ اگر با تو نماید روبهی

(106)

با خَلق خدای کن نیکویی

خواهی که خدای بر تو بخشد

(126)

اشخاص

* آزادپور علی : (195 ، 135 ، 113)

* اکبری حسینعلی : (38)

* بتولی ناصر : (53)

* پیل زور : (19 ، 69 ، 83 ، 84 ، 110 ، 119 ، 158 ، 160)

* حاج حاتم مجید: (25 ، 34 ، 39 ، 46 ، 47 ، 48 ، 49 ، 96 ، 103 ، 104 ، 110 ، 113 ، 139 ، 150 ، 154 ،
(158 ، 171 ، 184 ،

* حاجی حسینی حسین: (36 ، 47 ، 55 ، 60 ، 65 ، 66 ، 69 ، 90 ، 96 ، 103 ، 105 ، 111 ، 116 ، 121 ،
(123 ، 133 ، 134 ، 136 ، 138 ، 142 ، 157 ، 161 ، 163 ، 176)

* دقیقہ حسین: (135)

* ربیعہ علی رضا: (20 ، 29 ، 30 ، 32 ، 48 ، 49 ، 50 ، 51 ، 77 ، 78 ، 79 ، 111 ، 112 ، 114 ، 184)

* سعدی حسن: (23 ، 25 ، 34 ، 38 ، 39 ، 42 ، 56 ، 57 ، 58 ، 63 ، 64 ، 66 ، 70 ، 101 ، 114 ، 116 ،
(138 ، 144 ، 156 ، 165)

* شریفی علی: (107)

* صیادیان علی: (20 ، 37 ، 45 ، 59 ، 61 ، 73 ، 86 ، 100 ، 102 ، 118 ، 124 ، 125 ، 126 ، 127 ، 139 ،
(143 ، 151 ، 152 ، 153 ، 158 ، 162 ، 166 ، 175 ، 182 ، 183)

* عابد عبدالرضا: (55)

* عبدالملکی: (17 ، 19 ، 44 ، 74 ، 76 ، 78 ، 89 ، 91 ، 149 ، 166 ، 176)

* عسکری ناصر: (144)

* عظیمزادہ حبیب اللہ: (22 ، 87 ، 108 ، 127 ، 139 ، 144 ، 153 ، 160 ، 162 ، 173)

* فدا مجتبی: (103 ، 158)

* کریمی محمد باقر: (33 ، 40 ، 92 ، 97 ، 128 ، 129 ، 136 ، 140 ، 150 ، 151)

* کلیشادی مهدی: (17 ، 27 ، 31 ، 33 ، 63 ، 78 ، 91 ، 95 ، 109 ، 111 ، 133 ، 135 ، 149 ، 171)

* نقویان محمد: (35 ، 43 ، 49 ، 157)

* نمکی محمد تقی: (145)

* محبوبی جواد : (80)

* مکاری یدالله : (40)

* یزدانی ایرج : (39)

اصطلاحات

* **امامزاده صالح** : علی بن عبیدالله الاعرج ابن حسین الاصغر ابن علی ابن الحسن ابن علی ابن ابی طالب مشهور به

علی صالح (به گویش محلی خاص علی) مدفون در صالح آباد (ایلام) از توابع شهر مهران است. (55)

* **بُنه** : محلی است در جبهه جنگ (با فاصله کمی از خط مقدم) که بخشی از وسایل تدارکاتی مورد نیاز در آن جا

نگهداری می شود که در اصطلاح بُنه تدارکاتی می گویند. (55)

* **پاتک** : حمله ای در پاسخ به حمله دشمن، ضدحمله. (فرهنگ لغت معین) (ذیل واژه) (139)

*** پدافند (دفاع) :** عملیاتی رزمی به منظور جلوگیری از موفقیت دشمن. (فرهنگ لغت معین) (ذیل واژه) (30 ، 193 ، 194)

*** تراور (تراورس) :** به تکیه‌گاه بتونی یا چوبی یا فولادی می‌گویند که ریل‌ها روی آن بسته می‌شود که در جبهه‌ها از تراور چوبی برای سقف و کف سنگرها استفاده می‌شد. (25)

*** تیپ قدس (تیپ 105 ویژه قدس کردستان) :** در اواسط سال 1361 این یگان با تشکیل 3 گردان حزب‌الله، روح‌الله و ثارالله و انجام چند عملیات تشکیل گردید و در اواخر سال 1361 هویت آن به صورت رسمی اعلام شد. این تیپ با پذیرش نیروهایی از استان‌های اصفهان، مازندران و گیلان پس از طی دوره آموزشی در تهران کار خود را با ستاد نسبتاً فعال آغاز کرد.

از مهرماه 1361 تا مهرماه 1365 با نام تیپ ویژه 105 قدس، از مهرماه 1365 تا شهریور 1367 با نام لشکر 52 قدس و از شهریور 1367 تاکنون با نام لشکر 16 قدس است. (4 ، 5 ، 17 ، 20 ، 21 ، 25 ، 27 ، 29 ، 30 ، 31 ، 32 ، 33 ، 34 ، 38 ، 39 ، 40 ، 43 ، 46 ، 47 ، 48 ، 49 ، 50 ، 51 ، 53 ، 63 ، 65 ، 79 ، 87 ، 91 ، 92 ، 95 ، 96 ، 97 ، 103 ، 104 ، 109 ، 110 ، 111 ، 112 ، 113 ، 114 ، 128 ، 129 ، 133 ، 135 ، 136 ، 139 ، 140 ، 145 ، 146 ، 147 ، 149 ، 150 ، 151 ، 154 ، 155 ، 157 ، 158 ، 171 ، 184 ، 190 ، 192 ، 193)

*** تیپ 62 بیت‌المقدس (شهید افیونی) :** اواخر سال 1361 با ادغام گردان‌های جندالله سنندج، بیجار، قروه و کامیاران، تیپ جندالله (شهید افیونی) شکل گرفت و در مقاطع مختلف تغییر نام داد. نیروهای این تیپ عموماً از خود کردستان به خصوص شهرهای قروه و بیجار تأمین می‌شد و عناصر ستادی آن از سایر استان‌ها به‌ویژه اصفهان تشکیل شده بود. این یگان با دریافت مأموریت از قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) در عملیات داخلی و برون‌مرزی مختلفی شرکت کرد و نقش قابل توجهی در دفاع مقدس ایفا می‌کرد و اکنون به عنوان لشکر 62 عملیاتی بیت المقدس شناخته می‌شود. (17 ، 89 ، 91 ، 149 ، 193)

*** رابط :** فردی که بین واحدهای نظامی، مسئول ایجاد ارتباط در زمینه اداری و پشتیبانی بود. (34 ، 102)

*** ستاد :** مرکز فرماندهی (فرهنگ لغت معین) (ذیل واژه)، جایی است که اگر گفته نشود همه، بیشتر بخش‌ها و توابع یک نهاد گرد هم می‌آیند و تصمیمات را به صورت مشورتی اتخاذ می‌کنند. (25 ، 34 ، 39 ، 46 ، 47 ، 48 ، 49 ، 50 ، 71 ، 96 ، 103 ، 104 ، 111 ، 114 ، 125 ، 140 ، 151 ، 155 ، 159 ، 172 ، 185 ، 193)

(194)

*** ستاد پشتیبانی جبهه :** در دوران دفاع مقدّس در شهرستان‌های پشت جبهه جنگ، سازمانی برای پشتیبانی و تهیه امکانات مورد نیاز جبهه‌ها توسط امام جمعه، فرماندار، سپاه، ارتش و جهاد سازندگی تشکیل شده بود که به آن ستاد پشتیبانی جبهه‌ها می‌گفتند. (71 ، 125)

*** ضدانقلاب :** به کلیه گروه‌های معاند و مخالف نظام، ضدانقلاب می‌گویند که در منطقه کردستان شامل احزاب و گروه‌های کومله، دموکرات و ... بودند. (سایت شهید حسین صیادیان) (47 ، 48 ، 111 ، 121 ، 128 ، 140 ، 195 ، 196)

*** عملیات قادر :** این عملیات با رمز مقدّس " یا صاحب الزّمان (عج) " در محور سیدکان - چومان مصطفی در منطقه شمال غرب کشور به صورت گسترده در تاریخ 1364/4/24 به فرماندهی ارتش و همکاری یگان‌هایی از سپاه پاسداران اجرا گردید. (سایت فاتحان) (96 ، 193)

*** عملیات کربلای 1 :** این عملیات به منظور بازپس‌گیری شهر مهران و سلسله ارتفاعات قلاویزان و دستیابی به مرز و تأمین کلّ منطقه، طرح ریزی و توسط سپاه پاسداران در تاریخ 1365/4/6 با رمز مقدّس " یا ابوالفضل العباس (ع) ادرکنی " اجرا گردید. (سایت فاتحان) (55 ، 70 ، 193)

*** عملیات کربلای 5 :** این عملیات در تاریخ 1365/10/19 با رمز مقدّس " یا زهرا (س) " در منطقه عمومی شرق بصره (شلمچه) به وسیله سپاه پاسداران به منظور انهدام ماشین‌های جنگی دشمن، به مدت 70 روز اجرا شد و 150 کیلومترمربع از کشور عراق به تصرف ایران در آمد. (164 ، 193)

*** عملیات والفجر 9 :** این عملیات در تاریخ 1364/12/5 در منطقه شرق سلیمانیه عراق در جبهه شمال غرب به فرماندهی سپاه پاسداران با هدف نزدیک شدن به شهر سلیمانیه و مقابله با تجمّع نیروهای عراق در فاو با رمز مقدّس " یا الله یا الله یا الله " انجام شد و تیپ قدس در آن عملیات شرکت داشت. (سایت فاتحان) (49 ، 193)

*** قرارگاه نجف اشرف :** این قرارگاه که در شهر کرمانشاه مستقر بود، مسئولیت هدایت عملیات و یگان‌ها را در جبهه‌های میانی بر عهده داشت. (40 ، 64 ، 193)

*** کومله :** (در کردی : کو مه له = انجمن و گروه) سازمانی چپ‌گرا در کردستان ایران است که از مخالفان جمهوری اسلامی است. در سال ۱۳۵۷، سه گروه چپ‌گرا در هم ادغام شدند و کومله را بنیان‌گذاری کردند: گروه انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران، گروه چاوه، اتحادیه کشاورزان.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در 26 بهمن 1357 گروه طی جلسه‌ای، تحت عنوان سازمان زحمت‌کشان انقلابی کردستان ایران (کومله) اعلام موجودیت کرد و پس از انقلاب، با نیروهای جمهوری اسلامی وارد مبارزه مسلحانه شد. (سایت سردار شهید حسین صیادیان) (47 ، 48)

* **گتر:** قطعه‌هایی از پارچه که قسمت پایین ساق پا و بالای کفش را می پوشاند. روپوش کفش که از پارچه آن را می دوزند؛ برای محافظت کفش از باران و برف و گل و لای. (لغت‌نامه دهخدا) (ذیل واژه) (43 ، 56 ، 150)

* **گیوه:** نوعی از کفش که رویه آن از نخ یا ابریشم بافته می‌شود. (فرهنگ فارسی معین) (ذیل واژه) (55)

* **لجستیک یا آماد (Logistic):** این لغت ریشه‌ای یونانی دارد و در موارد نظامی برای جابجایی جنگ‌افزار، مهمات و جیره غذایی در مواقع حرکت از مکان اصلی به سمت خط مقدم استفاده می‌شود. (5 ، 17 ، 19 ، 23 ، 24 ، 36 ، 44 ، 47 ، 66 ، 70 ، 89 ، 91 ، 95 ، 124 ، 128 ، 149 ، 166 ، 176 ، 192 ، 193)

* **محور عملیاتی:** منطقه یا محلی از جبهه است که یک یگان نظامی در آن جا آفند یا پدافند می‌نماید. (38 ، 47 ، 96 ، 116)

* **نیروی پرسنلی:** افرادی هستند که در امور اداری شامل استخدام، تکمیل پرونده و ... مشغول فعالیت می‌باشند. (48 ، 171)

* **نیروی عملیاتی:** همان افراد رزمی می‌باشند که در عملیات‌ها شرکت می‌کنند. (38)

* **واحد اطلاعات و عملیات:** در یگان نظامی، بخش اطلاعات مسئول شناسایی دشمن و بخش عملیات مسئول طرح و برنامه‌ریزی برای انجام عملیات های آفندی و پدافندی است. (34 ، 55)

* **واحد تبلیغات:** واحدی در یگان نظامی است که مسئولیت انجام امور تبلیغات دینی و مذهبی را عهده‌دار است. (4 ، 48 ، 96 ، 163)

* **واحد تدارکات:** واحدی است که اقلام مورد نیاز سایر واحدهای یک یگان نظامی را تهیه می‌نماید. (24 ، 36 ، 38 ، 55 ، 65 ، 95 ، 96 ، 166)

* **واحدهای نظامی:**

- **لشکر** : یکی از یگان‌های نظامی بزرگ است که متشکل از چند تیپ می‌باشد و با عدد و نام شهدا نام‌گذاری می‌شود. (10 ، 139 ، 190 ، 193)
- **تیپ** : یکی از یگان‌های نظامی است که از چند گردان تشکیل شده است و می‌تواند به‌طور مستقل یا زیرمجموعه لشکر باشد. (4 ، 5 ، 17 ، 19 ، 20 ، 21 ، 24 ، 25 ، 27 ، 29 ، 30 ، 31 ، 32 ، 33 ، 34 ، 38 ، 39 ، 40 ، 43 ، 44 ، 46 ، 47 ، 48 ، 49 ، 50 ، 51 ، 55 ، 56 ، 63 ، 65 ، 66 ، 74 ، 79 ، 87 ، 89 ، 91 ، 92 ، 95 ، 96 ، 97 ، 103 ، 104 ، 109 ، 110 ، 111 ، 112 ، 113 ، 114 ، 128 ، 129 ، 133 ، 135 ، 136 ، 139 ، 140 ، 145 ، 146 ، 147 ، 149 ، 150 ، 151 ، 154 ، 155 ، 157 ، 158 ، 166 ، 171 ، 176 ، 184 ، 190 ، 191 ، 192 ، 193 ، 194 ، 220 ، 221)
- **گردان** : یکی از یگان‌های نظامی است که از دو تا پنج گروهان تشکیل می‌شود. (19 ، 24 ، 33 ، 40 ، 65 ، 92 ، 97 ، 111 ، 128 ، 129 ، 136 ، 140 ، 150 ، 151 ، 190 ، 193)
- **گروهان** : یکی از یگان‌های نظامی است که از سه تا شش دسته تشکیل می‌شود. (63)

* **یگان** : بخشی از یک سازمان نظامی که دارای افراد و تجهیزات برنامه‌ریزی شده و معین است. (فرهنگ لغت عمید) (ذیل واژه) (23 ، 31 ، 55 ، 56 ، 70 ، 128 ، 136 ، 139 ، 140 ، 191 ، 192 ، 193 ، 194)

اماکن

* **آبیدر** - **خیابان آبیدر** : ارتفاعات آبیدر یکی از ارتفاعات مهم شهر سنندج بود که ضدانقلاب در آن مستقر و پس از پاکسازی، چندین بار ضدانقلاب از طریق این ارتفاع به شهر سنندج حمله نمودند و خیابان آبیدر نیز در پایین این ارتفاعات، به این نام، نامگذاری شده است و در این خیابان مقر فرماندهی سپاه ناحیه کردستان و منازل سازمانی پاسداران قرار داشت. این خیابان بعداً به نام شبلی نامگذاری شده است. (109)

* **آرموده** : یکی از روستاهای شهر بانه. (25 ، 63)

* **آویهنک** : یکی از روستاهای غرب شهر سنندج است که احزاب معاند کومله و دموکرات آن جا را به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی خود قرار داده و دارای 500 خانوار سکنه بود که در سال 1360 توسط رزمندگان اسلام از لوٹ وجود ضدانقلاب پاکسازی شد و پس از پاکسازی، سه مقرّ نگهبانی توسط رزمندگان در این روستا ایجاد شد. (47)

* **انصارالحسین (اردوگاه)** : محلی برای استقرار گردان‌های تیپ قدس در شهر سقز بود. (161)

* **تنگه‌سر** : این روستا جزء محور توریور است و در جنوب شهر سنندج واقع شده است. (128)

* **توحید (پادگان)** : بخشی از پادگان لشکر 28 کردستان، جهت استقرار و اعزام نیروهای مردمی (ترابری، تدارکاتی و ...) که به سپاه پاسداران ناحیه کردستان واگذار شده بود. این پادگان، مرکزیت خاصی برای رزمندگان اعزامی به کردستان داشت و جزء پادگان‌های مهم کردستان می‌باشد. (38)

* **توریور** : یکی از پایگاه‌های ضدانقلاب بود که در جنوب شهر سنندج واقع شده و در سال 1361 به وسیله رزمندگان اسلام از لوٹ وجود ضدانقلاب پاکسازی شد و رزمندگان اسلام در آن جا مستقر شدند. (47)

* **حشمیز** : این روستا جزء محور توریور است و در جنوب شهر سنندج واقع شده است. (47)

* **حلوان** : این روستا جزء محور توریور است و در جنوب شهر سنندج واقع شده است. (48)

* **سوبله** : یکی از ارتفاعات نزدیک شهر اشنویه بوده که در عملیات قادر توسط رزمندگان اسلام آزاد گردیده است. (96)

* **سورن** : یکی از ارتفاعات شهر بانه که مشرف به دشت شیلر عراق می‌باشد. (25 ، 63)

* **شیان** : این روستا جزء محور توریور است و در جنوب شهر سنندج واقع شده است. (47)

* **شیلر** : دشتی است که در منطقه عمومی شهر پنجوین عراق واقع شده و هم‌جوار شهر مرزی مریوان و بانه است که توسط رزمندگان اسلام تصرف شده بود. (39)

* **صالح آباد** : یکی از روستاهای شهر مهران است که محل استقرار رزمندگان اسلام بود. (85)

* **قلاویزان** : یکی از ارتفاعات مهم شهر مهران است که در عملیات کربلای یک از تصرف نظامیان رژیم بعث عراق آزاد گردید. (55)

*** نجف اشرف (قرارگاه):** یکی از چند قرارگاه سپاه در جبهه‌های جنگ بود که در غرب کشور (شهر کرمانشاه) قرار داشت و وظیفه عملیاتی و پشتیبانی از یگان‌های رزم را به عهده داشت. (40 ، 64 ، 193)

*** هزار قلّه:** از ارتفاعات مهم استان سلیمانیه عراق است که بر شهر مریوان و بانه ایران مسلط است و در ادامه عملیات والفجر 4 به تصرف رزمندگان اسلام در آمد و رزمندگان تیپ قدس به مدت شش ماه در آن ارتفاعات به صورت پدافندی در آن جا مستقر بودند. (63 ، 80 ، 192 ، 193)

*** هفت تیر (پادگان سنندج):** محل استقرار تیپ بیت‌المقدس در مدخل ورودی شهر سنندج از طرف شهر قروه که در کنار گلزار بهشت محمدی می‌باشد. (125 ، 193)

منابع و مآخذ

*** قرآن کریم .**

*** نهج‌البلاغه،** سید رضی، محمد دشتی، انتشارات پارسیان، چاپ هفتم، 1384، تهران .

*** اصول کافی،** کلینی، دارالکتب الاسلامیه، 8 جلدی، چاپ اول، 1365، تهران .

*** امالی،** شیخ صدوق، (محمد بن علی بن بابویه)، انتشارات کتاب‌خانه اسلامیّه، 1363، قم .

*** امالی،** شیخ طوسی، شیخ ابوجعفر بن حسن طوسی، چاپ اول، دارالثقافه، 1414، قم .

- * امثال و حکم، علی اکبر دهخدا، 4 جلدی، دانشگاه تهران، 1368، تهران .
- * بحار الانوار، محمدتقی مجلسی، مؤسسه دارالوفاء، 1404 هـ . ق، بیروت .
- * بحار الانوار، محمدتقی مجلسی، نشر اسلامیّه، 1383، قم .
- * تحف العقول، شیخ ابومحمد حرّانی (حسن بن علی شعبه الحرّانی) نشر جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، چاپ دوم، 1371 .
- * تاریخ بیست ساله پاسداری از انقلاب اسلامی در غرب کشور (نتایج و دستاوردها)، دکتر مصطفی ایزدی، جواد استکی، مسعود یاران، نشر دانشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، 1387، تهران . *****
- * ثواب الأعمال، شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، کتابخانه اسلامیّه، 1362، قم .
- * جامع السعادت، ملا مهدی نراقی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، 1381، تهران .
- * الحج و العمره، محمد محمدی ری شهری، انتشارات دارالحدیث، 1380، قم .
- * حدیقه الحقیقه، سنایی غزنوی، انتشارات چاپخانه دانشگاه تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1382، تهران .
- * الخصال، شیخ صدوق (محمدبن علی بن بابویه) به کوشش علی اکبر غفّاری، نشر جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، 1362، قم .
- * الخصال، شیخ صدوق (محمدبن علی بن بابویه)، مترجم محمدجواد غفّاری، نشر نسیم کوثر، 1370، تهران .
- * خسرو نامه، فریدالدین عطار نیشابوری، انتشارات احمدی، مهنگار، 1381، تهران .
- * دیوان اقبال لاهوری، انتشارات مهیار، 1378، تهران .
- * دیوان الهی قمشدهای، انتشارات علمیّه اسلامیّه، برادران اعلی، 1366، تهران .
- * دیوان امام خمینی(ره)، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره)، 1377، تهران .
- * دیوان ایرج میرزا، تصحیح محمد جعفر محبوب، چاپ زوّار، 1353، تهران .
- * دیوان بابا افضل کاشانی، ناشر اداره فرهنگ و هنر کاشان، 1350 .
- * دیوان پروین اعتصامی، مقدمه و شرح لغات شهرام رجبزاده، چاپ دوم، قدیانی، 1373، تهران .
- * دیوان حافظ، به اهتمام محمد قزوینی، قاسم غنی، نشر نگاران، 1382، تهران .
- * دیوان رفعت سمنانی، انتشارات بامداد، 1374، تهران .

- * دیوان سلمان ساوجی، تصحیح منصور شفق، بنگاه صفی علی شاه، تهران .
- * دیوان شهریار، انتشارات زرین، 1373، تهران .
- * دیوان صائب تبریزی، نشر طلوع، هنرنا، 1381، تهران .
- * دیوان عطار نیشابوری، فریدالدین عطار نیشابوری، انتشارات احمدی، مهنگار، 1381، تهران .
- * دیوان عمان سامانی، انتشارات میثم تمار، چاپ اول، 1372، تهران .
- * دیوان فرخی سیستانی، تصحیح محمد دبیر سیاقی، کتاب فروشی باستان، 1380، تهران .
- * دیوان فیض کاشانی، تصحیح محمد قهرمان، چاپ کتیبه، 1364، تهران .
- * دیوان لامع اصفهانی، انتشارات صنوبر، تصحیح محمود رفیعی، 1365، تهران .
- * دیوان مجد همگر، تصحیح احمد کرمی، نشر ما، 1375، تهران .
- * دیوان ملک الشعراء بهار، دنیای کتاب، 1368، تهران .
- * دیوان ناصر خسرو، تصحیح مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، نشر پیمان، 1383، تهران .
- * دیوان وحشی بافقی، ویراسته حسین نخعی، نشر امیرکبیر، 1366، تهران .
- * دیوان هاتف اصفهانی، تصحیح وحید دستگردی، نشر پگاه، تهران .
- * الزهد، حسین بن سعید کوفی اهوازی، ترجمه عبدالله صالحی، نشر نور سجاد، 1390، تهران .
- * سعادت نامه، شیخ محمود شبستری، انتشارات طهوری، 1381، تهران .
- * شاهنامه، تصحیح مصطفی جیحونی، شاهنامه پژوهی، 1379، تهران .
- * شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، کتابخانه آیه الله مرعشی، 1404 هـ . ق، قم .
- * عیون الاخبار الرضا(ع)، عبدالله بن مسلم بن قتیبه مروزی دینوری حنفی، انتشارات صدر، 1378، قم .
- * غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد التمیمی الآمدی، ترجمه مهدی رجایی، دارالکتب الاسلامیه، 1381، تهران .
- * الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، 1384، تهران .
- * کامل الزیارات، ابن قولویه، به اهتمام امینی تبریزی، 1356، نجف .
- * کلیات سعدی، انتشارات امیرکبیر، نشر پیمان، 1383، تهران .
- * کلیات شمس، مولانا جلال الدین محمد بن الحسین البلخی ثم رومی، نشر فراسوگستر، 1381، تهران .

- * *كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*، على المتقى بن حسام الدين الهندي، مؤسسه الرساله، 1413 هـ . ق، بيروت .
- * *گلزار ادب*، نجيب الدين نجيب اصفهانی، كتابخانه و مركز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1385، تهران .
- * *گنجينه نظامی گنجوی*، تصحيح وحيد دستگردی، نشر پارسامنش، 1380، تهران .
- * *مثنوی طاقديس*، احمد بن محمد مهدي نراقي، تصحيح على افراسیابی، نشر نهاوندي، 1381، قم .
- * *مثنوی معنوی*، به كوشش رينولد آلن نيكلسون، رسا قلم، 1381، تهران .
- * *معانی الاخبار*، محمد بن علی بن بابويه (شيخ صدوق) به كوشش على اكبر غفاری، انتشارات اسلامی، 1361 .
- * *مفاتيح الجنان*، (دعای كمیل) شيخ عباس قمی، مؤسسه ثامن الائمه، 1382، اصفهان .
- * *من لا يحضره الفقيه*، شيخ صدوق (محمد بن علی بن بابويه)، مترجم محمد جواد غفاری، دارالكتب الاسلاميه، 1386، تهران .
- * *میزان الحکمه*، محمد محمدی ری شهری، ویرایش سوم، چاپ اول، انتشارات دارالحدیث، 1385، قم .
- * *نهج الحیاة*، (موسوعه كلمات الزهرا(س))، محمد دشتی، نشر امیرالمؤمنین، 1390، تهران .
- * *نهج الفصاحه*، ابوالقاسم پاینده (مترجم)، نشر پرتو جاویدان، 1386، تهران .
- * اینترنت